



مجله

جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال سیزدهم، شماره ۱ | بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

- **شناسایی مولفه های تأثیر گذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ ها و کشاورزی شهری (مطالعه موردی: لاک دیز تبریز)**
مریم نیکورای، بهروز منصوری، امیر حق جو، شهریار شقاقی
(۲۷-۱)
- **سنجش و ارزیابی الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج**
مهدی احساسی خواه، کرامت اله زیاری، عباس رجایی، احمد پور احمد، حسین حاتمی نژاد
(۴۹-۲۸)
- **ارائه مدلی برای توسعه گردشگری شهری با توجه به پدیده های نوظهور فناوریانه (مورد مطالعه: شهر اصفهان)**
فواد شیرانی، نادر نادری، یوسف محمدی فر، میثم خدادوستی
(۶۷-۵۰)
- **بازنمایی دین در فضای عمومی - فراغتی شهر (مورد مطالعه: بوستان های شهر مشهد)**
محمد مهدی واعظ موسوی، علی یوسفی، سوگند سدید، مهدیه معدنی
(۹۱-۶۸)
- **تحلیل وضعیت در آمد های پایداری شهرداری شهر کرد با استفاده از مدل سازی ساختاری**
محمد رضا عرب، براتعلی خاکپور، معصومه نظری، مهدی فلاحتی
(۱۱۴-۹۲)
- **نقش حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب آوری اجتماعی شهری (مطالعه موردی: کلان شهر مشهد)**
کتایون علیزاده، جلال بیوکی، حمید جعفری
(۱۳۶-۱۱۵)
- **مفهوم و ابعاد شهر فراگیر در شهر های دوستدار معلولین (مطالعه موردی: شهر زنجان)**
مهتاب امرایی، مزگان فتحی، محمد تقی حیدری
(۱۵۹-۱۳۷)
- **نقش تراکم ساختمانی (گونه مسکن) در زیست پذیری محلات شهری؛ شهرک اکباتان تهران (یافت پرتراکم) و شهرک دهکده فردیس (یافت کم تراکم)**
سلیمه عبادی قاجاری، مهراناز مولوی، مظاهر مولایی
(۱۸۱-۱۶۰)

شابک: ۹۶۴-۷۴۵۴۱-۱

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲



مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور

سرمدیر: دکتر محمد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عیسی ابراهیمزاده اکباد - استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی - دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی اکبر عنابستانی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر مصطفی امیرفخریان
ویراستار علمی ادبی: دکتر شیرین صباغی آبکوه
ویراستاران این شماره: دکتر غمخواه
کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی اسد
متوهم انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: زینب علمیان
شمارگان: ۳۰ نسخه
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰
تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۲۳۴، سرمدیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۲۵
بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)
نشانی اینترنتی مجله: <http://jgusd.um.ac.ir> E-mail: jud@um.ac.ir

این مجله در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی - پژوهشی دریافت و طی نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.
«این نشریه حاصل فعالیت مشترک دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن برنامه ریزی شهری ایران است»

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت‌بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همه پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می‌شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقاله ارسال‌شده نباید قبلاً در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی‌لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 با نرم‌افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۴ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی‌متر) تایپ شود. متن به صورت دوتونی با رعایت فاصله ۱ سانتی‌متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید از حدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جداول، اشکال، خلاصه فارسی و کتابشناسی).

۴. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی‌لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی‌لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی‌لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

۶. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 13، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10 عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده مسئول در پاورقی آورده شود.

۷. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی‌لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل‌ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت Excel, Word, PDF) و با دقت ۶۰۰ dpi ارایه شود. اندازه قلم‌ها به‌خصوص، در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک‌شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، بی‌لوتوس سیاه ۱۲ و وسط‌چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹.۱. صفحه عنوان: در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجه علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید مشخص شود.

۹.۲. چکیده: شامل: ۱. چکیده فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف‌ها، روش‌ها، نتیجه‌گیری و کلیدواژه‌ها (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته‌ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف‌نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیده انگلیسی باید مطابقت کامل با چکیده فارسی داشته باشد.

۹.۳. مقدمه: شامل ۱- طرح مسأله (مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال‌ها و فرضیه‌ها)؛ پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۹.۴. روش‌شناسی تحقیق: در برگیرنده؛ ۱- روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده‌ها و اعتبارسنجی آن‌ها)؛ ۲- متغیرها و شاخص‌های پژوهش؛ ۴- قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹.۵. یافته‌های پژوهش: ارایه نتایج دقیق از یافته‌های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹.۶. بحث: حاوی تفسیر نتایج و مقایسه یافته‌های مطالعه با مطالعات پیشین و برجسته کردن نوآوری پژوهش

۹.۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها: شامل خلاصه‌ای از یافته‌ها، توضیح قابلیت تعمیم‌پذیری و کاربرد علمی یافته‌ها و ارایه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها و پیشنهادهای احتمالی.

۱۰. نحوه ارجاعات: منابع و مآخذ باید به صورت درون‌متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰.۱. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) نسخه ۶ باشد؛ به گونه‌ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ‌شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به‌عنوان نمونه: (شکویی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷).

۱۰.۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست‌نویسی APA نسخه ۶ تنظیم شود. (عنوان کتاب‌ها و مجلات ایتالیک/مورب شود).

نمونه فارسی:

– رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

– عتابستانی، ع. ا.، شایان، ح. و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمنی). *مجله برنامه‌ریزی فضایی*. ۱(۳)، ۸۰-۶۳.

نمونه انگلیسی:

– Bourne, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.

– Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*. 1(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.
۱۰. ۴. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو با هم و با مسؤولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.
۱۰. ۵. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.
۱۰. ۶. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارائه شود.
۱۱. شیوه ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.
۱۲. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف‌داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعه آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری هیچ مسؤولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.
۱۳. مسؤولیت ارایه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان مقاله است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.
۱۴. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<http://jgusd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.
۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۱۶. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌ند از:
الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.
ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده مبسوط انگلیسی.
ج) فایل چکیده مبسوط (مکمل) مقاله: در محیط Word شامل چکیده مبسوط انگلیسی به همراه اصل نسخه فارسی آن و برگردان منابع فارسی به انگلیسی در قالب یک فایل.
۱۷. شرایط جزیی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارائه شده است.

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۱۰۷۰۶۰

کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۸۳ پست الکترونیکی jud@um.ac.ir

وب سایت: <http://jgusd.um.ac.ir>

فرم اشتراک (یک ساله / دوشماره) مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

این جانب..... شغل..... با ارسال فیش بانکی به مبلغ..... ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره..... هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجله و تیراژی آن از طریق پست پیش‌تاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شماره حساب مذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجله ارسال کنند.

نشانی:..... کد پستی:.....

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر پاکزاد آزادخانی (استادیار گروه معماری و برنامه ریزی شهری دانشگاه باختر ایلام)
دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین، دانشگاه دامغان)
دکتر محمد ثانی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه بیرجند)
دکتر محمد تقی حیدری (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان)
دکتر شهریار خالدي (استاد دانشگاه سوربن پاریس/دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد علی خلیجی (استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز)
دکتر امید علی خوارزمی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فرزانه رزاقیان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری جهاددانشگاهی خراسان رضوی)
دکتر ریحانه سلطانی مقدس (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه پیام نور)
دکتر شیرین صباغی آبکوه (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فروزان طاهری (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استاد مدعو پژوهشکده آب و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ابوالفضل مشکینی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
(۱-۲۷)	▪ شناسایی مولفه های تاثیر گذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تاکید بر باغ ها و کشاورزی شهری (مطالعه موردی: لاک دیز تبریز) مریم نیکورای، بهروز منصوری، امیر حق جو، شهریار شقاقی
(۲۸-۴۹)	▪ سنجش و ارزیابی الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج مهدی احساسی خواه، کرامت اله زیاری، عباس رجایی، احمد پور احمد، حسین حاتمی نژاد
(۵۰-۶۷)	▪ ارائه مدلی برای توسعه گردشگری شهری با توجه به پدیده های نوظهور فناورانه (مورد مطالعه: شهر اصفهان) فواد شیرانی، نادر نادری، یوسف محمدی فر، میثم خدادوستی
(۶۸-۹۱)	▪ بازنمایی دین در فضای عمومی - فراغتی شهر. (مورد مطالعه: بوستان های شهر مشهد) محمد مهدی واعظ موسوی، علی یوسفی، سوگند سدیدی، مهدیه معدنی
(۹۲-۱۱۴)	▪ تحلیل وضعیت درآمد های پایداری شهرداری شهر کرد با استفاده از مدل سازی ساختاری محمد رضا عرب، براتعلی خاکپور، معصومه نظری، مهدی فلاحی
(۱۱۵-۱۳۶)	▪ نقش حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب آوری اجتماعی شهری (مطالعه موردی: کلان شهر مشهد) کتایون علیزاده، جلال بیوکی، حمید جعفری
(۱۳۷-۱۵۹)	▪ مفهوم و ابعاد شهر فراگیر در شهر های دوستدار معلولین (مطالعه موردی: شهر زنجان) مهتاب امرایی، مژگان فتحی، محمد تقی حیدری
(۱۶۰-۱۸۱)	▪ نقش تراکم ساختمانی (گونه مسکن) در زیست پذیری محلات شهری؛ شهرک اکباتان تهران (بافت پرتراکم) و شهرک دهکده فردیس (بافت کم تراکم) سلیمه عبادی قاجاری، مهرناز مولوی، مظاهر مولایی



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

Identifying the Factors Influencing the Realization of a Sustainable Urban landscape with an Emphasis on Gardens and Urban Agriculture (Case Study: Lakdizaj of Tabriz)

Maryam Nikuray

Ph.D.Candidate, Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran

Behroz Mansouri¹

Assistant Professor Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, corresponding Author

Amir Haghjo

Assistant Professor Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran

Shahriar Shaghghi

Assistant Professor Department of Architecture, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran

Received: 29 April 2024

Accepted: 13 October 2024

PP. 1-27

Abstract

The urban landscape, as the most important part of the city's appearance, plays an essential role in improving the visual quality and consequently the satisfaction of the presence and benefit of different spaces for citizens. In the meantime, nature and the environment play a very important role in the content of the landscape and its meaning. Considering the importance of nature and the environment in improving the visual quality of the urban landscape, the present study was written with the aim of identifying the influencing factors on the realization of a sustainable urban landscape with an emphasis on gardens and urban agriculture in Lakdizaj area of Tabriz. The research method in the present study is mixed (quantitative-qualitative) with an applied purpose and analytical-exploratory nature, in order to analyze the information, was used the partial least squares model in Smart-pls software and database approach in MAXQDA software. The findings of the research show that the greatest effect on the realization of a sustainable urban landscape with an emphasis on gardens and urban agriculture in Lakdizaj area of Tabriz is related to the components of providing facilities and land at a reasonable price, attracting the cooperation of universities and educational centers, preventing the exit of agricultural land from the production cycle and Benefiting from diverse and suitable trees and plants is in order to give order to the space. Also, emphasizing the social, economic, spatial structure, management and legal considerations in the development of agriculture and gardens by emphasizing the main indicators of the landscape (aesthetic, functional, sense of place and environment), will lead to the realization of a sustainable urban landscape in the region.

Keywords: Urban landscape, Sustainability, Garden, Urban agriculture, Lakdizaj of Tabriz

1. Corresponding author's Email: beh.mansouri@iauctb.ac.ir

Extended abstract

1.Introduction

Considering the benefits of urban agriculture and its role in improving the urban landscape through the development of green spaces, various trees and flowers and plants, the purpose of this research is to identify the factors influencing the realization of a sustainable urban landscape with an emphasis on gardens and urban agriculture in Lakdizaj area of Tabriz city. As one of the most important metropolises in Iran, Tabriz is the sixth most populous city in Iran with a population of about 2 million people. The presence of active industries and various services has turned this city into the most important and largest city in the northwest of the country, which has caused an exponential increase in immigration and the population of this city, and as a result, it has caused the increasing development of the city. The development of Tabriz city in the last few decades has always been accompanied by progress in agricultural lands and gardens. As in this pass, several villages, including Laleh, Akhmaqayeh, Qaramalek, Barenj, Shamsabad, Karkaj, Khaljan, Hokm Abad, etc., have been integrated within the boundaries of Tabriz city and are now an integral part of Tabriz city with an urban atmosphere. In addition, Tabriz is one of the few cities in Azerbaijan, which is famous for having many gardens. However, what remains of these famous gardens and Abad villages around and even within the old context of Tabriz city is an area called Lakdizaj with an area of approximately 650 hectares in the northwestern part of the city, which is almost bordered with the historical area of Hokm Abad village, and the city is also traditionally called the lands of Hokm Abad.

2. Method

The research method in the present research is mixed (utilizing qualitative-quantitative approaches) with practical purpose and analytical-exploratory nature. In this regard, first through documentary studies, the components influencing the realization of a sustainable urban landscape have been identified with an emphasis on gardens and urban agriculture, and then through questioning of the sample size and analysis of structural equation modeling in Amos software, the impact of each component has been investigated. Also, in examining the relationship between the development of urban agriculture and the realization of a sustainable urban landscape, has been used the database approach in MAXQDA software. It is worth noting that the statistical population of this study comprised academic experts and urban managers involved in the fields of urban agriculture and urban landscape management. Given that the exact size of the statistical population was unknown, a sample size of 100 participants was determined using Cohen's formula at a 95% confidence level.

3.Results

Based on the obtained results, the most impact on the sustainable urban landscape with an emphasis on gardens and urban agriculture in Lakedizaj area of Tabriz is related to economic indicators, urban laws and regulations, knowledge-oriented, social and urban agricultural landscape planning respectively, which coefficients are extracted from the model. A structure for each is 0.70, 0.64, 0.61, 0.59 and 0.57. Also, among the sub-indicators, the most influential are the components of providing facilities and land at a reasonable price for urban agriculture, attracting the cooperation of universities and educational centers for teaching urban agriculture, preventing agricultural land from leaving the production cycle and turning into other uses in the region and benefiting Among the diverse and suitable trees and plants in order to give order to the space, the value is 0.91, 0.89, 0.82 and 0.80 respectively.

4. Discussion and Conclusion

Surveys in the studied area indicate that urban agriculture has played a central role in improving the urban landscape of the region. In this regard, various factors affect the development of urban agriculture and, consequently, the improvement of the urban landscape, which can be done by educating citizens in the direction of the development of urban agriculture, emphasizing the diversification of activities and the beautification of land, the social participation of citizens who own land in the area in the direction of the development of gardens and urban agriculture. providing suitable facilities for farmers as well as upgrading the infrastructure of the region in the direction of agricultural tourism development, attracting the cooperation of universities and educational and research centers in order to benefit from knowledgeable people in the direction of business development and regional landscape, upgrading the equipment used in agricultural activities and providing low-cost facilities Inputs to farmers, support for creative projects in order to order the space and beautify the area, use ecological materials in designs and formulate binding rules and regulations in order to prevent the destruction of the environment and the change of urban agricultural land to other uses.

Keywords: Garden, Lakdizaj of Tabriz, Sustainability, Urban Agriculture, Urban Landscape.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری ^۱ (مطالعه موردی: لاک‌دیزج تبریز)

مریم نیکورای (دانشجوی دکتری گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران)

maryamnikuray79@gmail.com

بهروز منصوری* (استادیار گروه معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

beh.mansouri@iauctb.ac.ir

امیر حق‌جو (استادیار گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران)

a.haghjou53@gmail.com

شهریار شقاقی (استادیار گروه معماری، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران)

sh.shagagi@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

صص ۲۷-۱

چکیده

منظر شهری به‌عنوان مهم‌ترین بخش سیمای شهر، نقش اساسی در ارتقاء کیفیت بصری و به تبع آن رضایتمندی از حضور و بهره‌مندی از فضاهای مختلف برای شهروندان ایفا می‌کند. در این بین، طبیعت نقش بسیار مهمی در محتوای منظر و مفهوم آن دارد. با توجه به اهمیت طبیعت در ارتقاء کیفیت بصری منظر شهری، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری در محدوده لاک‌دیزج تبریز نگارش شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی-کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی می‌باشد که در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Smart-pls و رویکرد داده‌بنیاد در نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری حوزه کشاورزی شهری و همچنین مدیریت منظر شهر بوده است که با استفاده از فرمول کوهن، ۱۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین اثرگذاری بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری در محدوده لاک‌دیزج تبریز مربوط به مؤلفه‌های ارائه تسهیلات و زمین با قیمت مناسب، جلب همکاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، جلوگیری از خروج زمین‌های کشاورزی از چرخه تولید و بهره‌مندی از درختان و گیاهان متنوع و مناسب در راستای انتظام‌بخشی به فضا می‌باشد. همچنین تأکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، ساختار فضایی، مدیریتی و قانونی در توسعه کشاورزی و باغ‌ها با تأکید بر

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری معماری تحت عنوان تبیین سناریوهای حفظ و احیای باغ‌های شهری و اراضی کشاورزی در کلان‌شهرهای ایران با رویکرد کاربری مکمل در جهت توسعه معماری منظر پایدار شهری با همکاری نویسندگان می‌باشد.

شاخص های اصلی منظر (زیبایی شناختی، کارکردی، حس مکان و زیست محیطی)، تحقق منظر شهری پایدار منطقه را موجب خواهد شد.

کلیدواژه ها: باغ، پایداری، کشاورزی شهری، لاک دیزج تبریز، منظر شهری.

۱. مقدمه

یکی از اصول اساسی تحقق رفاه انسان و بهزیستی ذهنی، کیفیت منظر شهری است (هی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۱). در راستای تبیین این موضوع می توان عنوان کرد که اولین مواجهه ی هر فرد با فضای شهری، از طریق دیدن است (فنگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۹). به عبارتی حس بینایی در انسان حس غالب است و بخش عمده ای از اطلاعات محیط توسط این حس دریافت می شود؛ به همین دلیل نظام بصری منظر شهری، زمینه ساز ادراک و ارزیابی فرد از شهر و فضای شهری است (کریمی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۳). همچنین با توجه به اینکه منظر شهری حاصل سطح تماس انسان و شهر است (اینکوم^۳ و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱۱۸)؛ بایستی درک محیطی (تصویر ذهنی و عینی) و شکل گیری مطلوبیت ارتباط بین استفاده کنندگان و فضا در راستای تحقق منظر شهری پایدار مدنظر قرار گیرد (فرانتزساکای^۴، ۲۰۱۷، ص. ۲۴). در این بین، یکی از عناصر مهم تحقق منظر شهری پایدار و شکل گیری ارتباط بین استفاده کنندگان و فضا، محیط زیست طبیعی می باشد (بچله^۵ و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۴۹۱۵). با این حال روند سریع شهرنشینی در دهه های اخیر منجر به تخریب گسترده ی محیط زیست، کاهش فضای سبز (وو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲) و از بین رفتن باغ ها و اراضی کشاورزی و جایگزینی آنها با انواع ساختمان ها و کارخانجات شده است (ژانگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۱۴۲). بنابراین می توان گفت که گسترش فزاینده ی جمعیت و ساخت وسازها و به تبع آن تخریب محیط زیست طبیعی موجب کاهش مطلوبیت منظر شهری گردیده است. از این رو نیاز است به منظور توسعه ی منظر پایدار شهرها، تأکید بر رویکردهای دوستدار طبیعت همچون توسعه ی باغ ها و کشاورزی شهری تسهیل شود (پرایس^۸ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۲۰). به طور کلی می توان بیان داشت که کشاورزی شهری به عنوان یک استراتژی ارتقاء و بهبود تاب آوری شهر و منظر، مورد تأکید فائو^۹، اتحادیه ی اروپا^{۱۰} و سازمان بهداشت جهانی^{۱۱} است (کلارک و نیکولاس^{۱۲}، ۲۰۱۳، ص. ۱۶۵۰) و با توجه به تنوعی که در تیپولوژی کشاورزی

1. He

2. Feng

3. Inkoom

4. Frantzeskaki

5. Bechle

6. Wu

7. Zhang

8. Price

9. FAO (Food and Agriculture Organization of the United Nations)

10. European Union

11. World Health Organization (WHO)

12. Clark and Nicholas

شهری وجود دارد، می‌توان الگوی متناسب با فرصت‌ها و محدودیت‌های محلی را انتخاب نموده و توسعه داد (لافونتاینه-مسیر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۱۹۸). همچنین کشاورزی شهری پرورش گیاهان در داخل و اطراف شهرها است و به‌گونه‌ای مناسب با اقتصاد و محیط‌زیست شهری یکپارچه شده و در تعامل با اکوسیستم شهری قرار می‌گیرد (مارینی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۲). در این بین، یکی از فعالیت‌های مهم کشاورزی شهری کشت سبزی‌ها، گیاهان دارویی، ادویه، قارچ، گیاهان تزئینی و درختان میوه است (لیو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲). این ویژگی کشاورزی شهری علاوه بر سازمان‌دهی توسعه‌ی اجتماع، بهبود زمین‌های بایر و بهبود کیفیت آب و هوا (رَداد^۴، ۲۰۲۲، ص. ۱)، موجب توسعه‌ی فضای سبز و ایجاد مناظر شهری سرزنده و مطلوب می‌گردد (عبدالله^۵ و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۱۲۸). بنابراین کشاورزی شهری دارای نقش اساسی در ارتقاء منظر شهری از طریق توسعه‌ی فضاهای سبز، درختان مختلف و گل و گیاه است و در این راستا، تحقیق حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری در منطقه‌ی لاک‌دیزج شهر تبریز نگارش شده است. به عبارتی این تحقیق به دنبال شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه‌ی باغ‌ها و کشاورزی شهری در محدوده‌ی مورد مطالعه با تأکید بر منظر شهری پایدار می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که شهر تبریز به‌عنوان یکی از مهمترین کلان‌شهرهای ایران با جمعیتی حدود ۲ میلیون نفر، ششمین شهر پرجمعیت ایران است. حضور صنایع فعال و خدمات گوناگون، این شهر را تبدیل به مهمترین و بزرگترین شهر شمال غرب کشور کرده که این شرایط باعث افزایش تصاعدی جمعیت و به تبع آن باعث گسترش فیزیکی شهر شده است. گسترش فیزیکی شهر تبریز در چند دهه‌ی اخیر، همواره با پیشروی در اراضی کشاورزی و باغات همراه بوده است. چنانکه در این رهگذر چندین روستا ازجمله روستاهای لاله، آخماقیه، قره‌ملک، بارنج، شمس‌آباد، کرکج، خلجان، حکم‌آباد و ... در محدوده‌ی شهر تبریز ادغام شده و هم‌اکنون جزئی لاینفک از فضای شهری تبریز هستند. علاوه بر این شهر تبریز جزء محدود شهرهای آذربایجان است که به خاطر داشتن باغ‌های فراوان، معروف است. با این حال، آنچه از این باغ‌های معروف و روستاهای آباد در اطراف و حتی داخل بافت قدیمی شهر تبریز باقی مانده محدوده‌ای به نام لاک‌دیزج به مساحت تقریبی ۶۵۰ هکتار در بخش شمال غربی شهر است که تقریباً با محدوده‌ی تاریخی روستای حکم‌آباد هم‌مرز بوده و در این شهر نیز عرفاً به اراضی حکم‌آباد ملقب است. این محدوده تنها محدوده‌ی زیستی کشاورزی باقی‌مانده برای شهر با وسعت قابل توجه است که همواره تحت تحدید گسترش فیزیکی و توسعه‌ی شهری و انواع تغییرات کاربری بوده است. بنابراین شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حفاظت از این اراضی و تحقق منظر شهری پایدار ضروری می‌باشد. در این راستا، پاسخگویی به سؤال زیر اساس کار پژوهش حاضر می‌باشد:

1. Lafontaine-Messier
2. Marini
3. Liu
4. Raddad
5. Abdoellah

– مهمترین مؤلفه های تأثیرگذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ ها و کشاورزی شهری در منطقه ی لاک دیزج شهر تبریز کدامند؟

در سال های اخیر با توجه به اهمیت منظر و کشاورزی شهری، مطالعات متعددی در این حوزه ها به صورت مجزا انجام گرفته است. با این حال، با توجه به تأثیر کشاورزی شهری و توسعه ی باغ ها در ارتقاء منظر شهری، تحقیق حاضر به دنبال پیوند این دو مفهوم و بررسی منظر شهری طبیعی پایدار شهر تبریز با تأکید بر باغ ها و کشاورزی شهری می باشد. در ادامه به برخی از نزدیکترین پژوهش های مرتبط با موضوع مورد مطالعه پرداخته می شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود روش مرمت منظر مناظر طبیعی بر مبنای رویکرد اکولوژی منظر را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که روش مرمت منظر بر پایه ی مراحل پنج گانه: ۱. پیمایش و مشاهده ی دقیق، ۲. ارزیابی در مقیاس منظر، ۳. شناخت و ادراک اکولوژیکی، ۴. طراحی و اقدام و در نهایت ۵. مدیریت و کنترل صورت می پذیرد. این روش که با عنوان روش SARDM نام گذاری شده، بر حضور طراح به عنوان فرد مقیم در مناظر مطالعاتی جهت ادراک صحیح از روابط و سیرکولاسیون فضایی عناصر ساختاری منظر تأکید دارد و امکان تحلیل و ارزیابی منظر در بعد فضایی و توالی زمانی، تطبیق ارزیابی ها با نتایج حاصل از پیمایش و در نهایت ادراک اکولوژیکی طراح از پویایی و پیچیدگی های موجود در مناظر را فراهم می آورد. این روش مرمتی که در قالب مرمت مقیاسی منظر تجلی می یابد، بر ارزیابی ویژگی های فیزیکی و اکولوژیکی بستر تأکید دارد. خلیل نژاد (۱۴۰۰)، در مطالعه ای ملاحظات برنامه ریزی، ویژگی های فضایی و اصول طراحی منظر کشاورزی شهری مطابق با الگوی باغ ایرانی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که جنبه های سخت افزاری سازمان دهی فضایی و چیدمان فیزیکی-بصری عناصر مولد و زینتی در باغ ایرانی به گونه ای است که براساس آن می توان چهار اصل مهم را به عنوان قواعد معماری منظر متمر معرفی نمود؛ اصل تفکیک فیزیکی، ترکیب بصری، تداوم کاربرد و مدیریت دسترسی. حائری و اسماعیل دخت (۱۴۰۱)، در تحقیقی تحت عنوان مقیاس های تعامل منظر شهری با اکولوژی شهری در برنامه های توسعه ی شهری به این نتایج دست یافته اند که لایه های منظر شهری و اکولوژی شهری، در سه مقیاس خرد، میانی و کلان، در ابعاد عینی-ذهنی، رابطه ی تعاملی برقرار می کنند. مجموعه تجارب انضمامی ساکنین در مواجهه با کالبد شهر، ایجاد تصاویر ادراکی-خاطره ای براساس نشانه های طبیعی و مصنوع شهری و ایجاد قلمروهای ادراکی از محیط زیست شهری، مؤلفه های حاصل از این تعامل هستند که چنانچه در برنامه های توسعه ی شهری، راهبردهای قابل تبیینی جهت شکل گیری آنها تدوین شود، منجر به شکل گیری دو لایه ی منظر شهری و اکولوژی شهری در ساختار شهرهای معاصر شده و همسویی انسان/طبیعت میسر می شود. به عبارتی محیط زیست شهری بخشی از منظر ذهنی شهروندان از شهر را شکل می دهد و به عنوان یک عنصر منظرساز شهری در اذهان عمومی نهادینه

می‌شود. جیا^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان شاخص‌های الگوی منظر برای ارزیابی مورفولوژی فضای شهری، به بررسی شهرهای چین پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که منظر کلان‌شهرها (با جمعیت بیش از ۵ میلیون نفر) با یک شکل شهری پیچیده‌تر و با سرمایه‌گذاری بیشتر در زیرساخت‌ها همراه بوده است و الگوی توسعه‌ی آنها به صورت فشرده با منابع اقتصادی و حمل‌ونقل عمومی توسعه‌یافته می‌باشد. در این شهرها (برعکس شهرهای متوسط و میانی که از مناظر طبیعی بهره‌مند هستند) بیشتر منظر شهری نشأت گرفته از شهرسازی نوین و هوشمندسازی بوده است که کمبود فضا برای منظر طبیعی را موجب گردیده است. هیسچمولر^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، در تحقیق خود دیدگاه‌های متناقض در مورد کیفیت منظر شهری در شش منطقه‌ی شهری در اروپا و پیامدهای آنها در تحولات شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که علی‌رغم تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی فراوان بین مناطق، ذینفعان عمدتاً ارتقاء منظر شهری را همراستا با تحولات و تغییرات شهرها ضروری می‌دانند. همچنین تفاوت دیدگاه‌ها در دو رویکرد (۱) زیباسازی منظر شهری سازمان‌یافته (برنامه‌ریزی شده) و (۲) منظر طبیعی شهرها مشهود است. حسن^۳ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی تحت عنوان منظر شهری پویا: کاوش شیوه‌های چندکارکردی کشاورزی شهری برای نزدیک شدن به کیفیت واقعی زندگی در جوامع محصور منطقه‌ی قاهره‌ی بزرگ به این نتایج دست یافته‌اند که علی‌رغم داشتن پیشینه‌ی تاریخی، جوامع محصور به‌عنوان یک پدیده‌ی شهری جدید که با اثرات شهرنشینی مواجه است، ظهور کرده‌اند. گسترش این نوع توسعه‌ی شهری بر حفظ مناظر شهری طبیعی منجر گردیده است. ژو^۴ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی تحت عنوان درک ادراکات زیبایی‌شناختی و برداشت‌های تصویری تجربه‌شده از مناظر شهری طبیعی پیوسته در ماکائو به این نتایج دست یافته‌اند که مناظر سرسبز شهری پیوسته نقش محوری در ادراک منظر شهری برعهده دارند، با این حال، نباید استفاده از مناظر مانعی برای چشم‌انداز بناها به‌ویژه ساختمان‌های تاریخی گردند.

بررسی ادبیات نظری نیز حاکی از آن است که منظر یک مفهوم چندبعدی است. کنوانسیون منظر اروپایی^۵ در ماده ۱، منظر را اینگونه تعریف می‌کند: «پدیده‌ای که مردم آن را درک می‌کنند که ویژگی آن نتیجه‌ی کنش و تعامل عوامل طبیعی و انسانی است» (اتحادیه‌ی اروپا، ۲۰۰۰، ص. ۷). همچنین مفهوم منظر به‌عنوان یک کل ترکیبی است که در آن طبیعت و فرهنگ به وضوح در کنار هم قرار می‌گیرند (دی یونگ^۶، ۲۰۰۹، ص. ۴۳). طبق نظر پوچودیلا^۸ و همکاران (۲۰۲۱)، منظر به ویژگی‌های فیزیکی یک منطقه و همچنین به فرهنگ ساکنان و ویژگی‌های اقتصادی و اداری آن اشاره دارد. منظر شهر نیز به‌عنوان مجموعه‌ای از عناصر طبیعی و مصنوع اعم از کالبد و فضاها، شهر، انسان‌ها، رفتارها، فعالیت‌های آنها و ... به‌عنوان نخستین جلوه

1. Jia

2. Hisschemoller

3. Hassan

4. Zhou

5. European Landscape Convention (ELC)

6. Council of Europe

7. De Jonge

8. Pochodyła

از شهر، آینده‌ی تمام‌نمای ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی شهر قلمداد می‌شود (پاکزاد، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۱). کالن^۱ در کتاب گزیده‌ی منظر شهری، منظر را ایجاد خیابان‌های مستقیم با ساختمان‌هایی در فرم و نوع هماهنگی آن‌ها می‌داند. سایمون بل^۲ منظر را بخشی از محیط دانسته که می‌تواند در یک زمان خاص به آن توجه کرد و با بسترش در محیط ارتباط داد. ادموند بیکن^۳ نیز در کتاب طراحی شهری منظر شهر را به‌عنوان نماد شاخص و نماد درجه و کیفیت تمدن و روحیات جمعی هر ملت و حاصل تصورات مردم آن شهر و حاصل عمل ارادی می‌داند. در کل می‌توان منظر شهری را به‌عنوان مقوله‌ای مطرح در کیفیت و مطلوبیت شهرها دانست که واقعیتی عینی بوده و حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت‌ها، صداها، بوم‌ها و شامل انواع عناصر طبیعی و مصنوع که توسط حواس انسان، هنگام حضور در شهر قابل درک است (طاهری، ۱۴۰۰، ص. ۶۱). همچنین منظر شهر چشم‌انداز شاخصی از خواسته و توانایی حفظ طبیعت و فرهنگ شهر است، تعهد به حفظ ائتلاف فرهنگی و بیولوژیکی را دربر دارد و حس یکپارچگی و کامل بودن تمام جوامع سالم را مشخص می‌کند. درواقع، معیاری از تعهد به کاربرد برابر منابع زندگی و انرژی است که به‌وسیله‌ی اخلاقیات هنر و علوم مورد نیاز برای متعادل ساختن نیازهای اصلی و سرمایه‌ی محدود منابع طبیعی تقویت شده است. جیکونز^۴ (۲۰۱۱)، معتقد است منظر شهر توسط میل به تعلق داشتن و سکونت در مکان‌ها شکل پیدا می‌کند و گرمی داشته می‌شود. بنابراین هر اندازه منظر به‌واسطه‌ی توسعه‌ی فیزیکی عناصر انسان‌ساخت از شرایط طبیعی جدا شود، انزوا افزایش می‌یابد (گرگل و ترنر^۵، ۲۰۰۱، ص. ۱۶) و نیاز است تا برنامه‌ریزی منظر شهری از معیارهای طبیعت‌محور پیروی نماید. به‌طور کلی طراحی با طبیعت همواره از دو جنبه‌ی زیباشناختی و بهره‌برداری از طبیعت مطرح بوده و در این روند، طبیعت همواره به‌عنوان بستر حیات انسان مورد توجه واقع شده است، زیرا طبیعت منبع بسیاری از رضایتمندی‌های زیبایی‌شناختی و روحی انسان می‌باشد (تامپسون^۶، ۲۰۱۴، ص. ۵۸). بنابراین طبیعت و محیط نقش بسیار مهمی در محتوای منظر و مفهوم آن دارد. این موضوع به‌ویژه در قالب فعالیت‌های «معماری منظر» و جلوه‌های گوناگون آن به خوبی تبیین شده است (زندیه و سحرخیز، ۱۳۹۷، ص. ۳۰). علاوه بر این، کیفیت‌های مطرح در زمینه‌های ادراک محیط، حس مکان و زیبایی به‌طور ضمنی و در عمل، همواره متأثر از طبیعت و فرایندهای محیطی بوده که از این جنبه نیز آموزه‌های بسیاری را دربر دارد. در این بین، از منظرهای طبیعی مناطق شهری می‌توان به باغ‌ها و فعالیت‌های کشاورزی اشاره داشت. بر اساس تعریفی که فائو در سال ۲۰۱۳ ارائه داده است، کشاورزی شهری، صنعتی است که به تولید، فرآوری و بازاریابی انواع محصولات زراعی و دامی و سوخت در پاسخ به نیاز روزانه‌ی متقاضیان در شهرها بر روی اراضی شهری و با استفاده از آب شهری به‌طور پراکنده در داخل و پیرامون شهرها با استفاده از روش‌های فشرده، و با استفاده یا بازاستفاده

1. Gordon Cullen

2. Saimon Bell

3. Edmund Bacon

4. Jacons

5. Gergel and Turner

6. Thompson

از منابع طبیعی و ضایعات شهری می‌پردازد (زیمانده^۱، ۲۰۱۳، ص. ۱). موگوت^۲ (۲۰۱۰)، از محققان بنام در حوزه‌ی کشاورزی شهری، یک تعریف کلی و جامع از کشاورزی شهری ارائه داده است که در اکثر متون منتشرشده در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر وی کشاورزی شهری عبارت است از یک صنعت مستقر در داخل و پیرامون شهرها که طی آن با استفاده از منابع، خدمات و نیروی انسانی شهری، انواع محصولات خوراکی و غیرخوراکی تولید، فرآوری و توزیع می‌شود. از طرفی، باغ‌ها و کشاورزی شهری علاوه بر خدمات اکوسیستم فرهنگی (تفریح و آموزش) و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، نقش اساسی در زیباسازی مناظر شهری با بهره‌مندی از درختان و گیاهان متنوع دارند (کمپس-کالوت^۳ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۱۶؛ فتولا^۴ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۴۱۹؛ لین^۵ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۹۱). بنابراین حفاظت و احیای این مناظر در راستای تحقق منظر شهری پایدار ضروری می‌باشد و نظام مدیریتی شهرها در عصر حاضر بر توسعه‌ی این پدیده تأکید بسیاری داشته‌اند.

۲. روش‌شناسی

روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (بهره‌مندی از رویکردهای کمی-کیفی) با هدف کاربردی و ماهیت تحلیلی-اکتشافی می‌باشد. در این راستا ابتدا از طریق مطالعات اسنادی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری شناسایی شده و سپس از طریق پرسشگری از حجم نمونه و مدل حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Smart-pls، میزان تأثیر هر کدام از مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در بررسی ارتباط بین توسعه‌ی کشاورزی شهری و تحقق منظر شهری پایدار از رویکرد داده‌بنیاد در نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است. قابل ذکر است که جامعه‌ی آماری تحقیق شامل نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری درگیر در حوزه‌ی کشاورزی شهری و همچنین مدیریت منظر شهر بوده است که با توجه به مشخص نبودن تعداد حجم جامعه‌ی آماری از فرمول کوهن^۶ در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

فرمول کوهن:

$$n = (z^2 \times s^2) / d^2$$

در این فرمول Z یک مقدار ثابت است که به فاصله‌ی اطمینان و سطح خطا (α) بستگی دارد. با توجه به تعیین فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد بنابراین d برابر ۰/۰۵ و Z برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. S نیز واریانس نمونه‌ی اولیه می‌باشد که با پرسشگری از ۲۰ نمونه‌ی اولیه از حجم نمونه به‌دست می‌آید. بر مبنای محاسبات صورت

^۱ Nzimande

^۲ Mougeot

^۳ Camps-Calvet

^۴ Feola

^۵ Lin

^۶ Cohen

گرفته واریانس نمونه ی اولیه ۰/۲۵۵ به دست آمده و با جاگذاری در فرمول فوق حجم نمونه ۱۰۰ نفر برآورد شده که روش دسترسی به این حجم نمونه بر مبنای روش نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند بوده است.

$$n = (3/8416 \times 0/0650) \div 0/0025 = 100$$

در جدول شماره ۱ به ویژگی های حجم نمونه اشاره شده است.

جدول ۱. ویژگی های حجم نمونه ی آماری

جنسیت	تعداد	سن	تعداد	تحصیلات	تعداد	سمت	تعداد
مرد	۷۲	۱۹ تا ۲۹ سال	۹	لیسانس	۲۹	اساتید دانشگاهی	۱۱
		۳۰ تا ۳۹ سال	۴۲	فوق لیسانس	۵۴	متخصصان سازمان زیباسازی شهر	۳۹
زن	۲۸	۴۰ تا ۴۹ سال	۳۵	دکتری	۱۷	مدیران و مسئولان شهرداری تبریز	۲۳
		۵۰ سال و بالا	۱۴			مدیران و مسئولان شهرداری مناطق ۴ و ۶	۲۷

در روش حداقل مربعات جزئی داده ها در دو قسمت کلی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرند:

۱- بررسی برازش مدل

روش حداقل مربعات جزئی برای ارزیابی برازش مدل ها، دو قسمت کلی را تحت پوشش قرار می دهد:

الف) بخش مربوط به مدل های اندازه گیری

در این بخش از ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای سنجش پایایی و از ضرایب میانگین واریانس استخراجی سازه ها، ماتریس بارهای عاملی متقابل و روش فورنل و لارکر برای سنجش روایی استفاده می شود.

ب) بخش ساختاری

در بخش ساختاری نیز از روش های زیر برای بررسی برازش مدل های ساختاری استفاده می شود:

✓ ضرایب معناداری t (مقادیر t_values)

✓ معیار R Squares یا R²

۲- آزمون فرضیه ها

در روش حداقل مربعات جزئی آزمون فرضیه ها از دو قسمت تشکیل شده است.

الف) بررسی ضرایب معناداری مربوط به هر یک از فرضیه ها

ب) بررسی ضرایب استاندارد شده ی مسیرهای مربوط به فرضیه ها

رویکرد داده بنیاد نیز یک روش کیفی کدگذاری در سه مرحله به شرح زیر می باشد:

الف) کدگذاری باز

در این مرحله داده‌ها به کوچکترین واحد خود شکسته می‌شوند. بنابراین کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند و داده‌های مربوط به پدیده‌ی مورد مطالعه با بررسی دقیق «نام‌گذاری» و مقوله‌بندی می‌شوند.

ب) کدگذاری محوری

در این مرحله مقوله‌های حاصل از گام قبلی، در پرتو داده‌های واقعی پالایش شده و ارتباط آنها با یکدیگر با به‌کارگیری مدل پارادایمی شامل ۴ بخش یا ۶ محور؛ شرایطی (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر)، پدیده‌ی اصلی، راهبردها و پیامدها انجام می‌شود.

ج) کدگذاری گزینشی

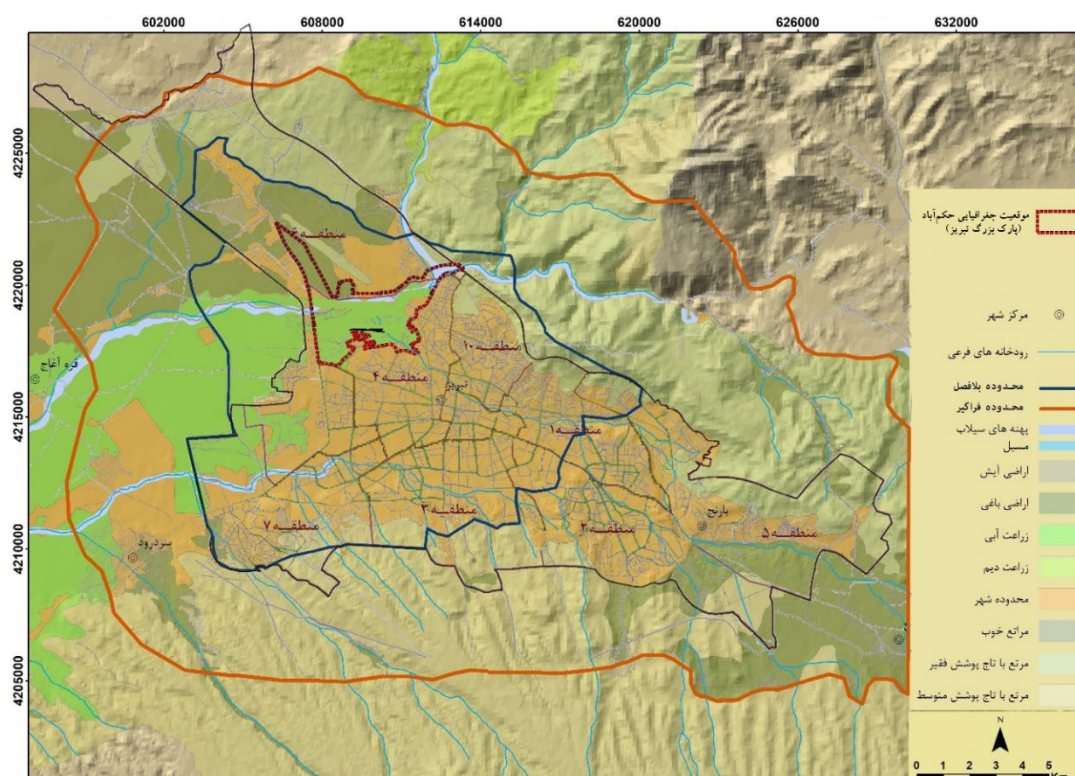
در این مرحله، مقوله‌ی هسته‌ای یا محوری انتخاب می‌شود و مقوله‌ها انسجام می‌یابند تا چارچوب نظری اولیه شکل گیرد. مقوله‌های حاصله که از دیدگاه نظری اشباع شده‌اند در قالب یک مدل پارادایمی داده‌بنیاد پیرامون مقوله‌ی هسته‌ای به یکدیگر ارتباط داده می‌شوند. فرآیند نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در این گام با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به پایان می‌رسد.

همچنین پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر به شرح مؤلفه‌های جدول شماره ۲ و بر مبنای طیف لیکرت ۵ مقیاسی طراحی شده است.

جدول ۲. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	منابع
S(اجتماعی)	، آموزش‌های شهروندی در راستای توسعه‌ی S1افزایش آگاهی شهروندان از منافع کشاورزی شهری ، مشارکت اجتماعی شهروندان در راستای توسعه‌ی باغ‌ها و کشاورزی شهری S2کشاورزی شهری S3.	(مارینی و همکاران، ۲۰۲۳)
E(اقتصادی)	، تأکید بر E2، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های کشاورزی E1بازاریابی محصولات کشاورزی شهری ، ارائه‌ی تسهیلات E4، جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی E3گردشگری کشاورزی شهری در منطقه E5.و زمین با قیمت مناسب برای کشاورزی شهری	(لین و همکاران، ۲۰۱۵)
دانش محوری (K)	، استفاده K1بهره‌مندی از کارشناسان زبده‌ی ترویج کشاورزی در نظام مدیریتی به‌ویژه جهاد کشاورزی ، تعریف کارگاه‌های K3، استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری K2از تجهیزات پیشرفته و نوین کشاورزی ، جلب همکاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای آموزش کشاورزی K4آموزشی کشاورزی شهری K5.شهری	(هیسچمولر و همکاران، ۲۰۲۲)
برنامه‌ریزی منظر کشاورزی (L)شهری	، L1وحدت فضایی (ادراک و تجربه‌ی مجموعه‌ای از عناصر متعدد و متنوع فضا به‌صورت کل واحد) ، طراحی مناسب L2بهره‌مندی از درختان و گیاهان متنوع و مناسب در راستای انتظام‌بخشی به فضا L3.فضای بیرونی و درونی محدوده با مبلمان مناسب و مصالح اکولوژیک	(عبدالله و همکاران، ۲۰۲۳؛ دی یونگ، ۲۰۰۹)
قوانین و مقررات شهری (R)	، R1تدوین قوانین و مقررات الزام‌آور در راستای جلوگیری از تخریب اراضی باغی و زراعی منطقه جلوگیری از خروج زمین‌های کشاورزی از چرخه‌ی تولید و تبدیل شدن به سایر کاربری‌ها در منطقه ، بازنگری و R3، تدوین قوانین و مقررات مناسب برای توسعه‌ی کشاورزی شهری در منطقه R2 ، بازنگری و R4اصلاح قوانین بخش کشاورزی و منابع طبیعی با رویکرد حمایت از کشاورزی شهری R5.اصلاح قوانین مربوط به مالکیت اراضی و یکپارچه‌سازی اراضی	(لیو و همکاران، ۲۰۲۰، پوچودیل و همکاران، ۲۰۲۱)

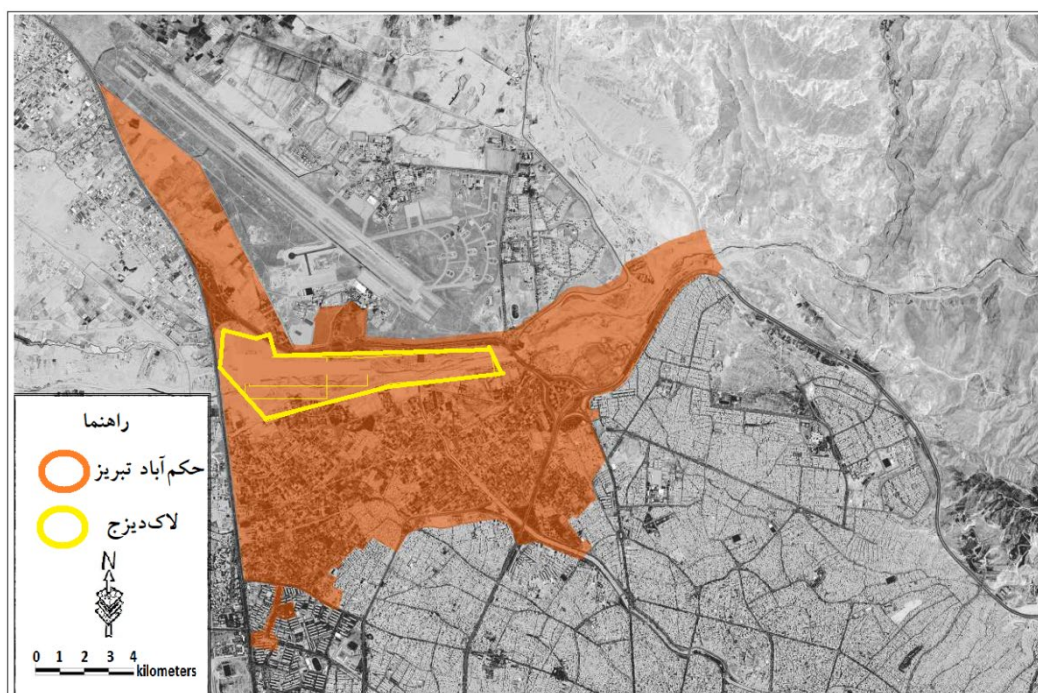
در راستای قلمرو پژوهش می توان گفت که محدوده ی لاک دیزج^۱ در اراضی تاریخی حکم آباد تبریز واقع شده است که با توجه به طرح سامان دهی شهرداری تبریز در آن محدوده به پارک بزرگ تبریز مشهور است. مساحت این محدوده بیش از ۱۲۵۰ هکتار است و بخش هایی از مناطق چهار، شش و ده شهر تبریز را در خود دارد. همچنین لاک دیزج در بخش شمالی محدوده ی حکم آباد واقع شده است (مهندسین مشاور شارستان، ۱۴۰۰، ص. ۳). در شکل شماره ۱ موقعیت جغرافیایی حکم آباد یا پارک بزرگ تبریز و در شکل شماره ۲ موقعیت قرارگیری لاک دیزج در محدوده ی حکم آباد قابل مشاهده است. بر مبنای شکل ۲ می توان مشاهده کرد که ساخت وسازها در این بخش بسیار محدود بوده و بیشتر مساحت آن شامل عناصر طبیعی (کشاورزی و باغها) می باشد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی حکم آباد (پارک بزرگ) تبریز

(مهندسین مشاور شارستان، ۱۴۰۰).

^۱ در مورد وجه تسمیه ی محدوده ی مورد بررسی می توان گفت که لاک دیزج از دو کلمه ی لاک یعنی قرمز و دیزج یعنی انباشته شدن و قلعه تشکیل شده است. در این محدوده در گذشته های دور قلعه ی سرخی بنا نهاده شده و از این زمان به آن قلعه ی سرخ یا لاک دیزج گفته اند (مهندسین مشاور شارستان، ۱۴۰۰).



شکل ۲. نقشه‌ی هوایی موقعیت لاکدیزج در حکم آباد تبریز

(مهندسین مشاور شارسن، ۱۴۰۰)

۳. یافته ها

به منظور شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری در منطقه‌ی لاکدیزج تبریز از مدل حداقل مربعات جزئی در نرم‌افزار Smart-pls استفاده شده است.

الف) آزمون پایایی و روایی مدل‌های اندازه‌گیری

در روش حداقل مربعات جزئی (PLS) باید پایایی متغیرها محاسبه شود. ضریب سستی برای بررسی پایایی متغیرها ضریب آلفای کرونباخ است. اما چون این ضریب کمی سختگیرانه است، در تحقیقاتی که از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس استفاده می‌کنند، می‌توان از ضریب ترکیبی نیز استفاده نمود. تفاوتی ندارد که از کدام ضریب استفاده می‌شود در هر صورت مقدار قابل قبول برای این دو ضریب حداقل ۰/۷ است. در این تحقیق هر دو ضریب آلفای کرونباخ و ضریب ترکیبی برای بررسی پایایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. خروجی الگوریتم PLS در آزمون پایایی مدل‌های اندازه‌گیری

متغیرها	آلفای کرونباخ	ضریب ترکیبی
S	۰/۷۴۲۰۱۹	۰/۸۱۵۶۲۸
E	۰/۷۸۳۴۴۹	۰/۷۹۲۳۶۱
K	۰/۷۶۴۲۱۵	۰/۸۲۸۵۴۱
L	۰/۷۷۰۱۸۳	۰/۷۷۴۷۱۳
R	۰/۷۳۴۹۶۱	۰/۷۷۶۶۵۲

همانطور که در جدول شماره ۳ مشخص است مقادیر آلفای کرونباخ و ضریب ترکیبی برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است که به معنی پایایی مناسب متغیرها است. در جدول شماره ۴ نیز بار عاملی متغیرها ارائه شده و قابل مشاهده است، تمامی مؤلفه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از مقدار حداقلی ۰/۷ هستند که بیانگر پایایی مناسب مؤلفه‌ها می‌باشد.

جدول ۴. آزمون پایایی مدل‌های اندازه‌گیری (بار عاملی)

بار عاملی		متغیرها		بار عاملی		متغیرها	
۰/۷۷۴	۰/۸۵۳	R1	R	۰/۸۱۴	۰/۷۱۸	E1	E
	۰/۷۶۱	R2			۰/۷۴۶	E2	
	۰/۷۴۹	R3			۰/۸۳۷	E3	
	۰/۷۸۶	R4			۰/۸۰۲	E4	
	۰/۸۰۲	R5			۰/۷۵۲	E5	
۰/۷۴۸	۰/۷۱۹	K1	K	۰/۷۵۳	۰/۷۵۶	S1	S
	۰/۷۸۳	K2			۰/۷۸۱	S2	
	۰/۷۵۴	K3			۰/۷۱۶	S3	
	۰/۸۲۷	K4		۰/۷۵۶	۰/۸۱۲	L1	L
	۰/۷۹۱	K5			۰/۷۴۲	L2	
					۰/۷۷۹	L3	

همچنین برای ارزیابی روایی در مدل‌های حداقل مربعات جزئی باید هم روایی همگرا و هم روایی افتراقی را مورد محاسبه قرار داد. در روش حداقل مربعات جزئی از متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE) برای محاسبه‌ی روایی همگرا استفاده می‌شود. مقدار حداقلی برای روایی همگرای مناسب برای هر متغیر ۰/۵ است (جدول شماره ۵). همچنین برای بررسی روایی افتراقی مؤلفه‌ها باید از جذر متوسط واریانس استخراج‌شده برای هر متغیر استفاده نمود. محاسبه‌ی جذر متوسط واریانس استخراج‌شده برای هر متغیر به روش دستی می‌باشد (جدول شماره ۵) و جذر به‌دست آمده بایستی از ضریب همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها بیشتر باشد.

جدول ۵. روایی همگرایی متغیرها (متوسط واریانس استخراج‌شده) و جذر متوسط واریانس استخراج‌شده

متغیرها	AEV	AEV جذر
S	۰/۷۱۸۷۶۵	۰/۸۱۸۷۵۹
E	۰/۵۸۳۵۶۶	۰/۶۸۲۴۵۱
K	۰/۷۴۵۲۳۱	۰/۷۸۵۶۳۵
L	۰/۷۱۸۷۶۵	۰/۸۱۸۷۵۹
R	۰/۵۸۸۸۳۱۹	۰/۶۵۴۰۳۷

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای متغیرهای اصلی این تحقیق بین ۱/۰۰۰ و ۰/۵۸۳ است که از مقدار حداقلی ۰/۵ بیشتر بوده و نشانگر روایی همگرایی مناسب متغیرها است. همچنین در بررسی روایی افتراقی متغیرها که به عنوان روایی تقاطعی متغیرها هم یاد می‌شود، بار عاملی هر گویه (متغیر آشکار) با سازهی خود (متغیر پنهان)، بایستی حداقل ۰/۱ بیشتر از بار عاملی آن گویه بر سازهی دیگر باشد. خروجی‌ها در این خصوص نشان می‌دهد که بار عاملی هر گویه (متغیر آشکار) با سازهی خود (متغیر پنهان)، حداقل ۰/۱ بیشتر از بار عاملی آن گویه بر سازهی دیگر است.

نهایتاً جهت بررسی روایی افتراقی، از ماتریس همبستگی متغیرهای پنهان/سازه و جذر متوسط واریانس استخراج شده استفاده می‌شود. در این ماتریس جذر به دست آمده (جدول ۶) جایگزین اعداد قطر ماتریس می‌شود، در این ماتریس باید اعداد جذر بیشتر از همبستگی سازه با سازه باشد.

جدول ۶. ماتریس همبستگی و جذر متوسط واریانس استخراج شده

متغیرها	S	E	K	L	R
S	۰/۸۵				
E	۰/۳۱	۰/۷۴			
K	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۸۸		
L	۰/۳۳	۰/۲۱	۰/۴۴	۰/۹۱	
R	۰/۵۱	-۰/۰۹	۰/۳۱	۰/۲۶	۰/۷۹

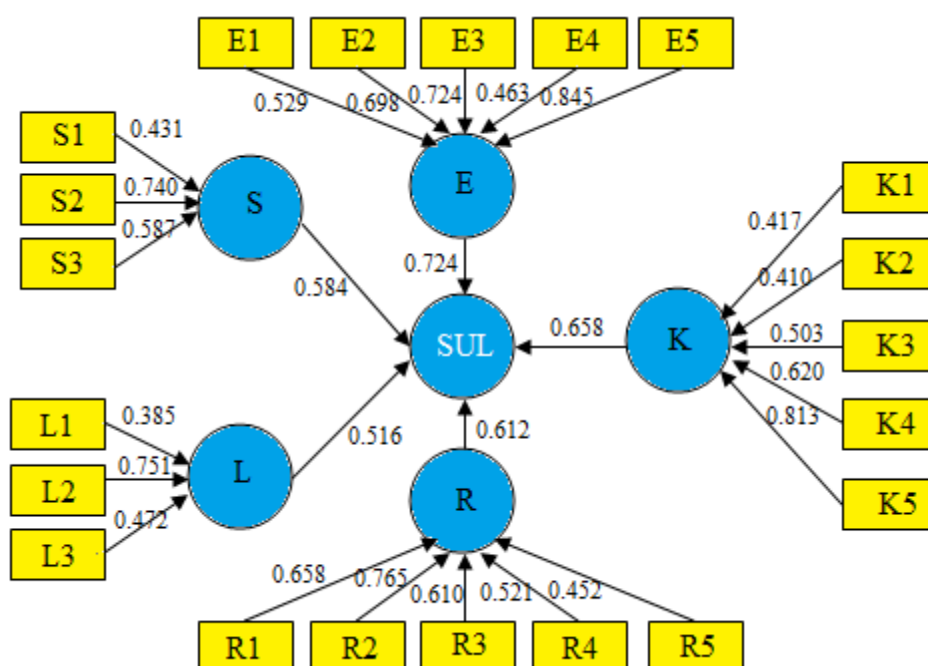
همان‌طور که در جدول شماره ۶ قابل مشاهده است، مقدار جذر متوسط واریانس استخراج شده برای تمامی سازه‌ها (متغیرهای پنهان) از ضریب همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر است که نشان‌دهندهی روایی افتراقی مناسب سازه‌ها (متغیرهای پنهان) می‌باشد.

ب) آزمون مدل ساختاری

مدل ساختاری مدلی است که در آن روابط بین متغیرهای مکنون و وابسته مورد توجه قرار می‌گیرد. یک مدل معادلات ساختاری از چندین مدل اندازه‌گیری و فقط یک مدل ساختاری تشکیل می‌شود؛ در آزمون مدل ساختاری معیارهای زیر را بررسی می‌کنیم:

- شاخص ضریب تعیین (R^2) متغیرهای مکنون درون‌زا؛
- ضرایب مسیر (بتا) و معناداری آن.

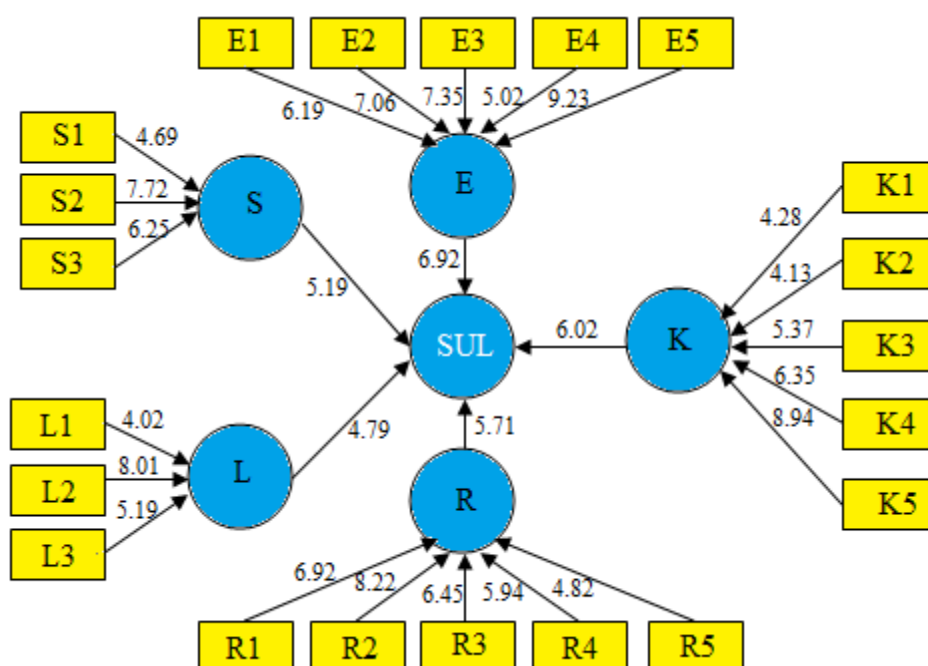
در این بخش از تحقیق ضرایب استاندارد شدهی مسیرهای مربوط به فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته). برای محاسبهی ضرایب استاندارد مسیر بین متغیرها باید از الگوریتم پی‌ال‌اس استفاده نمود. ضرایب استاندارد شده بین متغیر مستقل و وابسته نشان می‌دهد که متغیر مستقل این میزان درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. شکل ۳ ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به هر یک از فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۳. اثرگذاری متغیر/های مستقل بر روی متغیر/های وابسته (ضرایب استاندارد شده)

بر اساس نتایج به دست آمده بیشترین اثرگذاری بر منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ ها و کشاورزی شهری در محدوده ی لاکدیزج تبریز به ترتیب مربوط به شاخص های اقتصادی، دانش محوری، قوانین و مقررات شهری، اجتماعی و برنامه ریزی منظر کشاورزی شهری می باشد که ضرایب مستخرج از مدل ساختاری برای هرکدام ۰/۷۲۴، ۰/۶۵۸، ۰/۶۱۲، ۰/۵۸۴ و ۰/۵۱۶ است. همچنین در بین شاخص های فرعی بیشترین اثرگذاری مربوط به مؤلفه های ارائه ی تسهیلات و زمین با قیمت مناسب برای کشاورزی شهری، جلب همکاری دانشگاه ها و مراکز آموزشی برای آموزش کشاورزی شهری، جلوگیری از خروج زمین های کشاورزی از چرخه ی تولید و تبدیل شدن به سایر کاربری ها در منطقه و بهره مندی از درختان و گیاهان متنوع و مناسب در راستای انتظام بخشی به فضا می باشد.

همچنین در مدل پی ال اس جهت بررسی معنی داری روابط بین متغیرها یعنی معنی دار بودن اثرگذاری متغیر/های مستقل بر متغیر/های وابسته از مقدار آماره ی به دست آمده از خروجی مدل استفاده می شود. به گونه ای که مقدار آماره ی بزرگتر از ۱/۹۶ برای معنی داری در سطح ۹۵ درصد و مقدار آماره ی بزرگتر از ۲/۵۸ برای معنی داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان مورد قبول می باشد (شکل ۴).



شکل ۴. آزمون مدل ساختاری
 مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳)

مقدار آماره در مدل تحقیق برای متغیرها نشان می‌دهد همه‌ی ۲۱ متغیری که اثرگذاری آنها بر متغیر منظر شهری پایدار با تأکید بر باغ‌ها و کشاورزی شهری در محدوده‌ی لاک‌دیزج تبریز مورد بررسی قرار گرفته، دارای ارزش آماره‌ی بالاتری از ۲/۵۸ بودند و در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی متغیرهای مورد بررسی معنی‌دار می‌باشد.

در جدول ۷ و شکل شماره ۴ که مربوط به نتایج مدل است، آنچه که مهم است مقدار آماره‌ی متغیرها و درواقع مقدار آماره‌ی اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. روابطی که در آن مقدار آماره‌ی به‌دست آمده بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، تأیید می‌شوند و روابطی که مقدار آماره‌ی آنها کمتر از ۱/۹۶ باشد، مورد تأیید قرار نمی‌گیرند.

جدول ۷. آزمون مدل ساختاری (ضرایب مسیر میانگین، انحراف معیار، مقادیر تی)

مسیر	ضرایب مسیر	آماره تی	انحراف معیار	نتایج آزمون
S>>>>>>SUL	۰/۵۸۴۳۹۱	۵/۱۹۵۴۱۳	۰/۰۴۵۳۴۱	تأیید
E>>>>>>SUL	۰/۷۲۴۱۳۶	۶/۹۲۳۵۶۱	۰/۰۳۸۷۶۳	تأیید
K>>>>>>SUL	۰/۶۵۸۴۶۱	۶/۰۲۴۵۵۷	۰/۰۶۳۲۸۴	تأیید
L>>>>>>SUL	۰/۶۱۲۳۷۲	۵/۷۱۲۴۱۲	۰/۰۴۰۹۱۱	تأیید
R>>>>>>SUL	۰/۵۱۶۴۷۷	۴/۷۹۳۴۴۴	۰/۰۳۸۹۹۰	تأیید

ج) آزمون کیفیت مدل های اندازه گیری و ساختاری

یکی دیگر از آزمون های ارزیابی مدل اندازه گیری انعکاسی، آزمون بررسی کیفیت آن است که به منظور سنجش اعتبار اشتراک استفاده می شود. چنانچه مقدار $1-SSE/SSO$ مثبت باشد، کیفیت ابزار اندازه گیری مناسب است. این شاخص درواقع توانایی مدل مسیر را در پیش بینی متغیرهای مشاهده پذیر از طریق متغیر پنهان متناظرشان می سنجد.

با توجه خروجی الگوریتم PLS که در جدول شماره ۸ ارائه شده است و مقادیر مثبتی را نشان می دهند، می توان گفت که مقادیر محاسبه شده در حد بالایی قابل قبول می باشند. در نتیجه مدل اندازه گیری از کیفیت خوبی برخوردار بوده و مدل توانایی پیش بینی را داراست.

جدول ۸. خروجی آزمون کیفیت مدل های اندازه گیری و ساختاری

متغیرها	1-SSE/SSO
S	۰/۲۶۲۱۵۴
E	۰/۱۵۶۸۴۳
K	۰/۰۶۴۴۳۱
L	۰/۱۲۴۹۵۳
R	۰/۲۲۶۴۷۸

حداقل مربعات جزئی

در مدل سازی حداقل مربعات جزئی، شاخصی به نام نیکویی برازش^۱ پیشنهاد شده است. این شاخص هر دو مدل اندازه گیری و ساختاری را مدنظر قرار می دهد و به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می رود. این شاخص به صورت میانگین R^2 و متوسط مقادیر اشتراکی محاسبه می شود:

$$Gof \sqrt{\text{communality} \times \overline{R^2}} =$$

حدود این شاخص بین صفر و یک بوده و سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی می نماید. متوسط مقادیر اشتراکی این مدل ۰/۸۱۲ و میانگین R^2 برابر با ۰/۳۷۱ است، نهایتاً شاخص GOF این مدل مقدار ۰/۵۴۹ به دست آمده است که از مطلوبیت کلی مدل حکایت دارد.

همچنین در راستای تبیین ارتباط توسعه ی باغ ها و کشاورزی شهری و تحقق منظر شهری پایدار از رویکرد کیفی داده بنیاد در نرم افزار MAXQDA استفاده شده است.

جدول ۹. شکل‌گیری مقوله‌های اصلی و فرعی و کدگذاری باز

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	کدگذاری باز
ملاحظات اجتماعی	آگاه‌سازی شهروندان	افزایش آگاهی شهروندان در راستای مزایای منظر شهری طبیعی
	آموزش‌های کاربردی	آموزش شهروندان در راستای توسعه‌ی کشاورزی همسو با منظرسازی
	مشارکت اجتماعی	افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعه‌ی باغ‌ها و اراضی کشاورزی
ملاحظات اقتصادی	تنوع‌بخشی	تنوع‌بخشی به فعالیت‌های کشاورزی با تأکید بر گیاهان و درختان تزئینی
	تأکید بر گردشگری کشاورزی	زیباسازی در راستای جذب گردشگر، توسعه‌ی عملکردهای مختلف
	جذب سرمایه	جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و توسعه‌ی منظر شهری همسو با فعالیت‌های کشاورزی
	تسهیلات و زمین	ارائه‌ی تسهیلات و زمین با قیمت مناسب برای کشاورزی شهری، تأکید بر استفاده از عناصر طبیعی برای طراحی محدوده
ملاحظات مدیریتی	ارتباط‌دهی بین کشاورزی و منظر شهری	بهره‌مندی از کارشناسان زبده‌ی ترویج کشاورزی در نظام مدیریتی به‌ویژه جهاد کشاورزی و همکاری با سازمان‌های منظر شهری
	نوآوری	توسعه‌ی روش‌های پیشرفته‌ی کشاورزی همراه با عناصر بومی و طبیعی
	استفاده از تمامی پتانسیل‌ها	جلب همکاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای آموزش کشاورزی شهری و تأکید بر منظرسازی طبیعی شهر در این حوزه
ملاحظات ساختار فضایی	یکپارچه‌سازی ساختار فضا	ارتباط مناسب بین عملکردهای مختلف و شکل‌گیری ارتباط واحد در فضا
	تأکید بر سبزیگی	انتظام‌بخشی به فضا با استفاده از گیاهان و درختان همیشه سبز
	بهره‌مندی از مصالح اکولوژیک	تقویت مبلمان محدوده با استفاده از مصالح اکولوژیک
ملاحظات قانونی	جلوگیری از تخریب	تدوین قوانین و مقررات الزام‌آور در تخریب اراضی باغی و زراعی منطقه
	جلوگیری از تخریب اراضی	جلوگیری از خروج زمین‌های کشاورزی از چرخه‌ی تولید و تبدیل شدن به سایر کاربری‌ها در منطقه
	جلوگیری از شکل‌گیری کاربری‌های ناسازگار	عدم صدور پروانه برای کاربری‌های ناسازگار در منطقه، تأکید بر استفاده از مصالح اکولوژیک در ایجاد انواع عملکردها

پس از استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی در کدگذاری باز، به تهیه‌ی تم‌های واقعی‌تر در کدگذاری محوری تحت ۴ محور شرایطی (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر)، پدیده‌ی اصلی، راهبردها و پیامدها پرداخته می‌شود. با توجه به هدف تحقیق حاضر یعنی تبیین ارتباط توسعه‌ی باغ‌ها و کشاورزی شهری و تحقق منظر شهری پایدار، تنها مؤلفه‌ها در محور شرایطی یعنی علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول ۱۰. مقوله های فرعی و شکل دهی به مقوله های اصلی

مؤلفه ها (تم های اصلی)	مؤلفه ها (تم های فرعی)
عوامل علی	تنوع بخشی به فعالیت های کشاورزی با تأکید بر گیاهان و درختان تزئینی، تأکید بر استفاده از عناصر طبیعی برای طراحی محدوده، توسعه ی روش های پیشرفته های کشاورزی همراه با عناصر بومی و طبیعی، انتظام بخشی به فضا با استفاده از گیاهان و درختان همیشه سبز، تقویت مبلمان محدوده با استفاده از مصالح اکولوژیک، تأکید بر استفاده از مصالح اکولوژیک در ایجاد انواع عملکردها.
عوامل میانجی (محیط خرد)	آموزش شهروندان در راستای توسعه ی کشاورزی همسو با منظر سازی، توسعه ی عملکردهای مختلف، جذب سرمایه گذاری های خصوصی و توسعه ی منظر شهری همسو با فعالیت های کشاورزی، جلب همکاری دانشگاه ها و مراکز آموزشی برای آموزش کشاورزی شهری و تأکید بر منظر سازی طبیعی شهر در این حوزه، ارتباط مناسب بین عملکردهای مختلف و شکل گیری ارتباط واحد در فضا.
عوامل زمینه ای (محیط کلان)	افزایش آگاهی شهروندان در راستای مزایای منظر شهری طبیعی، افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در توسعه ی باغ ها و اراضی کشاورزی، زیباسازی در راستای جذب گردشگر، ارائه ی تسهیلات و زمین با قیمت مناسب برای کشاورزی شهری، بهره مندی از کارشناسان زبده ی ترویج کشاورزی در نظام مدیریتی به ویژه جهاد کشاورزی و همکاری با سازمان های منظر شهری، تدوین قوانین و مقررات الزام آور در تخریب اراضی باغی و زراعی منطقه، جلوگیری از خروج زمین های کشاورزی از چرخه ی تولید و تبدیل شدن به سایر کاربری ها در منطقه، عدم صدور پروانه برای کاربری های ناسازگار در منطقه.

در نهایت کدگذاری گزینشی و انتخاب مقوله ی هسته ای یا محوری می باشد. در این مرحله با دسته بندی عوامل در قالب مقوله های هسته ای به ارائه ی ارتباط بین توسعه ی باغ ها و کشاورزی شهری و تحقق منظر شهری پایدار به تفکیک عوامل مختلف پرداخته شده است.

جدول ۱۱. مقوله های هسته، کدگذاری گزینشی و تبیین ارتباط بین توسعه ی باغ ها و کشاورزی شهری و تحقق

منظر شهری پایدار

مقوله های هسته	کدگذاری گزینشی	تبیین ارتباط
زیباشناختی	بهره مندی از درختان و گیاهان تزئینی	استفاده از درختان و گیاهان متنوع و تزئینی علاوه بر کسب درآمدزایی موجب زیبایی منظر و سیمای منطقه خواهد گردید.
	گردشگری کشاورزی	توسعه ی گردشگری کشاورزی و ارتقاء زیرساخت های منطقه موجب بهبود منظر منطقه خواهد گردید.
	بهره مندی از مصالح اکولوژیک	استفاده از مصالح اکولوژیک عاملی مهم در راستای تحقق منظر شهری پایدار در بعد طبیعی است.
کارکردی	تنوع بخشی به عملکردهای کشاورزی شهری	وجود عملکردهای مختلف در حوزه ی کشاورزی و انسجام و نظم دهی به آنها.
	جانمایی سایر عملکردها	استفاده از عملکردهای مختلف (تفریحی - استراحتگاهی) در محدوده با حفظ کارکرد اصلی آن (یعنی کشاورزی) و ایجاد بازارچه های فروش محصولات.
حس مکان	شکل گیری مشارکت	افزایش مشارکت اجتماعی در راستای توسعه ی باغ ها و اراضی کشاورزی و شکل گیری

تعاملات اجتماعی مناسب.	اجتماعی	
استفاده از مبلمان اکولوژیک در راستای حفظ ماهیت فضا.	بهره‌مندی از مبلمان و عناصر بومی و اکولوژیک	
ایجاد ارتباط مناسب بین عملکردهای مختلف در راستای ارتقاء نظم فضا و بهبود منظر.	انسجام‌بخشی به فضا	
جلوگیری از ایجاد کاربری‌های ناسازگار و آسیب‌زا به محیط‌زیست.	کاهش کاربری‌های ناسازگار	
تأکید بر تولید محصولات مختلف به منظور سبزی‌گی فضا در تمامی فصول.	تأکید بر سبزی‌گی فضا	زیست‌محیطی
استفاده از عناصر طبیعی برای طراحی فضاهای درونی و بیرونی در راستای بهبود منظر محدوده.	استفاده از عناصر طبیعی برای طراحی محدوده	

۴. بحث

بررسی‌ها در محدوده‌ی لاک‌دیزج تبریز حاکی از آن است که وضعیت مناسبی از منظر توسعه‌ی کشاورزی شهری و باغ‌ها در منطقه حاکم است. با این حال به‌منظور شکل‌گیری منظر شهری پایدار نیاز به توجهات کافی به اصولی است که از مهمترین آنها می‌توان به ملاحظات اجتماعی همچون آموزش شهروندان در راستای توسعه‌ی کشاورزی همسو با منظرسازی، ملاحظات اقتصادی همچون ارائه‌ی تسهیلات مناسب برای کشاورزان و باغ‌داران منطقه، ملاحظات مدیریتی مانند توسعه‌ی روش‌های پیشرفته‌ی کشاورزی همراه با عناصر بومی و طبیعی، ملاحظات ساختار فضایی مانند انتظام‌بخشی به فضا و ملاحظات قانونی همچون تأکید بر سبزی‌گی مستمر و جلوگیری از ایجاد کاربری‌های ناسازگار و آسیب‌زا به محیط‌زیست اشاره کرد. همچنین تحقق منظر شهری پایدار با تأکید بر توسعه‌ی باغ‌ها و کشاورزی شهری در محدوده‌ی لاک‌دیزج تبریز، بر اساس چهار شاخص اصلی منظر شهری (زیبایی‌شناختی، کارکردی، حس مکان و زیست‌محیطی) به شرح زیر است.

الف) زیبایی‌شناختی

زیبایی‌شناختی از مهمترین شاخص‌های منظر شهری محسوب می‌گردد که اکثر صاحب‌نظران بر این موضوع تأکید داشته‌اند. سیتو^۱ زیبایی منظر را کیفیت ویژه‌ای مطرح می‌کند که از تداخل عناصر حسی با جنبه‌های اجتماعی ایجاد می‌شود (سیتو، ۲۰۱۰، ص. ۳۹). طبق بررسی‌های صورت‌گرفته در محدوده‌ی مورد مطالعه، پیوند مناسبی بین شهروندان و محیط قابل مشاهده است. با این حال، می‌توان با بهره‌مندی از درختان و گیاهان متنوع به زیباسازی هرچه بیشتر محدوده اقدام نمود. از طرفی زیبایی‌شناسی ناشی از وحدت فضایی (یعنی ادراک و تجربه‌ی مجموعه‌ای از عناصر متعدد و متنوع فضا به‌صورت کل واحد و ترکیب متنوع زیبایی‌شناسی برآمده از هماهنگی و تضادها در کلیتی معنادار) می‌باشد (گائو و آسامی^۲، ۲۰۰۷، ص. ۱۵۷)، که در محدوده‌ی مورد مطالعه نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است. بنابراین اتصال و یکپارچگی فضاها

^۱ Yuriko Saito

^۲ Gao and Asami

در راستای انتظام بخشی به فضا، تحقق اصل محصوریت و مطلوبیت بصری از ضروریات ارتقاء منظر شهری محدوده است.

ب) کارکردی

کارکردها یکی دیگر از شاخص های تأثیرگذار بر مطلوبیت منظر شهری می باشد که در این راستا تفکیک و وضوح عملکردها و عرصه های مختلف بایستی قابل رؤیت باشد (کرمونا^۱، ۲۰۱۹، ص. ۴۸). در محدوده ی مورد مطالعه تفکیک و وضوح عملکردها همچون مسیرهای عبور و مرور، مکان های استراحت و همچنین تفکیک انواع تولیدات نمایان است. با این وجود، می توان با استفاده از مصالح اکولوژیک و رنگ های متنوع در ساختمان های محدوده و توسعه ی کارکردهای مختلف همچون پارک های آموزشی و لوازم تفریحی به ویژه برای کودکان به ارتقاء منظر آن پرداخت.

ج) حس مکان

حس مکان ناشی از پیوند انسان با مکان می باشد که ناشی از طراحی و برنامه ریزی مناسب فضاهای مختلف است. همچنین "حس مکان" احساسی است که به پیوند عملکردی با مکان ها منجر می شود (مولندور^۲ و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۶۸) و معانی ای را دربر دارد که افراد و گروه ها در شیوه های اجتماعی روزانه به محیط خود نسبت می دهند (یورگنسن و استیدمن^۳، ۲۰۰۱، ص. ۲۳۴) و در طول زمان و مکان تکامل می یابند. بررسی های صورت گرفته در محدوده ی مورد مطالعه نشان می دهد که یکی شدن با مکان و تعهد به مکان در بین شهروندان قابل مشاهده است.

د) زیست محیطی

محیط زیست جذاب و سرزنده یکی دیگر از شاخص های تأثیرگذار بر مطلوبیت منظر شهری می باشد. پیوستگی سبزینگی با توجه به ماهیت محدوده (کشاورزی و باغ ها) موجب ارتقاء منظر زیست محیطی مناسب گردیده است، با این حال بهره مندی از عناصر دیگر همچون آب نماها می تواند جذابیت محدوده را دوچندان نماید.

۵. نتیجه گیری

منظر شهری پایدار ناشی از پیوستگی بین ابعاد مختلف هویتی، کارکردی، زیبایی شناختی و زیست محیطی می باشد. بررسی ها در محدوده ی مورد مطالعه حاکی از آن است که کشاورزی شهری نقش محوری در ارتقاء منظر شهری منطقه داشته است. در این راستا، عوامل مختلفی بر توسعه ی کشاورزی شهری و به تبع آن ارتقاء منظر شهری تأثیرگذارند که می توان به آموزش شهروندان در راستای توسعه ی کشاورزی شهری با تأکید بر تنوع بخشی به فعالیت ها و زیباسازی اراضی، مشارکت اجتماعی شهروندان مالک اراضی منطقه در راستای توسعه ی باغ ها و کشاورزی شهری، ارائه ی تسهیلات مناسب برای کشاورزان و همچنین ارتقاء زیرساخت های

1. Carmona

2. Mullendore

3. Jorgensen and Stedman

محدوده در راستای توسعه گردشگری کشاورزی، جلب همکاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی به منظور بهره‌مندی از افراد باصلاحیت دانشی در راستای توسعه کسب‌وکار و منظر منطقه، ارتقاء تجهیزات مورد استفاده در فعالیتهای کشاورزی و ارائه امکانات ارزان‌قیمت نهاده‌ها به کشاورزان، حمایت از طرح‌های خلاقانه به منظور انتظام بخشی به فضا و زیباسازی منطقه، استفاده از مصالح اکولوژیک در طراحی‌ها و تدوین قوانین و مقررات الزام‌آور به منظور جلوگیری از تخریب محیط زیست و تغییر اراضی کشاورزی شهری به سایر کاربری‌ها اشاره کرد. بدین منظور نیاز است تا ضمن شکل‌گیری مدیریت واحد و یکپارچه برای توسعه اراضی کشاورزی منطقه با مشارکت ساکنین، طرح‌های زیباسازی محدوده و تنوع بخشی به فعالیت‌ها با بهره‌گیری از عناصر بومی و اکولوژیک مورد اجرا قرار گیرد.

همچنین بررسی تطبیقی نتایج پژوهش حاضر با پیشینه مطالعاتی حاکی از آن است که در راستای تأثیر کشاورزی شهری بر ارتقاء منظر شهری نتایج پژوهش همسو با مطالعات خلیل‌نژاد (۱۴۰۰) و حسن و همکاران (۲۰۲۲) و در راستای تأثیرات چند بعدی هویتی، زیبایی‌شناختی، کارکردی و زیست‌محیطی مناظر طبیعی بر ارتقاء منظر شهری نیز همسو با پژوهش ژو و همکاران (۲۰۲۳) می‌باشد. از طرفی تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه مطالعاتی نیز بهره‌مندی از ابعاد مختلف توسعه کشاورزی شهری و به تبع آن ارتقاء منظر شهری در این پژوهش است. به عبارتی در این پژوهش ابتدا به بررسی عوامل اساسی در حفظ کشاورزی و باغداری این محدوده در ملاحظات اجتماعی، ملاحظات اقتصادی، ملاحظات مدیریتی، ملاحظات ساختار فضایی و ملاحظات قانونی پرداخته شده و در نهایت با تلفیق این ملاحظات با شاخص‌های منظرسازی یعنی زیبایی‌شناختی، کارکردی، حس مکان و زیست‌محیطی به ارائه نتایج در راستای دستیابی به منظر شهری پایدار اقدام شده است.

در نهایت راهکارهای ارائه‌شده تحقیق حاضر به منظور دستیابی به منظر شهری پایدار منطقه از طریق توسعه باغ‌ها و کشاورزی شهری به شرح زیر می‌باشد:

✓ زیباسازی منظر شهری محدوده از طریق ایجاد وحدت فضایی و پیوستگی بین عناصر مختلف با در نظر گیری اصل محصوریت و رنگ‌ها و درختان و گیاهان متنوع؛ در این راستا ضروری است ابتدا طرح تفصیلی منظرسازی محدوده بر اساس طرح‌های نوآوارانه و خلاق تهیه و با جذب سرمایه‌گذاری خصوصی به اجرای این اقدام نمود.

✓ برندسازی کشاورزی شهری منطقه جهت جذب گردشگر و ارتقاء کیفیت منظر شهری پایدار با تنوع بخشی به تولیدات و کارکردها؛ در این بخش توسعه فضاهای تفریحی و گردشگری بر مبنای رویکرد اکولوژیک الزامی می‌باشد.

✓ تبلیغات مناسب برای مزیت‌های منطقه جهت جذب سرمایه‌گذار؛ بدین منظور نیاز است با تهیه ماکت و ظرفیت‌های این منطقه با رویکرد خلاقانه مقدمات جذب سرمایه‌گذارها فراهم گردد.

- ✓ استفاده از مراجع دانشگاهی جهت تولید محصولات دانش محور و توسعه ی پارک های آموزشی در منطقه؛ در این بخش ارتقاء زیرساخت های کشاورزی همچون دستگاه های مکانیزه، نحوه ی آبیاری و همچنین پارک های آموزشی عاملی مهم در جذابیت منطقه و منظر سازی آن می باشد.
- ✓ بدنه سازی اراضی مجاور منطقه با تم کشاورزی شهری؛ در این راستا، ارائه ی تسهیلات مناسب و الزام به بهره مندی از رویکرد اکولوژیک در بازسازی اراضی مجاور ضروری می باشد.
- ✓ ثبت ملی اراضی تاریخی-فرهنگی حکم آباد جهت جلوگیری از کاهش مساحت اراضی و تثبیت منظر کشاورزی شهری؛ این موضوع علاوه بر ارتقاء جایگاه و اهمیت منطقه از نفوذ دلالت زمین و بورس بازان جلوگیری می نماید.
- ✓ توسعه ی فناوری های پیشرفته و آبیاری در جهت ارتقاء کشاورزی شهری منطقه؛ بدین منظور بهره مندی از تجربیات موفق جهانی توصیه می گردد.
- ✓ تغییر فعالیت اراضی صنعتی مجاور جهت پشتیبانی صنایع حوزه ی کشاورزی؛ در این زمینه نیاز است که فعالیت های صنعتی با مکان یابی مناسب به دیگر مناطق انتقال یافته و این حوزه زیستی تنها با فعالیت های طبیعی پشتیبانی گردد.
- ✓ تکمیل زنجیره ی ارزش محصول و احداث واحدهای بسته بندی با تشویق بخش خصوصی کارآفرین و فعال به ارزش افزوده ی محصول در راستای توسعه ی کارکردی منطقه؛
- ✓ راهکارهای ارائه شده همراه با ارائه ی تسهیلات مناسب به ساکنان بومی در راستای توسعه ی کشاورزی شهری و باغ ها از یک سو و همچنین ارائه ی آموزش های مناسب و افزایش آگاهی آنها در زمینه ی مزیت های کشاورزی شهری نیز از اقدامات اساسی در راستای توسعه ی اکولوژیک و منظر طبیعی منطقه می باشد.

کتاب نامه

۱. احمدی، ف.، بمانیان، م.ر.، و انصاری، م. (۱۳۹۶). روش مرمت منظر مناظر طبیعی بر مبنای رویکرد اکولوژی منظر. *باغ نظر*، ۱۴ (۵۶)، ۵-۱۶.
۲. پاکزاد، ج. (۱۳۹۵). *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
۳. حائری، س.، و اسماعیل دخت، م. (۱۴۰۱). مقیاس های تعامل منظر شهری با اکولوژی شهری در برنامه های توسعه ی شهری. *منظر شهری*، ۱۴ (۵۹)، ۵۸-۷۳.

۴. خلیل‌نژاد، س.م.ر. (۱۴۰۰). ملاحظات برنامه‌ریزی، ویژگی‌های فضایی و اصول طراحی منظر کشاورزی شهری مطابق با الگوی باغ ایرانی. هویت شهر، ۱۵ (۴۶)، ۳۲-۱۹.
۵. زندیه، م.، و سحرخیز، م. (۱۳۹۷). معماری منظر؛ گستره‌ای بی‌انتها. اندیشه‌ی معماری، ۲ (۳)، ۴۳-۲۹.
۶. طاهری، ف. (۱۴۰۰). فرصت‌ها و چالش‌های فرارو در زیباسازی سیما و منظر شهری (مورد مطالعه: استان خوزستان، شهر ایذه). پژوهش‌های مکانی فضایی، ۶ (۲۱)، ۶۸-۵۷.
۷. کریمی، م.، بمانیان، م.ر.، انصاری، م.، و منصوری، س.ا. (۱۴۰۲). بازشناسی مؤلفه‌های نظام بصری منظر شهری، عناصر و ارزش‌ها. منظر، ۱۵ (۶۲)، ۸۵-۷۲.
۸. مهندسین مشاور شارستان. (۱۴۰۰). طرح حفاظت و ساماندهی پارک بزرگ تبریز. تبریز: شهرداری کلان‌شهر تبریز.
9. Abdoellah, O.S., Suparman, Y., Safitri, K.I., Mubarak, A.Z., Milani, M., Margareth, M., & Surya, L. (2023). Between food fulfillment and income: Can urban agriculture contribute to both? *Geography and Sustainability*, 4(2), 127-137.
10. Bechle, M.J., Millet, D.B., & Marshall, J.D. (2011). Effects of income and urban morphology on urban NO₂: global evidence from satellites. *Environmental Science & Technology*, 45(11), 4914-4919.
11. Camps-Calvet, M., Langemeyer, J., Calvet-Mir, L., & Gomez-Baggethun, E. (2016). Ecosystem services provided by urban gardens in Barcelona, Spain: Insights for policy and planning. *Environmental Science & Policy*, 62, 14-23.
12. Clark, K.H., & Nicholas, K.A. (2013). Introducing urban food forestry: A multifunctional approach to increase food security and provide ecosystem services. *Landscape Ecology*, 28(9), 1649-1669.
13. Council of Europe. (2000). European Landscape Convention, Florence, October 20, 2000. European Treaty Series, No. 176, 7 pp.
14. De Jonge, J.M. (2009). *Landscape architecture between politics and science: an integrative perspective on landscape planning and design in the network society*. PhD thesis. The Netherlands: Wageningen University.
15. Feng, Y.J., & Liu, Y. (2015). Fractal dimension as an indicator for quantifying the effects of changing spatial scales on landscape metrics. *Ecological Indicators*, 53, 18-27.
16. Feola, G., Sahakian, M., Binder, C.R., & Zundritsch, P. (2020). *Sustainability ASSESSMENT OF URBAN AGRiculture*. In: Binder, C.R., Wyss, R., Massaro, E. (Eds.), Sustainability Assessment of Urban Systems. Cambridge University Press, pp. 417-437.
17. Frantzeskaki, N., Broto, V. C., Coenen, L., & Loorbach, D. (Eds.). (2017). *Urban sustainability transitions*. Taylor & Francis.
18. Gergel, S.E., & Turner, M.G. (2001). *Landscape Ecology in Theory and Practice*. Springer-Verlag. ISBN0387952543.
19. Hassan, D.K., Hewidy, M., & El Fayoumi, M.A. (2022). Productive urban landscape: Exploring urban agriculture multi-functionality practices to approach genuine quality of life in gated communities in Greater Cairo Region. *Ain Shams Engineering Journal*, 13(3), 1-19.
20. He, M., Wu, Y., Liu, X., Wu, B., & Fu, H. (2023). Constructing a multi-functional small urban green space network for green space equity in urban built-up areas: A case study of Harbin, China. *Heliyon*, 9(11), e21671.
21. Hisschemoller, M., Kireyeu, V., Freude, T., Guerin, F., Likhacheva, O., Pierantoni, I., Sopina, A., von Wirth, T., Bojanic Obad Scitaroci, B., Mancebo, F., Sargolini, M., &

- Shkaruba, A. (2022). Conflicting perspectives on urban landscape quality in six urban regions in Europe and their implications for urban transitions. *Cities*, 131, 1-12.
22. Inkoom, J.N., Frank, S., Greve, K., Walz, U., & Fürst, C. (2018). Suitability of different landscape metrics for the assessment of patchy landscapes in West Africa. *Ecological Indicators*, 85, 117-127.
23. Jacons, P. (2011). Where have all the Flowers Gone? *Landscape and Urban Planning*, 100, 318-320.
24. Jia, Y., Tang, L., Xu, M., & Yang, X. (2019). Landscape pattern indices for evaluating urban spatial morphology – A case study of Chinese cities. *Ecological Indicators*, 99, 27-37.
25. Lafontaine-Messier, M., Gélinasb, N., & Olivier, A. (2016). Profitability of food trees planted in urban public green areas. *Urban Forestry & Urban Greening*, 16, 197-207.
26. Lin, B.B., Philpott, S.M., & Jha, S. (2015). The future of urban agriculture and biodiversity ecosystem services: Challenges and next steps. *Basic and Applied Ecology*, 16(3), 189-201.
27. Liu, Z., He, C., Yang, Y., & Fang, Z. (2020). Planning sustainable urban landscape under the stress of climate change in the drylands of northern China: A scenario analysis based on LUSD urban model. *Journal of Cleaner Production*, 244, 1-14.
28. Marini, M., Caro, D., & Thomsen, M. (2023). Investigating local policy instruments for different types of urban agriculture in four European cities: A case study analysis on the use and effectiveness of the applied policy instruments. *Land Use Policy*, 131, 1-9.
29. Mougeot, L.J. (2010). *Agropolis: The social, political, and environmental dimensions of urban agriculture*. Routledge.
30. Nzimande, P. (2013). Does Urban Agriculture Create Job Opportunities? Available at: https://www.researchgate.net/publication/316472851_Does_Urban_Agriculture_Create_Job_Opportunities.
31. Pochodyła, E., Glińska-Lewczuk, K., & Jaszczak, A. (2021). Blue-green infrastructure as a new trend and an effective tool for water management in urban areas. *Landscape Online*, 92, 1-20.
32. Price, S.J., Ford, J.R., Campbell, S.D.G., & Jefferson, I. (2016). *Urban Futures: the sustainable management of the ground beneath cities*. In: Eggers, M.J., Griffiths, J.S., Parry, S., Culshaw, M.G. (Eds.) *Developments in Engineering Geology*. Geological Society of London Engineering Geology Special Publication. London, pp. 19-33.
33. Raddad, S.H. (2022). Strategic planning to integrate urban agriculture in Palestinian urban development under conditions of political instability. *Urban Forestry & Urban Greening*, 76, 1-13.
34. Thompson, I.H. (2014). *Landscape architecture: a very short introduction*. Oxford University Press.
35. Wu, R., Tang, H., & Lu, Y. (2022). Exploring subjective well-being and ecosystem services perception in the agro-pastoral ecotone of northern China. *Journal of Environmental Management*, 318, 115591.
36. Zhang, X., Wu, Y., & Shen, L. (2011). An evaluation framework for the sustainability of urban land use: A study of capital cities and municipalities in China. *Habitat International*, 35, 141-149.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

Measuring and evaluating the physical-spatial development pattern of Yasouj city

Mehdi Ehsasikhah

PhD Student in Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Keramataallah Zayyari¹

Professor of the Department Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Abbas Rajaei

Assistant Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Ahmad Pourahmad

Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Hataminejad

Professor of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 8 May 2024

Accepted: 2 June 2024

PP. 28-49

Abstract

The pattern of physical development is one of the important and key issues of the 21st century in connection with the discussion of city sustainability. This pattern is defined as the pattern of spatial development of human activities at a certain point in time and is classified into two general categories: scattered or horizontal expansion and compact pattern. It is essential to know the pattern of physical development of the city and evaluate the pattern of its compression and dispersion in order to guide it in the direction of urban sustainability development. Because nowadays most researchers believe that there is a significant relationship between the physical development pattern of the city and sustainability. Based on this, the main goal of the research is to analyze the physical-spatial development pattern of Yasouj city using satellite image processing and quantitative models. Research methodology is a combination of deductive and inductive methods. The findings of the research indicate that during the last four decades (1400-1370), the maximum amount of physical development of Yasouj city was in the northwest, west and south directions. On the other hand, the results indicate that the growth rate of the physical development of the city is higher than the growth rate of the urban population. Also, the pattern of physical growth of Yasouj city during the period of 2015-2015 has a horizontal and spiral development pattern, and the maximum amount of horizontal physical development is related to 2015 with an entropy coefficient equal to 1.33. Therefore, the control and monitoring of urban constructions in the north-west and west axis and the management of the settlement of immigrants can be an important strategy in guiding the physical development of Yasouj city.

Keywords: Physical development, spiral pattern, sustainability, quantitative models, Yasouj city

¹. Corresponding author. Email: karamatzeyari@gmail.com

Extended abstract

1.Introduction

Rapid urbanization—widely regarded as one of the most critical dimensions of global change—has driven the physical expansion and development of cities, inducing extensive land-use transformations from micro to macro scales. As automobile-oriented development became the dominant urban paradigm of the twenty-first century, urban sprawl emerged as the primary pattern of urban form. Urban sprawl is characterized by the declining relevance of central city districts, a lack of effective urban planning, and leapfrog urban development. Numerous factors play a pivotal role in accelerating sprawl, including transformations in urban economic foundations, land speculation, lenient urban planning policies, abrupt decision-making regarding metropolitan expansion, and inefficient urban and regional regulations and plans.

This unbridled sprawl generates severe adverse impacts, such as intensified traffic congestion, widening inequality, poverty, multi-dimensional pollution (air, soil, water, and noise), loss of agricultural land, and habitat destruction. Over recent decades, rapid urbanization—particularly the swift growth of major cities, profound structural and socio-physical shifts in Iranian urban areas, and the disruption of urban network equilibrium—has driven unrestrained urban expansion and the degradation of environmental resources. These spatial transformations have manifested as rapid population growth coupled with accelerated, unbalanced, and fragmented physical expansion.

An analysis of population and territorial dynamics in the city of Yasuj reveals substantial growth fluctuations in recent decades, indicating that the city has expanded at a pace significantly exceeding its natural trajectory. This rapid spatial growth underscores the urgent need for structured planning, fundamental organization, and guided urban development to mitigate urban sprawl and prevent the encroachment of development onto agricultural lands. Accordingly, this study seeks to determine the spatial-physical development pattern of Yasuj, offering actionable insights and strategic guidelines for future planning toward desirable and sustainable urban growth.

2. Method

To determine the extent of physical development in the city of Yasuj, this study utilized Landsat satellite imagery—incorporating data from the MSS, TM, and OLI sensor series spanning the period from 1991 to 2021 at spatial resolutions of 15 m and 30 m, retrieved from the United States Geological Survey (USGS) website. Using ENVI image processing software, built-up surfaces within the designated timeframe were extracted following radiometric and atmospheric corrections, employing a supervised classification method (maximum likelihood classification). Subsequently, spatial expansions during the study period were quantified using Geographic Information Systems (ArcGIS). In the second phase of the research, the spatial patterns of urban growth were identified by integrating secondary demographic and spatial data with quantitative models, including the rank-size/density rule, Shannon's Entropy Index, and Holdern's model.

3.Results

The findings of this study show that Yasuj city had a horizontal and spiral development pattern during the period 1986-2016. This spiral development accounted for significant amounts of

Yasuj city's growth until 1986. After 1986, the development of Yasuj city was mostly due to population growth; as the city's population increased, population density decreased, and this factor led to an increase in the city's physical development rate during the aforementioned period. On the other hand, it can be said that three factors: 1. The integration of peripheral villages due to the presence of open and vast lands in the west and northwest axes, 2. Favorable access, cheap lands, and the presence of a number of industrial and residential towns and administrative centers in the southeast and south axes, and 3. The limitations of the natural environment, such as the presence of the Zagros mountain range in the northeast and east axes, the Bashar rivers in the southern axis of the city, and the Mehran river in the northwest axis, have to some extent removed the city from its nuclear and centralized state and transformed it into an urban form with a dispersed expansion.

4. Discussion and Conclusion

In explaining the research findings, the settlement of people with poor financial means in the neighborhoods of Sharaf Abad and Imam Hussein Town located on the south and southeast axis, and the annexation of peripheral villages to the city of Yasuj on the west and northwest axis can be examined with regard to the factor of cheap land and Dr. Farid's theories of growth linkage (using land around the city for the additional population of the city and immigrants), Maslow's needs, and the theory of political economy of space, so that in this category of migrations, changes in the use of urban lands, changes in residential rent, and easy access to industrial estates are considered. In relation to the role of natural environmental factors in the formation of dispersed urban settlement development, the hydraulic theory or the basis of environmentalism in the emergence and development of the city and the theory of natural city construction/city geography characteristics (human impacts on the natural environment and environmental impacts on human behavior and activities) can be examined as the most important theories related to the physical development and construction of the city.

Keywords: Spiral Model, Sustainability, Physical Development, Yasuj city, Quantitative Model



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

سنجش و ارزیابی الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج

مهدی احساسی خواه (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

Mehdiehsas212@gmail.com

کرامت اله زیاری* (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

Zayyari@ut.ac.ir

عباس رجائی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

sarajaei@ut.ac.ir

احمد پوراحمد (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

apoura@ut.ac.ir

حسین حاتمی نژاد (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

صص ۲۸-۴۹

چکیده

الگوی توسعه فیزیکی - کالبدی یکی از موضوعات مهم و کلیدی قرن بیست و یکم در ارتباط با بحث پایداری شهر است. این الگو به عنوان الگوی توسعه فضایی فعالیت‌های انسان در برهه خاصی از زمان تعریف می‌گردد و به دو دسته کلی گسترش پراکنده یا افقی و الگوی فشرده طبقه‌بندی می‌گردد. شناخت الگوی توسعه کالبدی شهر و ارزیابی الگوی میزان فشردگی و پراکندگی آن جهت هدایت آن در راستای توسعه پایداری شهری امری ضروری برای تمام جوامع شهری است، چراکه امروزه اغلب پژوهشگران و مدیران شهری اعتقاد دارند که ارتباط معناداری بین الگوی توسعه کالبدی شهر با پایداری وجود دارد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج با استفاده از پردازش تصاویر ماهواره‌ای و مدل‌های کمی است. روش‌شناسی تحقیق، ترکیبی از روش‌های قیاسی و استقرایی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در طی چهار دهه اخیر (۱۴۰۰-۱۳۷۰)، بیشترین میزان توسعه فیزیکی شهر یاسوج در جهات شمال غربی، غرب و جنوب بوده است. از سویی دیگر نتایج حاکی از بالا بودن نرخ رشد توسعه کالبدی شهر بر نرخ رشد جمعیت شهری است. همچنین الگوی رشد کالبدی شهر یاسوج طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ دارای الگوی توسعه افقی و اسپرال بوده است که بیشترین میزان توسعه کالبدی افقی مربوط به سال ۱۳۸۵ با ضریب آنتروپی برابر با ۱/۳۳ می‌باشد. از این رو کنترل و نظارت بر ساخت‌وسازهای شهری در محور شمال غرب و غرب و مدیریت اسکان مهاجران می‌تواند راهبرد مهمی در هدایت توسعه کالبدی شهر یاسوج باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی اسپرال، پایداری، توسعه کالبدی، شهر یاسوج، مدل‌های کمی

۱. مقدمه

شهرنشینی پدیده‌ای جهانی است که به‌طور قابل‌توجهی بر توسعه پایدار شهری و کیفیت زندگی شهری تأثیر می‌گذارد (شوا^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از مباحث حیاتی قرن بیست و یکم در ارتباط با پایداری شهر، چگونگی رشد و توسعه شهر در فضا یا شکل شهر می‌باشد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۲). توسعه شهری از زمان شروع تا به امروز دارای روند نسبتاً متعادلی بوده است (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶)، اما تحولات فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی قرن ۱۹ و ۲۰ باعث تغییرات بنیادی در سازمان و ساختار فضایی - کالبدی شهرها شده است (زیاری، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۱). در این بین، به‌واسطه افزایش میزان شهرنشینی که از مهم‌ترین جنبه‌های تغییر جهانی قلمداد می‌شود (ژو^۲ و همکاران، ۲۰۰۷، ص. ۵۹۷)، مقدمه رشد و توسعه کالبدی شهرها فراهم آمده است (سلیمانی مهرنجانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۰) و تغییرات وسیعی از مقیاس خرد تا کلان را در کاربری زمین ایجاد نموده است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۴۸۶). از آنجاکه در قرن ۲۱ فرم مسلط زندگی شهری براساس اتومبیل شکل گرفته است (گلاسر و متیو^۳، ۲۰۰۴، ص. ۲۴۸۱)، عمده‌ترین الگوی فرم شهری، الگوی رشد پراکنده شهری بوده است (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۶۶؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵). این پدیده با شهرنشینی غیرعادی همراه است و به موضوعی کلیدی برای نگرانی جهانی تبدیل شده است (ژانگ و پن^۴، ۲۰۲۱، ص. ۲). الگوی اسپرال، رشد شهری پراکنده و کم بازده شهری را بیان می‌کند (هس و ریچارد^۵، ۲۰۰۳، ص. ۱۵۹) و با تراکم کم و دسترسی کم در مناطق یکنواخت پیرامونی مشخص می‌شود (ابرو سیلوا و کورئا^۶، ۲۰۲۳، ص. ۱). پراکنده رویی همچنین با کاهش اهمیت مناطق مرکزی (اوینگ^۷ و همکاران، ۲۰۰۲)، فقدان برنامه‌ریزی شهری مؤثر و رشد جهشی شهری همراه است (گلاسر و همکاران، ۲۰۰۲). یک تعریف دیگر نشان می‌دهد که پراکندگی، پدیده‌ای غیرقابل‌کنترل و توسعه ناکارآمد فضا است (ویلمن^۸ و همکاران، ۲۰۱۷). درواقع شهر اسپرال پدیده‌ای ظالمانه است (سالینگاروس^۱، ۲۰۰۶، ص. ۱۰۰) که منجر به اثرات منفی زیست‌محیطی و اقتصادی بر شهر می‌گردد (ابرو سیلوا و کورئا، ۲۰۲۳، ص. ۱). مهم‌ترین دلیل رشد پراکنده‌ی شهر، افزایش جمعیت شهرنشینی و یا کمبود یا قابل‌دسترس نبودن فضای لازم برای سکونت در داخل فضای موجود شهر است (نظم‌فر و همکاران، ۲۰۱۷). از سویی دیگر عوامل متعددی چون دگرگونی بنیان اقتصادی شهر و فراهم شدن امکان بورس‌بازی زمین، سیاست‌های سهل‌انگارانه شهرسازی و تصمیم‌گیری‌های ناگهانی برای توسعه مناطق کلان‌شهری، قوانین

1. Shao

2. Xu

3. Glaeser & Matthew

4. Zhang & Pan

5. Hass & Richard

6. Abreu e Silva & Correia

7. Ewing

8. Weilenmann

و برنامه‌های ناکارآمد شهری و منطقه‌ای نقش مهمی در گسترش رشد اسپرال شهری است (داداش پور و میری لواسانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴). پراکنده رویی منجر به پیامدهای ناگوار زیادی از جمله افزایش ازدحام ترافیک، افزایش نابرابری، فقر، آلودگی (هوا، زمین، آب و صدا)، کاهش زمین‌های کشاورزی و از بین رفتن زیستگاه می‌گردد (پراساد^۲، ۲۰۲۳). ارزیابی پراکندگی شهری برای برنامه‌ریزی شهری پایدار حیاتی است و با اهداف کلیدی اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد همسو است (متنزی سیتول^۳ و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۱) چراکه با شدت گرفتن توسعه شهر، برنامه‌ریزی برای توسعه‌های آتی در جهت کاهش میزان تخریب در زمینه‌های مختلف، امری باارزش تلقی می‌شود (خیرالدین و سالاریان، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴). رشد شتابان شهرنشینی به‌ویژه رشد سریع شهرهای بزرگ و تغییرات سریع و عمیق بافت کالبدی و ساخت اجتماعی شهرهای ایران در چند دهه اخیر و برهم خوردن تعادل در شبکه شهری موجب گسترش بی‌رویه شهری و از بین رفتن منابع محیطی شده است (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۴) که این دگرگونی‌ها به شکل افزایش سریع جمعیت و گسترش فیزیکی شتاب آور شهری و به‌صورت نامتعادل و ناهماهنگ بوده است (نیک پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۷). تغییرات سریع و شتابان کالبدی و تحولات فضایی شهرها باعث شده تا امروزه شهرهای کشور توانایی حفظ ویژگی‌های سنتی و اصیل خود را نداشته باشند و بکارگیری اصول تازه و علمی بر کالبد آن‌ها و رشد و توسعه آینده‌شان با مشکلات بسیاری همراه باشد (موسوی، ۲۰۱۷). در ارتباط با موضوع پژوهش، تحقیقات گسترده‌ای در سطح داخلی و خارجی صورت گرفته است که می‌توان به‌اختصار به چندین مورد اشاره نمود. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که شهر کرج طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۳۵ (ایمان پور نمین و همکاران، ۱۴۰۲)، شهر کایاکلا طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ (قدمی و همکاران، ۱۳۹۹)، منطقه ۲۲ شهر تهران (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰)، شهر تبریز (عبداله زاده و همکاران، ۱۴۰۰)، بابلسر (نیک پور و همکاران، ۱۴۰۰)، اراک (اسمعیل پور و همکاران، ۱۳۹۹)، کاشمر (عبدی تریقان و همکاران، ۱۳۹۹)، کلان‌شهر تهران (یوسفی آذر ابرغانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ جواهری تقدس و همکاران، ۱۳۹۸) و کلان‌شهر مشهد (شیروانی مقدم و سعیدی مفرد، ۱۳۹۸) دارای الگوی رشد پراکنده و گسترش افقی بی‌رویه بوده است. محققان اشاره کرده‌اند که در پراکنده رویی شهر ساری دو عامل تراکم و دسترسی دارای اثر بسیار بالا (نیک پور و یاراحمدی، ۱۴۰۱)، در شهر مشهد، مهاجرت از روستاها و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف شهر (فکور کارگر و همکاران، ۱۳۹۸) و در شهر اهواز زمین‌های کشاورزی مهم‌ترین عامل در روند گسترش پراکنده رویی بوده است (شماعی و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعات خارجی حاکی از آن‌که سنجش پراکندگی شهری زیмбаوه بین سال‌های ۲۲۰۲-۱۹۸۴ به‌شدت افزایش پیدا کرده

است (میتونزی سیتوله^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). در پراکنده رویی شهرهای متوسط کشور پرتغال بین سالهای ۲۰۰۱-۲۰۱۱ نتایج نشان می‌دهد که الگوهای پراکندگی قبلی، ویژگی‌های جمعیت، توسعه اقتصادی، الگوهای رفت‌وآمد، سیاست‌های مهار شهری و ویژگی‌های جغرافیایی بر پراکندگی تأثیر می‌گذارند (ابرو ای سیلوا و کوریا^۲، ۲۰۲۳). در کشور چین، الگوی پراکنده رویی شهری بعد از سال ۲۰۰۰ به شدت افزایش یافته است و میزان مهاجرت، پایین بودن قیمت زمین، هزینه رفت‌وآمد و تأمین زمین‌ساخت و ساز شهری، شدت پراکندگی شهری را تشدید می‌کند (ژانگ و پن^۳، ۲۰۲۱؛ وانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۹؛ لیو^۵ و همکاران). در کشور غنا، پراکندگی شهری از خصوصیات بارز آن می‌باشد و در صورت عدم وجود زیرساخت‌های اساسی همچون آب و فاضلاب این پراکنده رویی رخ می‌دهد (براندفول و نوسما^۶، ۲۰۱۷). محققان دیگر نیز بیان می‌کنند که شهرنشینی و سیاست‌های دولت منجر به شکل‌گیری شهرک‌های غیر برنامه‌ریزی و به تبع آن پراکنده رویی شهری شده (ابودو^۷ و همکاران، ۲۰۱۸) و عوامل برگرفته از جغرافیای اقتصادی بر رشد و اندازه شهرها مؤثر است (ابیشک^۸، ۲۰۱۷؛ فانگ^۹، ۲۰۱۷).

نکته مهم درباره پژوهش حاضر این است که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های یادشده، فرایند توسعه کالبدی یک شهر با دیدگاه جامع بررسی نشده است؛ به‌نحوی که اغلب پژوهش‌ها تنها براساس مدل‌های کمی به بررسی گسترش افقی و پراکنده شهر انجام پذیرفته و عوامل مؤثر محیط طبیعی در توسعه کالبدی در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین با بکارگیری دیدگاه جامع در تحلیل توسعه کالبدی شهری را می‌توان به‌عنوان وجه تمایز و نوآورانه پژوهش حاضر برشمرد. بررسی تحولات جمعیت و مساحت شهر یاسوج حاکی از نوسانات گسترده رشد شهر طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵ است. از این‌رو مراحل رشد و گسترش خود را سریع‌تر از آهنگ طبیعی طی نموده است (فرج زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۷). این امر ضرورت برنامه‌ریزی، سازماندهی اساسی و هدایت آگاهانه توسعه شهری را به‌منظور جلوگیری از ساخت‌وساز در اراضی کشاورزی و توسعه پراکنده و ناموزون شهری افزایش داده است؛ بنابراین مطالعه دقیق و شناخت همه‌جانبه عوامل مؤثر در توسعه شهر یاسوج و الگوی فضایی گسترش کالبدی - فضایی شهر بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش درصدد تعیین الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر یاسوج می‌باشد که رهیافت‌های آن می‌تواند راهکارهای مناسبی را در زمینه برنامه‌ریزی‌های آتی و گسترش کالبدی - فضایی مطلوب و پایدار شهر فراهم نماید.

1. Mthunzi Sithole

2. Abreu e Silva & Correia

3. Zang & Pan

4. Wang

5. Liu

6. Brandful & Nsolah

7. Abudu

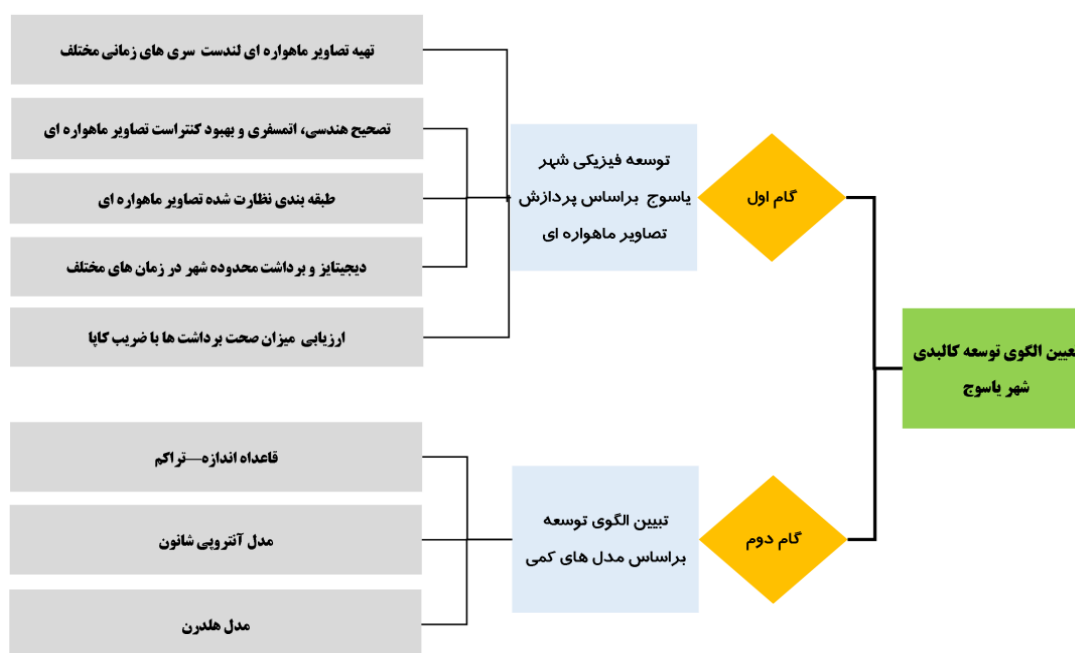
8. Abhishek

9. Fang

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. روش تحقیق

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و تحلیل الگوی توسعه فضایی - کالبدی شهر یاسوج است. از این رو در جهت تعیین میزان توسعه فیزیکی شهر یاسوج از تفسیر تصاویر ماهواره لندست با سری سنجنده‌های (MSS-TM-OLI) مربوط به سال‌های ۱۳۷۰-۱۴۰۰ با قدرت تفکیک ۳۰ متر و ۱۵ متر از سایت زمین‌شناسی آمریکا استفاده شد. با به‌کارگیری نرم‌افزار پردازش تصاویر ماهواره‌ای ENVI سطوح انسان‌ساخت مربوط به این بازه زمانی موردنظر بعد از عملیات تصحیح رادیومتریکی و اتمسفری با استفاده از طبقه‌بندی نظارت‌شده (طبقه‌بندی بیشترین شباهت) استخراج گردیده است و در نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (ARC GIS) سطوح توسعه‌یافته طی بازه زمانی استخراج شده است. در بخش دوم پژوهش با استفاده از آمارها و اطلاعات حاصل از داده‌های ثانویه و نیز استفاده از مدل‌های کمی همچون قانون اندازه-تراکم، مدل آنتروپی شانون و هلدرن نحوه الگوی توسعه شهر مشخص گردید.

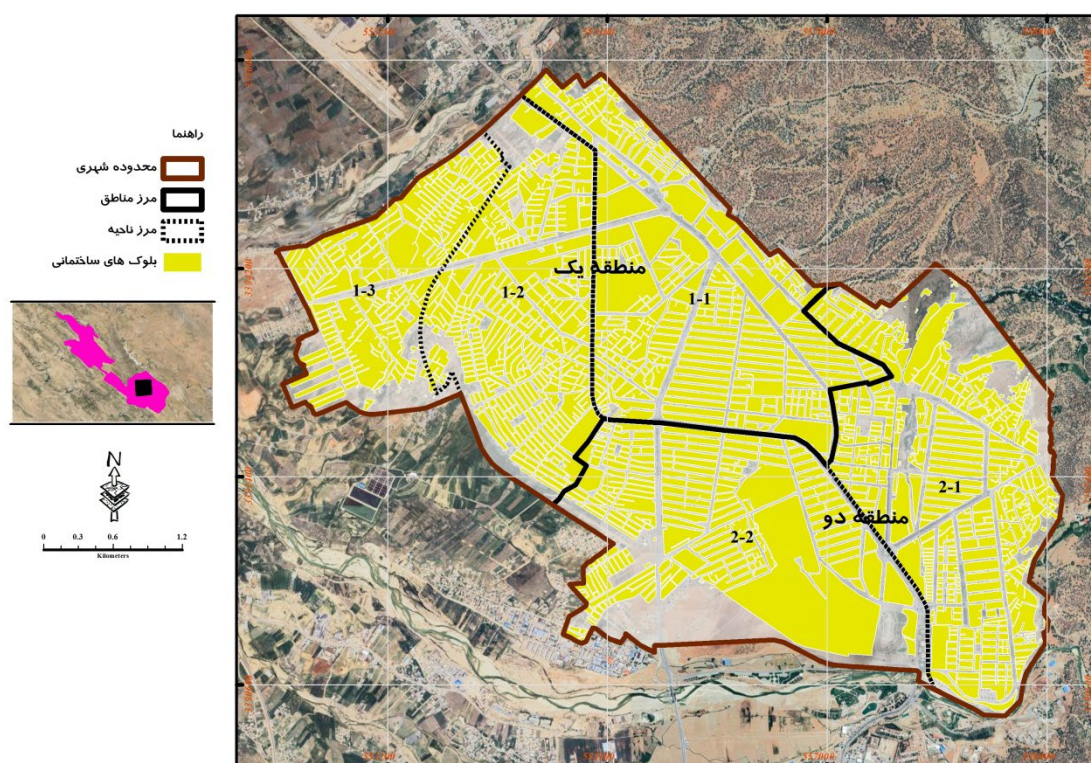


شکل ۱. مدل فرآیند انجام پژوهش

۲.۲. منطقه مورد مطالعه

شهر یاسوج در موقعیت جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۴۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. بخش‌های شرقی محدوده شهری یاسوج دارای ارتفاع بیشتری نسبت به سایر نواحی می‌باشد و از شرق به غرب شهر از ارتفاع و شیب اراضی به‌طور

محسوسی کاسته می‌گردد. گسل یاسوج با امتداد شمال غربی - جنوب شرقی و گسل ده نو در بخش جنوبی شهر به‌عنوان مهم‌ترین گسل‌های محدودکننده توسعه کالبدی شهر بشمار می‌آیند. براساس آخرین سرشماری انجام گرفته در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر یاسوج برابر با ۱۳۴۵۳۲ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شهر یاسوج تا سال ۱۳۵۰ دارای توسعه شهری ضعیف و محدودی به احداث چند خیابان، خانه‌سازمانی و ... بوده است اما از دهه ۶۰ به بعد همراه با افزایش شهرنشینی گسترده، وسعت شهر نیز رشد چشمگیری به خود دید به‌گونه‌ای که امروزه، فضای وسیعی را تحت اشغال خود درآورده است.



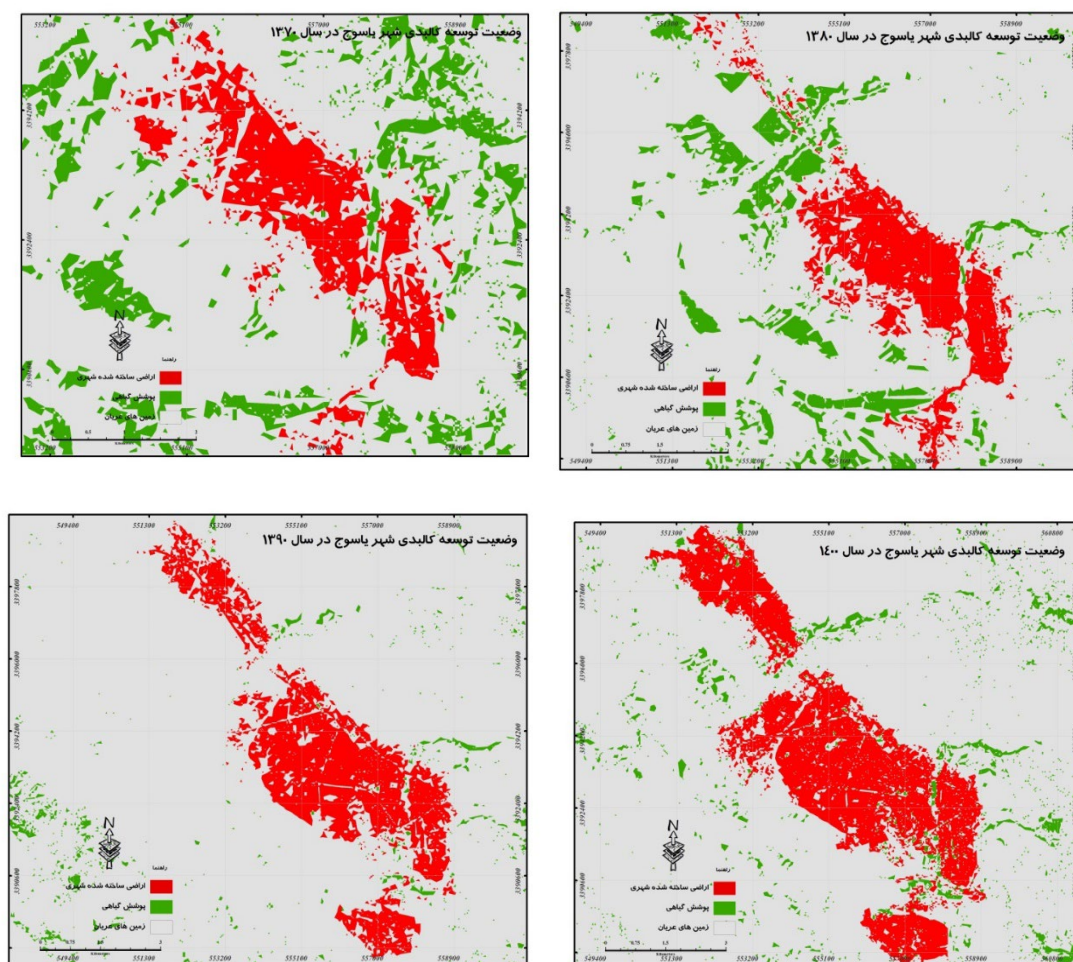
شکل ۲. محدوده مورد مطالعه پژوهش

۳. یافته‌ها

۳.۱. توسعه فیزیکی شهر یاسوج طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۶۰

براساس مطالعات و اسناد بالادستی همچون طرح توسعه و عمران شهر یاسوج، بخش زیادی از محور شرقی شهر یاسوج با محدودیت توسعه از جانب عوامل محیط طبیعی نظیر گسل یاسوج و ساختار توپوگرافی روبرو می‌باشد. از سویی دیگر یکی از موضوعاتی که تأثیرگذاری زیادی در تناسب اراضی این شهر برای فعالیت‌هایی که نیاز به سازه و یا ساختمان دارند، وضعیت خاک است، به‌نحوی که عموم خاک‌هایی که محدوده شهری به‌ویژه محور غرب، شمال غرب و جنوب غرب را در بر گرفته است، از جنس خاک‌های حاصلخیز برای فعالیت‌های کشاورزی به شمار می‌رود؛ بنابراین در این طرح محور غربی به‌عنوان ناحیه توسعه کالبدی در سال‌های آینده را پیش‌بینی نموده است. همچنین در این طرح محدودیت‌های انسانی

همچون تصفیه‌خانه، گورستان‌ها، شهرک‌های صنعتی را به‌عنوان ویژگی‌های مثبت از نوع محدودیت و یا با سازگاری کم با نواحی مسکونی مطرح کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، بر اساس نتایج استخراج گردیده از میزان توسعه کالبدی شهر یاسوج، در بین سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۰ از نظر میزان مساحت توسعه کالبدی، بیشترین میزان توسعه کالبدی مربوط به محور شمال غربی بوده است، به‌طوری‌که میزان توسعه کالبدی شهر یاسوج در این محور حدود ۱۳۵/۷ هکتار بوده است. در بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰، بیشترین میزان توسعه کالبدی مربوط به محور شمال غرب با توسعه‌ای برابر با ۲۶۷/۲ هکتار بوده است. در جایگاه دوم، محور غرب شهر نیز در این سال دارای توسعه فیزیکی به میزان ۹۸/۷ هکتار روبرو بوده است. در بین محورهای جغرافیایی، کمترین میزان توسعه فیزیکی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۰ مربوط به محور شمال به میزان ۵/۲ هکتار بوده است؛ بنابراین شهر یاسوج در دوره زمانی مذکور بیشترین میزان توسعه فیزیکی خود را در محورهای شمال غرب، غرب و جنوب تجربه کرده است. در بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ بازهم محور غربی دارای بیشترین میزان توسعه کالبدی بوده است. در جایگاه دوم، محور غربی شهر نیز در این سال دارای توسعه فیزیکی به میزان ۷۵/۴ هکتار روبرو بوده است.

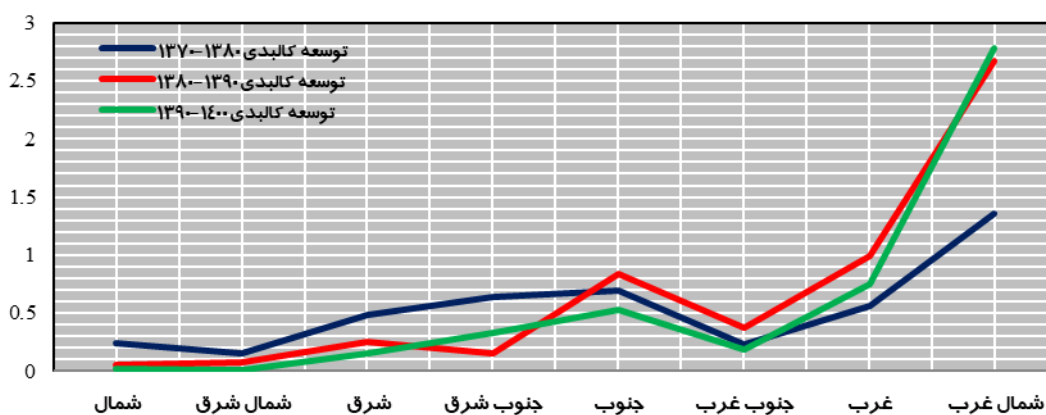


شکل ۳. روند توسعه فیزیکی شهر یاسوج طی دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۰

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، بیشترین میزان توسعه فیزیکی این شهر طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۷۰، در جهت شمال غربی به میزان ۶۸۱/۲ هکتار بوده است. در جایگاه دوم و سوم به ترتیب محورهای غرب با مساحت ۲۳۰/۲ هکتار و جنوب با مساحت ۲۰۶/۵ هکتار قرار گرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که این شهر در طی چهار دهه اخیر (۱۴۰۰-۱۳۷۰)، بیشترین میزان توسعه فیزیکی خود را در جهات شمال غربی، غرب و جنوب داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت که جهت توسعه کالبدی این شهر به سمت محور شمال غربی و غرب می‌باشد.

جدول ۱. روند توسعه فیزیکی شهر یاسوج در دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۰

میزان توسعه (کیلومتر مربع)				محور
سال ۱۳۷۰-۱۳۸۰	سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰	سال ۱۳۹۰-۱۴۰۰	توسعه کالبدی کل	
۲۴,۴۷۴۵	۵,۲۲۰۵	۱,۵۹۵	۳۱,۲۹	شمال
۱۵,۵۱۱۹	۷,۶۱۵۱	۰,۹۲۴	۲۴,۰۵۱	شمال شرق
۴۸,۷۶۵	۲۵,۰۳۵	۱۵,۷۵۶	۸۹,۵۵۶	شرق
۶۳,۹۲۷	۱۵,۰۶۶	۳۳,۰۰۹	۱۱۲,۰۰۲	جنوب شرق
۶۹,۶۳۸	۸۴,۱۸۸	۵۲,۷۳۵	۲۰۶,۵۶۱	جنوب
۲۳,۰۱۵۷	۳۷,۷۶۵۱	۱۸,۵۸۸	۷۹,۳۶۸۸	جنوب غرب
۵۶,۰۹۲۹	۹۸,۷۹۹	۷۵,۴۰۱	۲۳۰,۲۹۲۹	غرب
۱۳۵,۷۵۱	۲۶۷,۲۵۴	۲۷۸,۲۳۵	۶۸۱,۲۴	شمال غرب



شکل ۴. روند توسعه فیزیکی شهر یاسوج در دوره زمانی ۱۴۰۰-۱۳۶۰

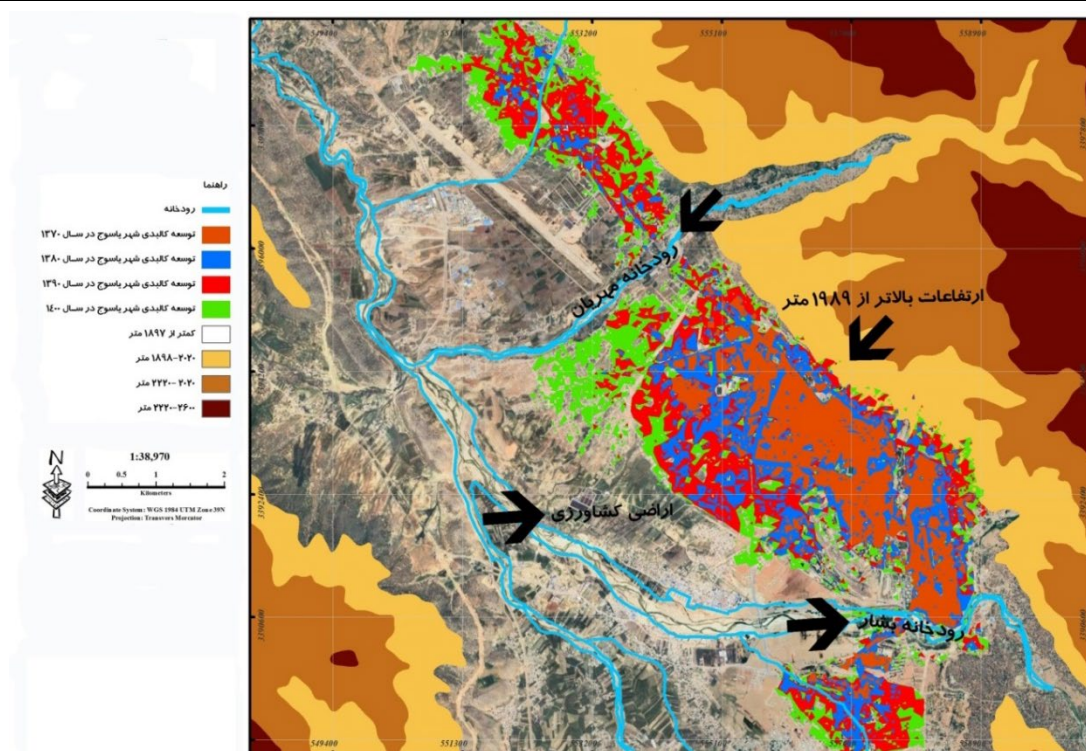
۳.۲. تحلیل عوامل طبیعی مؤثر در توسعه کالبدی - فیزیکی شهر یاسوج طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۷۰

همان‌طور که نتایج پردازش تصاویر ماهواره‌ای نشان داد، وجود رشته‌کوه زاگرس به‌عنوان اصلی‌ترین عامل طبیعی در گسترش و توسعه فیزیکی شهر یاسوج در جهات شمال، شمال شرق و شرق، نقش عامل محدودیت‌کننده را ایفا نموده است. به‌طوری‌که در طی دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ که امکان توسعه در سمت محورهای شرق، شمال و شمال برای شهر وجود داشته، در دو دهه بعدی (۱۴۰۰-۱۳۹۰) شهر یاسوج

در محورهای مذکور و در ارتفاعات بالاتر از ۱۸۹۸ متر دارای کمترین میزان توسعه کالبدی بوده است. رودخانه بشار در سمت محور جنوبی و رودخانه مهربان در شمال غرب نیز از جمله عوامل مهم و عمده جغرافیایی هستند که در توسعه کالبدی شهر نقش محدودیت کننده داشته‌اند. در محورهای فوق بعد از دهه ۱۳۹۰ که امکان توسعه کالبدی شهر به صورت یکپارچه وجود نداشته است، گسترش کالبدی شهر به صورت پراکنده در سمت محورهای جنوبی و شمال غربی شهر ادامه یافته است. می‌توان گفت که این شهر از نظر فرم و شکل توسعه در گذشته و شکل‌گیری شهر به صورت هسته‌ای بوده است، وجود رودخانه‌های بشار در سمت محور جنوبی شهر و رودخانه مهربان در سمت محور شمال غربی تا حدودی شهر را از حالت هسته‌ای و متمرکز خارج کرده و به صورت شهری با سیمای گسترش پراکنده تبدیل نموده است. نتایج همچنین نشان داد که شهر یاسوج طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۷۰ بیشترین میزان توسعه کالبدی خود را در دو محور تجربه کرده است. محورهای توسعه کالبدی شهر یاسوج طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۷۰ بدین صورت است:

محور غرب و شمال غرب: از آنجایی که در دوره مذکور توسعه کالبدی شهر یاسوج به سمت محور غرب و شمال غرب به دلیل وجود زمین‌های باز و وسیع ادامه یافته است، روستاهای پیرامون شهر یاسوج همچون شرف‌آباد سفلی، شرف‌آباد علیا، شرف‌آباد وسطی و بلکور که در این محور در مسیر توسعه فیزیکی شهر قرار دارند وارد محدوده خدمات‌رسانی شهر گردیده و در شهر یاسوج ادغام شده‌اند؛ بنابراین ادغام روستاهای پیرامونی موجب توسعه کالبدی شهر یاسوج در محور غرب و شمال غرب شده‌اند.

محور جنوب شرق و جنوب: در این محور گسترش فیزیکی شهر به صورت پراکنده و منفصل در اطراف محور یاسوج-شیراز شکل یافته است که در ضلع جنوب شرقی شهر قرار گرفته است. این محور به دلیل دسترسی‌های مطلوب، زمین‌های ارزان و وجود تعدادی از شهرک‌های صنعتی و مسکونی و مراکز اداری از نقاط جاذب جمعیت بوده است. می‌توان گفت که اغلب روستاییان و مهاجرانی که از نظر مالی در وضعیت مناسبی قرار نداشته‌اند، طی دهه ۱۳۹۰-۱۳۷۰ در محور جنوب و تا حدودی جنوب غربی شهر و در محله‌های شرف‌آباد و شهرک امام حسین مستقر شده‌اند.



شکل ۵. عوامل طبیعی مؤثر در توسعه کالبدی - فیزیکی شهر یاسوج

۳.۳. تبیین الگوی توسعه کالبدی شهر یاسوج براساس مدل‌های کمی

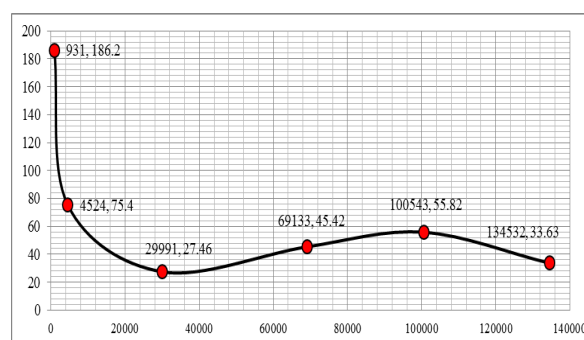
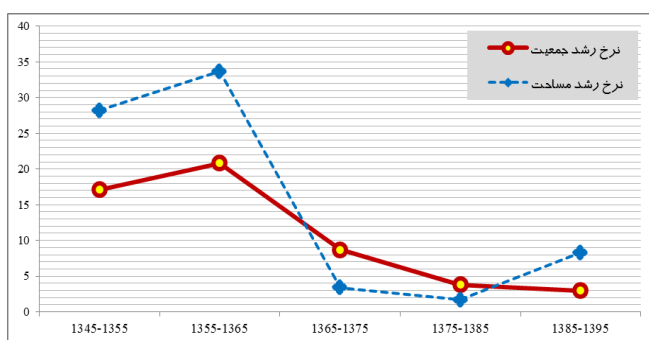
۳.۳.۱. قاعده اندازه - تراکم

این قاعده بیان می‌کند که به موازات افزایش اندازه جمعیت شهر، به میزان تراکم جمعیتی آن شهر نیز افزوده می‌گردد، اما آهنگ افزایش تراکم کمتر از آهنگ افزایش اندازه جمعیت است. بررسی این قاعده برای شهر یاسوج گویای آن است که تراکم جمعیت در شهر یاسوج در طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵ نوسان داشته است، اما در چند دهه گذشته، تغییرات اندازه جمعیت و تراکم آن در شهر یاسوج مطابق با روند پیش‌بینی قاعده اندازه - تراکم نبوده است و همزمان با افزایش جمعیت شهر، تراکم جمعیتی شهر نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش یافته که نشان از بالا بودن نرخ رشد توسعه کالبدی شهر در دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ دارد. به علاوه در قاعده تراکم - اندازه بیان می‌گردد که با افزایش اندازه جمعیتی شهر، میزان زمین آماده به صورت تابع‌نمایی کاهش می‌یابد؛ اما نتایج قاعده رتبه-اندازه برای شهر یاسوج نشان می‌دهد که با افزایش اندازه جمعیتی شهر یاسوج، میزان زمین آماده هرچند دارای نوساناتی می‌باشد، اما به طور کلی میزان زمین آماده رو به افزایش بوده و به خصوص از سال ۱۳۶۵ این روند شدت بیشتری یافته است. نگاهی به تراکم شهر گویای آن است که میزان تراکم شهر از ۱۸۶ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۳ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده، این در حالی است که جمعیت شهر نزدیک به ۱۴۵ برابر شده است.

جدول ۲. تحولات جمعیت و مساحت شهر یاسوج و تحلیل قاعده اندازه - تراکم طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمعیت (نفر)	۹۳۱	۴۵۲۴	۲۹۹۹۱	۶۹۱۳۳	۱۰۰۵۴۳	۱۳۴۵۳۲
نرخ رشد جمعیت	۱۷.۱۲	۲۰.۸۲	۸.۷۱	۳.۸۱	۲.۹۵	
مساحت (هکتار)	۵	۶۰	۱۰۹۲	۱۵۲۲	۱۸۰۱	۴۰۰۰
نرخ رشد مساحت	۲۸.۲۰	۳۳.۶۶	۳.۳۷	۱.۷۰	۸.۳۰	
تراکم (نفر در هکتار)	۱۸۶.۲	۷۵.۴	۲۷.۴	۴۵.۴	۵۵.۸	۳۳.۶
شاخص زمین آماده (هکتار برای هزار نفر)	۵.۳	۱۳.۲	۳۶.۴	۲۲	۱۷.۹	۲۹.۷

مأخذ: حسینی خواه و زنگی آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۹؛ عبدالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵



شکل ۶. تحلیل قاعده اندازه - تراکم شهر یاسوج طی

سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵

شکل ۷. مقایسه نرخ رشد جمعیت شهر با نرخ رشد مساحت شهر

یاسوج بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵

۳.۳.۲. آنتروپی شانون

از این مدل برای تحلیل و تبیین مقدار رشد بی‌قواره‌ی شهری استفاده می‌شود. ارزش مقادیر آنتروپی شانون از صفر تا $\ln(n)$ است. مقدار صفر بیانگر توسعه و رشد کالبدی خیلی متراکم (فشرده) شهر است درحالی‌که مقدار $\ln(n)$ بیانگر توسعه و رشد پراکنده شهری است. زمانی که ارزش آنتروپی از مقادیر $\ln(n)$ بیشتر باشد رشد بی‌قواره شهری (اسپرال) اتفاق افتاده است. مقدار آنتروپی شانون شهر یاسوج طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۶۵ تقریباً برابر با $1/3$ و مقدار $\ln(4)$ برابر با ۱.۳۸۶ است. لذا با توجه به نزدیکی مقدار آنتروپی شانون بدست آمده به حداکثر مقدار خود (۱.۳۸۶) می‌توان گفت که رشد و توسعه کالبدی این شهر طی سال‌های مذکور به‌صورت افقی (اسپرال) بوده است ولی به دلیل اینکه مقدار H بدست آمده از مقدار $\ln(n)$ کمتر می‌باشد، لذا دارای رشد بی‌قواره نمی‌باشد به‌صورت کلی می‌توان گفت که نزدیک بودن مقادیر حاصله از مدل آنتروپی نمایانگر این است که شهر یاسوج طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ با همان روند به توسعه افقی خود ادامه داده و رشد آن به‌صورت افقی و اسپرال است. از سویی دیگر در طی چهار دهه اخیر بیشترین

میزان توسعه کالبدی افقی و اسپرال مربوط به سال ۱۳۸۵ می باشد به طوری که میزان آنتروپی بدست آمده برای این سال برابر با ۱.۳۳ است.

جدول ۳. محاسبه ارزش آنتروپی نواحی چهارگانه شهر یاسوج در بین سال های ۱۳۹۵-۱۳۶۵

ناحیه	Pi*Ln(Pi) 1365	Pi*Ln(Pi) 1375	Pi*Ln(Pi) 1385	Pi*Ln(Pi) 1395
۱	-۰,۳۱۱۲۹	-۰,۳۳۰۵۹	-۰,۳۳۱۶۶	-۰,۳۴۱۳۴
۲	-۰,۲۹۸۲۴	-۰,۲۹۴۰۵	-۰,۳۰۱۲۳	-۰,۲۷۳۷۲
۳	-۰,۳۱۸۰۲	-۰,۳۲۲۲۴	-۰,۳۳۲۴۸	-۰,۳۳۷۲۸
۴	-۰,۳۵۸۰۲	-۰,۳۶۳۹۱	-۰,۳۶۶۰۶	-۰,۳۶۶۸۴
کل	-۱,۲۸۵۵۷	-۱,۳۱۰۷۹	-۱,۳۳۱۴۳	-۱,۳۱۹۱۸
H	۱,۲۸۵	۱/۳۱	۱/۳۳	۱/۳۱۹
Ln(n)	۱/۳۸۶			

۳.۳.۳. مدل هلدن

از مدل هلدن در جهت اندازه گیری میزان پراکنده رویی شهر یاسوج استفاده شده است. با بکارگیری این تکنیک می توان تعیین نمود چه مقدار از رشد کالبدی و فیزیکی شهر ناشی از رشد جمعیت و چه مقدار آن مربوط به رشد افقی و بی قواره شهر است. تکنیک هلدن به صورت معادله زیر فرمول بندی می شود:

$$Ln = \left(\frac{\text{وسعت شهر پایان دوره}}{\text{وسعت شهر شروع دوره}} \right) + Ln \left(\frac{\text{سرنه ناخالص پایان دوره}}{\text{سرنه ناخالص شروع دوره}} \right) = Ln \frac{\text{وسعت شهر پایان دوره}}{\text{وسعت شهر شروع دوره}}$$

جدول ۴. روند تحولات جمعیتی، وسعت و تراکم شهر یاسوج طی سال های ۱۳۹۵-۱۳۴۵

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمعیت (نفر)	۹۳۱	۴۵۲۴	۲۹۹۹۱	۶۹۱۳۳	۱۰۰۵۴۳	۱۳۴۵۳۲
تراکم ناخالص (نفر در هکتار)	۱۸۶,۲	۷۵,۴	۲۷,۵	۴۵,۴	۵۵,۸	۳۳,۶۳
مساحت (هکتار)	۵	۶۰	۱۰۹۲	۱۵۲۲	۱۸۰۱	۴۰۰۰

مأخذ: آمارنامه های جمعیتی استان ۱۳۴۵-۱۳۹۵

اگر متغیرهای جمعیت و مساحت موجود شهر یاسوج در فاصله زمانی سال های ۱۳۴۵ و ۱۳۹۵ در رابطه بالا جایگذاری شود، نتایج زیر حاصل می گردد:

رابطه (۱)- نتایج مدل هلدن برای دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۴۵

$$Ln = \left(\frac{29991}{931} \right) + Ln \left(\frac{27.5}{186.2} \right) = Ln \frac{1092}{5} \rightarrow Ln(4.973) + Ln(1.912) = Ln(5.386)$$

رابطه (۲)- نتایج مدل هلدن برای دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۷۵

$$Ln = \left(\frac{134532}{69133} \right) + Ln \left(\frac{33.62}{45.4} \right) = Ln \frac{4000}{1522} \rightarrow Ln(1.945) + Ln(0.740) = Ln(2.628)$$

رابطه (۳) - نتایج مدل هلدن برای دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۴۵

$$Ln = \left(\frac{134532}{931} \right) + Ln \left(\frac{33.62}{186.2} \right) = Ln \frac{4000}{5} \rightarrow Ln(4.973) + Ln(1.711) = Ln(6.684)$$

براساس نتایج حاصل از محاسبه تکنیک هلدن طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۴۵ حدود ۶۵ درصد از رشد شهر ناشی از رشد جمعیتی بوده و ۳۵ درصد رشد شهر مربوط به رشد افقی و اسپرال شهری است. طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ حدود ۶۹ درصد رشد شهر ناشی از رشد جمعیت و ۳۱ درصد از رشد شهر ناشی از رشد افقی و اسپرال شهری بوده است. در نهایت برای کل دوره یعنی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵ حدود ۷۴ درصد از رشد شهر مربوط به رشد جمعیتی بوده و ۲۶ درصد از رشد شهر مربوط به گسترش افقی و پراکنده رویی در شهر است. به صورت کلی می‌توان گفت که تا سال‌های ۱۳۶۵ میزان گسترش افقی و اسپرال شهری مقادیر قابل توجهی از رشد شهر یاسوج را به خود اختصاص داده است. باگذشت زمان توسعه شهر یاسوج بیشتر ناشی از رشد جمعیت بوده است، به نحوی که میزان توسعه شهری ناشی از رشد جمعیت در طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۴۵ برابر با ۶۵ درصد بوده و در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ این مقدار به ۶۹ درصد رسیده است.

جدول ۵. عوامل مؤثر در رشد کالبدی - فضایی شهر یاسوج طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵

دوره زمانی	رشد کالبدی ناشی از رشد جمعیت	رشد کالبدی ناشی از رشد افقی شهر
۱۳۶۵-۱۳۴۵	۶۵٪	۳۵٪
۱۳۷۵-۱۳۹۵	۶۹٪	۳۱٪
۱۳۹۵-۱۳۴۵	۷۴٪	۲۶٪

۴. بحث

تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شهر یاسوج طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۵ دارای الگوی توسعه به صورت افقی و اسپرال بوده است. این توسعه اسپرال تا سال ۱۳۶۵ مقادیر قابل توجهی از رشد شهر یاسوج را به خود اختصاص داده است. بعد از سال ۱۳۶۵ توسعه شهر یاسوج بیشتر ناشی از رشد جمعیت بوده است؛ به نحوی که همزمان با افزایش جمعیت شهر، تراکم جمعیت کاهش یافته است و این عامل منجر به افزایش نرخ توسعه کالبدی شهر طی دوره مذکور شده است. از سوی دیگر می‌توان گفت که سه عامل: ۱. ادغام روستاهای پیرامونی همچون شرف‌آباد سفلی، شرف‌آباد علیا، شرف‌آباد وسطی و بلکور به دلیل وجود زمین‌های باز و وسیع، در محور غرب و شمال غرب و ۲. دسترسی‌های مطلوب، زمین‌های ارزان و وجود تعدادی از شهرک‌های صنعتی و مسکونی و مراکز اداری در محور جنوب شرق و جنوب و محدودیت‌های محیط طبیعی همچون وجود رشته‌کوه زاگرس در محور شمال شرق و شرق، رودخانه‌های بشار در محور جنوبی شهر و رودخانه مهربان در سمت محور شمال غربی تا حدودی شهر را از حالت هسته‌ای و متمرکز خارج کرده و به صورت شهری با سیمای گسترش پراکنده تبدیل نموده است. در تبیین یافته‌های تحقیق، استقرار افراد با بضاعت مالی ضعیف در محله‌های شرف‌آباد و شهرک امام حسین واقع محور جنوب و جنوب شرقی، ضمیمه شدن روستاهای تل زالی، زیرتل و دولت‌آباد به شهر یاسوج در محور غرب و شمال

غرب را با توجه عامل ارزانی زمین و نظریات رشد پیوندی دکتر فرید (استفاده از اراضی پیرامون شهر برای جمعیت اضافی شهر و مهاجران)، نیازهای مازلو، نظریه اقتصاد سیاسی فضا که توسعه شهری را ناشی جذب مهاجرین و خرید زمین در قطعات بزرگ و صاحب نظران دیدگاه بوم‌شناختی از قبیل کلینارد، مکینتاش، ورت، برگس و هویت می‌توان مورد بررسی قرار داد به گونه‌ای که در این دسته مهاجرت‌ها تغییر در نحوه استفاده از اراضی شهری، تغییر در اجاره مسکونی، دسترسی راحت به شهرک‌های صنعتی مطرح می‌باشد. در ارتباط با نقش عوامل محیط طبیعی در شکل‌گیری توسعه پراکنده سکونتگاه شهری می‌توان نظریه هیدرولیک یا مبنای محیط‌گرایی در پیدایش و توسعه شهر و نظریه ساخت طبیعی شهر/ویژگی‌های جغرافیای شهر (تأثیرات انسان بر محیط طبیعی و تأثیرات محیط بر رفتار و فعالیت‌های انسانی) را از مهم‌ترین نظریه‌های مرتبط با نحوه توسعه کالبدی و ساخت شهر مورد بررسی قرار داد. در ارتباط با علت رشد جمعیت شهر یاسوج طی سه دهه اخیر می‌توان گفت که جمعیت شهر یاسوج در سرشماری ۱۳۷۵، حدود ۶۹۱۳۳ نفر محاسبه شده است که در آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ به ۱۳۴۵۳۲ نفر رسیده است؛ بنابراین جمعیت این شهر طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ به بیش از دو برابر افزایش یافته است. نرخ رشد سالیانه این شهر با یک افزایش قابل توجه نسبت به سال ۱۳۹۰ به ۴/۴ درصد در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ رسیده است. این نرخ رشد بسیار بالاتر از نرخ رشد استان کهگیلویه و بویراحمد که ۱/۶ درصد در سال بوده است. از آنجاکه میزان باروری در سال‌های اخیر در کل استان‌های کشور کاهش یافته است و با توجه به نرخ باروری شهرستان بویراحمد در سال ۱۳۹۰ که برابر با ۲/۳ برآورد گردیده است، این رشد بالا نمی‌تواند ناشی از نرخ باروری شهر یاسوج باشد. از سویی دیگر شهرستان‌های استان در سرشماری ۱۳۹۵ دارای رشد سالیانه پایین و حتی برخی از آن‌ها دارای رشد منفی می‌باشند. شهرستان‌های دنا با رشد سالانه ۳/۹۵- و کهگیلویه با رشد سالانه ۳/۰۹- در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ دارای بالاترین نرخ رشد منفی بوده‌اند (طرح جامع شهر یاسوج، ۱۳۹۷: ۵۲-۵۴)؛ بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که طی سال‌های مذکور مهاجرت بین شهرستانی در استان کهگیلویه و بویراحمد به سمت شهرستان بویراحمد و به‌ویژه شهر یاسوج صورت پذیرفته است و علت رشد بالای این شهر در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به دلیل این مهاجرت‌ها بوده است.

نگاهی تحلیلی به یافته‌های این پژوهش با سایر پژوهش‌ها به ما نشان می‌دهد که اگرچه توسعه افقی و پراکنده اغلب شهرهای کشور بعد از دهه ۱۳۶۰، پاسخگو نبودن ظرفیت شهری به نیاز مهاجران، افزایش نرخ شهرنشینی از نتایج مشترک این پژوهش با تحقیق ایمان پور نمین و همکاران (۱۴۰۲)، عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۹)، قدمی و همکاران (۱۳۹۹)، عبدی تریقان و همکاران (۱۳۹۹)، فکور کارگر و همکاران (۱۳۹۸)، عبدالی و همکاران (۱۳۹۸)، نوروزی و محمدی دوست (۱۳۹۷)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵)، غلامی و همکاران (۱۳۹۴)، حسینی و قدمی (۱۳۹۲)، لطفی و همکاران (۱۳۹۲)، براندول و نوسما (۲۰۱۷) همسو است؛ اما با نتایج تحقیق اسمعیل پور و همکاران (۱۳۹۹)، خداداد بناب (۱۳۹۹)، زیاری و همکاران (۱۳۹۳)، نور و همکاران (۲۰۱۳)، فانگ و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی ندارد. وجه تمایز یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که هرچند بیشتر مطالعات مرور شده، رشد جمعیت شهری ناشی از افزایش مهاجرت را به عنوان

علل توسعه کالبدی شهرها معرفی نموده‌اند، اما یافته‌های این پژوهش که بر پایه رویکرد سیستمی متمرکز است، نشان داد که علاوه بر مهاجرت و افزایش نرخ جمعیت شهری نباید از نقش عوامل محیط طبیعی در شکل‌گیری توسعه اسپرال و پراکنده شهر یاسوج غافل ماند.

۵. نتیجه‌گیری

در توسعه کالبدی - فضایی یک شهر عوامل مختلفی مؤثر هستند. شرایط متفاوت مکانی و زمانی موجب می‌گردد که در اغلب موارد عوامل متنوع و متفاوتی در این توسعه دخیل باشند. هدف این پژوهش تبیین الگوی توسعه کالبدی شهری یاسوج براساس پردازش تصاویر ماهواره‌ای و مدل‌های کمی است. شهر یاسوج به‌عنوان یکی از شهرهای مهم کشور رشد کالبدی و پراکنده زیادی را در دهه‌های اخیر تجربه کرده است که نه‌تنها ناشی از افزایش و تغییر نرخ شهری نبوده بلکه به عواملی چون ادغام روستاهای پیرامونی، مهاجرت به‌واسطه جاذبه‌های شهری و عوامل محیط طبیعی وابسته است و امروزه توسعه افقی و پراکنده این شهر در محورهای غرب، شمال غرب، جنوب و جنوب شرق محصول این عوامل بوده است. نتایج ارزیابی مدل‌های بکار گرفته‌شده در این پژوهش به‌قرار ذیل است:

- پردازش تصاویر ماهواره‌ای نشان داد که طی دهه‌های اخیر این شهر بیشترین میزان توسعه خود را در محور شمال غرب و غرب تجربه کرده است.
- قاعده رتبه - اندازه حاکی از آن است که همزمان با افزایش جمعیت شهر، تراکم جمعیتی شهر نه‌تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش‌یافته که نشان از بالا بودن نرخ رشد توسعه کالبدی شهر در دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ دارد.
- مدل آنتروپی شانون برای تحلیل رشد بی‌قواره شهری گویای این امر است که شهر یاسوج طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۶۵ دارای الگوی رشد افقی و اسپرال است.
- مدل هلدن در جهت اندازه‌گیری میزان پراکنده رویی شهر یاسوج نشان داد که بعد از سال ۱۳۶۵ توسعه شهر یاسوج بیشتر ناشی از رشد جمعیت بوده است؛ به‌نحوی که میزان توسعه شهری ناشی از رشد جمعیت در طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۴۵ برابر با ۶۵ درصد بوده و در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۷۵ این مقدار به ۶۹ درصد رسیده است.

لذا بر پایه نتایج این پژوهش پیشنهادات کاربردی زیر در راستای مدیریت توسعه کالبدی خردمندانه شهر یاسوج پیشنهاد می‌گردد:

- سیاست‌های مدیریت شهری در انتقال مهاجرین به محورهای غرب و جنوب در دامن زدن به توسعه پراکنده و افقی در شهر یاسوج مؤثر است. اتخاذ سیاست‌های مناسب همراه با توانمندسازی این گروه‌ها در متن شهر می‌تواند از تمرکز و استقرار این گروه‌ها در محورهای حاشیه شهر جلوگیری نماید.

- توسعه پیوسته شهر بر مبنای توجه به معیار پیوستگی کالبدی از طریق بکارگیری سیاست‌های رشد متراکم و یکپارچه شهری
- بی‌قاعدگی در شکل نواحی ساخته‌شده، یکی از معیارهای پراکنده روئی شهر یاسوج بوده لذا به‌منظور جلوگیری از رشد پراکنده، تقویت واحدهای کنترل و نظارت شهرداری در راستای جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه و ناهماهنگ با کالبد شهری ضروری است.
- روستاهای مستعد و مهاجرپذیر، شهرک‌ها و سکونت‌گاه‌های اطراف شهر یاسوج به‌سرعت موردبررسی قرار گیرد و حدودمرز آنها مشخص گردد تا به‌هیچ‌وجه گسترش بیشتری در پیرامون آنها صورت نگیرد، زیرا توسعه آنها در سال‌های قبل بر پایه نیازهای داخلی نبوده است و جمعیت زیادی از مهاجران را در درون خود جای‌داده‌اند.

کتاب نامه

۱. اسماعیل پور، ف.، سرایی، م.، و اسمعیل پور، ن. (۱۳۹۹). تحلیل کمی الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر اراک. *جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۱۰ (۳۵)، ۸۴-۶۵.
۲. پوراحمد، ا.، حاتمی نژاد، ح.، زیاری، ک.، فرجی سبکبار، ح.، و وفایی، ا. (۱۳۹۵). تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهری از منظر توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهر کاشان). *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۷ (۲۶)، ۲۲-۱.
۳. جواهری تقدس، م.، نسترن، م.، زبردست، ا.، و بصیرت، م. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل روند توسعه فضایی - کالبدی منطقه کلان‌شهری تهران بین سال‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۹۵. *راهبرد/اجتماعی - فرهنگی*، ۱ (۳۱)، ۶۵-۳۵.
۴. حسینی خواه، ح.، و زنگی آبادی، ع. (۱۳۹۶). تحلیل روند و نحوه گسترش شهرهای سیاسی - اداری ایران (موردپژوهشی: یاسوج از پیدایش تاکنون). *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۱ (۴)، ۱۶۴-۱۴۳.
۵. حسینی، ه.، و قدمی، م. (۱۳۹۲). تحلیل الگوی توسعه کالبدی - فضایی شهر سبزوار. *فضای جغرافیایی*، ۱۳ (۴۴)، ۲۱۹-۲۴۰.
۶. خداداد بناب، م. (۱۳۹۹). تحلیل الگوی رشد کالبدی - فضایی شهرها از طریق آمار فضایی در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی: شهر گرگان). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۱ (۳۲)، ۴۰-۲۹.
۷. خیرالدین، ر.، و سالاریان، فردیس. (۱۳۹۴). الگوسازی گرایش‌های فضایی شهرها با استفاده از الگوی رشد خودکار سلولی در جهت امکان‌سنجی و انتظام توسعه فضایی شهر چالوس. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (دانشگاه خوارزمی)*، ۱۵ (۳۹)، ۱۷۶-۱۵۳.
۸. داداش پور، ه.، و میری لواسانی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل الگوهای فضایی پراکنده رویی در منطقه کلان‌شهری تهران. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۵ (۱)، ۱۴۶-۱۲۳.

۹. زیاری، ک. (۱۳۸۲). تحولات اجتماعی - فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی در توسعه فضایی تهران. جغرافیا و توسعه، ۱ (۱)، ۱۶۴-۱۵۱.
۱۰. زیاری، ک.، حاتمی نژاد، ح.، و ترکمن نیا، ن. (۱۳۹۱). درآمدی بر نظریه رشد هوشمند شهری. شهرداری‌ها، ۱۰۴، ۱۷-۱۹.
۱۱. زیاری، ک.، قاسمی، س.، مهدی، ع.، و مهدیان، م. (۱۳۹۶)، تحلیلی بر وضعیت ساختاری - کالبدی شهر مهاباد از منظر راهبرد توسعه شهری (CDS). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۹ (۳)، ۵۰۴-۴۸۵.
۱۲. زیاری، ک.، قدیری، م.، و دستا، ف. (۱۳۹۳). سنجش و ارزیابی الگوی گسترش فیزیکی شهر یزد. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۶ (۲)، ۲۷۲-۲۵۵.
۱۳. سلیمانی مهرنجان، م.، پرزادی، ط.، میرزاده، ح.، اصغری، ت.، و احمدپور، سلام. (۱۴۰۲). سناریونویسی گسترش فضایی - کالبدی شهر با تأکید بر کارکرد بازرگانی (مورد مطالعه: شهر مهاباد). مجله جغرافیا و توسعه فضایی شهری، ۱۰ (۳)، ۱۴۹-۱۲۹.
۱۴. شماعتی، ع.، واحدی نژاد، ح.، آذرشب، ص.، و قاسمی، م. (۱۴۰۱). تحلیل فرایند توسعه کالبدی شهر و ارائه الگوی راهبردی مناسب آن، مطالعه موردی: شهر اهواز. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۲ (۶۷)، ۳۹-۲۵.
۱۵. شیروانی مقدم، س. و سعیدی مفرد، س. (۱۳۹۸). سنجش پدیده پراکنده رویی شهری با استفاده از مدل FANP مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱ (۳۰)، ۵۸-۴۹.
۱۶. عبدالله زاده، م.، رهنما، م. و اجزاء شکوهی، م. (۱۳۹۹)، سنجش و ارزیابی الگوی رشد فضایی - کالبدی کلان‌شهر تبریز، جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۴ (۷۱)، ۲۷۱-۲۴۵.
۱۷. عبدالی، ا.، کلاتری خلیل‌آباد، ح.، و پیوسته گر، ی. (۱۳۹۸). تحلیلی بر عوامل مؤثر در پراکنده رویی نواحی شهری (نمونه موردی: شهر یاسوج). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۳۶)، ۱۱۶-۱۰۱.
۱۸. غلامی، ی.، حیاتی، س.، و قنبری، م. (۱۳۹۴). شناخت الگوی رشد کالبدی - فضایی کلان‌شهرهای ایران (مطالعه موردی: کلان‌شهرهای مشهد، شیراز، اصفهان و تبریز)، مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۲ (۳)، ۷۹-۱۰۰.
۱۹. فرج زاده، ک.، موسوی، م.، و مصیب زاده، ع. (۱۴۰۱). تحلیل فضایی - کالبدی شاخص‌های رشد هوشمند شهری در مناطق چهارگانه (۲۳ محله) یاسوج براساس مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره. مجله جغرافیا و توسعه فضایی شهری، ۹ (۱)، ۷۶-۵۳.
۲۰. فکور کارگر، ص.، اسدی، ا.، و گودرزی، ن. (۱۳۹۸). سنجش پراکنده رویی شهری در کلان‌شهر مشهد. مجله جغرافیا و توسعه فضایی شهری، ۱ (۱)، ۱۲۵-۱۰۳.
۲۱. گودرزی، ع.، حق زاده، آ.، رمضان‌پور، م.، و بزرگمهر، ک. (۱۴۰۰). تحلیل روند و الگوی فضایی پراکنده رویی منطقه ۲۲ شهر تهران. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۳)، ۸۷۹-۸۵۷.
۲۲. لطفی، ص.، منوچهری میاندوآب، ا.، و آهار، ح. (۱۳۹۲). تحلیل الگوی گسترش کالبدی - فضایی شهر مراغه با استفاده از مدل‌های کمی. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۱۷ (۴۳)، ۲۳۲-۱۹۱.

۲۳. مبارکی، ا.، و زنگی آبادی، ع. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر تبریز و پیامدهای آن (مطالعه موردی: محلات احمدآباد، کوی بهشت، خلیل‌آباد). *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۳ (۱)، ۸۰-۶۷.
۲۴. نوروزی، ح.، و محمدی دوست، س. (۱۳۹۷). بررسی ابعاد مختلف توسعه افقی شهر یاسوج و تأثیر آن بر اراضی کشاورزی پیرامون (با استفاده از مدل آنتروپی شانون و ضریب موران). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۸ (۳۲)، ۹۲-۸۱.
۲۵. نیک پور، ع.، عمونیا، ح.، و شکری، س. (۱۴۰۰). سنجش و ارزیابی میزان پراکنده رویی در نواحی ساحلی مورد مطالعه: شهرستان بابلسر. *اطلاعات جغرافیایی*، ۳۱ (۱۲۱)، ۱۷۵-۱۶۱.
۲۶. نیک پور، ع.، و یاراحمدی، م. (۱۴۰۱). سنجش و ارزیابی میزان پراکنده رویی شهری مطالعه موردی: شهر ساری. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰ (۲)، ۲۰۴-۱۸۹.
۲۷. یوسفی آذر ابرغانی، س.، ماجدی، ح.، و سعیده زرابادی، ز. (۱۳۹۸). تحلیل الگوهای پراکنده رویی در مجموعه شهری تهران با تأکید بر رویکردهای نظام مدیریت شهری. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۷ (۶۵)، ۴۳۹-۴۵۹.

28. Abhishek, N., Jenamani, M., & Mahanty, B. (2017). Urban growth in Indian cities: Are the driving forces really changing?. *Habitat International*, 69, 48-57.
29. Abreu e Silva, J., & Correia, M. (2023). The main drivers of urban sprawl in Portuguese medium cities between 2001 and 2011. *Land Use Policy*, 132, 106803.
30. Abudu, D., Echima, R., & Andogah, G. (2018), Spatial assessment of urban sprawl in Arua Municipality, Uganda. *The Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science*.
31. Al-Ahmadi, K., See, L., Heppenstall, A., & Hogg, J. (2009) Calibration of a fuzzy automata model of urban dynamics in Saudi Arabia. *Ecological Complexity*, 6(2): 80-101.
32. Brandful, C., & Nsomah, A. (2017) A Ghanaian twist urban sprawl. *Land Use Policy*, 61, 231-241.
33. Burton, E. (2000). The compact city: just or just compact? A preliminary analysis. *Urban studies*, 37(11), 1969-2006.
34. European Environment Agency. (2006). *Urban sprawl in Europe - The ignored challenge*. EEA report.
35. Fang, L., Li, P., & Song, S. (2017). China's urban development policies and city growth dynamics: An analysis based on the Gibrat's Law. *International Review of Economics & Finance*, 52, 322-329.
36. Galster, G., Hanson, R., Ratcliffe, M.R., Wolman, H., Coleman, S., & Freihage, J., (2001). Wrestling sprawl to the ground: defining and measuring an elusive concept. *House Policy Debate*, 12 (4), 681-717.
37. Glaeser, E., & Matthew, E. (2004). *Chapter 56 Sprawl and urban growth*. Handbook of Regional and Urban Economics, 4, 2481-2527.
38. Hasse, J., & Richard, G. (2003). Land resource impact indicators of urban sprawl. *Applied Holland*, 100-115.
39. Lui, z., Lui, s., Qi, W., & Jin, H. (2018). Urban sprawl among Chinese cities of different population sizes. *Habitat International*, 79, 89-98.
40. Mthunzi Sithole, SH., Musakwa, W., Magidi, J., Kibangou, A. (2024). Characterising landcover changes and urban sprawl using geospatial techniques and landscape metrics in Bulawayo, Zimbabwe (1984-2022). *Heliyon*, 10 (2024) e27275.
41. Noor, N. M., & Asmawi, M. Z., & Rusni, N. A. (2013). Measuring urban sprawl on geospatial indices characterized by leapfrog development using remote sensing and GIS

- techniques. 8th International Symposium of the Digital Earth (ISDE8), Kuching, Sarawak, Malaysia, 26-29.
42. Pourali, M., Townsend, C., Kross, A., Guindon, A. (2021). Urban sprawl in Canada: Values in all 33 Census Metropolitan Areas and corresponding 469 Census Subdivisions between 1991 and 2011. *Data in Brief*, 41, 107941.
43. Prasad, V. (2023). Urban sustainability: the way forward check for updates. Urban environment and smart cities in Asian countries. *Insights for Social, Ecological, and Technological Sustainability*, 1.
44. Salingaros, N. (2006). *Compact City Replaces Sprawl. Chapter in: Crossover: Architecture, Urban Economics, Urbanism, Technology*. Edited by Arie Graafland & Leslie Kavanaugh (010) Publishers, Rotterdam,
45. Shao, Z., Simon Sumari, N., Portnov, A., Ujoh, A. (2021). Urban sprawl and its impact on sustainable urban development: a combination of remote sensing and social media data. *Geo Spatial Inf. Sci.* 24 (2), 241–255.
46. Wang, J., Qu, S., Peng, K., Feng, Y. (2019). Quantifying Urban Sprawl and Its Driving Forces in China. *Discrete Dynamics in Nature and Society*, Article ID 2606950, 14 pages.
47. Weilenmann, B., Seidl, I., Schulz, T. (2017). The socio-economic determinants of urban sprawl between 1980 and 2010 in Switzerland. *Landsc. Urban Plan.* 157, 468–482.
48. Xu, C., Liu, M., An, S., Chen, J.M., & Yan, P. (2007) "Assessing the impact of urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China. *Journal of Environmental Management*, 85(3), 597-606.
49. Zang, X., & Pan, J. (2021). Spatiotemporal Pattern and Driving Factors of Urban Sprawl in China. *Land*, 10, 1275.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

Presenting a Model for the Development of Urban Tourism according to Emerging Technological Phenomena (Case of Study: Isfahan city)

Foad Shirani¹

PhD Candidate in Entrepreneurship Management, Razi University, Kermanshah, Iran

Nader Naderi

Assistant Professor in Entrepreneurship and Management, Razi University, Kermanshah, Iran

Yosef Mohamadifar

Assistant Professor in Entrepreneurship and Management, Razi University, Kermanshah, Iran

Meysam Khodadousti

PhD Candidate in Entrepreneurship Management, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 9 May 2024

Accepted: 10 September 2024

PP. 50-67

Abstract

Despite the high volume and speed of emerging technological phenomena as well as their importance and impact, limited researches have investigated the impact of these phenomena on the development of tourism in Isfahan city. Therefore, this article presents a local model for the development of urban tourism in Isfahan with regard to emerging technological phenomena. This research is in the category of descriptive-survey research in terms of practical purpose and in terms of data collection method, and both inductive and comparative strategies have been used in qualitative and quantitative sections. Therefore, in the qualitative part, using theoretical sampling and the snowball method, semi-structured interviews were conducted with 10 experts related to the subject in order to obtain theoretical saturation. The statistical population of the quantitative section was estimated to include about 100 managers and experts related to this field. Using Morgan's table, 80 tourism managers and experts in Isfahan were selected to complete the questionnaire. To collect and analyze data, interview tools and questionnaires were used, and SPSS23 and AMOS software were used to investigate the purpose of the research. In short, the results of data analysis show that in the context of emerging technological phenomena, various factors such as managerial, structural and financial factors independently or combined and intertwined affect the development of urban tourism in Isfahan. In the end, recommendations are presented that include the need to accelerate appropriate policymaking by the government for the main elements of tourism ecosystem infrastructure, considering the profound effects of innovative technological activities.

Keywords: Development, tourism, emerging Isfahan, technological, urban tourism

¹. Corresponding author. Email: foadshirani.foadshirani@gmail.com

Extended abstract

1.Introduction

With its rich historical, cultural, and architectural heritage, Isfahan stands as one of the most prominent tourism destinations in Iran and across Asia, playing a vital role in employment, revenue generation, and socio-economic development. As emerging technologies and artificial intelligence increasingly reshape the tourism industry, this study focuses on Isfahan to propose a model for urban tourism development driven by these technological advancements. Unlike previous generalized studies, this research is grounded in empirical data and the specific context of Isfahan.

2. Method

This research employs a mixed-methods approach (qualitative-quantitative). In the qualitative phase, a primary tourism development model was extracted through thematic analysis and semi-structured interviews with 10 experts (selected via purposive sampling). In the quantitative phase, this model was validated through a survey of 80 experts (randomly selected based on the Morgan table) using a structured questionnaire. Data collection involved documentary studies, interviews, and questionnaires. The final data analysis was conducted using descriptive and inferential statistics, specifically Structural Equation Modeling (SEM) via SPSS and AMOS software.

3.Results

Utilizing a qualitative approach (expert interviews) and statistical analysis, this study formulated an urban tourism development model for Isfahan, with an emphasis on emerging technologies. Content analysis identified 26 key factors, which were subsequently categorized into primary indicators. Statistical analyses (including normality tests and regression) confirmed that all research variables follow a normal distribution. Inferential findings indicate a direct and significant impact of four key factors on Isfahan's urban tourism development, ranked by their influence: Financial Factors (0.85), Technological Factors (0.56), Infrastructural Factors (0.39), and Managerial Factors (0.33). Consequently, financial investment and the adoption of modern technologies emerge as the most influential drivers for the city's tourism development.

4. Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that tourism development in Isfahan requires an integrated approach where strategic management and macro-level policymaking serve as the foundation for other dimensions. The results underscore the importance of social, economic, and environmental sustainability, alongside the preservation of historical and cultural identity. Emerging technologies (such as AI and VR) are not merely promotional tools but catalysts for enhancing tourist experiences, resource management, environmental conservation, and investment opportunities. By emphasizing the synergy between intelligent management, efficient infrastructure, and modern technology, the proposed model provides a practical framework for sustainable and smart tourism in Isfahan. The model confirms the significance of managerial, infrastructural, technological, and financial factors, establishing "smart tourism" as an inevitable necessity. Policymakers are encouraged to focus on strengthening governance, upgrading infrastructure, investing in technology, and optimizing financial resource allocation to ensure the sustainability, productivity, and economic growth of Isfahan's tourism industry.

Keywords: Development, Tourism, Isfahan, Emerging Technologies, Urban Tourism



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

ارائه مدلی برای توسعه گردشگری شهری با توجه به پدیده‌های نوظهور فناوریانه (مطالعه موردی: شهر اصفهان)

فواد شیرانی* (دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

foadshirani.foadshirani@gmail.com

نادر نادری (دانشیار گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

n.naderi@razi.ac.ir

یوسف محمدی‌فر (دانشیار گروه کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

yosefmohamadifar@gmail.com

میثم خدادوستی (دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران)

meisam2307@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

صص ۶۷-۵۰

چکیده

علی‌رغم حجم و سرعت بالای پدیده‌های نوظهور فناوریانه و همچنین اهمیت و تأثیر آن‌ها، پژوهش‌های محدودی به بررسی تأثیر این پدیده‌ها بر توسعه گردشگری در شهر اصفهان پرداخته‌اند. بنابراین، این مقاله به ارائه یک مدل محلی برای توسعه گردشگری شهری در اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناوریانه می‌پردازد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها در دسته تحقیقات توصیفی-پیمایشی قرار دارد و هر دو استراتژی استقرایی و مقایسه‌ای در بخش‌های کیفی و کمی به کار گرفته شده است. بنابراین، در بخش کیفی، با استفاده از نمونه‌گیری نظری و روش گلوله برفی، مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با ۱۰ کارشناس مرتبط با موضوع صورت گرفت تا به دست‌آوردن اشباع نظری انجام شود. جامعه آماری بخش کمی نیز شامل حدود ۱۰۰ مدیر و کارشناس مرتبط با این حوزه تخمین زده شد. با استفاده از جدول مورگان، ۸۰ نفر از مدیران و کارشناسان گردشگری در اصفهان برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه استفاده شد و نرم‌افزارهای SPSS23 و AMOS برای بررسی هدف پژوهش به کار رفتند. به طور خلاصه، نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که در زمینه پدیده‌های نوظهور فناوریانه، عوامل مختلفی مانند عوامل مدیریتی، ساختاری و مالی به طور مستقل یا ترکیبی و در هم تنیده بر توسعه گردشگری شهری در اصفهان اثر می‌گذارند. در پایان، توصیه‌هایی ارائه شده است که شامل ضرورت تسریع در سیاست‌گذاری مناسب توسط دولت برای ارکان اصلی زیرساخت زیست‌بوم گردشگری با توجه به اثرات ژرف فعالیت‌های نوآورانه فناوریانه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اصفهان نوظهور، توسعه، گردشگری، گردشگری شهری، فناوریانه

۱. مقدمه

با گسترش پدیده شهرنشینی، به همراه افزایش درآمدهای عمومی و تغییرات در سبک زندگی مردم، انگیزه برای سفر و اهمیت اوقات فراغت به عنوان یک نیاز روحانی اساسی تبدیل شده است. این پدیده به وجود آوردن گردشگری جهانی را آغاز کرده است (گیلویک^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). گردشگری را می‌توان به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم انسان معاصر دانست که با تغییرات شگرفی در زندگی انسان، وضعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روش زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مفهوم همچنین نقش بسزایی در تبادل فرهنگی و آشنایی با ملل دیگر از ابعاد طبیعی و فرهنگی دارد. توسعه فعالیت‌های گردشگری بر پایه اکوتوریسم، از یک سو فرصت‌های شغلی و درآمدی را به جوامع محلی و ساکنان آنها می‌آورد و به رشد و توسعه اقتصادی محلی کمک می‌کند (گریلی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). برای توسعه موفق گردشگری شهری و بهره‌مندی از عواید اقتصادی و فرهنگی آن، لازم است که ابتدا شرایط فعلی شهر شناسایی و موقعیت استراتژیک آن مشخص گردد. بدون ارزیابی دقیق از عوامل مؤثر بر توسعه یا عدم توسعه یک شهر، هر برنامه‌ریزی و اقدامی ممکن است بی‌اثر باشد (گانون^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). شهر اصفهان، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای ایران، به دلیل داشتن تاریخچه‌ای غنی، فرهنگ بی‌نظیر و معماری خیره‌کننده، یکی از مقاصد ویژه گردشگری در ایران و آسیا است. این شهر با آثار تاریخی فراوان، باغ‌های ایرانی زیبا و پل‌های تاریخی که بر روی رودخانه زاینده‌رود قرار دارند، هر ساله میزبان میلیون‌ها گردشگر از سراسر جهان می‌باشد. اصفهان با لقب "نصف جهان"، بازتاب‌دهنده‌ی تنوع فرهنگی و هنری ایران است و به همین دلیل جایگاه ویژه‌ای در بخش گردشگری دارد. امروزه، اهمیت گردشگری و لزوم بررسی و تحقیق درباره آن، به‌ویژه با توجه به نقش مهم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، قابل انکار است. در چند سال آینده، بخش گردشگری به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل درآمدزایی در جهان قرار خواهد گرفت و بزرگ‌ترین بخش تجارت بین‌المللی را خواهد ساخت (رسالو^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). یکی از مسائل مهم در زمینه گردشگری، توسعه آن است. به طور کلی، گردشگری به عنوان یک فعالیت چند جانبه، دارای کارکردها و اثرات مثبت متعددی مانند اشتغال‌زایی، کسب درآمد، جذب ارز و تقویت زیرساخت‌ها است (تین^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). توسعه گردشگری، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، می‌تواند عامل مؤثری در مقابله با فقر باشد و باعث افزایش درآمد اقشار مختلف، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی گردد. بنابراین، توسعه گردشگری یکی از پدیده‌های مهم اقتصادی و اجتماعی دنیای نوظهور است (لیو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Gillovic

2. Grilli

3. Gannon

4. Rasulov

5. Tien

6. Liu

امروزه، گردشگری به عنوان بزرگترین و متنوع‌ترین خدمات در دنیا درآمد و بسیاری از کشورها این صنعت نوپا را به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال‌زایی، رشد بخش خصوصی و توسعه زیرساخت‌ها تلقی می‌کنند (وانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). گردشگری امروزه یکی از پویاترین فعالیت‌های اقتصادی عصر حاضر است که نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کند. این صنعت از طریق ترکیب و به‌کارگیری همزمان منابع داخلی و خارجی، منافع اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی زیادی را به دنبال دارد. در بسیاری از کشورها، گردشگری به عنوان نیروی اصلی پیشبرد و رشد اقتصادی محسوب می‌شود و با فراهم آوردن فرصت‌های راهبردی، به اقتصاد محلی تنوع می‌بخشد، اشتغال‌زایی می‌کند، درآمد ایجاد می‌کند و باعث افزایش ارزش منابع وارداتی به محیطی محلی می‌شود. از این رو، توسعه گردشگری اولین گزینه در امر توسعه هر منطقه است (تانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). در سیستم اقتصاد جهانی امروز، گردشگری به عنوان یکی از پر اهمیت‌ترین عوامل توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها شناخته می‌شود، به طوری که اقتصاددانان آن را به عنوان "صادرات نامرئی" توصیف کرده‌اند. این بخش برای کشورهای در حال توسعه که با چالش‌های فراوان اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند، فرصت‌های بسیاری فراهم می‌آورد. با بهره‌گیری از این فرصت‌ها، برنامه‌ریزان می‌توانند به کاهش نابرابری‌ها، افزایش درآمدها، ایجاد فرصت‌های شغلی و تعادل در سطح اقتصادی مناطق مختلف کشور دست یابند (نوی و همکاران^۳، ۲۰۲۱). گردشگری به عنوان یکی از پدیدآورنده‌های درآمد، کار و اشتغال، به عنوان منبع اصلی درآمد برای مردم استان‌ها و نواحی است که مناظر طبیعی، آب و هوا و جاذبه‌هایی دارند که به تنهایی فاقد ارزش اقتصادی هستند یا بالفعل اقتصادی ندارند، اما از طریق توسعه گردشگری به اقتصادی می‌پیوندند. گردشگری ضامن توسعه اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال است. این صنعت با درآمد سالانه چند صد میلیارد دلاری در جهان، جزء زیربخش‌هایی است که با صنایعی نظیر نفت، خودروسازی و... رقابت می‌کند. کشورهای دارای جاذبه‌های گردشگری، با جلوه‌های طبیعی، فرهنگ تمدن کهن، آثار باستانی و مذهبی، استعداد و توانایی بسیاری در جذب جهانگردان دارند، که با سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری این صنعت و حفظ جایگاه امنیتی خود در جهان، می‌توانند سالانه میلیاردها دلار از این صنعت حافظ محیط زیست کسب کنند (استورس^۴، ۲۰۲۲). یکی از سیاست‌های مهم در گردشگری، سیاست توسعه گردشگری است. سیاست توسعه پایدار گردشگری، یک رویکرد عمومی است که از طریق دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است، تا گردشگری از لحاظ بوم‌شناسی در طولانی‌مدت قابل قبول و از لحاظ مالی خودکفا و از نظر دیدگاه‌های اجتماعی و اخلاقی برای جوامع محلی مفید و نویدبخش باشد. بنابراین، گردشگری باید بخشی از محیط طبیعی، فرهنگی و انسانی باشد تا تعادل بین آن‌ها را حفظ کند (لی^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر، توسعه گردشگری یک وسیله مهم برای تحقق توسعه اقتصادی، اجتماعی و صلح است. این صنعت، به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، نقش

1. Wang

2. Tang

3. Novy

4. Stors.

5. Li

بسزایی در مقابله با فقر دارد و باعث افزایش درآمد قشرهای مختلف، کاهش بیکاری، ایجاد رونق اقتصادی و در نتیجه، بهبود کیفیت زندگی مردم و افزایش رفاه اجتماعی می‌شود (سگوتا^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). برای دستیابی به توسعه در بخش گردشگری، عواملی همچون ساختار مناسب سازمانی، برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی، قوانین و مقررات گردشگری، و جذب سرمایه ضروری است. مدیریت توانا و منسجم و هماهنگی مؤثر بین بخش‌های دولتی و خصوصی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است (استورس^۲، ۲۰۲۲).

فناوری همواره در طول تاریخ به دگرگونی زندگی بشر کمک کرده است، از اختراع چرخ و استخراج فلزات از سنگ‌های معدنی تا باروت که جنگ‌های سرد را به جنگ‌های گرم تبدیل کرد، و از تحولاتی که اشعه ایکس در پزشکی به وجود آورد تا تلفن و اینترنت در دهه‌های اخیر. فناوری معادل فارسی عبارت "تکنولوژی" است، که از دو لغت یونانی "فن" یا هنر و "دانش" تشکیل شده است. دایره‌المعارف آنلاین ویکیپدیا، تکنولوژی را به عنوان دانش و کاربرد ابزار، فنون و پیشه‌ها یا سیستم‌ها و روش‌های سازمانی یا تولید مواد و محصولات تعریف می‌کند (آکیموا^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). فناوری به توانایی اجرای تغییر شکل بهینه اطلاق می‌شود که شامل توانایی اجرا، شایستگی تکمیل و به کارگیری فناوری است. فناوری مواد، انرژی و اطلاعات را از یک حالت به حالتی دارای ارزش افزوده تغییر می‌دهد. در سازمان‌ها، بر روی یادگیری و تجربه کردن فناوری تأکید دارد و مدیریت، به شیوه‌ای مشتاقانه، موقعیت آینده فناوری و راه‌های دستیابی به آن را تبیین می‌کند (جیو^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). فناوری به عنوان موتور رشد معرفی می‌شود. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که مفهوم فناوری با استفاده از عبارات متنوعی توصیف می‌شود. به طور کلی، فناوری یک مجموعه از دانش، ابزار و فنون است که ناشی از علم و تجربیات عملی است و برای توسعه، طراحی، تولید و به کارگیری محصولات، فرآیندها، سیستم‌ها و خدمات به کار می‌رود (ویدون^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). اهمیت اینترنت و شکل‌گیری رسانه‌های اجتماعی آنلاین نیز به عنوان زیرساختی مناسب، تأثیر بالایی در سیاست توسعه گردشگری داشته‌اند (محمدی فر و خسروی، ۱۴۰۲). فناوری اطلاعات روشهای عمل را در تمامی سازمان‌ها و به ویژه در بخش گردشگری متحول ساخته است. براساس تعریف فناوری اطلاعات، این مکانیزم‌های توانمندسازی اطلاعات را درون یک سازمان و بین سازمان‌ها تسهیل می‌کند، که شامل اطلاعاتی است که سازمان‌ها تولید، استفاده و یا ذخیره می‌کنند. این پدیده باعث می‌شود که سازمان‌ها بتوانند فعالیت‌های درونی و بین سازمانی خود را در سطح منطقه‌ای و یا جهانی با قدرت بیشتری هماهنگ کنند. فناوری اطلاعات و صنعت توریسم را می‌توان دو عاملی دانست که در تشکیل و ایجاد دهکده‌ی جهانی بیشترین تأثیر را ایفا کرده‌اند و این دو عامل از این جهت ارتباط جدایی‌ناپذیری با یکدیگر دارند. بازاریابی، ایجاد کانال‌های توزیع و همکاری و هماهنگی‌های میان‌سازمانی، از بیشترین کاربردهای فناوری اطلاعات در بخش

1. Šegota

2. Stors

3. Akimova

4. Ghio

5. Wheadon

گردشگری بوده است. فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر تأثیرات دوسویه‌ای بر بخش گردشگری داشته است (جیو و همکاران، ۲۰۱۹). هوش مصنوعی به عنوان یک پدیده نوظهور می‌تواند بر عملکرد گردشگری تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر هوش مصنوعی در ابتدا به عنوان مطالعه و طراحی عوامل هوشمند تعریف می‌شود که محیط خود را درک می‌کنند و اقداماتی را انجام می‌دهند که شانس موفقیت آنها را به حداکثر می‌رساند و همانطور که این فناوری در حال توسعه است، اکنون هدف آن شناسایی خودکار الگوهای پیچیده پنهان در پشت داده‌ها و اتخاذ تصمیمات هوشمندانه براساس الگوهای داده‌های شناسایی شده است (گودل^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). مدیران باور دارند که استفاده از هوش مصنوعی و فناوری‌های مرتبط می‌تواند برای شرکت‌هایشان ارزش ایجاد کند. در سال‌های اخیر، متخصصان در حوزه گردشگری به طور فزاینده‌ای از هوش مصنوعی برای توسعه صنعت گردشگری استفاده می‌کنند. با این حال، پیامدهای بالقوه استفاده از هوش مصنوعی باید به دقت ارزیابی شوند. با توجه به اهمیت گردشگری در اقتصاد هر کشور و هر جامعه، هدف پژوهش حاضر ارائه یک مدل جهت توسعه گردشگری در شهر اصفهان با استفاده از پدیده‌های نوظهور فناورانه است.

گرچی کرسامی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه صنعت گردشگری: مطالعه موردی گردشگری مجازی» نشان دادند که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی باعث توسعه صنعت گردشگری می‌شود. نادعلی و سفیدچیان (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای پیرامون «توان سنجی گردشگری هوشمند: مطالعه موردی شهر مشهد» نتیجه گرفتند که بستر اولیه برای گردشگری هوشمند در مشهد وجود دارد و نیاز به تاکید بر سرعت تبادل اطلاعات و مشتری‌محوری است. کروبوی (۱۴۰۱) در تحقیقی درباره «الگوی مدیریت ازدحام گردشگران در مقاصدهای ساحلی مازندران: بررسی گردشگری هوشمند» بیان کرد که مدیریت ازدحام گردشگری شامل سه بعد عرضه، تقاضا و ساختاری/مدیریتی است که هر یک دارای شش شاخص هستند. رضایی (۱۴۰۲) در پژوهشی با موضوع «برنامه‌ریزی راهبردی و سیاستگذاری توسعه گردشگری شهری: مطالعه موردی شهر تاریخی یزد» اشاره کرد که یزد دارای ۲۸ قابلیت و ۲۶ محدودیت در برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری است و نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها مشخص شده‌اند. دژپسند و مرادی (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «راهکارهای توسعه گردشگری خلاق در شهرهای مرزی: مطالعه موردی معماری و شهرسازی» نتیجه گرفتند که راهکارهای توسعه گردشگری خلاق با محوریت معماری و شهرسازی برای شهرهای مرزی مشروط به زیرساخت‌های مناسب است. وارثی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی درباره «تأثیر عوامل هویت شهر بر توسعه گردشگری: مطالعه موردی شهر شیراز» اعلام کردند که ۱۳ عامل هویت شهری موثر بر توسعه گردشگری شیراز شناسایی شدند و آثار تاریخی و مشاهیر بیشترین تأثیر را دارند. ژنگ^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر توسعه گردشگری بر آلودگی هوای شهری در چین: نقش تعدیل‌کننده

^۱. Goodell

^۲. Zeng

زیرساخت‌های گردشگری» نشان دادند که توسعه گردشگری بر آلودگی هوای شهری در چین تأثیر دارد و راه‌آهن پرسرعت و منابع گردشگری نقش تعدیل‌کننده دارند. گراه^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی درباره «مدیریت توسعه گردشگری شهری پایدار: مطالعه موردی لیوبلیانا» بیان کردند که لیوبلیانا نیاز به تأکید بیشتری بر پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی در توسعه گردشگری شهری پایدار دارد. شفیی و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «توسعه مقاصد گردشگری پایدار از طریق فناوری‌های هوشمند: یک رویکرد پویایی سیستم‌ها» نتیجه گرفتند که توسعه مقاصد پایدار از طریق فناوری‌های هوشمند نیازمند شناسایی سیاست‌های مؤثر پیش از سرمایه‌گذاری است. در نهایت، کاواله‌ریو^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان «به سوی مدل توسعه مقصد گردشگری هوشمند: ترویج ارزش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی» اعلام کردند که توسعه زیرساخت‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی برای توسعه مقصد گردشگری هوشمند ضروری است.

مطالعات پیشین معمولاً به صورت کلی برای مناطق گوناگون یا شهرهای مختلف انجام می‌شوند و تأثیر فناوری‌های نوظهور در صنعت گردشگری را به طور عمومی مورد بررسی قرار می‌دهند. این مطالعات عمدتاً به تشریح مشکلات و ارائه راه‌حل‌های کلی محدود می‌شوند و بیشتر بر اساس تجربیات و بدون بهره‌گیری از داده‌های واقعی انجام می‌پذیرند. در این مقابل، مطالعه حاضر به طور خاص بر روی شهر اصفهان، یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری و فرهنگی ایران، تمرکز دارد و اثرات فناوری‌های نوظهور بر توسعه گردشگری شهری در اصفهان را مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق با استفاده از داده‌های واقعی و ابزارهای پیشرفته، به نتایج دقیق‌تری می‌رسد و پیشنهاد‌های خود را بر اساس شواهد قوی‌تری ارائه می‌دهد.

۲. روش‌شناسی

روش تحقیق ترکیبی در این پژوهش به صورت سیستماتیک از روش‌های کمی و کیفی استفاده می‌کند تا یک تصویر کامل و فهم عمیق از پدیده توسعه گردشگری شهری اصفهان با استفاده از فناوری‌های نوظهور را به دست آورد. در این روش، ابتدا با استفاده از مصاحبه و تحلیل مضمون به تجزیه و تحلیل کیفی و کدگذاری مولفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار بر توسعه گردشگری شهری پرداخته شده است. سپس، با استفاده از نمونه‌گیری باز و ارتباطی، مدیرانی که دارای دیدگاه‌های مفید برای تحقیق بودند، به عنوان مشارکت‌کنندگان انتخاب شدند و اطلاعات مورد نیاز جهت حاشیه‌نشانی به دست آمد. در مرحله بعدی، با استفاده از روش کمی، مدلی برای توسعه گردشگری شهری ارائه شده است که بر اساس نتایج کیفی بهبود یافته است. این مدل با استفاده از تحلیل داده‌ها و استنباط‌های ارائه شده، به منظور جمع‌آوری داده‌های کیفی و کمی، به هدف‌های بزرگ‌تری که شامل گسترده‌نمودن و عمق بخشیدن به فهم و همکاری بین محققان می‌پردازد. در نتیجه، روش تحقیق ترکیبی در این مطالعه به طور مؤثری از دو رویکرد کمی و کیفی برای

¹. Grah

². Cavalheiro

بررسی تأثیر فناوری‌های نوظهور بر توسعه گردشگری شهری اصفهان استفاده کرده و نتایج دقیق و قابل اعتمادی را ارائه داده است.

پژوهش مورد نظر از روش تحقیق آمیخته‌ای استفاده می‌کند که در آن در مرحله نخست از روش تحلیل مضمون (کیفی) برای ساخت مدل استفاده شده و در مرحله دوم از روش‌های پیمایشی و کمی برای نهایی سازی مدل استفاده می‌شود. جامعه آماری در بخش کیفی شامل ۱۰ نفر از مدیران و کارشناسان گردشگری در اصفهان است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. این نمونه‌گیری تا زمانی ادامه داشته که دیگر اطلاعات جدیدی تولید نشود و اشباع نظری به دست آید. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۱۰۰ نفر از مدیران و کارشناسان گردشگری در اصفهان در نظر گرفته شده است. برای تعیین حجم نمونه در این بخش، از جدول مورگان با استفاده از روش تعیین حجم نمونه، تعداد ۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است تا پرسشنامه‌ها تکمیل شوند. با این توضیحات، روش نمونه‌گیری در بخش مصاحبه به صورت هدفمند و در بخش کمی به صورت تصادفی انجام می‌شود. این انتخاب‌ها به منظور به دست آوردن نتایج قابل اعتماد و قابل تعمیم برای توسعه گردشگری شهری اصفهان با استفاده از روش تحقیق آمیخته مناسب است.

در این تحقیق، برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در مرحله اول، با مطالعه اسناد، قوانین، کتب، مقالات، رساله‌ها، و پایگاه‌های اطلاعاتی، مفاهیم مورد نیاز استخراج شدند. در مرحله دوم، از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با سؤالات باز و پرسشنامه‌ها با گستره لیکرت استفاده شد. این نوع مصاحبه‌ها به دلیل ایجاد فضای مناسب و نزدیک برای مشارکت‌کنندگان، مناسب هستند. همچنین، با استفاده از پرسشنامه‌ها، اطلاعات از جامعه آماری مورد مطالعه جمع‌آوری شدند و پس از نمره‌دهی به پاسخ‌ها، داده‌ها تحلیل شدند.

برای تجزیه و تحلیل بخش کیفی، از تکنیک‌های تحلیل مفاهیم برای کدگذاری و تحلیل محتوای متن در سطوح مختلف استفاده شد. در بخش کمی، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. آمار توصیفی برای توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها و نمایش ترسیمی و محاسبه مقادیری مانند نما، میانگین، و میانه استفاده می‌شود تا ویژگی‌های گروه مورد بررسی را نمایش دهد. در آمار استنباطی، پژوهشگر با استفاده از نمونه‌ها، آمارها را محاسبه کرده و با استفاده از آزمون‌های آماری، اطلاعات را به پارامترهای جامعه تعمیم می‌دهد. در مرحله نهایی، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، از روش‌های آمار استنباطی استفاده شد. این تحلیل‌ها شامل استفاده از معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای AMOS و SPSS23 برای مدل‌سازی پژوهش است.

۳. یافته‌ها

در این پژوهش، هدف اصلی توسعه یک مدل برای گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناورانه بوده است. برای بررسی این هدف، از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شده که در طول آن پرسش‌های مختلفی از شرکت‌کنندگان مطرح شد. نتایج این پژوهش به صورت سطر به سطر مورد بررسی

قرار گرفته، مفاهیم پردازی و مقوله‌بندی شده و بر اساس مشابهت‌ها، ارتباطات مفهومی و ویژگی‌های مشترک بین کدها، مفاهیم و مقولات (طبقه‌های مفاهیم) مشخص شدند.

در این تحقیق، داده‌ها با دقت بسیار بالا مورد بررسی قرار گرفته و مقوله‌های اصلی و فرعی آنها شناسایی شدند. ابعاد و ویژگی‌های آنها تعیین و الگوهای مختلف آنها مورد بررسی قرار گرفت. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به واحدهای کوچکتری تجزیه و در یک فرایند مکرر با یکدیگر مقایسه شدند و مفاهیم مورد نیاز به وجود آمدند. در جریان تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها، مفاهیم به طور مستقیم از رونوشت‌های مصاحبه با شرکت‌کنندگان یا با توجه به اجزا مشترک آنها ایجاد شدند. رونوشت‌های مصاحبه برای شناسایی تم‌های اصلی و فرعی به طور منظم مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ‌های ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان به واحدهای کوچکتر تجزیه شدند. این کار پس از بررسی متن مصاحبه در سطح جمله یا پاراگراف صورت گرفت و سپس مفاهیم در چارچوب مقوله‌های بزرگ‌تر و دسته‌های مفهومی بزرگتری طبقه‌بندی شدند.

جدول ۱. کدگذاری باز، محوری و نظری توسعه گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور

فناورانه

هدف	مضمون اصلی	مضمون فرعی
توسعه گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناورانه	عوامل مدیریتی	امنیت و آرامش معرفی جاذبه‌های گردشگری روش مدیریت شهر بهبود میزان و کیفیت دسترسی توانایی علمی برای توسعه گردشگری شناسایی و مستندسازی جاذبه‌های گردشگری بکارگیری نیروی متخصص و باتجربه جهت خدمات رسانی استفاده از نوآوری‌ها و روش‌های فناور جهت توسعه گردشگری
	عوامل زیرساختی	زیرساخت کالبدی: وجود امکانات رفاهی کیفیت زیرساخت‌ها و خدمات شهری کیفیت خدمات ارائه شده زیرساخت اجتماعی: ایجاد حس اعتماد اجتماعی ساماندهی مبلمان شهری در فضاهای گردشگری ساماندهی شبکه معابر و سهولت دسترسی نظافت عمومی محوطه‌های گردشگری زیرساخت اقتصادی: توسعه و تجهیز مراکز خرید
	عوامل فناورانه	پیاده‌سازی سرویس‌های اطلاعات هوشمند گردشگری به دست آوردن اطلاعات گردشگری هوشمند سیستم خدمات اینترنتی کاربر نهایی

امکان جستجوی هوشمند		
استفاده از ابزارهای دیجیتالی جهت تبلیغات		
تشویق بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در بخش گردشگری	عوامل مالی	
کارآفرینی متناسبی با توانمندی های گردشگری		
توسعه فرصت های شغلی		
بهبود درآمد و رفاه مردم		
جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی		

در این مرحله، با بررسی محتوای مصاحبه‌ها و ماهیت آن‌ها، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم در تم‌های اصلی مشخص شد. براساس نتایج حاصل از مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان، می‌توان گفت که در مدل توسعه گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناورانه، ۲۶ عامل موجود است. این یافته‌های توصیفی شامل آماره‌های توصیفی هستند که در ادامه، هر یک از این شاخص‌ها برای تک‌تک متغیرهای مورد مطالعه بررسی شدند.

جدول ۲. آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
عوامل مدیریتی	۲/۹۱۷	۰/۹۳۵	-۰/۲۲۱	-۰/۶۶۶
عوامل زیر ساختی	۲/۷۷۶	۱/۰۳۱	-۰/۰۱۷	-۰/۹۵۷
عوامل فناورانه	۲/۶۳۵	۰/۶۰۲	۰/۰۶۱	-۰/۵۴۴
عوامل مالی	۲/۸۵۵	۰/۹۵۸	۰/۸۳۰	۱/۸۰۰
توسعه گردشگری شهری	۲/۴۵۹	۰/۷۷۵	۰/۰۶۴	-۰/۴۰۶

با توجه به داده‌های موجود در جدول شماره ۲ درباره هر یک از متغیرهای پژوهش، می‌توان به بررسی هر یک از این شاخص‌ها پرداخت. به طور خاص، بالاترین میانگین متعلق به متغیر عوامل مدیریتی و پایین‌ترین میانگین مربوط به توسعه گردشگری شهری است. انحراف معیار نیز نشان‌دهنده پراکنش داده‌ها است، به عبارت دیگر، انحراف معیار نشان‌دهنده پراکنش اغلب داده‌ها نسبت به میانگین است. ضریب کجی یا چولگی یک شاخص است که اندازه کجی را نشان می‌دهد و معمولاً بین -۳ تا +۳ متغیر می‌شود. اگر چولگی صفر باشد، توزیع داده‌ها متقارن است که برای همه متغیرهای پژوهش در بازه استاندارد است. مقدار کشیدگی با استفاده از متغیر کورتوسیس برای تمام متغیرهای پژوهش نیز نرمال است.

۱.۳. بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها

این پژوهش از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی استفاده می‌کند. با توجه به مقادیر حاصل از آماره اسمیرنوف-کلموگروف در جدول ۳، می‌توان استنباط کرد که

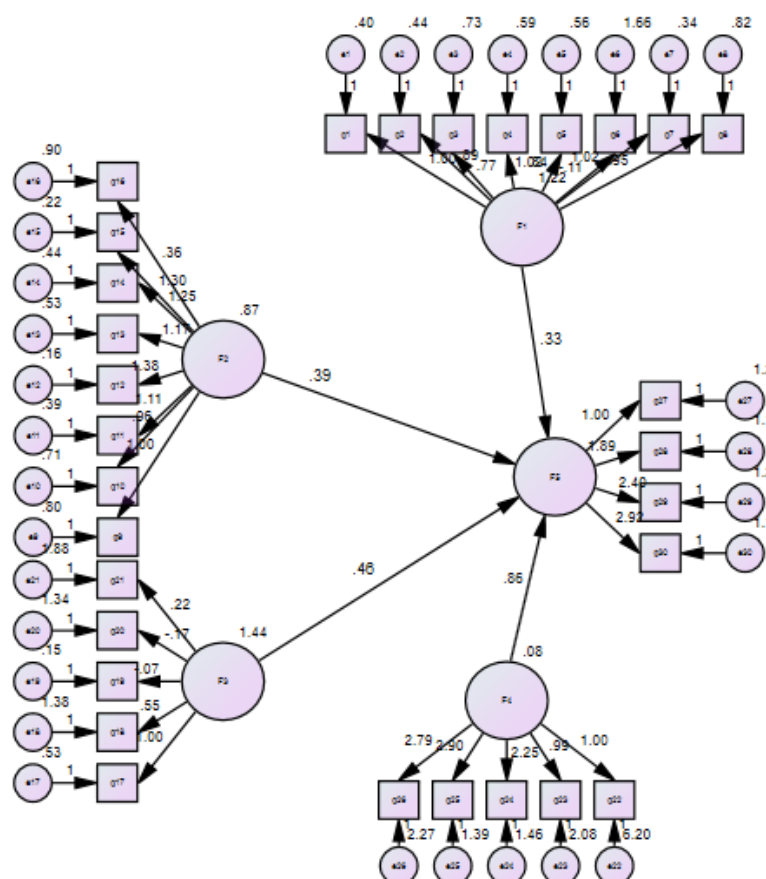
تفاوت معنی‌داری بین توزیع مورد انتظار و توزیع مشاهده شده برای تمام متغیرها وجود ندارد. بنابراین، متغیرهای این پژوهش توزیع نرمال دارند.

جدول ۳. تست نرمالیت متغیرها

متغیر	نوع توزیع به کار گرفته شده	سطح معناداری	نتیجه
عوامل مدیریتی	نرمال	۰/۰۸۸	نرمال
عوامل زیر ساختی	نرمال	۰/۲۰۰	نرمال
عوامل فناورانه	نرمال	۰/۲۰۰	نرمال
عوامل مالی	نرمال	۰/۰۷۹	نرمال
توسعه گردشگری شهری	نرمال	۰/۰۶۳	نرمال

۲.۳. برازش مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها

شکل (۱) مدل ساختاری تحقیق را نشان می‌دهد که در آن ضرایب رگرسیونی برآورد شده بین متغیرهای مدل ساختاری تحقیق نمایش داده شده است.



شکل ۱. مقادیر ضرایب استاندارد روابط بین متغیرهای مدل تحقیق در مدل ساختاری

خلاصه نتایج حاصل از برازش مدل ساختاری تحقیق در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از برازش مدل ساختاری تحقیق

روابط مفاهیم با شاخص‌ها در مدل	ضریب استاندارد	آماره آزمون	سطح معناداری
بررسی تأثیر عوامل مدیریتی بر توسعه گردشگری شهری	۰/۳۳	۳/۷۵۱	۰/۰۱۱
بررسی تأثیر عوامل زیر ساختی بر توسعه گردشگری شهری	۰/۳۹	۴/۰۰۱	۰/۰۰۰
بررسی تأثیر عوامل فناورانه بر توسعه گردشگری شهری	۰/۴۶	۵/۲۵۸	۰/۰۰۰
بررسی تأثیر عوامل مالی بر توسعه گردشگری شهری	۰/۸۵	۶/۲۵۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار ضریب رگرسیون استاندارد تأثیر عوامل مدیریتی بر توسعه گردشگری شهری برابر ۰/۳۳ است و مقدار آماره تی برابر با ۳/۷۵۱ است که در سطح معناداری ۵ درصد، تأثیر عوامل مدیریتی بر توسعه گردشگری شهری به طور معنادار و مستقیم است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مدیریتی تأثیر معناداری بر توسعه گردشگری شهری دارند. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد برای تأثیر عوامل زیرساختی بر توسعه گردشگری شهری برابر ۰/۳۹ و مقدار آماره تی برابر با ۴/۰۰۱ است که در سطح معناداری ۵ درصد، تأثیر عوامل زیرساختی بر توسعه گردشگری شهری معنادار و مستقیم است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل زیرساختی تأثیر معناداری بر توسعه گردشگری شهری دارند. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد برای تأثیر عوامل فناورانه بر توسعه گردشگری شهری برابر ۰/۵۶ و مقدار آماره تی برابر با ۵/۲۵۸ است که در سطح معناداری ۵ درصد، تأثیر عوامل فناورانه بر توسعه گردشگری شهری معنادار و مستقیم است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل فناورانه تأثیر معناداری بر توسعه گردشگری شهری دارند. مقدار ضریب رگرسیون استاندارد برای تأثیر عوامل مالی بر توسعه گردشگری شهری برابر ۰/۸۵ و مقدار آماره تی برابر با ۶/۲۵۶ است که در سطح معناداری ۵ درصد، تأثیر عوامل مالی بر توسعه گردشگری شهری معنادار و مستقیم است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که عوامل مالی تأثیر معناداری بر توسعه گردشگری شهری دارند.

جدول ۵. شاخص های برازش مدل پژوهش

شاخص	حد مطلوب	مقدار گزارش شده
شاخص برازندگی (GFI)	۰/۹۰ و بالاتر	۰/۹۲
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	۰/۹۰ و بالاتر	۰/۹۲
شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)	۰/۹۰ و بالاتر	۰/۹۲
شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹۰ و بالاتر	۰/۹۱
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۰ و بالاتر	۰/۹۳
ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	کمتر از ۰/۱۰	۰/۰۷۱

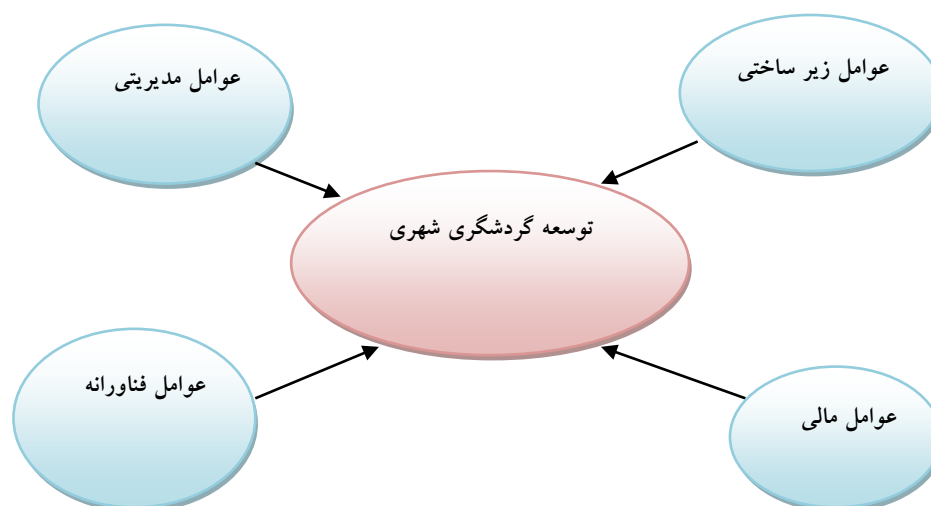
همانگونه که در جدول ۵ نشان داده شده است کلیه شاخص های برازش شده مدل در حد مطلوب قرار دارد.

۴. بحث

بخش گردشگری به عنوان یکی از پربازده‌ترین بخش‌های خدماتی در کشورهای مختلف شناخته شده و نقش بسیار مهمی در رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال ایفا می‌کند. شناسایی ویژگی‌های مؤثر در مقاصد گردشگری برای جذب گردشگر، اهمیت فراوانی در رشد و توسعه این صنعت در کشورها دارد. همچنین، عوامل مدیریتی نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در این زمینه به شمار می‌آیند. نتایج پژوهش حاضر که با مطالعه گراه و همکاران (۲۰۲۰) تحت عنوان "بررسی مدیریت توسعه گردشگری شهری" انجام شده است، نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی می‌تواند تأثیرگذار باشد. این نتایج هماهنگ با یافته‌های رضایی (۱۴۰۲) است که برنامه‌ریزی راهبردی و سیاستگذاری توسعه در زمینه گردشگری را به عنوان عوامل حائز اهمیت تأکید می‌کند. از جمله نقاط قوت این صنعت می‌توان به وجود انواع جاذبه‌ها و چشم‌اندازهای تاریخی و فرهنگی اشاره کرد که باید به درستی مدیریت شوند. همچنین، نقاط ضعفی نظیر نامناسب بودن تجهیزات و تاسیسات توریستی، تفریحی و ورزشی نیز تأثیر مهمی در توسعه صنعت گردشگری دارند. موقعیت راهبردی و سیاست‌های مناسب می‌توانند به بهبود و توسعه گردشگری کمک کنند. این نتایج همچنین با پژوهش وارثی و همکاران (۱۴۰۲) تحت عنوان "بررسی تأثیر عوامل هویت شهر بر توسعه گردشگری" که به مطالعه موردی شهر شیراز پرداخته‌اند، همخوانی دارند. این پژوهش نشان می‌دهد که حفظ هویت‌های تاریخی، فرهنگی، ادبی، طبیعی و کالبدی شهر می‌تواند به توسعه گردشگری و معرفی پایدار آن کمک کند. بنابراین، مطالعات نشان می‌دهند که فراگیری عوامل مدیریتی و استفاده از فناوری‌های نوین، می‌تواند به بهبود و رشد پایدارتر صنعت گردشگری کمک کند.

وارثی و همکاران (۱۴۰۲) پیشنهاد نمودند برنامه‌ریزان شهری بر حفظ همه عوامل هویتی تاریخی، فرهنگی، ادبی، طبیعی و کالبدی شهر تأکید کنند و با به کارگیری همه عوامل هویتی در معرفی شهر و توسعه

گردشگری پایدار تلاش کنند. این نتایج همچنین همسو با نتایج گرجی کرسامی و همکاران است که گزارش کردند که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی باعث توسعه صنعت گردشگری می‌شود و باعث بهبود آن می‌شود. همچنین این نتایج همراستا با نتایج نادعلی و سفیدچیان (۱۳۹۷) است که گزارش کردند بستر اولیه برای گردشگری هوشمند در مشهد وجود دارد و نیاز به تاکید بر سرعت تبادل اطلاعات و مشتری‌محوری است. این نتایج بر اهمیت فناوری تاکید دارد. همچنین با در نظر گرفتن تاثیر فناوری در این زمینه شفيعی و همکاران (۲۰۲۳) بر روی توسعه مقاصد پایدار از طریق فناوری‌های هوشمند نیازمند شناسایی سیاست‌های مؤثر پیش از تاکید کردند. بنابراین فناوری می‌تواند اثرات قابل توجهی بر روی توسعه گردشگری داشته باشد. فناوری نوآورانه در توسعه صنعت گردشگری اهمیت زیادی دارد و می‌تواند به چندین نحو به بهبود و رشد این صنعت کمک کند: استفاده از فناوری‌های نوین مانند واقعیت افزوده، واقعیت مجازی و هوش مصنوعی می‌تواند تجربه گردشگران را بهبود بخشد و آن‌ها را به یک تجربه تعاملی و ممتع تبدیل کند. استفاده از فناوری برای تبلیغات هدفمندتر و مؤثرتر، مانند استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تحلیل داده‌ها و مدیریت ارتباط با مشتری می‌تواند باعث جذب گردشگران بیشتر شود. استفاده از فناوری برای بهبود مدیریت منابع، اطلاعات مدیریتی، سیستم‌های رزرواسیون، نظارت و کنترل وضعیت مکان‌های گردشگری می‌تواند به بهره‌وری و بهبود عملکرد کمک کند. فناوری‌های نوین می‌توانند به بهبود مدیریت محیط زیست در مقاصد گردشگری کمک کنند، از جمله کاهش آلاینده‌ها، مدیریت پسماندها و حفاظت از منابع طبیعی. استفاده از فناوری به طور فراگیر در ارائه اطلاعات به گردشگران، نقدها و امکانات محلی می‌تواند به افزایش آگاهی و اطمینان گردشگران در مورد مقصد کمک کند. ایجاد فرصت‌های جدید برای سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری از طریق فناوری‌های نوین، مانند پلتفرم‌های رزرواسیون آنلاین و استارت‌آپ‌های گردشگری، می‌تواند به ارزش اقتصادی مقاصد گردشگری کمک کند. بنابراین، فناوری نوآورانه نه تنها به بهبود تجربه گردشگران کمک می‌کند، بلکه به بهره‌وری بالاتر، افزایش پایداری محیط زیست، ترویج فرهنگ‌سازی و اقتصادی، و توسعه پایدارتر صنعت گردشگری نیز کمک می‌کند.



شکل ۲. مدل توسعه گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناوری

۵. نتیجه گیری

گردشگری روی فعالیت‌های اقتصادی شهرها تاثیر بسزایی دارد و توسعه گردشگری در واقع کمک قابل توجهی به ایجاد تحول در فعالیت‌های اقتصادی شهر است. در پژوهش حاضر ارائه مدلی جهت توسعه گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناورانه مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش با استفاده از تحلیل کیفی ۵ مضمون اصلی استخراج شده است که شامل عوامل مدیریتی، عوامل زیر ساختی، عوامل فناورانه، عوامل مالی و توسعه گردشگری شهری می‌باشد براساس تحلیل کمی، برازش مدل پیشنهادی در حد مطلوب قرار دارد. در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت صنعت گردشگری همانند دیگر عرصه‌های خدماتی، هر روزه شاهد افزایش رقابت و حضور رقبای جدید است. به طوری که رشد قابل توجه فعالیت‌های گردشگری به وضوح نشانگر این است که گردشگری یکی از مهمترین پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی قرن گذشته است. گردشگری در رابطه با بسترهای تکنولوژیکی بحث شده و بسترهای اقتصادی حاصل از جهانی شدن، اصلی مستحکم در سیاست‌های اقتصادی در هزاره سوم محسوب می‌شود. تحولات حاصل از مباحث فوق در رابطه با گردشگری در دو سویه تاثیرگذاری از یک سو به شکل‌گیری گردشگری الکترونیکی منتهی گردیده و از دیگر سو شکل‌گیری گردشگری مجازی را سبب شده است و با رشد سریع تکنولوژی اطلاع رسانی در چارچوب نظام مبادله الکترونیکی و سرعت بخشیدن به امر بازاریابی و مسافرت، کاهش هزینه‌ها و دستیابی به بازارهای جدید را در زمینه گردشگری فراهم آورده است. از طریق ترکیب فناوری اطلاعات مدرن با خدمات گردشگری، مدیریت گردشگری و بازاریابی گردشگری امکان پذیر می‌شود و با قرار دادن تجربه تعاملی گردشگران به عنوان مرکز، این امر برای منابع گردشگری و اطلاعات گردشگری به شکل منظم، یکپارچه می‌شود. از چنین پیشرفت‌هایی می‌توان برای خدمت به مردم، سازمانهای تجاری و دولتی استفاده کرد. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که عوامل مختلفی همچون عوامل مدیریتی، عوامل زیر ساختی، عوامل مالی و عوامل فناورانه در توسعه گردشگری شهری اصفهان با توجه به پدیده‌های نوظهور فناورانه تاثیرگذار می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از مطالعه آمیخته در خصوص تأثیر عوامل مختلف بر توسعه گردشگری شهری در شهر اصفهان، به نتایج زیر دست یافت:

تحلیل‌ها نشان دادند که عوامل مدیریتی، زیرساختی، فناورانه و مالی به طور معناداری و مستقیم بر توسعه گردشگری شهری در اصفهان تأثیرگذار هستند. این نتایج اهمیت بالایی را برای مدیران شهری و سیاست‌گذاران تأیید می‌کنند تا بهبود و توسعه این عوامل را به عنوان بخشی اساسی از استراتژی‌های توسعه گردشگری شهری در اصفهان در نظر بگیرند. با توجه به موارد ذکر شده، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی برای بهبود عوامل مدیریتی مانند مدیریت منابع، برنامه‌ریزی استراتژیک و مدیریت ارتباط با ذینفعان، تقویت عوامل زیرساختی از جمله توسعه فیزیکی و حمل و نقل، بهبود عوامل فناورانه از جمله استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های هوش مصنوعی، و تقویت عوامل مالی شامل سرمایه‌گذاری‌ها و تخصیص منابع مالی، در دستور کار قرار گیرد. این اقدامات به طور مستقیم به ارتقای سطح توسعه گردشگری شهری در اصفهان کمک خواهند کرد و باعث پایداری و رشد این صنعت اساسی خواهند شد.

سیاسگذاری

در پایان از تمام عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند صمیمانه تشکر می‌کنیم.

کتاب نامه

۱. محمدی فر، ی. و خسروی، س. ا. (۱۴۰۲). مدل خلق ارزش از کلان داده در بازاریابی، رویکردی فراترکیب. فصلنامه علمی مدیریت تبلیغات و فروش، ۴(۲)، ۸۳-۱۱۳.
۲. رضایی، ح. (۱۴۰۲). برنامه ریزی راهبردی و سیاستگذاری توسعه گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر تاریخی یزد). اولین همایش ملی نقش معماری و شهرسازی بر گردشگری شهرهای مرزی.
۳. دژپسند، س. و مرادی، ر. (۱۴۰۲). تبیین راهکارهای توسعه گردشگری خلاق در شهرهای مرزی با محوریت معماری و شهرسازی. اولین همایش ملی نقش معماری و شهرسازی بر گردشگری شهرهای مرزی.
۴. کروی، م.، ضیایی، م.، محمودزاده، س.م. و پویان زاده، ن. (۱۴۰۱). الگوی مدیریت ازدحام گردشگران در مقصدهای ساحلی مازندران مبتنی بر گردشگری هوشمند. جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۲۰، ۲۴۷-۲۲۳.
۵. گرجی کرسامی، ع.، رحیمی فرح آبادی، د. و مطهری زاده، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه صنعت گردشگری مطالعه موردی گردشگری مجازی. تهران: نهمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم جغرافیا، معماری و شهرسازی ایران.
۶. نادعلی، س. و سفیدچیان، س. (۱۳۹۷). توان سنجی گردشگری هوشمند با تأکید بر ضرورت ها و الزامات زیر ساختی (مطالعه موردی کلان شهر مشهد). جغرافیایی فضای گردشگری، ۷(۲۸)، ۱۲۵-۱۳۹.
۷. وارثی، ح.ر.، وزین، ن.، عظیمی، م. (۱۴۰۲). تأثیر عوامل هویت شهر بر توسعه گردشگری مطالعه موردی: شهر شیراز. فصلنامه گردشگری شهری، ۱۰(۳)، ۱۵-۳۱.
8. Clavé, S. A. (2019). *Urban tourism and walkability. The future of tourism: Innovation and sustainability*. Springer Nature Link.
9. Cavalheiro, M. B., Joia, L. A., & Cavalheiro, G. M. D. C. (2020). Towards a smart tourism destination development model: Promoting environmental, economic, socio-cultural and political values. *Tourism Planning & Development*, 17(3), 237-259.
10. Gannon, M., Rasoolimanesh, S. M., & Taheri, B. (2021). Assessing the mediating role of residents' perceptions toward tourism development. *Journal of Travel Research*, 60(1), 149-171.
11. Gillovic, B., & McIntosh, A. (2020). Accessibility and inclusive tourism development: Current state and future agenda. *Sustainability*, 12(22), 9722.
12. Goodell, J. W., Kumar, S., Lim, W. M., & Pattnaik, D. (2021). Artificial intelligence and machine learning in finance: Identifying foundations, themes, and research clusters from bibliometric analysis. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 32, 100577.
13. Grah, B., Dimovski, V., & Peterlin, J. (2020). Managing sustainable urban tourism development: The case of Ljubljana. *Sustainability*, 12(3), 792.
14. Grilli, G., Tyllianakis, E., Luisetti, T., Ferrini, S., & Turner, R. K. (2021). Prospective tourist preferences for sustainable tourism development in Small Island Developing States. *Journal of Tourism Management*, 82, 104178.

15. Li, P., Wang, F., Zheng, X., & Huang, J. (2020). *Influencing factors and mechanism of urban community tourism development: A case study of Beijing*. *Sustainability*, 12(7), 2806.
16. Liu, Z., Lan, J., Chien, F., Sadiq, M., & Nawaz, M. A. (2022). Role of tourism development in environmental degradation: A step towards emission reduction. *Journal of environmental management*, 303, 114078.
17. Novy, J., & Colomb, C. (2021). Urban tourism as a source of contention and social mobilisations: A critical review. *Travel and Tourism in the Age of Overtourism*, 6-23.
18. Rasulov, A., Madjitova, J., & Islomova, D. (2022). Principles of tourism development in downstream zarafshan district. *American Journal of Social Sciences and Humanity Research*, 2(5), 11-16.
19. Šegota, T., Sigala, M., Gretzel, U., Day, J., Kokkranikal, J., Smith, M., & Rakić, T. (2019). Future agendas in urban tourism research: special editorial. *International Journal of Tourism Cities*, 5(2), 109-124.
20. Shafiee, S., Jahanyan, S., Ghatari, A. R., & Hasanzadeh, A. (2023). Developing sustainable tourism destinations through smart technologies: A system dynamics approach. *Journal of Simulation*, 17(4), 477-498.
21. Stors, N. (2022). Constructing new urban tourism space through Airbnb. *Tourism geographies*, 24(4-5), 692-715.
22. Tang, J., Cai, C., Liu, Y., & Sun, J. (2022). Can Tourism Development Help Improve Urban Liveability? An Examination of the Chinese Case. *Sustainability*, 14(18), 11427.
23. Tien, N. H., Viet, P. Q., Duc, N. M., & Tam, V. T. (2021). Sustainability of tourism development in Vietnam's coastal provinces. *World Review of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, 17(5), 579-598.
24. Wang, J., Huang, X., Gong, Z., & Cao, K. (2020). Dynamic assessment of tourism carrying capacity and its impacts on tourism economic growth in urban tourism destinations in China. *Journal of Destination Marketing & Management*, 15, 100383.
25. Zeng, J., Wen, Y., Bi, C., & Feiock, R. (2021). Effect of tourism development on urban air pollution in China: The moderating role of tourism infrastructure. *Journal of Cleaner Production*, 280, 124397.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

Representation of Religion in Public-Leisure Spaces of the City Case Study: 8 Parks in Mashhad

Ali Yousofi¹

**Professor in social sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Corresponding
Author**

Mohammad Mahdi Vaez Mosavi

Master of Social Research at Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Sogand Sadidi

Master of Social Research at Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mahdieh Maadani Melak

**PhD Candidate in Health and Social Health, University of Rehabilitation Sciences and Social
Health**

Received: 13 May 2024

Accepted: 26 September 2024

PP. 68-91

DOI: 10.22067/jgusd.2024.82053.1313
Scientific-Research Article

Abstract

Parks and public gardens as a form of public space and widely used leisure areas, provide a novel space for the representation of religion in the cities of Iran. In this regard, we analyze the religious Icons and elements presented in the parks and public gardens of Mashhad City (a city with the most religious origins) by a qualitative approach. The findings indicate the realization and embodiment of religion in four distinct categories: "Jurisprudence", "Identity", "Worship" and "Ethics"; the last category has the least emphasis and importance in terms of representation. Under the category of "Jurisprudence", there are icons that warn and advise the jurisprudential and Shariah standards in the form of two threatening (hard) and persuasive (soft) tones directed at gender (with emphasis on women's dress code and their particular separated spaces) and pets (with emphasis on banning dog's presence in the park). The "Identity" category refers to Icons that connect two local (Mashhadi-Khorasani) and national identities to religion. In this meaning, religion is realized by emphasizing the images related to Imam Reza's shrine and Islamic luminaries, warriors, and scholars. The "Worship" category realizes the concept of servitude and adoration in two ritualistic and mystical meanings. Finally, "Ethics" represents ethical values with religious references. The representation of these four concepts, types, or categories of religion in the leisure space of Mashhad, can be seen as an example of the presence and influence of political power in the public space, a form of space politics by the current established power.

Keywords: Religious Representation, Public Space, Recreational Space, Urban Parks, Mashhad.

¹. Corresponding author. Email: yousofi@um.ac.ir

Extended abstract

1.Introduction

Public and recreational urban spaces are among the most important arenas for social interaction, cultural reproduction, and the manifestation of dominant social values. Urban parks, due to their extensive use by citizens, play a significant role in everyday life and provide a suitable setting for the representation of cultural and religious symbols and values. As Iran's most important pilgrimage city, Mashhad offers a unique context for examining how religion is represented in public spaces. Given the role of governmental and municipal institutions in shaping urban environments and promoting cultural policies, investigating the manifestation of religion in recreational spaces can contribute to a deeper understanding of the relationship between religion, power, and space. Therefore, this study aimed to identify and analyze religious signs and symbols in Mashhad's public parks and to extract the major themes through which religion is represented in these spaces.

2. Method

This study employed a qualitative research design based on qualitative content analysis. The research focused on religious signs, symbols, and spatial elements present in public parks in Mashhad. Eight prominent parks, including Mellat, Koohsangi, Chehel Bazeh, Emam, Behesht (Golshour), Golha, Kowsar, and Koye Daneshgah, were selected according to their size, popularity, geographical distribution, and level of public use. Data were collected through field observations and photographic documentation during 2022–2023. A total of 82 unique religious signs were identified. Data analysis followed three stages: open coding, axial coding, and selective coding. Religious signs were first described in detail, then categorized according to shared meanings and themes. Religious indicators were defined as signs directly referring to Islamic concepts, values, personalities, or symbols. The identified signs were further classified into three categories: three-dimensional structures, special places, and textual structures.

3.Results

The findings revealed that religion is represented in Mashhad's parks through three major forms of signs: three-dimensional structures, special places, and textual structures. Content analysis identified four main thematic categories: jurisprudential religion, identity-based religion, worship-oriented religion, and ethical religion. The jurisprudential category included signs emphasizing Islamic regulations such as hijab, gender segregation, and restrictions on pets. These messages were conveyed through either disciplinary or persuasive approaches. The identity category consisted of symbols related to Imam Reza's Holy Shrine, war martyrs, Islamic scholars, and religious figures, promoting both local and national religious identities. Worship-oriented representations appeared through mosques, prayer rooms, qibla signs, announcements of religious ceremonies, and spiritual references to God. Ethical religion included signs encouraging values such as kindness, modesty, dignity, and respect through references to Islamic teachings and traditions. Identity-based and worship-oriented themes were the most visible forms of religious representation, whereas ethical themes were comparatively limited.

4. Discussion and Conclusion

The findings indicate that religious representation in Mashhad's recreational public spaces extends beyond worship and includes identity, jurisprudential, and ethical dimensions. The strong presence of identity-related symbols reflects an effort to connect religion with local, provincial, and national identities.

Likewise, the emphasis on religious regulations demonstrates the influence of cultural governance and official institutions in shaping public space. In contrast, ethical themes receive less attention despite their broader social appeal. Overall, the study suggests that urban parks in Mashhad function not only as recreational environments but also as spaces for reproducing and communicating religious meanings and values. Considering the diverse social groups that use these spaces, greater emphasis on ethical and universally shared values could enhance social inclusion, strengthen citizens' sense of belonging, and better support the primary recreational function of public parks.

Keywords: Religious Representation, Public Space, Recreational Space, Urban Parks, Mashhad.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

بازنمایی دین در فضای عمومی- فراغتی شهر

مورد مطالعه: بوستان‌های شهر مشهد

علی یوسفی* (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

yousofi@um.ac.ir

محمد مهدی واعظ موسوی (کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

vaezmousavi@mail.um.ac.ir

سوگند سدیدی (کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

sadidi.sogand@mail.um.ac.ir

مهدیه معدنی (دانشجوی دکتری سلامت و رفاه اجتماعی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران)

mah.madani@uswr.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

صص ۶۸-۹۱

چکیده

در این پژوهش بوستان‌ها و پارک‌ها به عنوان یکی از پرکاربردترین و جامع‌ترین عرصه‌های فراغتی، برای بررسی بازنمایی دین در فضای عمومی شهر مشهد انتخاب شده و علائم و عناصر دینی حاضر در آنها مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از تحقق و تجسم دین در چهار مقوله متمایز «احکام»، «هویت»، «عبادت» و «اخلاق» است که دسته آخر، کمترین تاکید و اهمیت را از حیث بازنمایی به خود اختصاص می‌دهد. ذیل مقوله احکام، آن دسته از علائمی قرار می‌گیرند که موازین فقهی و شرعی را در قالب دو لحن تهدیدی (سخت) و اقناعی (نرم) معطوف به جنسیت (با تاکید بر پوشش زنان و جداسازی محیط آنها) و حیوانات (با تاکید بر ممنوعیت حضور آنها در پارک) اعمال می‌کنند. مقوله هویت به آن علائمی اشاره دارد که از طریق تاکید بر نموده‌های مربوط به حرم امام رضا و مفاخر و علمای اسلامی دو هویت محلی (مشهدی-خراسانی) و ملی-ایرانی را با دین پیوند زده، و آن را بازنمایی می‌کند. مقوله عبادت، مفهوم عبودیت و بندگی را در دو معنای مناسکی و عرفانی محقق می‌سازد. مقوله اخلاقی نیز، بازنماینده آن دسته از ارزشهای کلان اخلاقی است که استنادات دینی پیدا کرده‌اند. بازنمایی این چهار مفهوم یا نوع دینی در فضای فراغتی را می‌توان تاحد زیادی مصداقی از حضور و نفوذ نهاد سیاست در فضای عمومی، و شکلی از سیاست فضا توسط قدرت مستقر دانست.

کلیدواژه‌ها: دین علامتی، دین مادی شده، فضای عمومی، فضای فراغتی، قدرت

۱. مقدمه

ایران همواره کشوری فهم شده که مذهب در آن نقش مهمی چه در عرضه سیاست و چه در عرصه اجتماع و فرهنگ بازی کرده است. از شکل گیری آیین میترائیسم و پس از آن، ظهور و گسترش دین زردشت و ارتباط موبدان با حکام برای قرن‌های متوالی گرفته، تا نفوذ اسلام و حاکمیت دولت‌های متعدد مسلمان در این جغرافیا که در نهایت به انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ختم شد؛ همواره در این دوران‌ها نهاد دین و مذاهب مختلف در عرصه های متفاوت زندگی ایرانیان نقش پررنگی داشته‌اند. هرچند که طی دو‌یست سال گذشته و از طریق گسترش ارتباط ایرانیان با دنیای غرب، جریان مدرنیته به طور فزاینده جایگاه خودش را در میان ایرانیان پیدا کرده و منجر به خصوصی شدن نسبی دین شده است (آبراهامیان^۱، ۲۰۱۷)، اما با این حال، انقلاب اسلامی ایران را باید نقطه عطفی دانست که پس از آن، دین‌ورزی و بروز آن، بعد سیاسی قدرتمندی پیدا کرد. چراکه در دوران بعد از انقلاب، روحانیت سازماندهی و تشکل سامان‌یافته‌تری یافت و با تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی جدید، رسماً حاکمیت خصیصه مذهبی به خود گرفت (بشیری، ۱۳۸۲). از آن پس، دین‌مدار کردن شهروندان، درونی سازی آن، اجرا و هدایت باورها و آئین‌های دینی از وظایف مهم و اولیه حکومت به حساب می‌آید. در این نظام متولیان دین از طریق رسانه جمعی و آموزش، ایدئولوژی خود را تبلیغ می‌کنند، (هوگلاند و رویس^۲، ۱۹۸۴) بر اجرای آن نظارت می‌کنند و در تلاشند تا با اعمال قدرت و سیاست‌ورزی، جمعیت بیشتری را نیز درگیر آن کنند (خلجی^۳، ۲۰۱۱). چنین تلاشهایی، به طور ملموس و عینی، خودش را در تغییرات فضایی سطح شهرها که نمایانگر نوعی از سیاست فضا هستند، نشان می‌دهد.

در پس از انقلاب، شاهد نوعی از سیاست فضا بوده‌ایم که همانطور که فوکو با استفاده از مفهوم «زیست‌قدرت» نشان می‌دهد، بیانگر تکنیک‌های قدرتی است که حول حکومت فضا ساخته می‌شوند و روابط قدرت را بر انسان‌ها، چه به‌عنوان افراد و چه به‌عنوان انبوه اعمال می‌کنند و نمایش می‌دهند. درواقع می‌توان گفت حاکمیت ایران آگاهانه و ناآگاهانه از طریق کنترل فضا به مدیریت و کنترل مردم می‌پردازد تا توانایی‌ها و ظرفیت‌هایشان را برای مقاصد خاصی، مستقیم یا غیرمستقیم، بالا ببرد (ژلنیتس، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۶-۲۸۷). چنین سیاست‌های تغییرات فضایی، به ویژه در شهرهای مذهبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مشهد به عنوان دومین شهر پر جمعیت ایران، با وجود حرم امام هشتم شیعیان، می‌تواند مهم‌ترین شهر دینی ایران خطاب شود، به‌گونه‌ای که هرساله چند ده میلیون زائر را به خود جلب می‌کند.^۴ متولیان این شهر

^۱. Abrahamian

^۲. Hooglund & Royce

^۳. khalaji

^۴. آمار دقیقی از جمعیت سالانه‌ی زائران مشهد در دسترس نیست. با این حال می‌دانیم که معاون هماهنگی و مدیریت امور زائران استانداری خراسان رضوی تعداد سالانه‌ی زائران را ۲۵ میلیون نفر اعلام کرده است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴)، تولیت آستان قدس این عدد را ۲۸ میلیون دانسته است (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۷) رئیس شورای شهر مشهد این رقم را ۳۰ میلیون نفر خوانده است (شهرآرا نیوز، ۱۴۰۱)؛ و برخی نیز رقم ۳۳ میلیونی را در این راستا تخمین زده‌اند (اسحاقی، ۲۰۱۵: ۲۸۳).

همواره بر بعد معنوی و زیارتی آن تاکید کرده و در تلاش بوده‌اند تا ابعاد دیگر -همچون تفریحی و توریستی- بر بعد دینی آن غلبه پیدا نکند. نماینده‌ی رهبر ایران در مشهد (امام جمعه) همواره بر این امر تاکید داشته و دارد که این شهر «شهر گردشگری» و برای مثال «اجرای کنسرت» نیست (همشهری آنلاین، ۱۳۹۵؛ خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۸؛ دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱). با این حساب انتظار می‌رود که فضاهای فراغتی شهر مشهد به‌طور ویژه‌تری سیاست دینی فضا را تجربه می‌کنند.

از مهم‌ترین و پرکاربردترین فضاهای فراغتی و عمومی در سطح شهر، پارک‌ها و بوستان‌ها هستند که با زیست روزمره مردم ارتباط دارند و فضای تعامل منحصربه‌فردی را بین کنشگران حاضر در پارک‌ها فراهم می‌کنند. درواقع پارک‌ها همواره جز مهمی از میدان و فضاهای عمومی شهر محسوب می‌شوند (تانکیس، ۱۳۹۴). فضای عمومی عرصه‌ای اجتماعی است که در آن افراد و اشیا مورد ادراک قرار می‌گیرند و مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهتگیری‌های ارزشی و هنجاری را نسبت به دیگری، محیط و اشیا تولید می‌کنند (هابرماس^۱، ۱۹۹۱: ۳۱). روابط اجتماعی را باید انتزاع‌های انضمامی‌ای فهم کرد که جز در فضا و از طریق فضا، موجودیتی نخواهند داشت. در واقع فضا به مثابه امر ادراک شده، امر تصور شده و امر زیسته بررسی می‌شود و این یعنی فضا امری فیزیکی، ذهنی و اجتماعی است که همواره در حال برساخت شدن است (گونواردنا و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

باچنین ادراکی از فضا، می‌توان انتظار داشت که با مطالعه فضاهای پارک‌های شهر مشهد به علامت‌ها و نشانه‌هایی بر می‌خوریم، که حکایت از سیاست دینی فضا دارد، نمودهایی عینی که می‌توان آنها را به تعبیر خلجی (۲۰۱۱) بخشی از «سرمایه نمادین دینی» دانست که در بعد از انقلاب، حاکمیت بیشترین حد آن را در اختیار گرفته و یگانه متولی قدرتمند آن شده است.

از مرور مطالعات پیشین، چه در آثار فارسی و چه در انگلیسی، اثر همانندی که به تحلیل محتوا یا تحلیل گفتمان علامتهای دینی فضاهای فراغتی بپردازد، به دست نیامد. سوابق فارسی مرتبط، حاوی آثاری است که سطوح ادراک دینی و توحیدی مردم و متخصصان از المان‌های شهری را سنجیده است (خاک زند و قربان زاده، ۱۳۹۵؛ همتی و همکاران، ۱۳۹۶)، و یا بازنمایی عرفان اسلامی و هویت دینی را در معماری شهری (یعنی میزان همخوانی آثار معماری با سنت دینی را) مورد بررسی قرار داده‌است (باقری و حمزه نژاد، ۱۳۹۴؛ همتی و همکاران، ۱۳۹۶). مطالعات دیگر، بیشتر معطوف به نشانه‌شناسی المان‌های شهری، فارغ از جنبه دینی بوده است (به عنوان نمونه: حسنی و همکاران، ۱۳۹۸؛ کامران، ۱۳۸۶؛ کامران، ۱۳۹۲؛ منفرد و همکاران، ۱۳۹۷؛ آدامی^۳، ۲۰۲۰؛ یائو و ژائو^۴، ۲۰۱۸؛ جئون و جئون^۵، ۲۰۱۲؛ و کرزیلانوسکا^۶، ۲۰۱۶). از مرور آثار بیان شده می‌توان گفت که هرچند تحلیل محتوای علامت‌ها و نشانه‌های دینی در پارک و بوستان‌ها به عنوان

¹ Habermas

² Goonewardena

³ Adami

⁴ Yinyan Yao & Yanfen Zhuo

⁵ Jeon & Jeon

⁶ Krzyżanowska

یک فضای فراغتی، به عنوان یک موضوع به خصوص، تا به حال مورد توجه پژوهشگران نبوده است، اما با این حال، آثار یاد شده بینشی برای بررسی کیفی محتوای این آثار، به دست می‌دهند که برای مطالعه حاضر کاربردی و راهساز است.

تلقی این پژوهش از فضای شهری (به طور عام)، پارک‌ها و بوستان‌ها (به طور خاص)، المان‌های دینی حاضر در آنها و ارتباط این عناصر با یکدیگر، با کمک دو مفهوم نظری: «فضای عمومی» و «دین علامتی» تشریح می‌گردد.

فضای بوستان‌ها و پارک‌های شهری -که کارکردی فراغتی دارند- به عنوان بخشی از فضای عمومی و به تعبیر تانکیس، جزء مهمی از میدان محسوب می‌شوند (تانکیس، ۱۳۹۴). فضایی که همواره بستر و تجلی‌گاه تعاملات اعضای جامعه، و محصول نهاد اجتماع و نهاد فرهنگ بوده است و می‌توان آن را به عنوان بخشی عینی، ملموس و مکان‌مند شده از حوزه مدنی^۱ به تعبیر جفری الکساندر^۲ (۲۰۰۶) دانست که در آن فرهنگ جامعه تجلی یافته، بازیابی و برساخت می‌شود.

فضای عمومی، به غیر از جنبه فرهنگی و اجتماعی، بُعد سیاسی نیز دارد؛ چرا که «سیاست، خود را در فضا فاش می‌کند» (تانکیس، ۱۳۹۰، ص. ۹۲). شهرها و اجزای آن (از جمله پارکها و بوستان‌ها)، مکان‌های شاخص قدرت رسمی هستند. شیوه‌های اقتدار سیاسی، حقوقی، قانونی، اقتصادی، پلیسی و نظامی در این فضا مادی و عینی می‌شود و قدرت سیاسی می‌تواند حول این فضایی که در اشغال دارد، خود را بازنمایی کند؛ و بدین طریق، از اختیارات جنبش‌های مدنی مخالف بکاهد (همان، ص. ۹۲-۹۳). فضای عمومی، و یا همان نسخه مکان‌مندشده‌ی حوزه مدنی، همواره تا حدی به صورت نهادی مورد اعمال قدرت قرار می‌گیرد (الکساندر، ۲۰۰۶، ص. ۳۱). بدین ترتیب با مطالعه فضای عمومی و نحوه طراحی فضایی آن، و همچنین علائم حاضرشده در آنجا می‌توان همواره ردپای امر سیاسی را مشاهده کرد. فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند و علاوه بر اینکه تجلیگاه رابطه عملکرد بین انسان و فضاست، از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز ارزش والایی دارند. این فضاها، ابزاری برای ارتباطات، مکان فرصت‌سازی برای رویارویی مستقیم شهروندان و محلی برای مدیریت و هماهنگ کردن شهروندان محسوب می‌گردند (حسینی و صابری، ۱۴۰۲).

اصطلاح دین علامتی (آیکونی) که الهام گرفته از نظریه پردازی بارتمانسکی و الکساندر^۳ (۲۰۱۲) در زمینه قدرت نمادین اشیا در عرصه فرهنگی است، توسط نات، کِرک و میر^۴ (۲۰۱۶) در ارتباط با فضای شهری به‌طور به‌خصوصی مفهوم‌پردازی شده و شرح و بسط یافته است. در این پیش، مصنوعات بشری (اشیا، اشکال، ساختمان‌ها، اصوات و...) و گاه‌ها اجزا طبیعت، از حیث نقششان در ۱. حمل معنای دینی، و از این

^۱ Civil Sphere

^۲ Jeffrey C. Alexander

^۳ Bartmański & Alexander

^۴ Knott, Krech & Meyer

طریق ۲. تحقق دین در فضای شهری، اهمیت می‌یابند. نات و همکاران (۲۰۱۶) برآنند که اساسا کارکرد یک علامت^۱، یعنی ظاهر کردن چیزی که حضور ندارد، همواره یکی از وظایف ضروری دین بوده است. دین می‌خواهد، آنچه را که دردسترس نیست قابل دسترس، نادیدنی را دیدنی، غیرقابل لمس را لمس‌کردنی و ناشنیدنی را شنیدنی کند (از این حیث است که مطالعه علائم، همواره با دین و تاریخ آن پیوند داشته است).

در تعریف علامت دینی باید گفت: چیزی است که از طریق حمل حدی از شباهت کیفی با امر مقدس، آن را ظاهر می‌سازد، حتی اگر واقعا آن امر، وجود خارجی نداشته باشد. علامت یک چیز، نه کاملا شبیه یا یکسان با آن چیز، و نه کاملا متمایز از آن است، بلکه به شیوه‌ی خاصی (از طریق شباهتی که با آن دارد) بر آن دلالت می‌کند. علائم دینی آن معنایی را که در سنت دینی مورد تایید است، در محیط محقق می‌سازند، و فراتر از صرف نمایانگر بودن، حضوردهنده دین هستند. آنها هم عامل تجربه معنوی و هم جذب کننده آن به حساب می‌آیند (نات و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۳۰-۱۳۱). اشیا مختلفی، می‌توانند مصداقی از علامت دینی باشند: ساختمان‌ها، تصاویر، نقاشی‌ها، مکانها، مجسمه‌ها، پوشش‌ها یا قسمت‌هایی از لباس‌ها، متون، کتابها، ژست‌ها، تزئینات، ظروف، اصوات و ... در واقع هرکدام از این علامت‌ها، زمانی دینی هستند که ابزار ارتباط دینی باشند و در صورت استقرار، ادراک، رفتار و ارتباط را به سوی امر قدسی هدایت کنند؛ آنها می‌تواند دین را از جنبه‌های: تجربه‌ای، مادی، شناختی و عملی، رشد و پرورش دهند؛ و از این طریق، خودارجاعی آن را تقویت نمایند. باید توجه داشت که علامت‌های دینی، به میزانی که به عنوان «گویندگان مادی ارتباط مذهبی» عمل کنند، به همان میزان دین را مادی می‌سازند، درواقع آنها به دین جسمیت می‌بخشند و آن را مجسم می‌نمایند (همان، ص. ۱۳۱-۱۳۳).

با این حال باید توجه داشت که یک علامت دینی، معمولا مورد مناقشه قرار می‌گیرد چراکه مفاهیم، اشیا، احساسات و کنش‌هایی که به آن ارجاع می‌دهد، تقویت یا جذب می‌کند، همیشه چند معنایی و چند ظرفیتی هستند. لذا باید دانست که یک علامت دینی به طور ذاتی یا همیشگی حامل تشابه با یک مفهوم، تصویر، تجربه‌هدایت‌شده یا عمل دینی نیست، بلکه دینی بودن آن، بستگی به نوع بازنمایی، شیوه ادراک مخاطب (جمع) و جنبه‌ای که در یک مطالعه مورد تاکید است، دارد؛ چراکه اشیا صرفا زمانی به عنوان علامت دینی عمل می‌کنند که دین عاملیت جامعی در یک اجتماع داشته باشد (همان، ص. ۱۳۳-۱۳۴).

مفهوم دین آیکونی، ابزار مفهومی مناسبی برای بررسی علامت‌های دینی بوستان‌ها و پارک‌های شهر مشهد -به عنوان بخشی از عرصه فراغت که زیرمجموعه فضای عمومی قرار می‌گیرد- به دست می‌دهد. لذا با مبنا قرار دادن این مفهوم تلاش داریم روشن سازیم که آن مظاهر عینی دینی که توسط مدیران شهری (نهاد سیاست) در فضای پارک‌ها و بوستان‌ها (نهاد فراغت) حاضر شده‌اند، -و می‌توانند واکنش‌های متفاوتی را برانگیزند- حامل چه محتواهایی هستند.

بنابراین هدف مطالعه حاضر، این است که با بررسی بزرگترین و مشهورترین بوستان‌های عمومی شهر مشهد، علامت‌های دینی را شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل کند تا بینشی از مضامین و مقولات اصلی بکار رفته

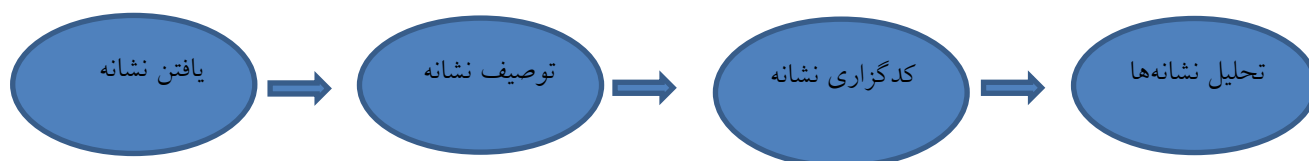
^۱. Icon

در آنها به دست دهد. درواقع مطالعه حاضر در پی آن است که در حدتوان، پاسخ پرسش‌های زیر را بیابد: دین در فضای بوستان‌های شهر مشهد از طریق چه عناصر، علامات یا نشانه‌هایی بازنمایی می‌شود؟ این علائم به چه دسته‌هایی تقسیم می‌شوند و از چه تنوعی برخوردارند؟ و در نهایت، چه محتوا یا مقولاتی را در اختیار ما می‌گذارند.

۲. روش شناسی

روش تحقیق مطالعه حاضر تحلیل محتوای کیفی علائم دینی است. روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیامهای زبانی، می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های معنادهی، و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت. در واقع هدف از تحلیل محتوا این است که اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ، تمایلات و ایدئولوژی خالق اثر شناسایی شود. تحلیل محتوای کیفی تلاش می‌کند تا اطلاعات را از طریق طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگو، مورد بررسی قرار دهد و معنای پشت آنها را شفاف و روشن نماید. در این روش عینیت یافته‌ها به وسیله نظام‌مندی فرایند رسیدن به آنها و میزان نظام‌مندی خودشان (در پایان فرایند)، معین می‌گردد (فلیک، ۱۳۹۴). در روش تحلیل محتوای کیفی، محقق دسته‌های اصلی را که چارچوب کدنویسی هستند می‌سازد. در ادبیات تحلیل محتوای کیفی، به این ابعاد یا دسته‌های اصلی قاب کدگذاری می‌گویند (شرایر^۱، ۲۰۱۲).

در این تحقیق فرایند کد دهی سه مرحله‌ای طی شد. بدین صورت که پس از تهیه تصاویر از علائم (به وسیله دوربین شخصی و با حضور محققان) ابتدا توصیفی جامع و عینی از هر یک از واحدهای تصویری نوشته می‌شد (تولید متن). سپس بر روی متن تهیه شده، مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی پیاده می‌شد تا در نهایت، مقولات اصلی و مبنایی بازنماینده علامت‌های دینی انتزاع گردند.



شکل ۱. فرایند کدگذاری

ملاک دینی بودن یک علامت، همخوانی آن با مفهوم بیان شده در بالا بوده است؛ یعنی (با در نظر گرفتن شرایط ایران، که در آن اسلام دین رسمی است) آن علامت به صورت مستقیم ارجاعی اسلامی داشته باشد. معیار انتخاب پارک‌ها نیز، میزان وسعت و شهرت آنها و همچنین، پراکندگی توزیع آنها در سطح شهر بوده است؛ تلاش شده است تا تنوع منطقه‌ای و محله‌ای در این گزینش تا حد امکان رعایت شود. به طور کلی، ۸ پارک یا بوستان مورد بررسی قرار گرفتند؛ شامل دو کلان‌پارک^۱. ملت و ۲. کوهسنگی و همچنین بوستان‌های

^۱. Schreier

۳. چهل‌بازه، ۴. امت، ۵. بهشت (یا گلشور)، ۶. گلها، ۷. کوثر و ۸. بوستان کوی دانشگاه. این ۸ پارک در چهار منطقه مختلف از شهر قرار می‌گیرند که نقشه توزیع آنها در زیر مشاهده می‌شود (در بخش یافته‌ها، مانند نقشه زیر، در جهت رهایت اختصار در متن، به جای ذکر نام هر پارک، شماره اختصاص داده شده به آن بیان شده است).



شکل ۲. نقشه توزیع منطقه‌ای پارک‌های بررسی شده در سطح شهر مشهد

۳. یافته‌ها

پس از اتمام جمع‌آوری اطلاعات، به‌طور کلی ۸۲ علامت دینی منحصر به فرد از مجموع ۸ پارک به دست آمد. جدول زیر، سهم هر کدام از بوستان در فراوانی علائم دینی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی علائم دینی در پارک‌ها/بوستان‌های مورد بررسی

نام پارک/ بوستان	تعداد علائم دینی
۱ ملت	۴۶
۲ کوهسنگی	۱۸
۳ چهل‌بازه	۶
۴ امت	۲
۵ بهشت (گلشور)	۴
۶ گلها	۳
۷ کوثر	۱
۸ کوی دانشگاه	۲
جمع	۸۲

تمامی علائم دینی احصا شده را می‌توان در سه گونه/قالب متمایز، دسته‌بندی کرد: سازه‌های حجمی، اماکن معین، و سازه‌های نوشتاری که در جدول زیر، مصادیق هرکدام ذکر شده است.

جدول ۲. دسته‌بندی سه‌گانه علائم دینی موجود در پارکهای سطح شهر مشهد^۱

علائم‌های دینی	مصادیق
سازه‌های حجمی	مجسمه‌ها و المان‌های خلاقانه
اماکن معین	نمازخانه‌ها، مساجد، قبور شهیدان و دانشمندان و عرفای اسلامی و محوطه‌های مختص زنان ^۲
سازه‌های نوشتاری ^۳	تابلوها، بنرها و اطلاعیه‌ها ^۴

۳. ۱. سازه‌های حجمی^۵

سازه‌های حجمی مجموعه آثاری هستند که در قالب مجسمه و المان‌های خلاقانه‌ی چندبعدی، پیام‌های دینی را در فضای بوستان‌ها منتقل می‌کنند. موارد مشاهده شده در پارک‌های مشهد عبارتند از: سازه گلدسته‌ی حرم امام‌رضا که بر بدنه‌اش عبارت «یا ضامن آهو» حکاکی شده است (بوستان ۲)؛ سازه‌ی سبزرنگی که به صورت سه بعدی عبارت «علی بن موسی الرضا» را نمایش می‌دهد (بوستان ۲)؛ سازه فلزی مردی که گنبد امام‌رضا را (به عنوان سمبل شهر مشهد) در دست گرفته است (بوستان ۲)؛ شکل فلزی گنبد و گلدسته حرم که در مرکز درهای جداکننده بخش بانوان پارک قرار دارد (بوستان ۱)؛ مجسمه‌ای از یک مبارز دوران دفاع مقدس که پرچم ایران را برافراشته و در بخش زیرین آن، خطوط هنری اسلیمی قابل رویت است (بوستان ۱)؛ نمایی برجسته از گنبد امام رضا درمیانه محوطه‌ای مجزا شده از پارک (بوستان ۲)؛ مجسمه یادبود ابوعلی سینا به عنوان «بزرگترین و مشهورترین پزشک و فیلسوف اسلامی» (بوستان ۱)؛ سازه‌ای از مسجد گوهرشاد که بنای یادبودی از کشته‌شدگان تحصن کرده در آن مسجد، در دوران رضاشاه به حساب می‌آید (به همراه متن توضیحات مربوطه به سه زبان مختلف) (بوستان ۵)؛ سازه آبخوری که در چهار جهت

۱. تأکید نگارندگان در این مطالعه بر جمع‌آوری علائم بصری بوده است. در برخی از پارک‌ها، طی ساعات معینی، علائم دینی غیربصری همچون صوت «اذان» و «صلوات خاصه امام رضا» نیز حضور می‌یابند. این امر در ایامی از سال همچون ماه‌ها محرم، صفر و رمضان، شکل خاص‌تری به خود می‌گیرد.

۲. محوطه‌های مختص به زنان به این دلیل به عنوان اماکن حاوی معنای دینی دسته‌بندی شده‌اند که در پیش از انقلاب اسلامی، شاهدی از اینکه دولت و شهرداری، پارک یا بوستانی را به صورت جنسیتی تفکیک کنند، در دست نداریم. چنین تفکیکی در محیط بوستان‌ها بعد از شکل‌گیری حاکمیتی اسلامی در ایران و در جهت رعایت حدود شرعی، رواج پیدا کرد.

۳. سازه‌های نوشتاری را می‌توان به دو دسته موقتی یا دوره‌ای، و دائم تقسیم کرد. دسته اول شامل آن دسته از علائمی می‌شود که در ایام خاص دینی (مانند ماه‌های محرم، صفر و رمضان) در فضای بوستان‌ها قرار می‌گیرند. و مورد دوم شامل آن دسته از علائمی است که فارغ از مناسبتی دینی، به طور معمول در فضای بوستان‌ها مشاهده می‌شود. در اثر حاضر صرفاً دسته دوم مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعه دسته اول خود پژوهشی دیگر می‌طلبد.

۴. منظور از اطلاعیه‌ها، آن دسته از سازه‌های نوشتاری موجود در پارک‌ها است که برگزاری مناسک دینی روتین روزانه یا هفتگی (مانند مراسم نماز جماعت یا دعای دسته‌جمعی کمیل) را، اطلاع‌رسانی می‌کند.

آن عبارات عربی سلام بر بزرگان تشیع و تصاویر چهار شهید ایرانی قرار گرفته است (بوستان ۴)؛ مجسمه نیم تنه شهید خراسانی دوران دفاع مقدس (بوستان ۵ و بوستان ۱). در ادامه تصاویر تعدادی از این سازه‌ها مشاهده می‌شود.

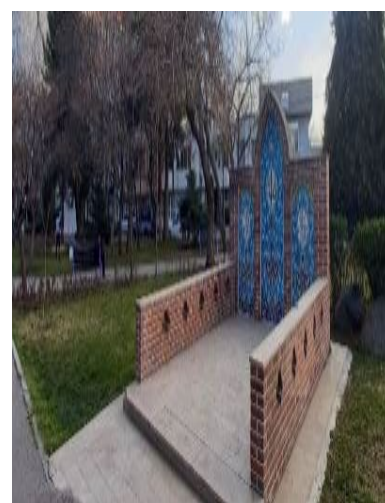


شکل ۳. نمونه عکس‌های «سازه‌های حجمی» دارای محتوای دینی در بوستان‌های مورد مطالعه

با اندکی دقت به دست می‌آید که تمامی سازه‌های حجمی موجود در بوستان‌ها، دین را از طریق ارجاع به علامت‌های نشانگر «شخصیت‌های شاخص اسلامی» (در راس آنها امام هشتم و سپس دیگر معصومین و بعد از آن دانشمندان اسلامی، شهدای جنگ ایران و عراق و شهدای کشتار مسجد گوه‌رشاد)، بازنمایی می‌کنند. این بازنمایی به صورت چشمگیری در دو ساحت «مشهد-خراسان» و «وطن-ایران» صورت می‌گیرد. درواقع همه علامت‌های حجمی موجود در بوستان‌ها -که هرکدام به نوعی بازنماینده شخصیت‌های شاخص مسلمان هستند- در دو مقیاس «محلی» و «وطنی» تقسیم می‌شوند. در ساحت محلی، شاهد علامت‌های مرتبط با امام رضا (به عنوان نماد و هویت شهر مشهد^۱ و حتی به طور کلی استان خراسان)، و سازه‌های مرتبط با شهدای مشهدی و خراسانی هستیم (شهدای جنگ ایران و عراق و ماجرای مسجد گوه‌رشاد). در ساحت وطنی نیز به دانشمندان مسلمان ایرانی، و شهیدان جنگ میان ایران و عراق به صورت کلی (فارغ از مشهدی بودن یا خراسانی بودن) اشاره می‌شود. در نهایت می‌توان گفت که سازه‌های حجمی بوستان‌ها، پیام دینی هویت بخشی را از طریق ارجاع به شخصیت‌های شاخص مسلمان در دو مقیاس محلی و وطنی بازنمایی می‌کنند.

۲.۳. مکان‌های خاص^۲

منظور از اماکن معین در اینجا مجموعه بناهایی در محیط بوستان‌ها است که هرکدام با اختصاص دادن فضایی به امور دینی، و یا با تقسیم دینی فضا، پیام‌های مذهبی را در پارک‌ها و بوستان‌های سطح شهر منتقل می‌کند. این اماکن در قالب نمازخانه، مسجد، مقبره شهیدان، دانشمندان و عرفای اسلامی و همچنین محوطه‌های اختصاص داده شده به زنان ظهور و بروز می‌یابند. شاخص‌ترین موارد مشاهده شده در پارک‌های مشهد عبارتند از: ساختمان و بنای نمازخانه (بوستان‌های ۱، ۳، ۵، ۶ و ۷)؛ ساختمان و بنای مسجد (بوستان ۲)؛ مقبره شهدای گمنام جنگ ایران و عراق (بوستان ۱ و ۲) و مقبره عرفای اسلامی معاصر ایرانی به همراه متن زندگی‌نامه آنها (بوستان ۲). در ادامه تصاویر تعدادی از این سازه‌ها مشاهده می‌شود.



^۱. به گونه‌ای که حتی نام مشهد برگرفته از ماجرای شهادت و دفن ایشان است.

^۲. Special Places



شکل ۴. نمونه عکس‌های «اماکن خاص» دارای محتوای دینی در بوستان‌های مورد مطالعه

با اندکی دقت به دست می‌آید که این دسته از علائم به سه طریق مختلف، دین را در فضای بوستان‌ها و پارک‌ها بازنمایی می‌کنند. به تعبیر دیگر، سه نوع پیام مختلف دینی توسط این دسته از علائم در پارک‌ها انتقال داده می‌شود. نمازخانه‌ها و مساجد به عنوان اماکن مخصوص مناسک روزانه‌ی دینی و مکان‌هایی برای انجام کنش‌های عبادی و بندگی، مفهوم «عبادت» را در این فضا زنده می‌کنند. مزار شهدا، عرفای اسلامی و دانشمندان مسلمان ایرانی و خراسانی نیز -به همان طریقی که سازه‌های حجمی مرتبط چنین می‌کرد^۱- مفهوم «هویت» را در بعد محلی و ملی، در این فضا بازنمایی می‌کنند. درواقع حضور مقبره‌ی شخصیت‌های شاخص ایرانی و خراسانی در پارک‌ها (شهدا، دانشمندان و عرفا)، جنبه‌ای زیارت‌گون در راستای تایید و گسترش هویتی همخوان با آنها فراهم می‌کند. در آخر نیز باید به تفکیک مکان مخصوص فعالیت‌های بانوان اشاره کرد. از آنجا که چنین امری، در پیش از انقلاب اسلامی رواج چندانی نداشته است و بعد از شکل‌گیری

۱. رجوع شود به توضیحات بخش سازه‌های حجمی.

حاکمیتی اسلامی در جهت رعایت حدود شرعی و تحقق قوانین فقهی رخ داده است، جنبه‌ای دینی و مذهبی دارد. تفکیک جنسیتی فضای پارک‌ها در جهت رعایت موازین شرعی بوده و از این جهت خصلتی «احکامی» دارد.

۳.۳. سازه‌های نوشتاری^۱

منظور از سازه‌های نوشتاری، مجموعه علائمی است که از طریق متن و در قالب‌هایی چون تابلو، بنر و اطلاعیه، پیامی دینی را به مخاطب منتقل می‌کند. این دسته از علائم که به نسبت دو دسته‌ی دیگر از فراوانی بیشتری در فضای بوستان‌ها برخوردار است، به صورت متنی و نوشتاری موضوعی دینی را در آن محیط بازنمایی می‌کند.

موارد مشاهده شده در پارک‌های مشهد عبارتند از: تابلویی که با ذکر ترجمه فارسی آیه‌ای از قرآن وجود منشا خدایی گیاهان و نعمتهای زمینی را یادآوری می‌کند و خواستار یادآوری نعمات خداوندی است (بوستان ۱)؛ تابلویی که تلاش دارد با نشان دادن عواقب منفی غفلت از خدا، یاد او را در میان افراد زنده نگه‌دارد (بوستان ۱)؛ اعلامیه‌ای که برگزاری مراسم دعای کمیل در مسجد پارک را اطلاع رسانی می‌کند (بوستان ۶). بنرها و همچنین تابلوهای ممنوعیت ورود حیوانات به پارک، معابر و اماکن عمومی به استناد قانون مجازات اسلامی و یا با اشاره به رعایت حقوق شهروندی (بوستان‌های ۱، ۲، ۳، ۶ و ۸)؛ اطلاعیه جداسازی دستگاه‌های ورزشی بانوان از آقایان (بوستان ۳)؛ تابلو دعوت بانوان به رعایت حجاب اسلامی با ذکر مصراع دوم بیت مشهور (که در مصراع اولش به حضرت زهرا اشاره می‌شود «ای زن به تو از فاطمه اینگونه خطاب است») همراه با تصویری از خانمی با چادر سیاه که در فرهنگ شیعه ایرانی نماد و یادآور حضرت زهرا است (بوستان ۸)؛ تابلوی ضروری دانستن رعایت احتیاط در پوشش بانوان (بوستان ۱)؛ تابلوی دعوت به رعایت حجاب (اسلامی) با استفاده از تصویر و تشبیه بصری (بوستان ۱)؛ تابلو الزام به رعایت شئون اسلامی در محیط پارک (بوستان ۳)؛ صفحه الکترونیکی اعلان به ورزشکاران که آنها را به حفظ موازین شرعی دعوت میکند (بوستان ۱)؛ اطلاعیه ممنوع بودن ورود آقایان به بخش بانوان. به همراه نوشته‌ای که بانوان را به رعایت حجاب در فضای مخصوص خودشان توصیه می‌کند چرا که وسایل عکاسی و موبایل‌های شخصی در این فضا وجود دارند (بوستان ۱). لوح فلزی یادمان افتتاح بوستان که در آن به «عنايات خداوند متعال» و «سایه توجهات حضرت ولی عصر عج» و «مجاوران حریم قدس رضوی» اشاره شده است. (بوستان ۳)؛ لوح فلزی «سند افتخار» که با اشاره به موفقیت «انقلاب اسلامی» و پیروزی «اسلام ناب محمدی در دوران دفاع مقدس»، شکلگیری «حکومت امام زمان» را تبریک می‌گوید و به آن افتخار می‌کند. این لوح نقش اساسی مبارزان و روحانیان «خراسانی» را در دوران انقلاب و جنگ پررنگ کرده و بر مبارزان «میهن اسلامی و راه ولایت» درود می‌فرستد (بوستان ۴)؛ تابلویی که حدیثی از امام صادق را درباب نیازهای مشترک و بنیادین انسان‌ها نقل می‌کند (بوستان ۱)؛ تابلوی حدیثی از امام علی درباب ارزشمندی حیا (بوستان ۱)؛ تابلوهای احادیثی از معصومین که همگی درباب ارزش و فواید والای اخلاقی

¹. Textual Structures

است (بوستان ۱)؛ تابلوی حدیثی از پیامبر در باب نیکویی آرامش و وقار (بوستان ۱)؛ تابلوی حدیثی از پیامبر که به مهربانی با کودکان توصیه می‌کند (بوستان ۱). مجموعه تابلوهای راهنما که جهت قبله، مسیر نمازخانه و یا مسجد را نشان می‌دهند (بوستان‌های ۱، ۲، ۳ و ۴)





شکل ۵. نمونه عکس های «سازه های نوشتاری» دارای محتوای دینی در بوستان های مورد مطالعه

این دسته از علائم، به طرق متنوع و متعددی دین را در فضای بوستان ها و پارک ها بازنمایی می کنند. نوشته هایی که به رعایت موازین شرعی، حجاب زنان، تفکیک زنان از مردان و عدم حضور حیوانات خانگی در محیط بوستان ها دلالت می کنند، با ذکر قوانین شرعی، جنبه ای «احکامی» از دین را بازنمایی می نمایند. باید بیان داشت که این دسته از علائم، ادبیات دوگانه ای دارند؛ برخی از آنها با تاکید بر برخورد

قانونی با متخلفین و اشاره به امکان پیگیری قضایی طبق قانون مجازات اسلامی، لحنی «تهدیدی-تنبیهی» پیدا می‌کند. برخی دیگر اما با عدم تاکید بر چنین مواردی و گاهی با اشاره به اهمیت رعایت حقوق دیگری و حفظ حقوق شهروندی، و همچنین ذکر فواید رعایت این موازین، لحنی «ترویجی-اقتناعی» به خود می‌گیرند. آن دسته از نوشتارهایی که در قالب الواح فلزی، تاریخ افتتاح بوستان را با اشاره به مجاورت حریم رضوی، و ذکر برکات انقلاب اسلامی و یادآوری مجاهدت‌های مبارزان در دوران جنگ بازنمایی می‌کنند، جنبه‌ی «هویتی» دین را در دو مقیاس «محلی و ملی» زنده نگه می‌دارند. تابلوها و نوشتارهایی که مسیر نمازخانه، مسجد، جهت قبله و یا زمان برگزاری دعای کمیل را نشان می‌دهند، با دلالت بر «مناسک» دینی، مفهوم «عبادت» را بازنمایی می‌کنند. همچنین آن دسته از علائم نوشتاری که در قالب آیه، حدیث یا جمله‌ای ادبی، ذکر خداوند و نعماتش را منتقل می‌کنند، با دلالتی «عرفانی» مفهوم «عبادت» را منتقل می‌نمایند. در آخر نیز باید به آن دسته از نوشتارها اشاره کرد که با نقل احادیثی از معصومین، مخاطب را به رعایت اخلاقیات دعوت می‌کنند و ارزش صفات مختلف اخلاقی را، با استناد به متون دینی، یادآور می‌شوند. این دسته از علائم نوشتاری، جنبه‌ی «اخلاقی» دین را در فضای بوستان‌ها و پارک‌ها بازنمایی می‌کنند.

در مقام جمع‌بندی یافته‌ها باید بیان کرد که، پس از بررسی ۸ پارک مختلف در سطح شهر مشهد، ۸۲ علامت دینی منحصر به فرد-طبق تعریفی که نات و همکاران (۲۰۱۶) از این مفهوم ارائه کرده‌اند- به دست آمد. این علائم را می‌توان در سه قالب «سازه‌های حجمی»، «اماکن خاص» و «سازه‌های نوشتاری» دسته‌بندی کرد. هرکدام از این علامت‌ها، محتوای دینی را به شیوه‌های مختلف و با مقوله‌های گوناگونی بازنمایی می‌کند که می‌توان تمامی آنها را ذیل چهار ساحت کلان دینی (یا چهار نوع مختلف دینی) قرارداد: «ساحت احکام» (دین احکامی)^۱، «ساحت هویت» (دین هویتی)^۲، «ساحت عبودیت» (دینی عبادی)^۳ و «ساحت اخلاق» (دین اخلاقی)^۴.

در «ساحت احکام»، علائم دینی بازنماینده ضرورت و الزام رعایت قواعد و موازین شرعی-فقهی هستند. موضوع این موازین شرعی (به غیر از مواردی که با زبانی کلی و بدون ذکر مصداق بیان شده است)، عموماً معطوف به جنسیت (تفکیک کردن فضای زنان از مردان و تاکید بر رعایت پوشش اسلامی توسط بانوان) و حیوانات (ممنوعیت حضور حیوانات خانگی) است. این تاکید در فضای بوستان‌ها با دو لحن متمایز تنبیهی-تهدیدی (اشاره به عواقب منفی عدم رعایت قوانین اسلامی) و توصیه‌ای-ترویجی (اشاره به خوب/مفید/مناسب بودن رعایت قواعد اسلامی) صورت می‌گیرد. منظور از «ساحت هویت»، آن دسته از علائم دینی هستند که با تاکید بر عناصر شهری-محلی-استانی (حرم امام رضا، مبارزان، شهدا و بزرگان مسلمان مشهدی-خراسانی) و یا عناصر ملی (مبارزان و شهدای جنگ و انقلاب، دانشمندان و عرفای اسلامی ایرانی) هویت معینی را نزد مخاطب برجسته و بازنمایی می‌کنند؛ هویتی اسلامی که با تعلق خاطر به

1. Jurisprudential Religion

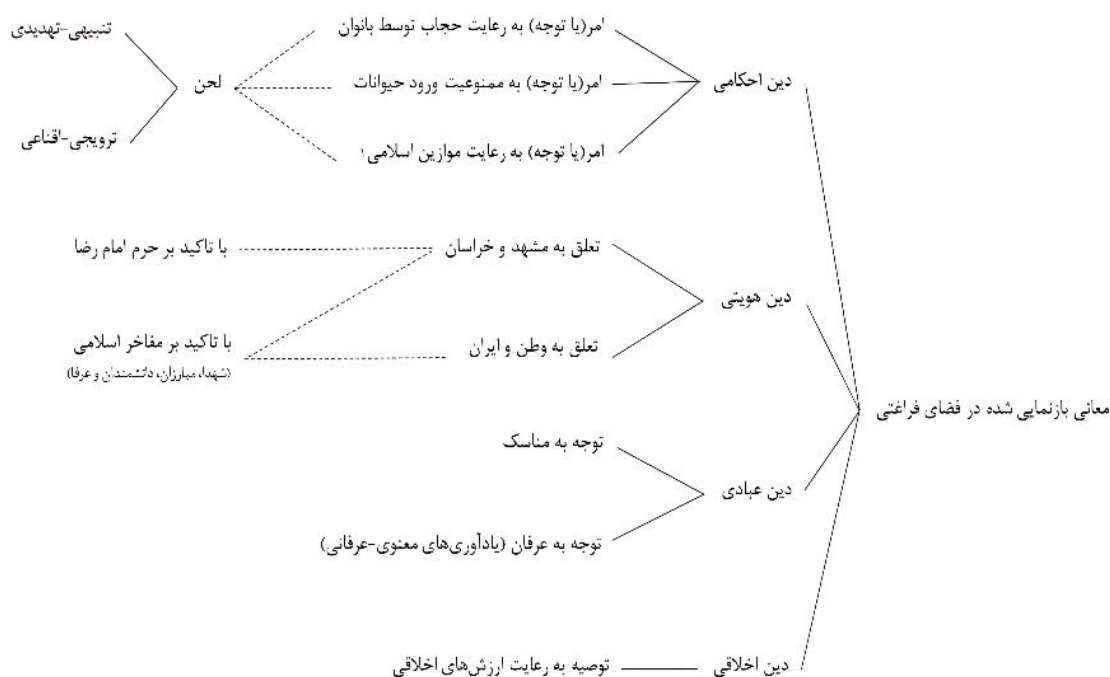
2. Identical Religion

3. Worshipful Religion

4. Ethical Religion

مشهد/خراسان و وطن/ایران در دو قیاس «محلی» و «ملی» بازنمایی و برساخت می‌شود. درواقع در اینجا دین به هویت شهری/استانی و ملی/ایرانی پیوند می‌خورد و با آن ممزوج می‌شود و هویت «مسلمان انقلابی مشهدی» و «مومن مبارز ایرانی» را بازنمایی میکند. ذیل «ساحت عبودیت»، آن دسته از علائم دینی قرار می‌گیرد که بر محور عبادت و ذکر خداوند می‌چرخد و خودش را در دو قالب «مناسکی» (بازنمایی نماز و دعای جمعی) و «عرفانی» (ذکر خداوند بدون انجام مناسکی خاص) نشان می‌دهد. «ساحت اخلاق» نیز آن دسته از علائمی را در خود جای می‌دهد که مفاهیم و ارزشهای عام اخلاقی را، با زبانی دینی، یعنی با استناد به آیات، احادیث و روایات، بازنمایی می‌کند.

باید توجه داشت که میزان بازنمایی و کیفیت حضور این انواع دینی، یکسان و مساوی نیستند. «دین هویتی» و «دین عبادی» کیفیت حضور پررنگ‌تری از دو دسته دیگر دارند؛ و «دین اخلاقی»، کمترین میزان بازنمایی را در فضای پارک‌ها و بوستان‌ها به خود اختصاص می‌دهد. نمودار زیر خلاصه مقولات و مفاهیم اصلی به‌دست آمده را نشان می‌دهد.



۱ منظور از توجه به رعایت موازین اسلامی، برانگیختن مخاطب به رعایت شئون دینی با زبانی کلی و گاهی بدون مصداق است؛ اما از قرائن چنین برمی‌آید که منظور از آن، کنترل اختلاط زنان و مردان و ممنوعیت استفاده از موسیقی‌های خلاف شرع و عرف است.

شکل ۶. خلاصه یافته‌ها؛ مفاهیم چهارگانه‌ی علائم دینی و کیفیت بروز آنها در پارک‌ها و بوستان‌های شهر مشهد

۴. بحث

پارک‌ها و بوستان‌ها، به عنوان یکی از شاخص‌ترین نمادهای فضای فراغتی، ذیل فضای عمومی قرار می‌گیرند که فرهنگ جامعه در آنجا، از طریق تقابل و تعامل با حوزه سیاست بر ساخته می‌شود. فضای عمومی، و یا همان نسخه مکان‌مندشده‌ی حوزه مدنی، همواره تا حدی به صورت نهادی مورد اعمال قدرت قرار می‌گیرد (الکسندر، ۲۰۰۶: ۳۱). در ایران پس از انقلاب، که حاکمیت خصیصه دینی به خود گرفته است و رسماً خود را موظف به تسهیل، ترویج و تشدید دین و دینداری در میان مردم کرده است، باید انتظار دخالت و نفوذ حوزه سیاست در فضای عمومی را داشت؛ امری که همواره خودش را در چپش فضا و نحوه مدیریت اجزای درون آن نشان می‌دهد (تانکیس، ۱۳۹۴). براین اساس، همانطور که لشگری‌تفرشی و همکاران (۱۳۹۶) در ساحت نظری نشان داده‌اند، تحلیل محتوای عناصر مادی دینی حاضر شده در فضای پارک‌های شهر مشهد (شهری که خود خصلتی دینی دارد) را نیز می‌توان در راستای درک ایدئولوژی نهاد سیاست فهم کرد که همواره در نهاد اجتماع حضور پیدا می‌کند.

پیش از این، مطالعات چندی، رایج‌سازی امر دینی به دست نهاد سیاست در ایران پس از انقلاب را نشان داده‌اند. به عنوان نمونه در آثاری از شریعتی و ذاکری (۱۳۹۴) و نیز ذاکری (۱۳۹۹) سیاست‌های قدسی‌سازی مکان‌ها و زمان‌ها و عمومی‌سازی دین در ایران معاصر تشریح شده‌اند. همچنین شریعتی و سروش‌فر (۱۳۹۶) ایدئولوژی دینی و گذشته‌نگر حاکمیت را در سیاست‌گذاری تقویم رسمی کشور جهت تثبیت هویت اسلامی-انقلابی نشان داده‌اند. فولادیان و همکاران (۱۴۰۰) نیز گزارشی از رشد کمی بازنمایی آئین‌های شیعه با فاعلیت پررنگ حاکمیت در روزنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی ارائه کرده‌اند. مطالعه‌ی حاضر از این حیث، مصداقی دیگر از این عمومی‌سازی امر دینی در ایران پس از انقلاب محسوب می‌شود و با تمرکز بر محدوده‌ی فضای فراغتی، در تکمیل، تایید و طول این دسته از مطالعات قرار می‌گیرد. می‌توان گفت ضعف مقوله «دین اخلاقی» در شدت بازنمایی و کمرنگ بودن حضورش در فضای فراغتی -در مقایسه با مقولات «دین هویتی» و «دین احکامی»- که از یافته‌های اثر حاضر به حساب می‌آید، به گونه‌ای دیگر ضعف امر اخلاقی و فاصله گرفتن آن از امر دینی در جامعه امروز را که از نتایج کار ذاکری (۱۳۹۹) است، تایید می‌کند. به زبان دیگر، حضور انواع چهارگانه‌ی دینی در فضای فراغتی (فضایی که ماهیتاً خصلتی ناسوتی دارد و جدا از امر قدسی و لاهوتی تعریف می‌شود) می‌تواند مصداقی دیگر از عمومی‌سازی دین و تقدس‌زدایی از امر مقدس به حساب آید که ذاکری (۱۳۹۹) و شریعتی و ذاکری (۱۳۹۴) به تفصیل تشریح کرده‌اند. همچنین باید بیان داشت که پیش از این، اسلامی و ذاکری (۱۳۹۹) نشان داده‌اند که در باب مناسبت اربعین، گفتمانی که بیشترین قدرت را در بازنمایی میان صفحات رسانه‌های مکتوب ایران به خود اختصاص می‌دهد، گفتمانی است که حول «هویت»، «اقتدار» و «شکوه» شیعیان تعریف می‌شود. حضور پررنگ «دین هویتی» در فضای فراغتی، از جنبه‌ای دیگر، این یافته‌ی آن‌ها را تایید و تکمیل می‌کند.

پیشتر از این، در مطالعات خارج از ایران، کانفورتی^۱ (۲۰۱۲) نقش مراسم‌های دینی، عناصر سنتی و روزهای مقدس یهودی را در شکل‌گیری و تداوم هویت ملی‌گرایی یهودی (صهیونیسم) نشان داده است. جادن^۲ (۲۰۱۲) نیز نقش جشن‌های سالگرد ۱۹۱۰ شیلی در شکل‌گیری و بازتولید گفتمانی از هویت ملی را بررسی کرده است. همچنین گیلبرت^۳ (۲۰۱۵) نقش مناسک جمعی در تقویت هویت، ایدئولوژی و عمل گروه‌های راست‌گرای روسیه و کاپرالسکی^۴ (۲۰۱۲) تاثیر آئین‌ها و مناسک یادآوری را در شکل‌گیری و تقویت نوعی از هویت ملی-قومی رومانیایی نشان داده است. اثر پیش‌رو، از این حیث، با استخراج «دین هویتی» در دو ساحت «محلی» و «ملی» که با گفتمان هویتی حاکمیت ایران همراستا است، موید پژوهش‌های یادشده است؛ و با تمرکز بر فضای عمومی-فراغتی کشورمان، به تکمیل مطالعات پیشین در این حوزه کمک می‌کند.

تاکید بر حضور مادی ساحت‌های چهارگانه دین در فضای عمومی پارکهای سطح شهر مشهد، به خصوص ساحت «هویتی» «احکامی» و «عبادی» را می‌توان در راستای مباحث اسمیت^۵ (۲۰۰۳) درباب استفاده از عناصر دینی در خلق و تثبیت هویت ملی مطلوب حاکمان در دوران مدرن، فهم کرد. همانطور که اسمیت (۲۰۰۳) بیان می‌دارد، پس از ایجاد یک هویت جمعی و ملی، عناصر دینی و فرهنگی می‌توانند به عنوان ضامن و راهنمای آن هویت در نظر گرفته شوند و نخبگان قدرت از آنها برای تثبیت و حفظ میراث خاطرات، اسطوره‌ها، ارزشها و سنت‌هایی که الگوی آن هویت جمعی را تشکیل می‌دهند، استفاده کنند، و از این طریق، بقای قدرت خودشان را تداوم بخشند. درواقع «علامت‌های دینی» به طور کلی، و علامت‌های «دین هویتی» به طور خاص باید بخشی از مکان‌ها و عناصر نمادینی دانسته شود که در نگاه میژتال^۶ (۲۰۰۳) افراد جامعه در تعامل با آنها گذشته، تاریخ و هویت خود را می‌خوانند، آن را مجدداً کشف و «یادآوری» می‌کنند و از این طریق حافظه جمعی خویش را شکل می‌دهند و تداوم می‌بخشند. بروز و ظهور جنبه‌های مختلف دین (احکامی، هویتی، عبادی و اخلاقی) در قالب علائم بصری و فضایی در فضای عمومی-فراغتی، را می‌توان خرج کردن از سرمایه نمادینی است که در بعد از انقلاب اسلامی در دست حاکمیت افتاد و نهاد سیاست از آن زمان به بعد، در تلاش است تا با استفاده از آن سرمایه دینی، سوژه مطلوب خود با هویتی ویژه، یعنی انسان «مومن» و همزمان «انقلابی» را در حوزه عمومی بر ساخت کند. این همان کاری است که هابزباوم (۲۰۰۰) آن را ابداع و گسترش سنت به مثابه ابزاری برای انسجام اجتماعی، معنابخشی به شرایط، و انطباق با آن با هدف تثبیت هویتی که مشروعیت نظام سیاسی را حفظ می‌کند، به حساب می‌آورد.

1. Conforti

2. Tjaden

3. Gilbert

4. Kapralski

5. Smith

6. Misztal

۵. نتیجه‌گیری

در این مطالعه، با تمرکز بر عناصر مادی و فضایی حاضر در بوستان‌های شهری (به مثابه نمودی از فضای عمومی و فراغتی)، معانی دینی بازنمایی شده در آنها استخراج و در چهار دسته‌ی «احکامی»، «هویتی»، «عبادی» و «اخلاقی» دسته‌بندی شدند؛ و در این راستا، ردپای سیاست‌فضا و کنشگری قدرت مسلط مورد بحث قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده در این موضوع، تغییرات فضایی دوره‌ای، بازه‌ای و موقتی که در چنین محیط‌هایی به مناسبت ایام خاص دینی و سیاسی (شهادت یا ولادت معصومین، ماه رمضان، دهه فجر و ...) رخ می‌دهند، مورد توجه قرار بگیرند. همچنین، نیاز است که فارغ از پارکها و بوستان‌ها، دیگر مصادیق حوزه عمومی و عرصه‌های فراغتی، همچون کافه‌ها، سینماها، مراکز خرید و ... نیز از این حیث مورد بررسی و مطالعه محققان قرار بگیرند. لازم به ذکر است که تاکید این مطالعه بر تحلیل محتوای علائم دینی فضایی بوده است؛ پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده، فارغ از بررسی صرف این علائم، واکنش‌ها، تفهیم‌ها و نحوه‌ی تعاملات کنشگران، به مثابه مصرف‌کنندگان فضای شهری و مخاطبان این علائم، مورد توجه قرار بگیرد.

کتاب نامه

۱. اسلامی، ر.، و ذکایی، م. (۱۳۹۹). بازنمایی رسانه‌ای مناسک زیارت اربعین در ایران؛ سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶. *تحقیقات فرهنگی ایران*، (۵۰)، ۱-۳۶.
۲. باقری، ح.، و حمزه‌نژاد، م. (۱۳۹۴). ارتقای هویت ورودی ایستگاه‌های متروی شهر تهران با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگی. *هویت شهر*، ۹، ۲۲-۹.
۳. بشیریه، ح. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
۴. تانکیس. (۱۳۹۴). *فضا، شهر و نظریه‌های اجتماعی: مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حسینی میان‌رودی، ن.، ماجدی، ح.، سعیده زرابادی، ز.، و زیاری، ی. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی میزان خاطره‌انگیزی فضاهای شهری با استفاده از الگوهای نشانه‌شناختی؛ مورد مطالعاتی: میدان‌های آزادی و حسن‌آباد. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۲، ۲۹.
۶. حسینی، ع.، و صابری، ع. (۱۴۰۲). تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای سرزندگی محلات شهری (مورد مطالعه: محله بنسنگان شهر یاسوج). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱۰ (۱)، ۱۷۵-۱۹۸.
۷. خاک‌زند، م.، و قربان‌زاده، د. (۱۳۹۵). نگاهی پدیدارشناسانه به طراحی مناظر مقدس شهری. *پژوهش‌های منظر شهر*، ۳ (۵).

۸. ذاکری، ع. (۱۳۹۹). در نسبت امر قدسی و اخلاق در جامعه پساانقلابی؛ قدسی تقدس زدایی شده. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶ (۸)، ۸۲-۱۰۸.
۹. ژلنیتس، آ. (۱۳۹۵). فضا و نظریه اجتماعی (آ. ترکمه، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. شریعتی، س.، و ذاکری، آ. (۱۳۹۴). موقعیت دین در جامعه ایران: قدسی تقدس زدایی شده. در گزارش وضعیت اجتماعی کشور. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی وزارت علوم.
۱۱. شریعتی، س.، و سروش فر، ز. (۱۳۹۶). بررسی سیاست زمانی حاکم بر تقویم ایران در سالهای پس از انقلاب اسلامی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶ (۱)، ۶۷-۸۹.
۱۲. فلیک، ا. (۱۳۹۴). درآمدی بر تحقیق کیفی. تهران: نشر نی.
۱۳. فولادیان، م.، واعظ موسوی، س.، و عرفانیان خدیوی، ن. (۱۴۰۰). صد سال سوگ و سرور: بازنمایی آیینهای دینی سوگوارانه و شادمانه در مطبوعات سده اخیر تهران (۱۳۰۰-۱۳۹۹). تهران: نشر شهر.
۱۴. کامران، ا. (۱۳۸۶). نشانه شناسی تبلیغات شهری در ایران (با تأکید بر بیلبردهای سطح شهر تهران). مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۳ (۸).
۱۵. کامران، ا. (۱۳۹۲). نشانه های بارتی؛ به کارگیری رهیافت نشانه شناسی بارت در تحلیل عکس. سوره اندیشه، ۶۸ (۶۹)، ۲۳۸-۲۳۴.
۱۶. لشگری تفرشی، ا.، رضایی، م.، و کاویان پور، گ. (۱۳۹۶). تبیین نظری کارکردهای قدرت سیاسی در فضای شهری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۲ (۲)، ۵۲-۶۶.
۱۷. منفرد، ن.، حق بین، ف.، و ساسانی، ف. (۱۳۹۷). معناپردازی رنگ در آگهی نماهای بهار فاطمی شهر تهران. پژوهش های زبان شناسی تطبیقی، ۸ (۱۶)، ۲۰-۲۱.
۱۸. همتی، ش. ا.، بمانیان، م.، و کاملی، م. (۱۳۹۶). جایگاه ذکر در طراحی عناصر زیباسازی شهری؛ نمونه موردی: شهر قم. مدیریت شهری، ۱۶ (۳)، پیاپی (۴۸).
۱۹. خبرگزاری دانشجو. (۱۳۹۸). آیت الله علم الهدی: دشمنان مشهد را دهکده ای تصور می کنند که من کدخدای آن هستم / با موسیقی مشکلی ندارم ولی کنسرت موسیقی نیست. بازیابی شده از: <https://snn.ir/fa/news/810502>
۲۰. خبرگزاری صدا و سیما. (۱۳۹۷، ۲ مرداد). تولیت آستان قدس رضوی: سالانه ۲۸ میلیون نفر زائر حرم علی بن موسی الرضا (ع) هستند. بازیابی شده از: <https://www.iribnews.ir/009AOG>
۲۱. خبرگزاری مهر. (۱۳۹۴، ۵ خرداد). مشهد مقدس سالانه میزبان ۲۵ میلیون زائر و گردشگر است. بازیابی شده از: <https://mehrnews.com/xvv68>
۲۲. دنیای اقتصاد. (۱۴۰۱). علم الهدی: مشهد گردشگر و شهروند ندارد، زائر و مجاور دارد. بازیابی شده از: <https://donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3900173>
۲۳. شهرآرآ نیوز. (۱۴۰۱، ۱۸ خرداد). مشهد سالانه میزبان سی میلیون زائر است. بازیابی شده از: <https://shrr.ir/000T3p>
۲۴. همشهری آنلاین. (۱۳۹۵). مخالفت آیت الله علم الهدی با کنسرت و گردشگری در مشهد؛ اینجا شهر عیاشی نیست. بازیابی شده از: <https://hamshahrionline.ir/x4VQQ>

25. Abrahamian, E. (2017). *A history of modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Adami, E. (2020). Shaping public spaces from below: The vernacular semiotics of Leeds Kirkgate Market. *Social Semiotics*, 30(1), 89–113.
27. Alexander, J. C. (2006). Global civil society. *Theory, Culture & Society*, 23(2–3), 521–524.
28. Bartmański, D., & Alexander, J. C. (2012). Introduction: Materiality and meaning in social life: Toward an iconic turn in cultural sociology. In J. C. Alexander, D. Bartmański, & B. Giesen (Eds.), *Iconic power: Materiality and meaning in social life* (pp. 1–12). New York, NY: Palgrave Macmillan.
29. Conforti, Y. (2012). Zionist awareness of the Jewish past: Inventing tradition or renewing the ethnic past? *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 12(1), 125–145.
30. Eshaghi, P. (2015). To capture a cherished past: Pilgrimage photography at Imam Riza's shrine, Iran. *Middle East Journal of Culture and Communication*, 8(2–3), 282–306.
31. Gilbert, G. (2015). Rightist ritual, memory and identity commemoration in late imperial Russia. *Revolutionary Russia*, 28(1), 22–47.
32. Goonewardena, K., Kipfer, S., Milgrom, R., & Schmid, C. (Eds.). (2008). *Space, difference, everyday life: Reading Henri Lefebvre*. New York, NY: Routledge.
33. Habermas, J. (1991). *The structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society* (T. Burger, Trans.). Cambridge, MA: MIT Press.
34. Hooglund, E., & Royce, W. (1985). The Shi'i clergy of Iran and the conception of an Islamic state. *State, Culture, and Society*, 1(3), 102–117.
35. Hobsbawm, E., & Ranger, T. (Eds.). (2000). *The invention of tradition*. Cambridge: Cambridge University Press.
36. Jeon, H. Y., & Jeon, J. Y. (2012). A comparative study of branding cities through semiotic analyses of the official websites of Seoul, Tokyo and Beijing. *Culture of communication / Communication of culture*, 975-997. ISBN: 978-84-9749-522-6
37. Kapralski, S. (2012). Symbols and rituals in the mobilisation of the Romani national ideal. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 12(1), 33–51.
38. Khalaji, M. (2011). Iran's regime of religion. *Journal of International Affairs*, 64(2), 131–147.
39. Knott, K., Krech, V., & Meyer, B. (2016). Iconic religion in urban space. *Material Religion*, 12(2), 123–136.
40. Krzyżanowska, N. (2016). The discourse of counter-monuments: Semiotics of material commemoration in contemporary urban spaces. *Social Semiotics*, 26(5), 465–485.
41. Misztal, B. A. (2003). *Theories of social remembering*. Maidenhead, England: Open University Press.
42. Schreier, M. (2012). *Qualitative content analysis in practice*. London, England: Sage Publications.
43. Smith, A. D. (2003). *Chosen peoples: Sacred sources of national identity*. New York, NY: Oxford University Press.
44. Tjaden, J. (2012). The (re-)construction of 'national identity' through selective memory and mass ritual discourse: The Chilean centenary, 1910. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 12(1), 52–73.
45. Yao, Y., & Zhuo, Y. (2018). A multimodal discourse analysis of the promotional video of Hangzhou. *English Language Teaching*, 11(10), 121–131.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

Analyzing the Status of Sustainable Municipal Revenues in Shahr-e Kord Using Structural Modeling

Mohammad Reza Arab¹

Ph.D. Candidate in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Corresponding Author

Baratali Khakpoor

Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mehdi Falahati

Chairman of the Board of Directors, Tarh Avaran Mohit-e Shargh Consulting Engineers

Masoumeh Nazari

Ph.D. in Geography and Urban Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Sara Alizadeh Moradi

M.A. Student in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 30 May 2024

Accepted: 4 November 2024

PP. 92-114

Abstract

Municipal revenues are typically generated from sources such as taxes, fees and charges for services, economic income from industries and businesses, and various credits and loans. Identifying and designing sustainable revenues as a backing for the realization of urban development plans is essential.

Municipalities' access to desirable and stable revenue sources allows them to play a more active role in the urban structure. The present study is descriptive-analytical in nature. The statistical population of this research consists of all managers, officials, and experts of Shahrkord Municipality. In this context, 50 questionnaires with a Likert scale were distributed among the respondents. The reliability of the research tool was estimated using Cronbach's alpha to be 840/0, indicating the desirability of the questionnaire. For descriptive and inferential data analysis, the T-Test statistical test was used in the SPSS software, and for explaining and modeling the effects, structural equation modeling was used in the AMOS software. The results of the one-sample T-test of the research showed that the status of all dimensions of municipal revenues in the study area with an average of 30/2 are not in an acceptable situation. Analysis of the findings resulting from structural equation modeling indicates that the regression weight value of the RMSEA index is equal to (65/0), which indicates the desirability of the model. Also, the general analysis of the model showed that the variable of revenue from building permits has the highest factor load with a regression weight of (96/0), and the lowest factor load belongs to the dimension of revenue from donations and gifts to the municipality with a factor load of (35/0).

Keywords: sources of income, municipality, sustainable income, modeling, Shahrekord

¹ .Corresponding author's Email: m.rezaarab@mail.um.ac.ir

Extended abstract

1.Introduction

Municipal revenue sources play a crucial role in the quality of services provided to citizens. If municipalities are unable to generate sufficient revenue, they will be unable to establish and maintain essential infrastructure within the city. Currently, the greater reliance of municipalities on unsustainable revenues leads to fundamental problems in all aspects of the city, including its physical form and urban landscape, and consequently, the quality of life of citizens decreases. If municipalities are unable to build infrastructure and provide the necessary services for development, urban development will be disrupted. Achieving sufficient and sustainable urban revenues becomes even more important when experts believe that the urban revenue structure can shape its future development from the standpoint of sustainability. Therefore, identifying the revenue structure in terms of sustainability or unsustainability plays a pivotal role in formulating urban development plans and policymaking.

2. Method

The prevailing approach in this research is developmental-applied, and its research method is descriptive-analytical and survey. The theoretical framework of the research was conducted using the library method and reviewing the relevant literature. The research statistical population is the entire staff of Shahr-e Kord Municipality, which includes members of the City Council, members of the Municipality, senior financial managers and deputies, consultants and experts, and supervisory and consulting engineers of Shahr-e Kord Municipality. The classification and valuation of indicators were carried out using a five-point Likert scale. The statistical population in this study was selected as a total sample of 50 people as the research statistical population, and on this basis, 50 questionnaires were prepared and distributed and were collected after completion. The collected data from the questionnaire were analyzed and examined using the AMOS software and statistical analysis methods such as the one-sample T test in the SPSS software environment.

3. Results

The status of Shahr-e Kord Municipality's revenue regarding the significance level (000/0) and its comparison with the allowable error of 5% and the confidence level of 95% is in an unfavorable situation and is considered unsustainable in terms of all revenue indicators (public and private revenue). Among the five dimensions of municipal revenues, the factor of revenues from building permits has the highest factor load with a weight of 96/0. After that, revenues from transportation and communications with a factor load of 95/0 are in second place, the third rank of sustainable revenues of Shahr-e Kord Municipality is allocated to revenues from licenses for business and sale with a regression weight of 76/0, and finally the fourth and fifth ranks belong to the two dimensions of revenues from municipal properties and revenues from donations and gifts to the municipality with factor loads of 42/0 and 35/0, respectively.

4. Discussion and Conclusion

Municipal revenue sources should be such that they provide the process of the city's move towards sustainable urban development and follow the characteristics of sustainability. Therefore, the present study examines the status of the revenue indicators of Shahr-e Kord Municipality and studies its desirability. The results show that the revenue status of Shahr-e Kord Municipality is in an unfavorable situation and is considered unsustainable. In explaining and justifying these results, it can be stated; The decrease in revenue from building permits can be due to various reasons such as a decrease in construction, tax evasion, and low tax rates. It also seems that the decrease in revenue from transportation and communications can also be due

to the lack of development of public transportation infrastructure, the use of personal vehicles, and the non-payment of transportation taxes. In the meantime, it may be that the decrease in revenues from funds and donations and gifts to the municipality is due to a decrease in the private sector's desire to invest in the city and the lack of government support for Shahr-e Kord Municipality. In relation to the instability of the revenues from the sale of licenses for municipal properties, it can be stated; In an economic recession, the tendency to invest in real estate decreases. This leads to a decrease in demand for the purchase of real estate, including municipal-owned properties, and in relation to the decrease in revenues from municipal funds and properties, it can be pointed to the inefficient management of resources in Shahr-e Kord Municipality. Therefore, given the revenue instability of Shahr-e Kord Municipality, this organization needs to adopt appropriate strategies in the field of diversifying and increasing sustainable revenue sources to achieve financial sustainability and provide quality urban services to citizens.

Keywords: Revenue Sources, Municipality, Sustainable Revenues, Modeling, Shahr-e Kord.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

تحلیل وضعیت درآمدهای پایدار شهرداری شهرکرد با استفاده از مدل سازی ساختاری

محمدرضا عرب* (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

m.rezaarab@mail.um.ac.ir

براتعلی خاکپور (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

khakpoor@um.ac.ir

مهدی فلاحی (رئیس هیات مدیره مهندسین مشاور طرح آوران محیط شرق، مشهد، ایران)

Mahdifallahi8890@gmail.com

معصومه نظری (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

masoome.n1991@gmail.com

سارا علیزاده مرادی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران)

Saraalizadeh571@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

صص ۹۲-۱۱۴

چکیده

درآمدهای شهرداری‌ها معمولاً از منابعی مانند مالیات‌ها، عوارض و هزینه‌های خدمات شهری، درآمدهای اقتصادی از طریق صنایع و تجارت و اعتبارات و وام‌های مختلف تأمین می‌شوند. شناسایی و طراحی درآمدهای پایدار به عنوان پشتوانه‌ای جهت تحقق برنامه‌های توسعه شهری امری ضروری می‌باشد، دسترسی شهرداری‌ها به منابع درآمدی مطلوب و پایدار باعث می‌شود که شهرداری، نقش فعال‌تری در ساختار شهری اجرا کند. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه مدیران و مسئولان و کارشناسان شهرداری شهری شهرکرد را تشکیل می‌دهند. در این راستا تعداد ۵۰ پرسش‌نامه با طیف لیکرت بین پاسخگویان توزیع شده است. پایایی ابزار تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۴۰ برآورد شد که نشان‌دهنده مطلوبیت پرسش‌نامه است. برای تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از آزمون آماری T-Test در نرم‌افزار SPSS و جهت تبیین و مدل‌سازی اثرات نیز از مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای پژوهش نشان داد وضعیت همه ابعاد درآمدهای شهرداری در محدوده مورد مطالعه با میانگین ۲/۳۰ در وضعیت قابل‌قبولی قرار ندارند. تحلیل یافته‌های منتج از مدل‌سازی معادلات ساختاری بیانگر این است که مقدار وزن رگرسیونی شاخص RMSEA برابر با (۰/۶۵) است که نشان‌دهنده مطلوبیت مدل می‌باشد. همچنین تحلیل کلی مدل نشان داد که متغیر درآمدهای حاصل از عوارض ساختمانی بیشترین بار عاملی را با وزن رگرسیونی (۰/۹۶) را دارا می‌باشد و کمترین بار عاملی هم به بعد درآمد حاصل از کمک‌ها و اعانات و هدایای شهرداری با وزن عاملی (۰/۳۵) تعلق دارد.

کلیدواژه‌ها: درآمدهای پایدار، شهرداری، شهرکرد، مدل‌سازی، منابع درآمدی.

۱. مقدمه

شهرنشینی و توسعه شهری، یکی از پدیده‌های دوران معاصر است (اجو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). هم‌زمان با افزایش تعداد شهرها و جمعیت شهری، یکی از اصلی‌ترین معضلاتی که پیش روی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته، نحوه تأمین مالی پایدار شهری و ارائه خدمات عمومی کافی به شهروندان است (قربانی و عظیمی ۱۳۹۴، ص. ۱۱۰). یکی از نهادهای فعال در سطح شهر که وظیفه ارائه خدمات به شهروندان و بهبود کیفیت زندگی آنان را بر عهده دارد، شهرداری‌های می‌باشد (تیجدو و رومرو^۲، ۲۰۲۲). شهرداری‌ها یکی از نهادهایی هستند که عملکردشان به علت ارتباط مستقیم با زندگی مردم، حائز اهمیت است (فراره^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). به همین دلیل منابع درآمد شهرداری‌ها در کیفیت خدمات به مردم نقش خطیری دارد (جی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱). درآمد شهرداری‌ها از اموری است که تأثیر عمده‌ای در ارائه خدمات بهتر به شهروندان دارد (آلن^۵، ۲۰۲۰)، اگر شهرداری‌ها نتوانند درآمد کافی به دست آورند، نخواهند توانست تأسیسات ضروری در شهر را ایجاد و اداره کنند (لیو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲). در حال حاضر اتکای بیشتر شهرداری به درآمدهای ناپایدار موجب می‌گردد تا شهر در همه ابعاد خود از جمله فرم کالبدی و منظر شهری، دچار مشکل اساسی شود و به تبع آن کیفیت زندگی شهروندان کاهش پیدا کند (برسم و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۲). در صورتی که شهرداری‌ها نتوانند زیرساخت‌ها را بنا و خدمات موردنیاز را برای توسعه فراهم کنند، توسعه شهر دچار اخلاص خواهد شد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۷۱)؛ دستیابی به درآمدهای کافی و پایدار شهری زمانی از اهمیت دوچندان برخوردار می‌شود که طبق نظر کارشناسان، ساختار درآمدی شهری می‌تواند نحوه توسعه آتی آن را از نقطه نظر پایداری رقم زند. از این رو شناسایی ساختار درآمدی به لحاظ پایداری و یا ناپایداری، در تدوین برنامه‌های توسعه شهری و نیز سیاست‌گذاری نقشی محوری ایفا می‌کند. پس از خودکفایی مالی شهرداری‌ها از سال ۱۳۶۲ به بعد، امروزه علاوه بر ناکامی منابع درآمدی، آن‌ها با مسئله‌ای به نام پایداری منابع مالی و درآمدی مواجه هستند. بدین معنی که درآمدهای شهرداری‌ها از بخش‌هایی فراهم می‌شوند که در درازمدت اثرات سوء زیادی بر بخش‌های مختلف زندگی شهری داشته و به عملیات و فعالیت‌های جدید اقتصادی شهری وابسته است (شریف نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۵۲)؛ بنابراین مسئله تأمین درآمدهای پایدار و نیز استقلال منابع مالی شهرداری‌ها، یک موضوع مهم است که باید در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد. منابع پایدار باید از منابعی کسب شوند که حقوق آیندگان پایمال نشود، کیفیت زندگی در شهر کاهش نیابد و منابع حیاتی برای استفاده نسل‌های آتی از بین نرود (ساترثویت^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین وجود منابع درآمدی پایدار برای شهرداری‌ها از جنبه استقلال عملکرد و استمرار خدمات‌رسانی آنها، نقش بسزایی دارد (سبحانیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۸۴). در واقع نگرش

1. Ojo

2. Tejedo-Romero

3. Frare

4. Ji

5. Allen

6. Liu

7. Satterthwaite

موردی و مقطعی به نظام درآمدی شهرداری‌ها و عدم تعیین تکلیف آن در قالب یک نظام کلان اقتصادی، عدم شفافیت بودجه و درآمد شهرداری به همراه هدفمند نبودن شکل‌گیری و تأسیس سازمان‌های تابعه و توزیع نامناسب بعضی از درآمدها و نبود ساختار تشکیلات مناسب از دیگر چالش‌های درآمدی است. یکی از عواملی که می‌تواند در آینده منجر به بهبود وضعیت درآمدی شهرداری‌ها شود، قانون درآمد پایدار شهرداری‌ها و دهیاری‌ها می‌باشد که به تازگی توسط وزارت کشور ابلاغ شده است. این قانون که مشتمل بر ۱۷ ماده و ۱۷ تبصره است در تاریخ اول تیرماه ۱۴۰۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قانون درآمد پایدار شهرداری‌ها یک موضوع بسیار مهم است که به شهرداری‌ها کمک می‌کند تا مالیات و منابع خود را بهینه‌سازی کرده و پایداری مالی را ایجاد کنند. این قانون به شهرداری‌ها امکان می‌دهد تا برای ارائه خدمات بهتر به شهروندان، برنامه‌ریزی مالی مناسبی داشته باشند و از منابع مالی خود به بهترین شکل ممکن استفاده کنند. حال مسئله این است که چگونه می‌توان عوامل مربوط به چالش‌های درآمدی شهرداری را شناسایی و حل نمود و به درآمدهای پایدار قابل‌قبولی رسید. یکی از شهرداری‌هایی که در سال‌های اخیر با کمبود منابع درآمدی پایدار دست و پنجه نرم می‌کند، شهرداری شهر کرد می‌باشد. شهرکرد با وسعتی حدود ۱۶۴۲۱ کیلومترمربع در مرکز استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است. این شهر از لحاظ تأسیسات زیر بنایی و ارائه خدمات به شهروندان و توسعه عمرانی با مشکلات و مسائل زیادی از جمله نابرابری شهری، اسکان غیررسمی، بافت فرسوده، مواجه می‌باشد. بودجه شهرداری این شهر به دلیل بروکراسی و عدم مدیریت صحیح و.... به صورت قابل‌قبولی مدیریت نمی‌شود و به سمت درآمدهای نوین و پایدار سوق داده نمی‌شود؛ لذا با توجه به مطالب بیان‌شده هدف پژوهش حاضر این است ضمن بررسی وضعیت درآمدهای شهرداری شهرکرد منابع درآمدی جدید و پایدار در این شهر را نشان دهد و با ارائه راهکارهای اجرایی برای پایداری درآمدهای شهرداری، این سازمان را از وابسته بودن به درآمدهای مقطعی رهایی بخشد. در ارتباط با منابع درآمد پایدار شهرداری‌ها مطالعات مختلفی صورت گرفته است. نثاری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان راهبردهای تأمین مالی پایدار شهرداری تهران در برنامه پنج‌ساله، با تأکید بر سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی به این نتیجه دست یافتند که بخش عمده‌ای از درآمدهای اصلی شهرداری‌ها، با مفاهیم پایداری سازگار نیستند و از استمرار مطلوبیت برخوردار نمی‌باشند. اسد پور (۱۳۹۵) به واکاوی درآمد پایدار شهرداری‌ها با رویکرد توسعه پایدار شهری در شهر بندرعباس پرداخته و به این نتیجه رسید که منابع درآمدی شامل: عوارض بر معاملات بنگاه‌های اقتصادی، عوارض بر حق نظارت دریافتی مهندسین ناظر ساختمان، عوارض بر آگهی و نصب تابلوهای تبلیغاتی بر دیوارها جزو درآمدهای ناپایدار شهرداری می‌باشند. همچنین با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان بیان نمود که افزایش درآمد پایدار و توسعه اجتماعی، فرهنگی و عمران شهری مؤثر است. معروفی و امامی (۱۳۹۶) به ارائه مدل برنامه استراتژیک شهرداری‌ها در شهرداری ملایر پرداخته‌اند نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مالیات بر ارزش افزوده به عنوان بهترین منبع درآمدی پایدار برای شهرداری ملایر است. شریف نژاد و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر ساختار درآمدی شهرداری‌های مناطق شهری اصفهان بر میزان توسعه شهری پرداخته‌اند که هدف از این پژوهش ارائه راهکارهای اجرایی برای

رسیدن به وضعیت مطلوب بوده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد از نظر درآمدهای پایدار تنها شهرداری های مناطق ۱۰ و ۱۴ دارای وضعیت مطلوب و شهرداری منطقه ۷ دارای وضعیت متوسط می باشد همچنین نتایج حاکی از آن است که درآمد کل شهرداری درآمد پایدار شهرداری و همچنین توسعه یافتگی تنها در دو منطقه ۴ و ۷ رابطه مستقیمی با هم دارند همچنین در مناطق ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۴ بین درآمد کل شهرداری و توسعه یافتگی و در مناطق ۲، ۹، ۱۱ و ۱۵ بین درآمد شهرداری و توسعه یافتگی رابطه مستقیمی وجود دارد با این تفاسیر می توان عنوان کرد که درآمد کل شهرداری عاملی برای توسعه یافتگی مناطق شهرداری محسوب می گردد در حالی که درآمد پایدار لزوماً چنین تاثیری را نشان نمی دهد. قلی پور و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی روش ها، منابع ها و مانع های دستیابی به درآمدهای پایدار شهری در شهرداری ارومیه پرداخته و به این نتایج دست یافتند که ۱۰ تم سرمایه گذاری، برون سپاری، مدیریت مالی، فناوری اطلاعات، ارزیابی سازمان، پژوهش، واگذاری اختیارات دولتی، نیروی انسانی، ارتباطات و متفرقه برای روش ها؛ ۶ تم عوارض، زمین و ساختمان، مدیریت هزینه، اوراق، تبلیغات و متفرقه برای منابع و ۸ تم نیروی انسانی، حق خوری، شفافیت، ضعف عملکرد، فساد، قانون، مردم و متفرقه برای موانع دستیابی به درآمد پایدار شهری، به دست آمد. موسوی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تاثیر درآمدهای پایدار و ناپایدار شهرداری در توسعه کلانشهر تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند درآمدهای شهرداری تهران به شدت ناپایدار می باشد و معیار عوارض بر ساختمان و اراضی و عوارض بر دارایی های غیرمنقول مهمترین معیارهای تأمین مالی شهرداری تهران به حساب می آیند و معیارهای عوارض بر اسناد رسمی و عوارض ارتباطات و حمل و نقل در مرتبه آخر تأمین مالی قرار دارند. هارولدسن (۲۰۱۷)^۱ به بررسی تأثیر مدیریت شهرداری بر تشخیص درآمد در مدیریت پسماندهای شهر در کشور سوئد پرداخته، نتایج نشان داد که اشکال و ساختارهای مدیریت شهری برگ خریدهای مهمی در هنگام بررسی شیوهای حسابداری ناهمگن در بخش شهرداری هستند که تکمیل کننده تجزیه و تحلیل مرسوم تر چگونگی تأثیرگذاری نیروهای خارجی نهادی، سیاسی و اقتصادی بر انتخاب و انطباق حساب داری است. پارک (۲۰۱۷)^۲ در تحقیقی با عنوان ساختار درآمد حکومت های محلی در شرایط اقتصادی در ایالت کالیفرنیا به این نتیجه رسید که اتکا به درآمد غیرمستقیم تا حد زیادی به عوامل اقتصادی و مالی بستگی دارد و در مناطق مختلف تفاوت دارد و تأثیر اقتصاد وابسته به وابستگی محلی است. در نهایت، یاناشکوا و سوبوتوویچووا^۳ (۲۰۱۹) در مقاله ای با موضوع استقلال مالی شهرداری ها در زمینه مالیات بر زمین در جمهوری چک، ضمن اشاره به این نکته که درآمد کسب شده از مالیات بر زمین در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نقش مهمی در بودجه سالیانه شهرداری ها دارد، از مالیات بر دارایی به عنوان منبع مالی برجسته یاد کردند که می تواند در بودجه شهرداری ها نقش خطیری داشته باشد. یان^۴ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی توسعه پایدار شهری و عوامل مؤثر بر آن

1. Haraldsson

2. Park

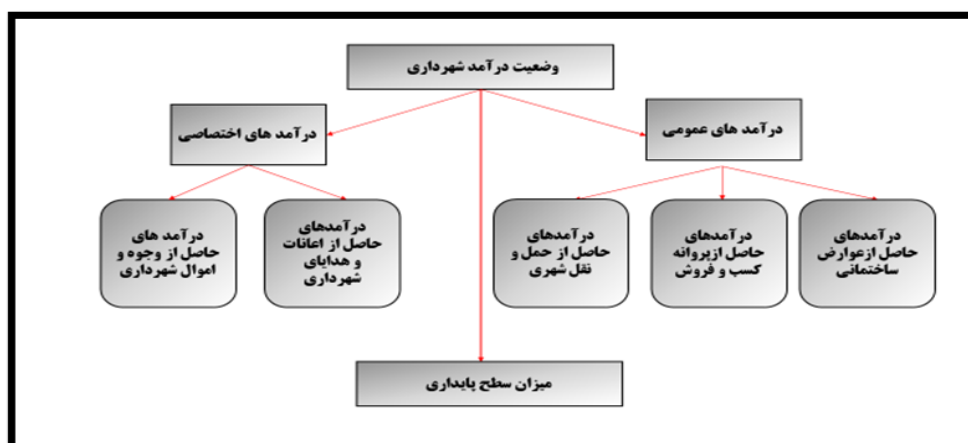
3. Janoušková & Sobotovičová

4. Yan

پرداخته و به این نتیجه رسیدند که موانع جدی بر سر راه توسعه شهرهای کشورهای در حال توسعه وجود دارد. چالش درآمدی از مهمترین چالش‌های پیش روی شهرهای جهان است که آنها را با چالش جدی در دستیابی به توسعه پایدار روبه‌رو کرده‌است.

۲. روش‌شناسی

رویکرد حاکم بر این تحقیق توسعه‌ای - کاربردی و روش تحقیق آن به شیوه توصیفی تحلیلی و پیمایشی است. چارچوب نظری تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور ادبیات مربوطه انجام شده است. اطلاعات و داده‌های اولیه جهت انجام تحلیل‌ها به روش میدانی با بهره‌گیری از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری تحقیق مجموع کارکنان شهرداری شهرکرد است که شامل اعضای شورای شهر، اعضای شهرداری، مدیران و معاونان ارشد مالی، مشاوران و کارشناسان و مهندسين ناظر و مشاور شهرداری شهرکرد می‌باشند. نتایج هر آزمون به تفکیک جداول به‌صورت جداگانه آورده شده است. طبقه‌بندی و ارزش‌دهی شاخص‌ها با استفاده از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت صورت گرفته است. از روش غربال زنی نیز برای اعمال روایی در پرسش‌نامه و به‌منظور بررسی پایایی گزاره‌های این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که این ضریب برای تمامی این گزاره‌ها، مقادیری بیشتر از $0/7$ داشته که بیانگر پایایی مطلوب ابزار تحقیق می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری تمام شماری ۵۰ نفر به‌عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شدند و بر این مبنا نیز تعداد ۵۰ پرسش‌نامه تهیه و توزیع شد و پس از تکمیل گردآوری شدند. داده‌های گردآوری شده از طریق پرسش‌نامه با استفاده نرم‌افزار AMOS و روش‌های تحلیل آماری چون آزمون T تک نمونه‌ای در محیط نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.



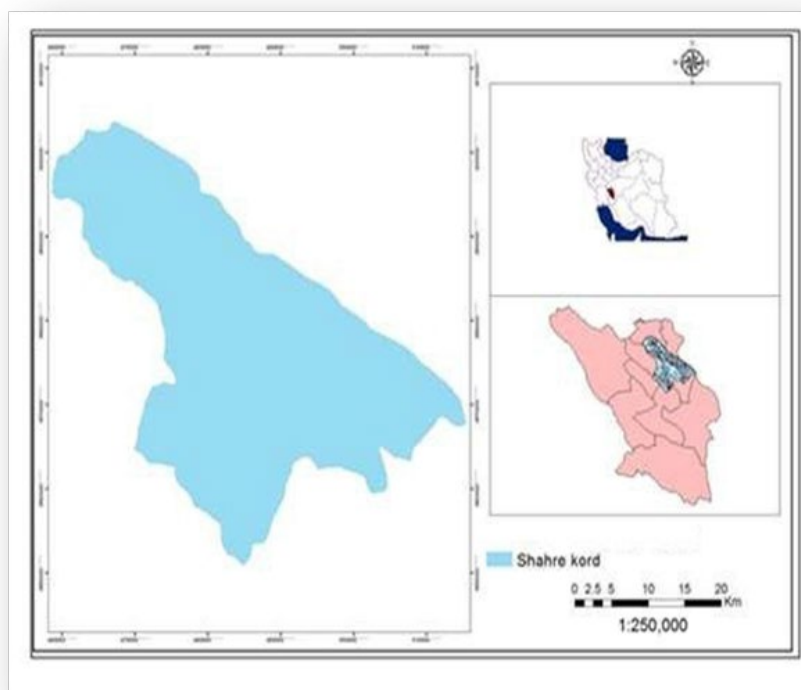
شکل ۱. مدل عملیاتی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

محدوده مطالعه در این پژوهش شهر کرد است. شهرکرد یکی از شهرهای مرکزی ایران و مرکز استان چهارمحال و بختیاری است و مرکز شهرستان شهرکرد است. شهرکرد در ۹۷ کیلومتری جنوب غرب اصفهان

قرار دارد. نام پیشین آن «دهگرد» بوده است که پس از تبدیل به شهر (در شهریور ۱۳۱۴ خورشیدی)، به شهرکرد تغییر نام داده شده است. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵ خورشیدی، جمعیت شهرکرد برابر با ۱۹۰،۴۴۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شهرکرد بین ۵۰ درجه و ۴۹ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه و ۴۴ ثانیه طول و ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه و ۲۲ ثانیه تا ۲۳ درجه و ۲۱ دقیقه و ۵۰ ثانیه عرض جغرافیایی می باشد و به لحاظ توپوگرافی در بخش شمالی رشته کوه زاگرس قرار گرفته است. این شهر با ارتفاع ۲۰۷۰ متر از سطح دریا، مرتفع ترین مرکز استان ایران است و به همین خاطر به «بام ایران» معروف است.

بررسی سوابق تاریخی شهرداری شهرکرد بیانگر آن است در سال ۱۳۰۶ هنگامی که مظفرالملک از طرف وزارت کشور به حکمرانی ناحیه چهارمحال و شهرکرد اعزام شد، صحبت بلدی و شهرداری در بین نبود و کارهای مخصوصی برای شهر انجام نمی شد. اما در سال ۱۳۰۸ شمسی، یاور صادقخان نامور حاکم نظامی چهارمحال با کمک اهالی محل انجمن خیریه تشکیل و برنامه مفصلی برای ترقی و آبادانی این شهر ترتیب دادند. پس از مدتی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی شهرداری شهرکرد تحت عنوان بلدیة شهرکرد بطور رسمی تأسیس گردید. شهرداری شهرکرد سازمان همگانی غیردولتی است که مسئولیت اداره شهر شهرکرد را بر عهده دارد. بالاترین مقام اجرایی این سازمان شهردار است که با رأی شورای شهر شهرکرد انتخاب و با حکم وزیر کشور منصوب می گردد. شهرکرد به ۲ منطقه و ۴ ناحیه تقسیم و برای هر ناحیه یک شهردار ناحیه منصوب شده است. شهرداری شهرکرد دارای درجه ۱۰ شهرداری ها می باشد



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهرکرد

۳. یافته‌ها

شهرداری شهرکرد بر اساس جدول شماره (۱)، کد درآمدی را به عنوان منابع درآمدی پایدار شهرداری‌ها ذکر کرده است که از این تعداد فقط ۱۰ کد درآمدی جز منابع تأمین مالی مشمول شهرداری‌های شهرکرد محسوب می‌شوند. در این موارد نیز اکثراً عملکرد ضعیف شهرداری‌ها در جذب آنها دیده می‌شود نتایج در مورد رابطه بین منابع درآمدی شهرداری‌های شهرکرد با توسعه شهری نیز نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین میزان درآمد شهرداری و توسعه شهری در اکثر مناطق دیده می‌شود در حالی که بین منابع درآمدی پایدار شهرداری و توسعه شهری نیز قابل مشاهده نیست و این شاید به دلیل نبود همچنین کمبود وابستگی شهرداری منطقه ۱ و ۲ شهرکرد به منابع درآمدی پایدار بوده است از این رو با توجه به تجربه‌های مختلف بین شهرداری‌ها با توسعه شهری ضروری است با تغییر رویه موجود و کاربرد تکنیک‌های نوین و در راستای آن توسعه شهری جامعه عمل ببوشاند.

جدول ۱. کدهای درآمدی شهر کرد

-	-	-	-	-	درآمدها	
-	-	-	-	-	درآمدهای ناشی از عوارض عمومی	
معاف	ماده ۴۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده	جاری/عمرانی	حفظ و توسعه فضای سبز و بازیافت پسماند	اختصاصی	عوارض آلاینده‌گی	
معاف	ماده ۳۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده	جاری/عمرانی	-	عمومی	عوارض بلیط (حمل و نقل، زمینی، دریایی)	
معاف	بند الف ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده (۹۰٪ سازمان مالیاتی)	جاری/عمرانی	-	عمومی	عوارض بر کالا و خدمات (۹۰٪/ بند الف ماده ۳۹)	
معاف	ماده ۲۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده	عمرانی	کمک به توسعه و نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی	اختصاصی	عوارض و جرائم سالانه وسایط نقلیه	
معاف	ماده ۲۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده	جاری/عمرانی	کاهش آلودگی هوا	اختصاصی	عوارض سالانه آلاینده‌گی وسایط نقلیه	
معاف	ماده ۳۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده	جاری/عمرانی	-	عمومی	عوارض سالانه کلیه وسائل نقلیه اعم از خودروهای سبک، سنگین و موتور سیکلت	

معاف	ماده ۴۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده	جاری/عمرانی	کمک و ایجاد درآمدهای پایدار بر اساس مصوبه شماره ۱۳۴۴۲۹ هیات وزیران	عمومی	عوارض متمرکز دوازده در هزار گمرکی	
-	-	-	-	-	درآمدهای ناشی از حمل و نقل	
مشمول	-	جاری عمرانی	-	عمومی	بهاء خدمات ناشی از صدور و تمدید پروانه تاکسیرانی	
معاف	قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی	عمرانی	احداث توقف گاه و پارکینگ در همان شهر	اختصاصی	عوارض ناشی از اجرای ماده ۱۵ رسیدگی به تخلفات رانندگی	
مشمول	ماده ۳۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی	جاری عمرانی	-	عمومی	بهاء خدمات ناشی از صدور و تمدید پروانه شرکت ها و ناوگان حمل و نقل مسافر	
معاف	ماده ۹ قانون حمل و نقل ریلی	جاری/عمرانی	مدیریت حمل و نقل بار و مسافر در محدوده شهر و حومه آن	اختصاصی	عوارض ناشی از اجرای ماده ۹ قانون حمل و نقل ریلی (شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر)	
-	-	-	-	-	درآمدهای ناشی از قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری ها و دهیاری ها	
معاف	ماده ۴ قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری ها و دهیاری ها	جاری/عمرانی	-	عمومی	۱۰ درصد صدور و تمدید گذرنامه و گواهینامه	
معاف	ماده ۶ قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری ها و دهیاری ها (تبصره ۳ ماده ۱۵ قانون جرائم راهنمایی و رانندگی)	عمرانی	توسعه حمل و نقل عمومی	اختصاصی	استفاده از معابر شهری جهت توقف حاشیه ای (پارکومتر، کارت پارک)	
معاف	ماده ۶ قانون درآمد پایدار و	عمرانی	توسعه حمل و نقل	عمومی	درآمد حاصل از حمل و	

	نقل بار خودرویی درون شهری	عمومی و زیرساخت های شهری		هزینه شهرداری ها و دهیاری ها (تبصره ۲)	
	درآمدهای ناشی از عوارض اختصاصی شهرداری	-	-	-	-
	درآمدهای اختصاصی	-	-	-	-
	بهاء خدمات استفاده از مراکز رفاهی، تفریحی، فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و خدماتی	عمومی	-	جاری / عمرانی	با عنایت به اینکه ردیف مذکور هم معاف و هم مشمول می باشد مقرر گردید با توجه به سامانه مودیان شناسه تفکیکی صادر گردد.
	بهای خدمات فضای سبز	عمومی		جاری عمرانی	مشمول
	بهای خدمات مدیریت پسماند	اختصاصی	مدیریت پسماند	-	مشمول
	بهاء خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری	-	-	-	-
	بهاء خدمات و درآمدهای مؤسسات انتفاعی شهرداری	-	-	-	-
	بهای خدمات کارشناسی، فنی و آموزشی	عمومی	-	جاری / عمرانی	مشمول
	درآمد ناشی از خدمات بازرگانی	عمومی	-	جاری / عمرانی	مشمول
	درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری	-	-	-	-
	درآمد حاصل از اموال شهرداری	-	-	-	-
	مال الاجاره ساختمان ها و تاسیسات غیر منقول	عمومی	-	جاری عمرانی	مشمول

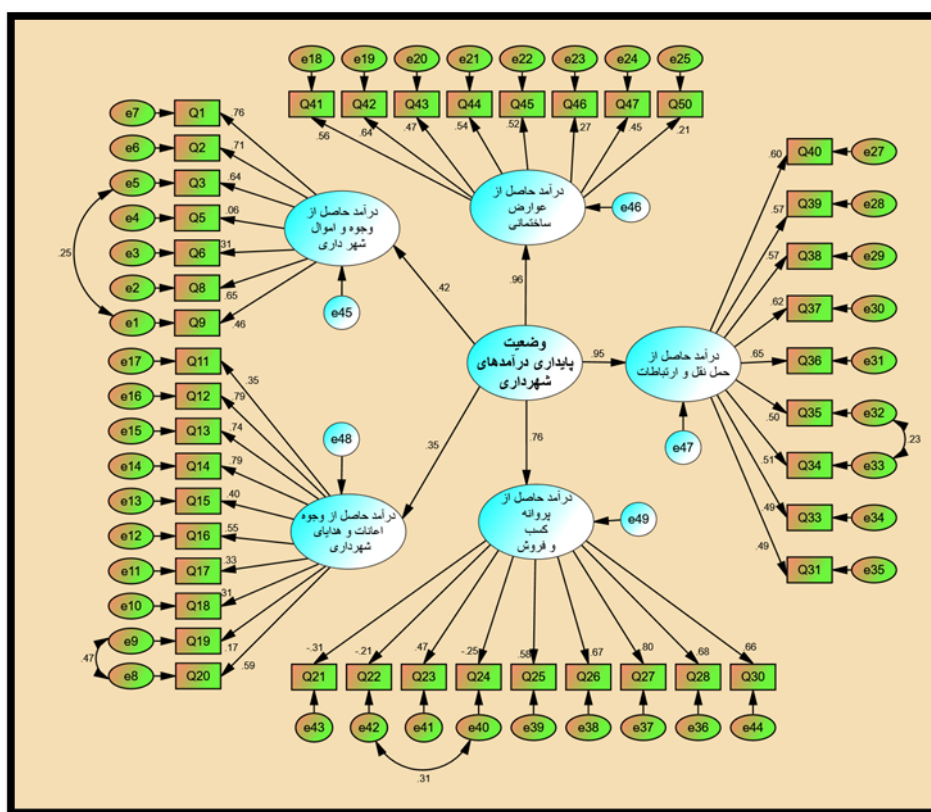
					شهرداری	
مشمول		جاری عمرانی		عمومی	بهاء خدمات ماشین آلات و تجهیزات	
-	-	جاری عمرانی	-	عمومی	بهاء خدمات استفاده از پارکینگ های عمومی	
-	-	-	-	-	درآمد حاصل از وجوه شهرداری	
معاف	-	جاری/عمرانی	-	عمومی	درآمد حاصل از وجوه سپرده های شهرداری	
معاف	-	جاری/عمرانی	-	عمومی	درآمد حاصل از اجرای ماده ۵۹ قانون رفع موانع تولید	
-	-	-	-	-	کمک های اعطائی دولت و سازمانهای دولتی	
معاف	بر اساس موافقت نامه تنظیمی	جاری/عمرانی	-	عمومی	کمک بلاعوض دولت و سازمانها و موسسات دولتی	
معاف	بر اساس موافقت نامه تنظیمی	جاری/عمرانی	-	عمومی	کمک های دولت برای پروژه های مشخص	
-	-	-	-	-	اعانات، کمک های اهدائی و دارائی ها	
-	-	-	-	-	اعانات، کمک های اهدائی	
معاف	-	-	-	عمومی	کمک ها و اعانات دریافتی از موسسات عمومی غیردولتی	
معاف	-	جاری/عمرانی	-	عمومی	درآمد حاصل از اجرای ماده ۱۱۰ قانون شهرداریها	
معاف	مطابق با ضوابط اجرایی بخشنامه بودجه سالیانه	جاری عمرانی	بر اساس کد درآمد وصولی	عمومی/اختصاصی	مازاد درآمد بر هزینه سال قبل	
-	-	-	-	-	فروش اموال غیر منقول	
مشمول	-	عمرانی	-	عمومی	فروش اموال منقول و اسقاط	
	-		-		انواع اوراق و اسناد	
معاف	-	عمرانی	-	عمومی	اوراق مشارکت	
معاف	-	عمرانی	-	عمومی	انواع صکوک	

در این بخش به تحلیل یافته‌ها در زمینه درآمد پایداری شهرداری شهر کرد با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای پرداخته شده است، همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود میانگین تمامی شاخص‌ها از جمله درآمد حاصل از عوارض ساختمانی، درآمد حاصل از حمل‌ونقل و ارتباطات، درآمد حاصل از وجوه و اعانات و هدایای شهرداری، درآمدهای حاصل کسب و فروش اموال شهرداری و درآمدهای حاصل از وجوه و اموال خود شهرداری کمتر از حد وسط ۳ و به ترتیب برابرند با مقدار عددی ۲/۴۰، ۲/۱۷، ۱/۹۹، ۲/۴۴، ۲/۵۱ بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که وضعیت درآمد شهرداری شهر کرد با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و مقایسه آن با خطای مجاز ۵٪ و با سطح اطمینان ۹۵٪ از لحاظ همه شاخص‌های درآمدی (درآمد عمومی و خصوصی) در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و ناپایدار محسوب می‌گردد.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای وضعیت پایداری درآمدهای شهرداری

درآمدهای شهرداری	آماره T	سطح معناداری	میانگین	حد بالا	حد پایین
عوارض ساختمانی	-۴۱۹/۱۸	۰/۰۰۰	۲/۴۰	-۵۲۷۵	-۶۵۳۶
حمل‌ونقل و ارتباطات	-۳۰۹۸۷	۰/۰۰۰	۲/۱۷	-۷۷۰۲	-۸۷۴۹
وجوه و اعانات و هدایای شهرداری	-۲۷/۷۶۹	۰/۰۰۰	۱/۹۹	-۹۳۳۰	-۱۰۷۵۲
پروانه کسب و فروش	-۱۸/۹۵۶	۰/۰۰۰	۲/۴۴	-۴۹۳۲	-۶۰۷۴
وجوه و اموال شهرداری	-۱۲/۶۰۴	۰/۰۰۰	۲/۵۱	-۴۱۰۴	-۵۶۲۱

در این پژوهش در مدل معادلات ساختاری تمام عوامل مؤثر بر وضعیت درآمدی شهرداری به پنج دسته درآمدهای حاصل از عوارض ساختمانی، درآمدهای حاصل از حمل‌ونقل و ارتباطات، درآمدهای حاصل از پروانه کسب و فروش، درآمدهای حاصل از اعانات و هدایای شهرداری و درآمدهای حاصل از اموال شهرداری تقسیم‌بندی شده است و به هر کدام از آنها کد منحصر به فردی داده شده است.



شکل ۲. مدل سازی ساختاری وضعیت پایداری درآمدهای شهرداری شهرکرد

برازش مدل های ساختاری به دو صورت برازش کلی و برازش جزئی انجام می گیرد برازش کلی بدین شرح است که در میان ابعاد پنج گانه درآمدهای شهرداری عامل درآمدهای حاصل از عوارض ساختمانی بیشترین بار عاملی را با وزن ۰/۹۶ دارد. پس از آن درآمدهای حاصل از حمل و نقل و ارتباطات با بار عاملی ۰/۹۵ در رتبه دوم قرار دارد، رتبه سوم درآمدهای پایدار شهرداری شهرکرد به درآمدهای حاصل از پروانه کسب و فروش با وزن رگرسیونی ۰/۷۶ اختصاص دارد و در نهایت رتبه های چهارم و پنجم به ترتیب به دو بعد درآمدهای حاصل از اموال شهرداری و درآمدهای حاصل از اعانات و هدایای شهرداری با وزن های عاملی ۰/۴۲ و ۰/۳۵ تعلق دارد (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج برازش کلی معادلات ساختاری

شاخص ها	درجه آزادی	تخمین غیراستاندارد	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
درآمد عوارض ساختمانی	۲/۳۲	۰/۴۷۵	۵/۰۸	۱/۰۰۰
درآمد حاصل از وجوه و اموال	۲/۶۱	۰/۵۱۱	۵/۳۲	۱/۰۰۰
درآمد حاصل از اعانات و هدایا	۱/۵۰۰	۰/۳۶۵	۴/۱۱	۱/۰۰۰
درآمد حاصل از حمل و نقل	۲/۵۷	۰/۴۹۸	۵/۱۶	۱/۰۰۰
درآمد حاصل از پروانه و کسب فروش	۲/۲۷	۰/۴۴۱	۵/۱۵	۱/۰۰۰

تحلیل یافته‌های برازش جزئی هم بدین شرح است که بعد درآمدهای حاصل از وجوه و اموال شهرداری از نماگرهای (درآمد شهرداری حاصل از سرمایه‌گذاری در بخش عمومی درآمد شهرداری حاصل از سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، درآمد شهرداری حاصل از وجوه و سپرده‌های خود سازمان شهرداری، درآمد شهرداری حاصل از مال‌الاجاره ساختمان‌ها و تأسیسات حق الارض، درآمد شهرداری حاصل از کرایه ماشین‌آلات و وسایل نقلیه خود سازمان شهرداری، درآمد شهرداری از کمک‌های مالی، بلاعوض و جاری دولت، درآمد شهرداری از جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰) تشکیل شده که در این میان نماگر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در بخش عمومی داری بیشترین وزن رگرسیونی یعنی $0/76$ و نماگر درآمد حاصل از مال‌الاجاره و ساختمان و تأسیسات حق الارض دارای کمترین وزن رگرسیونی و اثر با وزن عاملی $0/06$ است. متغیر پنهان درآمدهای شهرداری از هدایا و اعانات از ده متغیر (درآمد شهرداری از حق تشرف، درآمد شهرداری از جریمه سد معبر، درآمد شهرداری از تغیر کاربری‌های، درآمد شهرداری از جرائم و تخلفات پیمانکاران، درآمدهای شهرداری از عوارض وصولی در حریم قانونی شهر، درآمدهای شهرداری از عوارض وصولی در حریم قانونی شهر، درآمد شهرداری از وام‌های دریافتی از وزارت کشور، درآمد شهرداری از وام‌های دریافتی از بانک‌ها، درآمد شهرداری از فروش سرقفلی، درآمد شهرداری از فروش اموال منقول و غیرمنقول، درآمد شهرداری حاصل از آگهی‌های تجارتي و تبلیغاتی) تشکیل شده است که بیشترین وزن‌های رگرسیونی به دو نماگر درآمدهای های حاصل از سد معبر و درآمدهای حاصل تخلفات پیمانکاران با بار عاملی مشترک $0/79$ تعلق دارد و کمترین اثر عاملی متعلق به درآمد حاصل از خرید و فروش اموال غیرمنقول است و نقش کمی در متغیر پنهان مورد نظر ایفا می‌کند. تحلیل یافته‌های متغیر درآمدهای حاصل از پروانه کسب و فروش شهرداری که از نه زیرشاخه شامل (درآمد شهرداری از عوارض سینماها و سالن‌های نمایش، درآمد شهرداری از عوارض بر اماکن عمومی و هتل‌ها، درآمد شهرداری از عوارض بر کسب و پیشه و حق صدور پروانه، درآمد شهرداری از عوارض حاصل از عقد قراردادها، درآمد شهرداری از عوارض بر تولید یا فروش محصولات تولیدی، درآمد شهرداری از عوارض بر باسکول‌ها، درآمد شهرداری از عوارض $0/5$ حق نظاره مهندسين ناظر ساختمان و سایر نظارت‌ها، درآمد شهرداری از حق آسفالت و لکه‌گیری و ترمیم حفاری، درآمد شهرداری حاصل از فروش جمع‌آوری زباله و بهای خدمات)، تشکیل یافته نشان می‌دهد که بیشترین وزن رگرسیونی متعلق به درآمد شهرداری از عوارض $0/5$ حق نظاره مهندسين ناظر ساختمان و سایر نظارت‌ها با وزن عاملی $0/80$ می‌باشد و کمترین وزن رگرسیونی هم به درآمد شهرداری از عوارض بر اماکن عمومی و هتل‌ها با مقدار بار عاملی 21 - اختصاص دارد و اثری ضعیف را نشان می‌دهد. برای مدل‌سازی متغیر پنهان درآمد حاصل از حمل‌ونقل و ارتباطات متغیرهای پنهان (میزان درآمد شهرداری از عوارض معاینه اتومبیل، میزان درآمد شهرداری از عوارض سالیانه خودروهای سواری و سایر وسایل، میزان درآمد شهرداری از صدور گواهینامه راهنمایی و رانندگی، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض حذف پارکینگ، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض شماره‌گذاری خودروهای سواری و افزایش عوارض سالیانه، وضعیت درآمد شهرداری از خودروهای سواری و عوارض حق بیمه

حریق، وضعیت درآمد شهرداری از درآمد خاص از نقل و انتقال تاکسی، وضعیت درآمد شهرداری از درآمدهای اتوبوس رانی و مینی بوس رانی، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض بلیت های هواپیمایی، به کار گرفته شد که متغیر عوارض شماره گذاری خودروهای سواری با وزن ۰/۶۵ بیشترین اثر را در این عامل دارد و کمترین اثر هم به صورت مشترک به دو متغیر عوارض معاینه اتومبیل، عوارض سالیانه بر خودروهای سواری با ضریب رگرسیونی ۰/۴۹ تعلق دارد. در نهایت بعد پنهان درآمد حاصل از عوارض ساختمانی از هشت متغیر آشکار شامل (درآمد شهرداری از عوارض بر پروانه های ساختمانی، درآمد شهرداری از عوارض بر مازاد تراکم ۱۰۰ تا سقف مصوب، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض بر تفکیک اراضی و ساختمان ها، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض بر بالکن و پیش آمدگی ساختمانی، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض حاصل از معاملات غیرمنقول، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض بر توسعه ایستگاه های آتش نشانی، وضعیت درآمد شهرداری از عوارض حاصل از اراضی و املاک بلااستفاده شهری، درآمد شهرداری از عوارض سطح شهر و پلیس ۱۱۰)، تشکیل شده که عوارض بر پروانه ساختمانی دارای بیشترین اثر و وزن رگرسیونی ۰/۵۶ می باشد و کمترین اثر به متغیر عوارض سطح شهر و پلیس ۱۱۰ با وزن ۰/۲۱ اختصاص دارد.

در جدول شماره (۴) مقادیر غیراستاندارد خطای معیار، نسبت بحرانی و سطح تحت پوشش مقدار (P) نشان داده شده است. نتایج جدول حاکی از آن است که کلیه پارامترهای لامدا دارای تفاوت معناداری با مقادیر صفر می باشند مقدار (P) در کلیه روابط فوق کمتر از ۰/۵ است که نشان می دهد کلیه روابط موجود در مدل مورد حمایت داده های تجربی قرار گرفته اند؛ و مدل حاصل شده از فرآیند تحقیق در تبیین روابط رگرسیونی ایجاد شده به خوبی با داده های تجربی سازگاری داشته است. همچنین نسبت بحرانی (CR) مناسب (بیشتر از ۱/۹۶) می باشد و خطای استاندارد پایین است که نشان دهنده این امر است که کلیه روابط موجود در این مدل در سطح مطلوبی قرار دارند.

جدول ۵. نتایج برازش جزئی معادلات ساختاری

شاخص	کد	متغیر	درجه آزادی	تخمین غیراستاندارد	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
درآمد شهرداری	Q1	سرمایه گذاری بخش عمومی	۱/۲۵	۱/۲۵۵	۷/۸۴	۱/۰۰۰
	Q2	سرمایه گذاری بخش خصوصی	۱/۰۰	۱/۰۰۹	۷/۷۰	۱/۰۰۰
	Q3	درآمد وجوه و سپرده های شهرداری	۱/۲۷	۱/۲۷	۸/۵۴	۱/۰۰۰
	Q5	مال الاجاره و تأسیسات حق الارض	۰/۱۵۹	۰/۱۵۹	۱/۰۸	۱/۰۰۰
	Q6	درآمد کرایه ماشین آلات	۰/۶۱۰	۰/۶۱۰	۴/۷۶	۱/۰۰۰
	Q8	درآمد کمک های مالی بلاعوض	۱/۱۶	۱/۱۶۷	۷/۴۷	۱/۰۰۰
	Q9	درآمد کمیسیون ماده ۱۰۰	۰/۷۴۳	۱/۰۰۰		۱/۰۰۰
	Q11	درآمد حاصل از حق تشرف	۰/۳۶۷	۰/۰۵۶	۶/۵۴	۱/۰۰۰
	Q12	درآمد حاصل از سد معبر	۰/۸۰۲	۰/۰۴۵	۱۷/۷۲	۱/۰۰۰
اعلامات و هدایت	Q13	درآمد حاصل از تغییر کاربری	۰/۹۷۴	۰/۰۶۱	۱۶/۰۱	۱/۰۰۰

Q14	درآمد از تخلفات پیمانکاران	۰/۸۸۹	۹/۰۵۱	۱۷/۴۸	۱/۰۰۰
Q15	درآمد حاصل از حریم قانونی شهرها	۰/۳۸۶	۰/۰۵۰	۷/۷۰۰	۱/۰۰۰
Q16	وام دریافتی وزارت کشور	۰/۶۱۰	۰/۰۵۶	۱۰/۸۶	۱/۰۰۰
Q17	درآمد حاصل از وام دریافتی بانکها	۰/۳۳۴	۰/۰۵۴	۱۶/۱۵	۱/۰۰۰
Q18	درآمد حاصل از فروش سرقفلی	۰/۳۴۲	۰/۰۵۹	۵/۸۰	۱/۰۰۰
Q19	درآمد اموال غیرمنقول و منقول	۰/۲۱۴	۰/۰۶۳	۳/۴۰	۱/۰۰۰
Q20	درآمد حاصل از تایلو تبلیغاتی	۰/۵۷۲	۱/۰۰۰		۱/۰۰۰
Q21	درآمد حاصل از عوارض سینما	-۰/۵۳۹	۰/۰۹۹	-۵/۴۵۵	۱/۰۰۰
Q22	درآمد از عوارض بر اماکن عمومی	-۰/۳۲۰	۰/۰۸۴	-۳/۸۲۴	۱/۰۰۰
Q23	درآمد حاصل از عوارض کسب و پیشه	۰/۶۵۶	۰/۰۷۹	۸/۲۸۰	۱/۰۰۰
Q24	درآمد حاصل از عقد قراردادهای	-۰/۳۷۰	۰/۰۸۳	-۴/۴۳۸	۱/۰۰۰
Q25	درآمد حاصل از عوارض تولیدی	۰/۸۵۴	۰/۰۸۵	۱۰/۰۲	۱/۰۰۰
Q26	درآمد حاصل از باسکولها	۱/۰۰۹	۰/۰۸۹	۱۱/۳۹	۱/۰۰۰
Q27	درآمد حاصل از نظارت مهندسين	۱/۱۶	۰/۰۸۹	۱۳/۱۵۰	۱/۰۰۰
Q28	درآمد حاصل از آسفالت و لکه‌گیری	۰/۵۸۶	۱/۰۰۰		۱/۰۰۰
Q30	درآمد از فروش و جمع‌آوری زباله	۰/۹۵۶	۰/۰۸۵	۱۱/۱۹	۱/۰۰۰
Q31	درآمد معاینه اتومبیل	۰/۷۲۸	۰/۰۸۹	۸/۱۴۵	۱/۰۰۰
Q33	درآمد عوارض سالیانه خودروها	۰/۷۲۳	۰/۰۹۰	۸/۰۶	۱/۰۰۰
Q34	درآمد حاصل از صدور گواهینامه	۸۴۳	۰/۱۰۲	۸/۲۸	۱/۰۰۰
Q35	درآمد حاصل از حذف پارکینگ	۰/۹۰۱	۰/۱۰۹	۸/۲۷	۱/۰۰۰
Q36	درآمد حاصل از شماره‌گذاری خودرو	۱/۰۵۰	۰/۱۰۴	۱۰/۰۶	۱/۰۰۰
Q37	درآمد حاصل از بیمه حریق خودرو	۰/۹۶۶	۰/۰۹۹	۹/۷۲	۱/۰۰۰
Q38	درآمد حاصل از نقل و انتقال تاکسی	۰/۹۱۲	۰/۰۹۹	۹/۱۸	۱/۰۰۰
Q39	درآمد حاصل از اتوبوس‌رانی	۰/۸۴۳	۰/۰۹۲	۹/۱۸۴	۱/۰۰۰
Q40	درآمد حاصل از بلیت هواپیما	۰/۷۵۵	۱/۰۰۰		۱/۰۰۰
Q41	عوارض بر پروانه ساختمانی	۰/۶۶۰	۱/۰۰۰		۱/۰۰۰
Q42	عوارض بر مازاد بر تراکم ۱۰۰	۱/۱۷	۰/۱۲۸	۹/۲۰	۱/۰۰۰
Q43	عوارض بر تفکیک اراضی	۰/۸۶۵	۰/۱۱۷	۷/۴۰	۱/۰۰۰
Q44	درآمد از بالکن و پیش‌آمدگی	۱/۰۳	۰/۱۲۷	۸/۱۶	۱/۰۰۰
Q45	درآمد از معاملات غیرمنقول	۰/۹۴۰	۰/۱۱۷	۸/۰۰	۱/۰۰۰
Q46	عوارض بر ایستگاه‌های آتش‌نشانی	۰/۴۲۸	۰/۰۹۱	۹/۶۸	۱/۰۰۰
Q47	عوارض بر اراضی و املاک	۰/۸۰۷	۰/۱۱۴	۷/۱۰	۱/۰۰۰
Q50	عوارض سطح شهر و پلیس ۱۱۰	۰/۴۱۹	۰/۱۱۶	۳/۶۰	۱/۰۰۰

در جدول شماره (۶) شاخص‌های اصلی برازش مدل نشان می‌دهد که داده‌های پژوهش به‌خوبی توانسته‌اند مدل مفهومی پژوهش را نمایندگی کنند و نتایج حاصل از شاخص‌های برازندگی در دامنه قابل قبول خود قرار گرفته‌اند بنابراین تناسب داده‌های گردآوری‌شده با مدل مطلوب است. همچنین کلیه بارهای عاملی به دست آمد نیز در سطح ۰/۰۰۱ نیز معنی‌دار می‌باشند.

جدول ۵. رگرسیون وزنی مدل پیش فرض

نام شاخص	علائم اختصاری	برازش خوب مدل	مدل		
			اصلی	اشباع	مستقل
خی دو کا اسکویر	CMIN	-	۲۲۱۴/۷۶۹	۰/۰۰۰	۵۴۱۰/۰۹۴
درجه آزادی	DF	-	۸۵۲	۰/۰۰۰	۹۰۳
تعداد پارامترهای هر مدل	NPAR	-	۹۴	۹۴۶	۴۳
خی دو بهنجار	CMIN/DF	بین ۱ تا ۳	۲/۵۹۹	۰/۰۰۰	۵/۹۹۱
شاخص برازش مقصد	PGFI	بالاتر از ۰/۵	۰/۷۱۸	۰/۰۰۰	۰/۳۴۸
شاخص نسبت اقتصاد	PRATIO	بالاتر از ۰/۶۰	۰/۹۴۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
شاخص برازش مقصد هنجار شده	PNFI	بالاتر از ۰/۵	۰/۵۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
شاخص برازش تطبیقی مقصد	PCFI	بالاتر از ۰/۵	۰/۶۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	کمتر از ۰/۸	۰/۰۶۵	۰/۰۰۰	۰/۱۱۴

بنابر جدول ۶ شاخص کای اسکوئر غیر معنادار (CMIN) برابر با ۲۲۱۴/۷۶۹ و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) که نتیجه‌ای مطلوب را به نمایش می‌گذارد. کای اسکوئر نسبی که (CMIN/DF) خوانده می‌شود برابر است با ۲/۵۹۹ که مناسب است. شاخص (PNFI) یا برازش مقتصد هنجار شده مدل برابر با ۰/۵۵۷ و قابل قبول است (چون بالای ۰/۵ است). شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) مدل بیشتر از حد قابل قبول است زیرا این شاخص علاوه بر به کارگیری شاخص (CFI)، از شاخص (PRATO) نیز بهره می‌برد، شاخص (PRATO) در مدل ساختاری ۰/۹۴۴ است که از مقدار قابل قبولی برخوردار است و مهم‌ترین شاخص مقدار (RMSEA) یا ریشه دوم میانگین خطای مربعات می‌باشد که برابر ۰/۰۶۵ است که مقادیر کوچک‌تر این شاخص موید انطباق بهتر مدل نظری با داده‌های تجربی است که اغلب محققان مقادیر کمتر از ۰/۱ را برای این شاخص پیشنهاد می‌کنند.

۴. بحث

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مدیران شهری و روستایی کمبود منابع درآمدی مورد نیاز برای ارائه خدمات و ایجاد زیرساخت‌های شهری و روستایی است. گسترش جمعیت، نرخ فزاینده مهاجرت از روستاهای کشور به شهرها، بسط روابط اجتماعی، گسترش فیزیکی و رشد محدوده شهرها، تقاضای قابل ملاحظه در حمل و نقل شهری، افزایش مطالبات شهروندان و کاهش کمک‌های دولت به شهرهای بزرگ باعث شد که شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در زمینه تأمین منابع مالی خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. نبود قانونی مشخص برای درآمد شهرداری‌ها باعث شده است حوزه معماری و شهرسازی کشور با مشکلات جدی مواجه شود و شهرداری‌ها از اهرم‌های خلاف قانون برای کسب درآمد استفاده کنند که با این کار، به شهرها و معماری آن آسیب‌هایی وارد آمده است. براساس مطالعات صورت گرفته در این پژوهش

مشخص شد عمده منبع درآمدی شهرداری شهرکرد از طریق فروش تراکم مازاد عوارض پروانه‌های ساختمانی کمیسیون ماده ۱۰۰ و موارد مشابه می‌باشد که درآمدهای ثابت و پایدار نبوده و متاثر از سایر عوامل اقتصادی و سیاسی تغییر می‌کند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). تلاش این پژوهش بر آن بود تا پایداری درآمدها در شهرداری شهر کرد را بررسی کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است در این شهر درآمد حاصل از عوارض ساختمانی، درآمد حاصل از حمل‌ونقل و ارتباطات، درآمد حاصل از وجوه و اعانات و هدایای شهرداری، درآمدهای حاصل کسب و فروش اموال شهرداری و درآمدهای حاصل از وجوه و اموال خود شهرداری کمتر از مقدار استاندارد و حد وسط ۳ هستند. در واقع می‌توان گفت که وضعیت درآمد شهرداری شهرکرد در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و ناپایدار محسوب می‌گردد که این با یافته‌های نثاری و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. در تبیین و توجیه این نتایج می‌توان بیان کرد؛ کاهش درآمد حاصل از عوارض ساختمانی می‌تواند به دلایل مختلفی مانند کاهش ساخت و ساز، فرار مالیاتی و نرخ پایین عوارض باشد که این نتایج مطالعات یاناشکووا و سوبوتوویچووا (۲۰۱۹) را رد می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد کاهش درآمد حاصل از حمل‌ونقل و ارتباطات نیز می‌تواند به دلیل عدم توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی، استفاده از وسایل نقلیه شخصی و عدم پرداخت عوارض حمل نقل باشد که این بخشی از یافته‌های اسدپور (۱۳۹۵) را تایید می‌کند. در همین حال ممکن است کاهش درآمد حاصل از وجوه و اعانات و هدایای شهرداری به دلیل کاهش تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در شهر و عدم حمایت دولت از شهرداری باشد که این همسو با نتایج پارک (۲۰۱۷)^۱ می‌باشد. در رابطه با ناپایداری درآمدهای حاصل از پروانه کسب و فروش اموال شهرداری می‌توان بیان کرد؛ در دوران رکود اقتصادی، تمایل به سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات کاهش پیدا می‌کند. این امر منجر به کاهش تقاضا برای خرید املاک و مستغلات از جمله املاک متعلق به شهرداری می‌شود که این مطابق با نتایج یان و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد. همچنین در رابطه با کاهش درآمدهای حاصل از وجوه و اموال خود شهرداری نیز می‌توان به مدیریت ناکارآمد منابع در شهرداری شهر کرد اشاره کرد. بنابراین باتوجه به ناپایداری درآمدی شهرداری شهرکرد، این سازمان برای دستیابی به پایداری مالی و ارائه خدمات شهری با کیفیت به شهروندان، مستلزم اتخاذ راهکارهای مناسب در زمینه تنوع‌بخشی و افزایش منابع درآمدی پایدار است.

نوآوری پژوهش را هم از لحاظ روش‌شناسی پژوهش و هم از لحاظ منطقه مورد مطالعه می‌توان مورد بررسی قرارداد، در قسمت روش‌شناسی، تحقیق حاضر سعی در تحلیل وضعیت درآمدهای پایدار شهرداری شهرکرد با استفاده از مدل‌سازی ساختاری در نرم‌افزار AMOS داشت که در بررسی پیشینه پژوهش تاکنون با این روش به تحلیل درآمدهای پایدار شهرداری‌ها نپرداخته‌اند. دیگر نوآوری پژوهش، محدوده مورد مطالعه می‌باشد که تاکنون در شهرکرد در موضوع درآمد پایدار شهرداری‌ها، تحقیق جامعی صورت نگرفته است.

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی وضعیت شاخص های درآمدی شهرداری شهرکرد پرداخته و وضعیت مطلوبیت آن را مورد مطالعه قرار داده است به همین منظور برای بررسی هدف پژوهش از آزمون تی تک نمونه ای بر اساس طیف ۵ گزینه ای لیکرت استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که میانگین پنج متغیر درآمد حاصل از عوارض ساختمانی، درآمد حاصل از حمل و نقل شهری، درآمد حاصل از پروانه کسب و فروش، درآمد حاصل از اعانات و هدایای شهرداری و درآمد حاصل از وجوه و اموال شهرداری به ترتیب به این صورت می باشند ۲/۴۰، ۲/۱۷، ۲/۴۴، ۱/۹۹، ۲/۵۱ که باتوجه به مقایسه با مقدار استاندارد عدد (۳) تمام شاخص های مورد مطالعه درآمد شهرداری با مقدار مطلوب فاصله دارند و ناپایدار حساب می شوند. در ادامه پژوهش برای اندازه گیری اثرگذاری مؤلفه ها از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد نتایج حاصل از مدل عاملی مرتبه دوم نشان داد که عامل درآمدی عوارض ساختمانی بار عاملی ۰/۹۶ بیش از سایر عوامل بر شاخص های درآمد شهرداری اثرگذار است که میزان خطای آن $P \text{ Value} = (0/000)$ می باشد و پس از آن عامل های حمل و نقل شهری درآمد حاصل از کسب و فروش، درآمد حاصل از وجوه و اموال شهرداری و درآمد حاصل از اعانات و هدایای شهرداری به ترتیب با وزن های رگرسیونی ۰/۹۵، ۰/۷۶، ۰/۴۲، ۰/۳۵ قرار دارند؛ لذا باتوجه به وضعیت شهرداری شهرکرد از لحاظ منابع درآمدی پیشنهاداتی برای تقویت وضعیت اقتصادی شهرداری شهرکرد ارائه می شود.

- اختصاص درصدی از مالیات اخذ شده (۱۵ تا ۳۰ درصد) همان شهر به شهرداری شهر کرد
- ساخت و راه اندازی کارخانه و کارگاه ها برای افزایش درآمد پایدار شهرداری شهر کرد
- وصول کامل عوارض نوسازی و جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی
- تأمین مالی از طریق صندوق های سرمایه گذاری موضوعی و صندوق توسعه شهر
- صدور کارت های شهروندی و تولید اپلیکیشن مخصوص خدمات شهرداری
- استفاده مطلوب از فرصت راه اندازی سامانه مزایده ظرفیت های تبلیغاتی

کتاب نامه

۱. اسدپور، ا. (۱۳۹۵). واکاوی درآمد پایدار شهرداری ها با رویکرد توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی در شهر بندرعباس. فصلنامه مدیریت شهری، ۱۶ (۴۶)، ۹۷-۱۱۲.
۲. برسم، ل.، مغانی، ب.، و خبازی، م. (۱۳۹۵). ارزیابی منابع مالی شهر داری ها و امکان سنجی تأمین درآمد های پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر جیرفت). فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۲ (۳)، ۱۸۲-۲۰۳.

۳. خان محمدی، م.، خوشکار، ف.، و سعادت آگاه، ف. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین منابع درآمدی و وظایف شهرداری (مطالعه موردی: شهرداری تهران). *فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت*، ۲(۱۳)، ۷۲-۸.
۴. دانش جعفری، د.، بابا جانی، ج.، و کریمی اسبویی، س. (۱۳۹۳). ارزیابی پایداری منابع مالی و درآمدی شهرداری تهران. *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری*، ۲(۷)، ۱۵-۳۴.
۵. رستمی، و. (۱۳۹۵). شهرداری در نظام حقوقی ایران و فرانسه. *نشریه علمی پژوهشی مطالعات حقوق تطبیقی*، ۷(۱)، ۱۶۱-۱۴۱.
۶. زیاری، ک.، مهدی، ع.، و مهدیان بهمنیری، م. (۱۳۹۱). مطالعه و شناخت منابع مالی و ارائه راهکارهایی برای بهبود پایداری درآمد شهرداری ها؛ مورد پژوهش؛ شهرداری شهر مهاباد. *فصلنامه مدیریت شهری*، ۱۱(۳۱)، ۱۰۷-۱۲۴.
۷. سبحانیان، م.، آقاجانی معمار، ا.، و توتونچی ملکی، سعید. (۱۳۹۵). مالیات بر عایدی سرمایه املاک و مسکن؛ منبع درآمدی پایدار برای شهرداری ها و ابزاری به منظور کنترل سوداگری در بازار مسکن. *فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۶(۲۱)، ۹۶-۸۳.
۸. شریف نژاد، ن.، صابری، ح.، خادم الحسینی، ا.، زیاری، ک.، و اذانی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی مؤلفه های تاثیر گذار بر پایداری ساختار درآمدی شهر داری ها (مطالعه موردی: کلان شهر اصفهان). *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲ (۲)، ۲۶۶-۲۵۲.
۹. فشارکی غلامی، م. (۱۳۹۶). مدل معادلات ساختاری و کاربرد آن در مطالعات روانشناسی: یک مطالعه مروری. *دو فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۶(۱)، ۲۶۵-۲۵۳.
۱۰. قربانی، ر.، و عظیمی، م. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر ساختار درآمدی شهرداری بر روند توسعه شهری با استفاده از تکنیک ضریب همبستگی و تحلیل عاملی، مطالعه موری مشهد. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۳(۵)، ۱۱۵-۱۳۲.
۱۱. قلی پور، ر.، درویش زاده، م. م.، و پیران نژاد، علی. (۱۳۹۸). بررسی روش ها، منبع ها و مانع های دستیابی به درآمد پایدار شهری (مطالعه موردی: شهرداری ارومیه). *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۱(۱)، ۱۷۸-۱۵۱.
۱۲. قنبری، ا.، موسوی، م.، سعید آبادی، ر.، باقری کشکولی، ع.، و حسینی امینی، ح. (۱۳۹۰). راهکارهای توانمندسازی افزایش درآمد شهرداری ها در شهرهای کوچک (مطالعه موردی: شهر زارچ). *مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*، ۲۵(۴۲)، ۵۸-۴۱.
۱۳. کامیار، غ. ر. (۱۳۸۵). *حقوق شهری و شهر سازی*. تهران: انتشارات مجد.
۱۴. مسگری، س.، نعیمی، ص.، و عبدالشاه، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل موثر بر درآمد شهرداری ها و ارائه راهبرد های مناسب به منظور ایجاد درآمد پایدار. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۳(۲)، ۸۸-۷۵.
۱۵. معروفی، ف.، و امامی، ع. (۱۳۹۶). ارائه مدل برنامه ریزی استراتژیک شهرداریها، مورد مطالعه شهر داری ملایر سال ۱۴۰۰-۱۳۹۶. *فصل نامه آمایش محیط*، ۱۰(۳۸)، ۱۴۴-۱۲۱.

۱۶. نثاری، ر.، منتظری، ر.، و حسین زاده، ن. (۱۳۹۴). راهبردهای تأمین مالی پایدار شهر داری تهران در برنامه پنج ساله، با تاکید بر سیاست های ابلاغی اقتصاد مقاومتی. فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۳(۱۱)، ۹۹-۱۱۶.

17. Rodríguez-Pose, A., & Palavicini-Corona, E. I. (2013). Does local economic development really work? Assessing LED across Mexican municipalities. *Geoforum*, 44, 303-315.
18. Chetan, V., & Hitesh, V. (2011). Creative Financing of Urban Infrastructure In India Through Market-based Financing and Public Private Partnership Options. *University of Toronto, new Delhi National Institute of Public Finance and Policy new Delhi*, (3-7).
19. Dirie, I. (2005). Municipal finance: Innovative resourcing for municipal infrastructure and service provision. In *A report prepared for the Commonwealth Local Government Forum in cooperation with ComHabitat*.
20. Janoušková, J., & Sobotovičová, Š. (2019). Fiscal autonomy of municipalities in the context of land taxation in the Czech Republic. *Land Use Policy*, 82, 30-36.
21. Haraldsson, M. (2017). When revenues are not revenues: the influence of municipal governance on revenue recognition within Swedish municipal waste management. *Local Government Studies*, 43(4), 668-689.
22. Park, S. (2017). Local revenue structure under economic hardship: reliance on alternative revenue sources in California counties. *Local Government Studies*, 43(4), 645-667.
23. Ojo, S. S., Tpl, D. B., & Pojwan, M. A. (2017). Urbanization and urban growth: Challenges and prospects for national development. *Journal of Humanities and Social Policy*, 3(1), 65-71.
24. Ji, X., Wang, K., Xu, H., & Li, M. (2021). Has digital financial inclusion narrowed the urban-rural income gap: The role of entrepreneurship in China. *Sustainability*, 13(15), 8292.
25. Frare, M. B., Clauberg, A. P., Sehnem, S., Campos, L. M., & Spuldaro, J. (2020). Toward a sustainable development indicators system for small municipalities. *Sustainable Development*, 28(5), 1148-1167.
26. Liu, A. Y., Oi, J. C., & Zhang, Y. (2022). China's local government debt: the grand bargain. *The China Journal*, 87(1), 40-71.
27. Engin, Z., van Dijk, J., Lan, T., Longley, P. A., Treleaven, P., Batty, M., & Penn, A. (2020). Data-driven urban management: Mapping the landscape. *Journal of Urban Management*, 9(2), 140-150.
28. Satterthwaite, D. (2021). Sustainable cities or cities that contribute to sustainable development?. In *The Earthscan reader in sustainable cities* (pp. 80-106). Routledge.
29. Tejedo-Romero, F., Araujo, J. F. F. E., Tejada, Á., & Ramírez, Y. (2022). E-government mechanisms to enhance the participation of citizens and society: Exploratory analysis through the dimension of municipalities. *Technology in Society*, 70, 101978.
30. Allen, B., Tamindaal, L. E., Bickerton, S. H., & Cho, W. (2020). Does citizen coproduction lead to better urban services in smart cities projects? An empirical study on e-participation in a mobile big data platform. *Government Information Quarterly*, 37(1), 101412.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

The Role of Smart Governance in Promoting Urban Social Resilience (Case Study: Mashhad Metropolis)

Jalal Biuki¹

PhD Candidate, Department of Geography, Ma.C. Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Dr. Katayoon Alizadeh

Associate Professor, Department of Geography, Ma.C. Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Dr. Hamid Jafari

Associate Professor, Department of Geography, Ma.C. Islamic Azad University, Iran

Received: 7 July 2024

Accepted: 31 December 2024

PP. 115-136

Abstract

Today, smart approaches in urban planning have put sustainable and effective solutions in front of policy makers and urban planners to face urban challenges and risks. Meanwhile, smart urban governance is an effective and innovative approach to realize smart and participatory urban management to face urban challenges and make cities resilient and increase social resilience as one of the basic foundations of realizing urban resilience. In this regard, the present research with practical goal setting and "descriptive-analytical" method has tried to study the role of smart governance in the realization of social resilience in urban areas 1, 4 and 10 (as representative of inferior, middle and prosperous areas). Shahri) in the city of Mashhad to be analyzed. In this regard, survey method and questionnaire tool were used to collect data. The sample size is 384 residents of sample areas in Mashhad city, who were selected by stratified sampling method with relative allocation. For data analysis, SPSS software and sample T-Tech test and MEREC multi-criteria decision-making model were used, as well as structural equation modeling in the form of PLS software. The obtained results showed that the role of smart governance in realizing social resilience in areas 1, 4 and 10 of Mashhad shows a positive and meaningful relationship. The results of this research can be useful and effective in informing policymakers and urban planners about the priorities of realizing smart urban governance and urban social resilience and the ways to improve and realize them in the city of Mashhad.

Keywords: Smart governance, social resilience, intelligent participation, social development planning, Mashhad city.

1. Corresponding author's Email: jalalbiooki@gmail.com

Extended abstract

1.Introduction

Today, cities are rapidly adopting smart innovations to meet their needs and achieve sustainable development goals. Smart urban governance, as one of the fundamental indicators of smart cities, is a process that pursues urban management and planning through smart policymaking, smart planning, and smart services for citizens. Smart governance is not limited to modern technologies; it also includes the participation of social groups, administrative health and transparency, social sustainability, and active citizen participation. On the other hand, cities face numerous natural and man-made hazards, making urban resilience, especially social resilience, a basic priority. Social resilience includes components such as adaptability, trust, social capital, social knowledge, social cohesion, and value-based and planning qualities. The aim of this study is to investigate the role of smart governance in promoting social resilience in Mashhad metropolis. This research emphasizes a comparative study of districts 1 (privileged), 4 (underprivileged), and 10 (middle-class) as representatives of different socio-economic classes. The necessity of this research arises from the fact that no in-depth study has simultaneously examined smart governance and social resilience in Mashhad. Most previous studies have separately addressed good governance or resilience, leaving a research gap regarding the interaction between these two concepts. The significance of this research lies in its ability to help policymakers and urban planners reduce citizen vulnerability, increase public participation, and improve quality of life in Mashhad. Given Mashhad's special position as the second largest metropolis in Iran and the existence of socio-spatial inequalities, this research can guide future planning for smartization and social resilience.

2. Method

This research is applied-developmental in nature and descriptive-analytical in methodology. Data were collected through documentary (library) and survey (questionnaire) methods. The statistical population consisted of citizens aged 18 and over living in districts 1, 4, and 10 of Mashhad. The sample size was determined as 384 participants using Cochran's formula with 95% confidence level and 5% error margin. The sampling method was stratified sampling with proportional allocation based on the population of each district: district 1 (81 participants), district 4 (140 participants), and district 10 (103 participants). The research instruments were two researcher-made questionnaires developed after studying theoretical foundations and literature. The first questionnaire measured smart governance with 28 indicators across four components (smart policymaking, smart structure, smart services, and smart participation). The second questionnaire measured social resilience with 51 indicators across five domains (knowledge and skills, community facilities, perceivable values and norms, planning processes, and others). To ensure validity, face validity was used. The questionnaires were reviewed by 10 urban management experts (5 university professors and 5 managers from Mashhad Municipality), and necessary corrections were applied. KMO and Bartlett tests indicated sampling adequacy. For reliability, a pilot test was conducted on 50 citizens, yielding Cronbach's alpha coefficients of 0.921 for smart governance and 0.901 for social resilience, indicating good reliability. Data analysis was performed at three levels: first, using SPSS software with one-sample t-test to examine mean scores; second, using PLS software with structural equation modeling to assess the impact of smart governance on social resilience; and finally, using the MEREC model to prioritize indicators for both variables.

3. Results

The one-sample t-test results showed that the mean scores of all smart governance and social resilience indicators in all three districts were significantly lower than the average (3) (p -value < 0.05). Among smart governance components, 'smart policymaking' had the highest priority for realization, while in social resilience, 'planning processes (design and development)' ranked first. Structural equation modeling results indicated that smart governance has a positive and significant effect on promoting social resilience ($R^2=0.622$, $Q^2=0.648$). Among smart governance components, smart policymaking had the strongest impact (path coefficient = 0.259). Additionally, the MEREC model showed that planning processes (weight 0.328) in social resilience and smart policymaking (weight 0.467) in smart governance are the top priorities for planning.

4. Discussion and Conclusion

The findings confirm that smart governance can act as a positive intervening force to enhance social resilience in Mashhad. This result aligns with studies by Okada (2018) and Lopez & Castro (2020), which emphasize the role of smart technologies and participatory management in increasing community adaptive capacity. The high priority of "smart policymaking" indicates that citizens value transparency, use of modern technologies, and support for elites in decision-making processes. The priority of 'planning processes' in social resilience reflects the need for participatory planning, transparent communication channels, and constructive interaction between social groups and responsible institutions. In conclusion, smart governance is not only a modern urban management approach but also an effective tool for reducing vulnerability, increasing public participation, and improving quality of life in Mashhad. Recommendations include strengthening smart participation infrastructure in underprivileged areas (district 4), developing smart urban services in affluent areas (district 1), and expanding smart urban spaces in middle-class areas (district 10).

Keywords: Smart Governance, Social Resilience, Smart Participation, Social Development Planning, Mashhad Metropolis



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

نقش حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری، (مطالعه موردی کلان‌شهر مشهد)

جلال بیوکی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

jalal.biooki@iau.ir

کتایون علیزاده* (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

K-alizadeh@iau.ac.ir

حمید جعفری (دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

hamid.jafari@iau.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

صص ۱۱۵-۱۳۶

چکیده

امروزه رویکردهای هوشمند در برنامه‌ریزی شهری، راهکارهای پایدار و مؤثری را برای مواجهه با چالش‌ها و مخاطرات شهری پیش روی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری قرار داده است. در این بین حکمروایی هوشمند شهری رویکردی مؤثر و نوین برای تحقق مدیریت شهری هوشمند و مشارکت‌گرا برای مواجهه با چالش‌های شهری و تاب‌آوری نمودن شهرها و افزایش تاب‌آوری اجتماعی به عنوان یکی از بنیان‌های اساسی تحقق تاب‌آوری شهری است. در این راستا، پژوهش حاضر باهدف گذاری کاربردی و با روش «توصیفی - تحلیلی» تلاش کرده است نقش حکمروایی هوشمند را در تحقق تاب‌آوری اجتماعی در مناطق ۱، ۴ و ۱۰ شهری (به عنوان نماینده مناطق فرودست، میانی و مرفه شهری) در شهر مشهد مورد تحلیل قرار داد. در این راستا از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. حجم نمونه ۳۸۴ نفر از ساکنان مناطق نمونه در شهر مشهد است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده با تخصیص نسبی انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آزمون تی تک نمونه‌ای و مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره MEREC و همچنین مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم‌افزار PLS استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که نقش حکمروایی هوشمند در تحقق تاب‌آوری اجتماعی در مناطق ۱، ۴ و ۱۰ شهر مشهد نشان از یک رابطه مثبت و معنادار است. نتایج این پژوهش می‌تواند در آگاهی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری نسبت به اولویت‌های تحقق حکمروایی هوشمند شهری و تاب‌آوری اجتماعی شهری و راهکارهای بهبود و تحقق آن‌ها در شهر مشهد مفید و مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی، حکمروایی هوشمند، شهر مشهد، مشارکت هوشمند.

۱. مقدمه

امروزه شهرها با شتابی روزافزون به سمت نوآوری‌های هوشمند حرکت می‌کنند تا به توسعه و تعالی خود دست یابند. در این مسیر، حکمروایی هوشمند به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی شهرهای هوشمند، نقشی کلیدی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایفا می‌کند. این نوع حکمروایی صرفاً به فناوری محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی نهادی و پیچیده است که بر مشارکت عمومی، دولت الکترونیک، شفافیت، سلامت اداری و پایداری فرهنگی - اجتماعی استوار است. اتکا به دانش و فناوری در این رویکرد، خروجی‌ها را بهینه کرده و برای مقابله با چالش‌های ناشی از افزایش جمعیت، شهرنشینی و بحران‌های طبیعی و انسانی کارآمد است.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حکمروایی هوشمند، سرعت در ارتباطات و بهره‌گیری از دانش روز برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان است. با این حال، شهرها برای بقا و مواجهه با مخاطرات، نیازمند رویکردهایی مانا و انعطاف‌پذیر هستند. در این راستا، تاب‌آوری به عنوان رویکردی راهبردی برای حفظ دارایی‌های شهری (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی) در برابر بلايا مطرح می‌شود. تاب‌آوری شامل مؤلفه‌هایی چون مقاومت، انعطاف‌پذیری، سازگاری، بازیابی و انطباق‌پذیری در ساختارهای پیچیده شهری است. از مهم‌ترین ابعاد تاب‌آوری، تاب‌آوری اجتماعی است که با مؤلفه‌هایی نظیر اعتماد، سرمایه اجتماعی، همبستگی، سازگاری و دانش اجتماعی، نقش بنیادی در پایداری شهرها در برابر تهدیدات دارد. این نوع تاب‌آوری چندبعدی بوده و از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات پیشین بیشتر به رابطه حکمروایی خوب شهری و تاب‌آوری پرداخته‌اند. به عنوان مثال، دیوان‌بیگی و حجازی (۱۳۹۷) بر تأثیر متقابل حکمروایی خوب و تاب‌آوری اجتماعی تأکید کردند. ملکی و همکاران (۱۳۹۷) در اهواز نشان دادند بهبود شاخص‌های حکمروایی خوب (مشارکت، عدالت، شفافیت و پاسخگویی) منجر به افزایش تاب‌آوری می‌شود. روستایی و همکاران (۱۳۹۸) به پایین بودن رضایت شهروندی از عملکرد شهرداری در ارتباط با حکمروایی اشاره کردند. راه نجات و همکاران (۱۳۹۹) چندپارگی مدیریت شهری را مانع اصلی تحقق شهر هوشمند در تهران دانستند. حیدری و همکاران (۱۴۰۰) نقش مشارکت و پاسخگویی را در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در برابر کووید-۱۹ در تبریز برجسته کردند. روشنایی و همکاران (۱۴۰۲) و تقی‌پور و شمس پویا (۱۴۰۳) نیز بر اهمیت مشارکت، قانونمندی و مسئولیت‌پذیری تأکید داشتند.

در سطح بین‌المللی، ریبریو و گونکالوس (۲۰۱۹) تاب‌آوری شهری را بر چهارستون مقاومت، بهبودی، انطباق و دگرگونی و پنج بعد طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و نهادی تعریف کردند. جیان (۲۰۲۰) بر نیاز به حکمروایی هوشمند شهری به عنوان روشی اجتماعی - فنی برای اداره شهرها تأکید کرد. گویمارس و همکاران (۲۰۲۰) عوامل محرک استراتژیک برای درگیرکردن مردم در دستیابی به توسعه پایدار را شناسایی کردند. چلری و باراویکوا (۲۰۲۱) رویکردهای تحول‌گرا و انعطاف‌پذیر در بحران را تأیید نمودند. عزیزاده و

شریفی (۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) نیز بر نقش حکومت مشارکتی، دسترسی به منابع و مشارکت شهروندان در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی تأکید داشتند.

خلاصه تحقیقاتی: بررسی پیشینه نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه عمیقی در زمینه نقش حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری انجام نشده و بیشتر مطالعات به حکمروایی عمومی (نه هوشمند) و تاب‌آوری پرداخته‌اند. همچنین ارزیابی هم‌زمان و تأثیر متقابل این دو مفهوم مغفول مانده است؛ بنابراین پژوهش حاضر جزو اولین تلاش‌ها در این حوزه، به‌ویژه در کلان‌شهر مشهد محسوب می‌شود.

باتوجه به جمعیت بیش از سه میلیون نفری مشهد و ضرورت هوشمندسازی فرایندهای مدیریت شهری در عصر اطلاعات، حکمروایی هوشمند می‌تواند نقش هدایت‌گری در توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و پاسخگویی به نیازهای متنوع شهروندان ایفا کند. ازسوی دیگر، موقعیت ژئوپلیتیکی کشور و اهمیت منطقه‌ای مشهد، توجه به تاب‌آوری (به‌ویژه تاب‌آوری اجتماعی) را دوجندان می‌کند. این پژوهش با یک مطالعه تطبیقی در سه منطقه با سطوح برخورداری متفاوت در مشهد (مناطق ۱، ۱۰ و ۴ به ترتیب به‌عنوان مناطق مرفه، متوسط و کم‌برخوردار) انجام می‌شود تا اولویتهای متفاوت شاخص‌های حکمروایی هوشمند و تاب‌آوری اجتماعی را بر اساس نگرش شهروندان و واقعیت‌های هر منطقه شناسایی کند.

هدف اصلی این پژوهش، شناخت نگرش و کیفیت اهمیت‌دهی شهروندان به شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی و حکمروایی هوشمند، و نیز میزان تحقق آن‌ها باتوجه به سطح برخورداری مناطق است تا اولویتهای متفاوت برای برنامه‌ریزی بهتر و متناسب با نیازهای واقعی مناطق مشخص شود. این امر به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در جهت کاهش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای پایدارتر و مقاوم‌تر در برابر بحران‌ها کمک می‌کند.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ ماهیت، پژوهشی «کاربردی - توسعه‌ای» و از لحاظ روش‌شناسی به‌صورت «توصیفی - تحلیلی» است. برای گردآوری اطلاعات، از مطالعات اسنادی به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و برای گردآوری داده‌های تحلیلی از روش پیمایشی به روش ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. همچنین بر اساس چارچوب نظری و مطالعه پیشینه، دو متغیر کلان پژوهش حکمروایی هوشمند و همچنین تاب‌آوری اجتماعی است که در بستر مورد مطالعه یعنی شهر مشهد موردسنجی قرار می‌گیرند. دراین‌بین و از منظر تحلیلی و استنباطی، حکمروایی هوشمند و شاخص‌های تبیین‌کننده آن (۲۸ شاخص) به‌عنوان متغیر مستقل پژوهش و تاب‌آوری اجتماعی و شاخص‌های تبیین‌کننده آن (۵۱ شاخص) به‌عنوان متغیر وابسته پژوهش مطرح می‌باشند.

جدول ۱. متغیرهای و شاخص‌های تبیین‌کننده پژوهش

مؤلفه	شاخص	
تاب‌آوری اجتماعی	دانش و توانمندی‌ها و مهارت‌ها	• توانایی پاسخ و ارائه راه‌حل برای حل مشکلات و چالش‌ها در زمان مخاطرات و بحران‌های زیست‌محیطی و طبیعی در بین شهروندان • توانایی حل مسائل مربوط به مخاطرات با اتکا به تجربه و دانش عملی در بین شهروندان • کیفیت سازگارشدن و انعطاف‌پذیری شهروندان در برابر تغییرات و شرایط سخت در زمان‌های بحرانی • مهارت مشاوره‌دهی و مشاوره‌پذیری برای حل مسائل توسط شهروندان • کیفیت خلاقیت و کارایی اجتماعی شهروندان برای مدیریت شرایط سخت در زمان‌های بحرانی • همبستگی اجتماعی شهروندان برای پشتیبانی از همدیگر در زمان‌های بحرانی • میزان مثبت‌اندیشی شهروندان در درک شرایط پیچیده و سخت و نحوه مواجهه با آن • دانش و آگاهی از اهمیت و جایگاه دارایی‌های اجتماعی در زمان‌های بحرانی • کیفیت آگاهی شهروندان از تأثیرات خطرات و بحران‌ها • مهارت‌های رهبری شهروندان یعنی کنترل و هدایت گروه‌های اجتماعی و فردی در زمان سختی‌ها و شرایط اضطراری • کیفیت عملکرد واسطه‌های اجتماعی برای تسهیل در رسیدن به اهداف و کنترل بهتر شرایط بحرانی • استقامت اجتماعی در برابر سختی‌ها و آسیب‌های وارده باتوجه به پیشنهادها • دردسترس بودن پرسنل و افراد آموزش‌دیده کافی برای مواجهه و استفاده از دانش و تجربه آن‌ها در زمان‌های بحرانی • درک نیاز به آماده‌سازی و پذیرش تغییرات سازنده در بین شهروندان برای سازگارشدن با شرایط بعد از بحران‌ها • میزان توانمندی اجتماعی برای حمایت از خانوارهای آسیب‌دیده در صورت اختلال و آسیب به زیرساخت‌ها
	امکانات جامعه	• دسترسی به منابع، ابزارها، راهنماها و غیره در زمان‌های اضطراری • وجود کانال‌های ارتباطی باکیفیت که همه افراد جامعه را به هم متصل می‌کند • وجود انسجام و نظم اجتماعی در مقابل تغییرات و بحران‌های پیش روی جامعه شهری • تعدد و وجود مکان‌ها و دارایی‌هایی کالبدی که نشان‌دهنده هویت و نماد وحدت جامعه هستند • تنوع و مستمر بودن دسترسی به امکانات و تسهیلات متفاوت در شهر • کیفیت تعریف حرايم امن و مشخص عمومی و خصوصی برای افراد در جامعه • تحمل‌پذیری و انعطاف‌پذیری مالی و اقتصادی در زمان‌های بحرانی • مقاومت و ایستایی زیرساخت‌ها و امکانات مربوط به ساخت‌وسازهای زیربنایی و روبنایی • کیفیت و تنوع در وجود فضاهای شادی‌آفرین و فضاهای سبز • دسترسی به خدمات اضطراری و اولیه در مناطق محروم‌تر شهر • دسترسی آسان و مداوم به خرد / دانش شهروندان مسن‌تر و باتجربه در جامعه • وجود شبکه‌های اجتماعی تعریف‌شده • وجود فضاهای ارتباط و تعامل جمعی • میزان تحقق بازارهای مطمئن کار برای فارغ‌التحصیلان علمی و صنعتی
	ارزش‌ها و هنجارهای قابل ادراک اجتماعی	• وضعیت سازش‌پذیری جامعه و رواج اخلاق نیکو • وضعیت احساس دل‌بستگی به جامعه • برابری تمامی گروه‌ها و قومیت‌ها در استفاده و بهره‌مندی از شرایط و خدمات • احترام و عدالت بین گروه‌های اجتماعی در فضاهای رقابتی و فعالیت‌های شهری • اعتماد به نفس و اتکای به خود در بین افراد جامعه • حس تعلق و تعهدپذیری اجتماعی • حس تعلق مکانی

مؤلفه	شاخص
فرایندهای برنامه‌ریزیانه (طراحی و توسعه)	- احساس امنیت روانی و عاطفی برای انجام فعالیت‌ها در جامعه - وجود ارزش‌ها و اعتقادات مشترک - میزان اعتماد به شبکه‌های به هم پیوسته جامعه - تمایل به انجام کارهای گروهی و همیاری در بین افراد جامعه
	- میزان برنامه‌ریزی در شهر با مشارکت شهروندان - میزان کانال‌های ارتباطی شفاف بین افراد جامعه و نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی - میزان ارتباط و تعامل سازنده و متقابل بین گروه‌های اجتماعی و سیستم‌های تصمیم‌گیرنده و مسئول - میزان دخالت و شرکت نمایندگان منتخب جامعه مانند معتمدان و شورابا‌های محلی و شهری در بخش‌های کلان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شهری - میزان استقبال از حضور احزاب و تشکلهای رسمی و غیررسمی برای مدیریت بحران‌ها و نیازها در شهر - میزان تحقق حکمرانی مشارکتی در مدیریت شهری - میزان رسمیت بخشیدن نهادها و سازمان‌های مسئول به اقدامات داوطلبانه و خلاقانه شهروندان برای مواجهه با بحران‌ها و حل چالش‌ها - میزان سازمان‌دهی و حمایت از رویدادها و آیین‌های محلی با مشارکت و هم‌فکری اقشار اجتماعی و مردم در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی - میزان حمایت از تفکرات و ایده‌های قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در تحقق شهر زیست‌پذیر و تاب‌آور - میزان مشارکت‌پذیری و پاسخگویی مدیران و سیاست‌گذاران شهری در برنامه‌های کلان توسعه اجتماعی و اقتصادی
	- بهره‌گیری از ایده‌های خلاق و مبتنی بر روش‌های هوشمند در تصمیمات و طرح‌های شهری - وجود برنامه عملیاتی مشخص برای رسیدن به شهر هوشمند - رویکرد مدیران و سیاست‌گذاران شهری برای تحقق نوآوری‌ها و هوشمندسازی فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در ارائه راه‌حل‌های سازنده برای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری - آشکار بودن فرایند حمایت از نخبگان برای هوشمندسازی درون‌دادها و نتایج مربوط به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری - شفاف‌سازی فرایند اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه و مدیریت شهری با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین و به‌روز - ارائه سیاست‌های مبتنی بر دانش روز و هوشمند برای حل چالش‌ها و نیازهای روزافزون شهری
حکمرانی هوشمند	- بهره‌گیری از ابزار و تکنولوژی‌های نو در ایجاد بدنه مدیریتی انعطاف‌پذیر، پاسخگو، به‌روز و شفاف در مدیریت شهری - شفافیت ساختارهای مالی و منابع زیرساختی و روساختی با به‌کارگیری روش‌های نوین و هوشمند که از طریق وب‌سایت‌ها و پرتال‌های ایجادشده در دسترس - استفاده از ابزارهای هوشمند و دیجیتال برای برگزاری جلسات مدیریتی و برنامه‌ریزی در مدیریت شهری - توانمندسازی کارکنان مدیریت شهری در استفاده و بهره‌برداری از ابزارها و تکنولوژی‌های نوین و هوشمند در حل مسائل شهری - بهره‌برداری از تکنولوژی‌های نوین در پایش و نظارت بر ساختار و اجرای کارکردی مدیریت شهری - بهره‌گیری از روش‌های دیجیتال و هوشمند در اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی از فرایندها و برنامه‌ها به افراد و نهادها توسط مدیریت شهری - سرمایه‌گذاری برای تحقق زیرساخت‌های دیجیتال و هوشمند در طرح‌ریزی، اجرا و توسعه کارکردهای مدیریت شهری
	- میزان تحقق و پوشش زیرساخت‌های هوشمند برای تحقق شهر هوشمند - ایجاد زیرساخت‌های مبتنی بر یادگیری تکنولوژی‌های نو و سواد دیجیتالی در شهر - میزان دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات حمل‌ونقل هوشمند و دیجیتال در شهر - میزان پوشش و کارکرد خدمات آموزش از راه دور و مجازی در شهر - ایجاد مدیریت شهری الکترونیک برای پاسخ به نیازها و توسعه خدمات آنلاین شهری

مؤلفه	شاخص
مشارکت هوشمند	• بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین و هوشمند در توسعه زیرساخت‌های مربوط به مسکن و نیازهای اولیه در شهر • ایجاد، توسعه و نشر نقشه‌ها و خدمات اطلاع‌رسانی هوشمند در وب‌سایت‌های متعلق به مدیریت شهری • بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و ابزارهای هوشمند و تکنولوژی‌های نو برای بازیافت و مدیریت پسماندهای شهری • سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌ها و ابزارهای هوشمند و دیجیتال برای اعطای مجوزهای توسعه و پرداخت‌های شهری.
	• مشارکت و تعامل با شهروندان در طرح‌ها و پروژه‌های توسعه شهری با بهره‌گیری از نوآوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی • اطلاع‌رسانی عمومی از تعامل و بهره‌گیری از ایده‌های شرکت‌های دانش‌بنیان برای حل مسائل شهری و تحقق زیرساخت‌های شهر هوشمند • ایجاد بسترهای هوشمند مبتنی بر وب برای دریافت ایده‌ها • راه‌حل‌ها و نظرات در راستای بهبود عملکرد مدیریت شهری • تقویت بنیان‌های مشارکت‌پذیری از طریق بهره‌گیری از تجارب سایر شهرها در هوشمندسازی توسعه و خدمات شهری • توسعه و تقویت شبکه‌های اجتماعی برای ارتباطات مداوم و سازنده بین شهروندان و مدیریت شهری • اشتراک طرح‌ها، ایده‌ها و تصمیمات توسعه شهری با نخبگان • NGO ها در بستر وب و فضاهای هوشمند برای دریافت بازخوردها و راهکارهای جمعی

مأخذ: (شریفی، ۲۰۱۹، ص. ۴-۶؛ گویمارس و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۵-۶؛ جیانگ، ۲۰۲۰، ص. ۳-۴؛ کووک و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۲؛ مک کلین و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۴۶؛ جیانگ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۳-۵؛ فیروزی و علیزاده، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۵).

در این مطالعه تلاش شده است تا در یک مطالعه تطبیقی نقش حکمروایی هوشمند در تحقق تاب‌آوری اجتماعی در مناطق ۱، ۴ و ۱۰ شهر مشهد انجام شود. مبنای انتخاب بر اساس تحلیل موضوع در مناطق با طبقات اجتماعی مرفه، متوسط و فرودست بود. نحوه تقسیم‌بندی این مناطق بر حسب مرفه، متوسط و کم برخوردار بر اساس کیفیت بهره‌مندی از شاخص‌های اقتصادی، زیرساختی، کالبدی و کیفیت زندگی شهری بود که بر مبنای آمارنامه اقتصادی شهر مشهد و آمارنامه‌های موضوعی شهرداری مشهد در مناطق شهری شهر مشهد انجام گرفت. باتوجه به تحلیل مقایسه‌ای، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای برای تخصیص حجم نمونه بهره‌برده شد؛ بنابراین با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی‌شده با تخصیص نسبی، منطقه ۱ به‌عنوان نماینده مناطق مرفه شهری، منطقه ۱۰ به‌عنوان نماینده مناطق متوسط و منطقه ۴ به‌عنوان نماینده مناطق کم‌برخوردار انتخاب شدند. بر اساس جمعیت مناطق و بر مبنای فرمول کوکران با درصد اطمینان ۹۵ درصد، اقدام به محاسبه حجم نمونه گردید که نتیجه به‌دست‌آمده ۳۸۴ نفر از شهروندان این مناطق بود. سپس، به روش تخصیص نسبی و برحسب حجم جمعیت، نمونه به این مناطق تخصیص یافت.

¹. Maclean

². Jiang

جدول ۲. حجم نمونه در مناطق مورد مطالعه

درصد	حجم نمونه اختصاص یافته	مناطق
۲۵٪	۹۶	یک
۴۲٪	۱۶۱	چهار
۳۳٪	۱۲۷	ده
۱۰۰٪	۳۸۴	مجموع

باتوجه به اهداف در نظر گرفته شده برای پژوهش حاضر، سنجه‌های پژوهش در راستای تبیین نقش حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مناطق سه‌گانه شهر مشهد است که در قالب دو پرسش‌نامه تنظیم شده است. همچنین برای آزمون روایی و پایایی سنجه‌های پژوهش، از روایی صوری یعنی تأیید ۱۰ نفر از کارشناسان مدیریت شهری در شهرداری مشهد و اساتید مرتبط با رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری استفاده شد که در این بین ۵ کارشناس از اساتید دانشگاه و ۵ کارشناس از مدیران شهری شهرداری مشهد بودند. همچنین برای اطمینان بیشتر، از آزمون‌های KMO و بارتلت و همچنین آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. برای انجام این مهم ابتدا یک طرح پیش‌آزمون از ۵۰ نفر از شهروندان از سنجه‌های مورد مطالعه انجام گرفت و نتایج به دست آمده نشان داد که روایی و پایایی مناسبی برای سنجه‌های پژوهش وجود دارد.

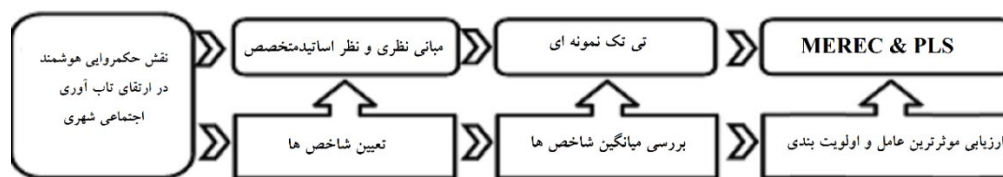
جدول ۳. نتایج آزمون روایی و پایایی، پرسشنامه‌های پژوهش

پرسش‌نامه	تعداد سازه	KMO و بارتلت	آلفای کرونباخ (α)
حکمروایی هوشمند	۲۸	۰/۹۰۶	۰/۹۲۱
تاب‌آوری اجتماعی	۵۱	۰/۸۸۹	۰/۹۰۱

سطح معناداری: ۹۵ درصد

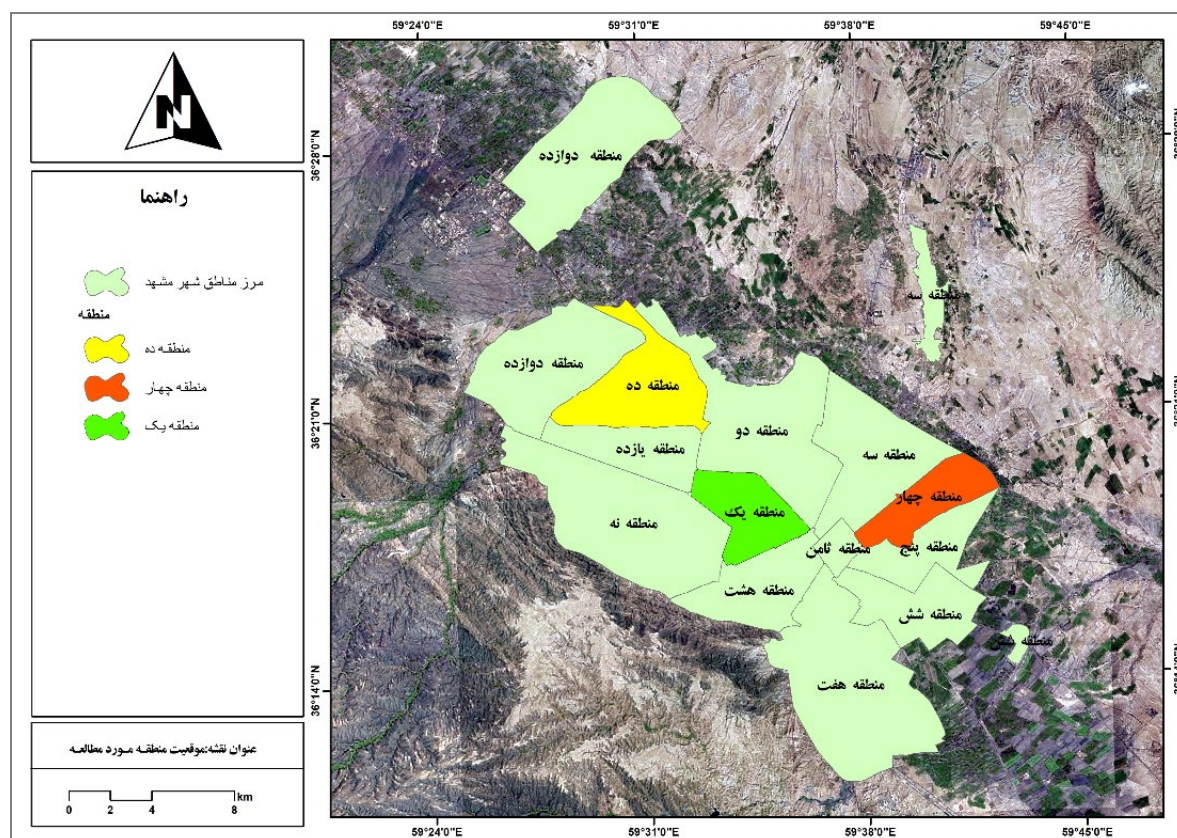
در ادامه برای بررسی میانگین شاخص‌های تحقیق از آزمون تی‌تک نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شده است. همچنین جهت ارزیابی مؤثرترین عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی از معادلات ساختاری PLS و جهت اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی از مدل MEREC^۱ استفاده شده است. روش MEREC متد مبتنی بر اثرات حذف معیارها است. این روش از یک ایده جدید برای وزن‌دهی معیارها استفاده می‌کند که در سال ۲۰۲۱ توسط کشاورز قربایی و همکاران تحت عنوان (MEREC) ارائه شد. در مجموع مدل فرایندی پژوهش به شکل ۱ می‌باشد.

^۱. New Method Based on the Removal Effects of Criteria (MEREC)



شکل ۱. مدل فرآیندی پژوهش

جهت عملیاتی سازی مطالعه، منطقه مورد مطالعه کلان‌شهر مشهد می‌باشد که به‌عنوان دومین کلان‌شهر کشور در سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی معادل ۳,۰۰۱,۱۸۴ نفر جمعیت می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی و در شمال شرق ایران است. این شهر دارای ۱۳ منطقه شهری، ۴۱ ناحیه شهرسازی، ۳۸ ناحیه خدماتی و ۱۵۸ محله است. شکل (۲) موقعیت منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

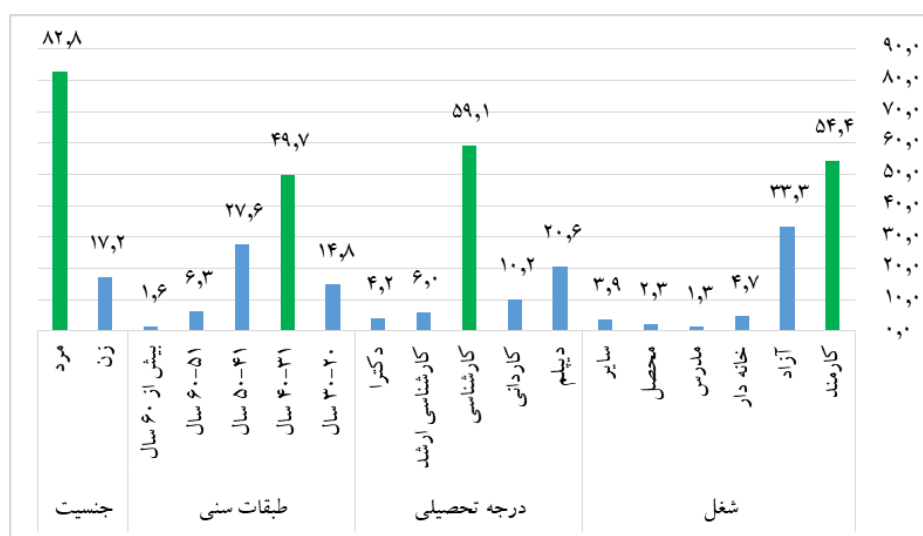


شکل ۲. موقعیت منطقه مورد مطالعه

مأخذ: (استاندارد خراسان رضوی، ۱۴۰۲)

۳. یافته‌ها

در مرحله اول به بررسی ویژگی‌های فردی افراد نمونه پرداخته شده است باتوجه به آنچه در شکل ۳ قابل مشاهده است، ۸۳ درصد از جامعه نمونه را مردان و ۱۷ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. درعین حال نیز نتایج به دست آمده از وضعیت سنی جامعه نمونه پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین میزان شرکت کنندگان در بازه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال بوده‌اند بررسی وضعیت تحصیلی جامعه نمونه پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین تعداد از این افراد دارای مدرک کارشناسی بوده و همچنین بیشتر افراد نمونه نیز کارمند می‌باشند.



شکل ۳. ویژگی‌های فردی افراد نمونه

در ادامه باتوجه به نرمال و فاصله‌ای بودن شاخص‌ها (به دلیل تجمع گویه‌ها) و داشتن میانه نظری عدد ۳ اقدام به بررسی میانگین شاخص‌ها از طریق آزمون T تک نمونه‌ای شده است. نتایج نشان می‌دهد که در تمام عوامل میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان از ۳ کوچک‌تر و در حد متوسط به پایین است و باتوجه به میزان معناداری به دست آمده که برای تمام شاخص‌ها در هر سه منطقه؛ کمتر از ۰/۰۵ است لذا نتایج بررسی میانگین این شاخص‌ها در هر سه منطقه معنادار و قابل تعمیم به کل جامعه است. همچنین حد بالا و پایین تمام شاخص‌ها منفی بوده است بدین معنی که میانگین جامعه در این شاخص‌ها کمتر از مقدار مورد آزمون می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴. بررسی میانگین شاخص‌های حکمروایی هوشمند و تاب‌آوری اجتماعی شهری (آزمون T یک نمونه‌ای)

منطقه	متغیرهای تحقیق	آماره t	میزان معنادر	اختلاف میانگین	Confidence %۹۵ Interval of the Difference	
					Upper	Lower
منطقه ۱	دانش و توانمندی‌ها و مهارت‌ها	۲/۲۶	۰/۰۰	-۰/۷۴	-۰/۸۵	-۰/۶۳
	امکانات جامعه	۲/۴۴	۰/۰۰	-۰/۵۶	-۰/۶۶	-۰/۴۵
	ارزش‌ها و هنجارهای قابل‌ادراک	۲/۵۴	۰/۰۰	-۰/۴۶	-۰/۵۶	-۰/۳۶
	فرایندهای برنامه‌ریزانه	۲/۶۳	۰/۰۰	-۰/۳۷	-۰/۴۷	-۰/۲۷
	سیاست‌گذاری هوشمند	۲/۷۷	۰/۰۰	-۰/۲۳	-۰/۳۵	-۰/۱۱
	ساختار هوشمند	۲/۶۶	۰/۰۰	-۰/۳۴	-۰/۴۶	-۰/۲۱
	خدمات هوشمند	۲/۷۰	۰/۰۰	-۰/۳۰	-۰/۴۲	-۰/۱۸
	مشارکت هوشمند	۲/۶۰	۰/۰۰	-۰/۴۰	-۰/۵۳	-۰/۲۷
منطقه ۱۰	دانش و توانمندی‌ها و مهارت‌ها	۲/۴۶	۰/۰۰	-۰/۵۴	-۰/۶۶	-۰/۴۳
	امکانات جامعه	۲/۶۶	۰/۰۰	-۰/۳۴	-۰/۴۳	-۰/۲۴
	ارزش‌ها و هنجارهای قابل‌ادراک	۲/۷۲	۰/۰۰	-۰/۲۸	-۰/۳۸	-۰/۱۸
	فرایندهای برنامه‌ریزانه	۲/۸۰	۰/۰۰	-۰/۲۰	-۰/۲۹	-۰/۱۲
	سیاست‌گذاری هوشمند	۲/۸۸	۰/۰۴	-۰/۱۲	-۰/۲۴	-۰/۰۱
	ساختار هوشمند	۲/۷۶	۰/۰۰	-۰/۲۴	-۰/۳۶	-۰/۱۲
	خدمات هوشمند	۲/۷۱	۰/۰۰	-۰/۲۹	-۰/۴۱	-۰/۱۸
	مشارکت هوشمند	۲/۷۴	۰/۰۰	-۰/۲۶	-۰/۳۸	-۰/۱۵
منطقه ۴	دانش و توانمندی‌ها و مهارت‌ها	۲/۵۱	۰/۰۰	-۰/۴۹	-۰/۶۰	-۰/۳۸
	امکانات جامعه	۲/۶۲	۰/۰۰	-۰/۳۸	-۰/۴۸	-۰/۲۸
	ارزش‌ها و هنجارهای قابل‌ادراک	۲/۶۸	۰/۰۰	-۰/۳۲	-۰/۴۱	-۰/۲۲
	فرایندهای برنامه‌ریزانه	۲/۷۷	۰/۰۰	-۰/۲۳	-۰/۳۲	-۰/۱۴
	سیاست‌گذاری هوشمند	۲/۶۸	۰/۰۰	-۰/۳۲	-۰/۴۳	-۰/۲۲
	ساختار هوشمند	۲/۴۶	۰/۰۰	-۰/۵۴	-۰/۶۳	-۰/۴۴
	خدمات هوشمند	۲/۶۶	۰/۰۰	-۰/۳۴	-۰/۴۴	-۰/۲۳
	مشارکت هوشمند	۲/۶۸	۰/۰۰	-۰/۳۲	-۰/۴۳	-۰/۲۱

مطابق با نتایج جدول ۴، در بخش تحقق شاخص‌های تبیین‌کننده حکمروایی هوشمند، نتایج نشان داد که اولویت برای تحقق حکمروایی هوشمند توجه به سیاست‌گذاری هوشمند می‌باشد. در واقع در هر سه منطقه کم‌برخوردار، متوسط و مرفه شهری مشهد حکمرانی هوشمند نیازمند تحقق نمایه‌های یک سیاست‌گذاری هوشمند برای برخورداری از این شیوه نوین در مدیریت شهری است. در این راستا آنچه مهم است توجه ویژه برای عملیاتی‌سازی و بهره‌گیری از ایده‌های خلاق و مبتنی بر روش‌های هوشمند در تصمیمات و طرح‌های شهری است که شهروندان بتوانند از آن در توسعه شهری بهره‌مند گردند. در واقع در سیاست‌گذاری هوشمند این مقوله می‌تواند با آشکار بودن فرایند حمایت از نخبگان برای هوشمندسازی درون‌دادها و نتایج

مربوط به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و لمس آن در حل چالش‌های روزافزون توسعه شهری در مناطق منتخب به شکل خاص و شهر مشهد در شکل عام آن بروز پیدا کند. در نهایت شفاف‌سازی فرایند اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه و مدیریت شهری با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین و به‌روز می‌تواند در انتقال صحیح تصمیمات و سیاست‌ها و توجیه علل اتخاذ و عملیاتی سازی سریع و راهگشای آنها برای شهروندان در فرایند مدیریت توسعه شهری در مشهد بسیار حائز اهمیت باشد.

در بخش شاخص‌های مربوط به تاب‌آوری اجتماعی، شاخص‌های مبتنی بر فرایندهای برنامه‌ریزانه در اولویت اول تحقق برای هر سه منطقه شهری منتخب در شهر مشهد قرار دارد. این مسئله به‌خاطر حد پایین و ضعیف تحقق آن در مناطق برای کمک به تحقق تاب‌آوری اجتماعی شهروندان در مناطق مورد مطالعه است. در اولویت قرارگرفتن فرایندهای برنامه‌ریزانه در فرایند توسعه شهری نشان از دغدغه شهروندان در هر سه منطقه منتخب برای تحقق برنامه‌ریزی در شهر با مشارکت شهروندان یا همان برنامه‌ریزی مشارکتی مردم‌مبنا، بسترسازی برای تحقق کانال‌های ارتباطی شفاف بین افراد جامعه و نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی در شهر و ارتباط و تعامل سازنده و متقابل بین گروه‌های اجتماعی و سیستم‌های تصمیم‌گیرنده و مسئول است. در حقیقت با ارتقای روندهای مشارکتی و تعامل‌گرایانه در اتخاذ تصمیمات مؤثر توسعه شهری، تاب‌آوری اجتماعی نیز با ایجاد اعتماد سازنده بین شهروندان و نهادهای تصمیم‌ساز افزایش می‌یابد. تقویت روندهای یاد شده علاوه بر ارتقای سطح تاب‌آوری اجتماعی که اولویت شهروندان هر سه منطقه یاد شده است خود منجر به شکل‌گیری و نهادینه‌شدن سرمایه اجتماعی شهروندان و حس تعلق آنها به مسائل و چالش‌های توسعه و مدیریت شهری به‌خصوص در مناطق سکونت‌ی آنها خواهد شد.

در ادامه برای تحلیل و ارزیابی میزان تأثیر حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهر مشهد از مدل معادلات ساختاری pls استفاده شده است. در جدول ۵ نتایج ماتریس مدل معادلات ساختاری pls نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول ۵ مشخص است مقادیر AVE همه سازه‌ها بیشتر از ۰/۵ است بنابراین ابزار اندازه‌گیری از روایی مناسبی برخوردار است. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب در تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ می‌باشند که نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری است.

جدول (۵): ابعاد روایی و پایایی میزان تأثیر حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی

متغیرها	هوشمند	سیاست‌گذاری	ساختار هوشمند	خدمات هوشمند	مشارکت هوشمند	AVE	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ
سیاست‌گذاری هوشمند	۰/۸۹۰	-	-	-	-	۰/۷۰۱	۰/۷۰۹	۰/۷۹۴
ساختار هوشمند	۰/۶۸۳	۰/۶۷۶	-	-	-	۰/۷۹۲	۰/۸۷۸	۰/۷۹۶
خدمات هوشمند	۰/۸۹۵	۰/۶۹۳	۰/۸۲۵	-	-	۰/۵۹۶	۰/۸۲۷	۰/۸۷۴
مشارکت هوشمند	۰/۷۴۲	۰/۶۲۷	۰/۷۰۰	۰/۷۸۸	۰/۷۹۲	۰/۸۷۱	۰/۷۹۲	۰/۷۹۲

منظور از برازش مدل این است که تا چه حد مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد در تحلیل معادلات ساختاری متعاقب انجام تخمین پارامترها باید از برازندگی مدل اطمینان شود. به‌منظور سنجش مدل و برازندگی آن از شاخص‌های ضریب تعیین و معیار Q2 استفاده شده است. در جدول (۶) جهت برازش مدل میزان تأثیر حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری شهر مشهد ضریب تعیین و معیار Q2 مدل گزارش شده است. شاخص نیکویی برازش مدل ۰/۶۶۲ دست آمده است که بیانگر ضریب تعیین قوی در مدل و مناسب بودن مدل است. همچنین مقدار معیار Q2 ۰/۶۴۸ است که نشان از قدرت پیش‌بینی قوی است. باتوجه به تأیید برازش مدل در قسمت بعد به بررسی ضرایب مسیر پرداخته شده است.

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل میزان تأثیر حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری

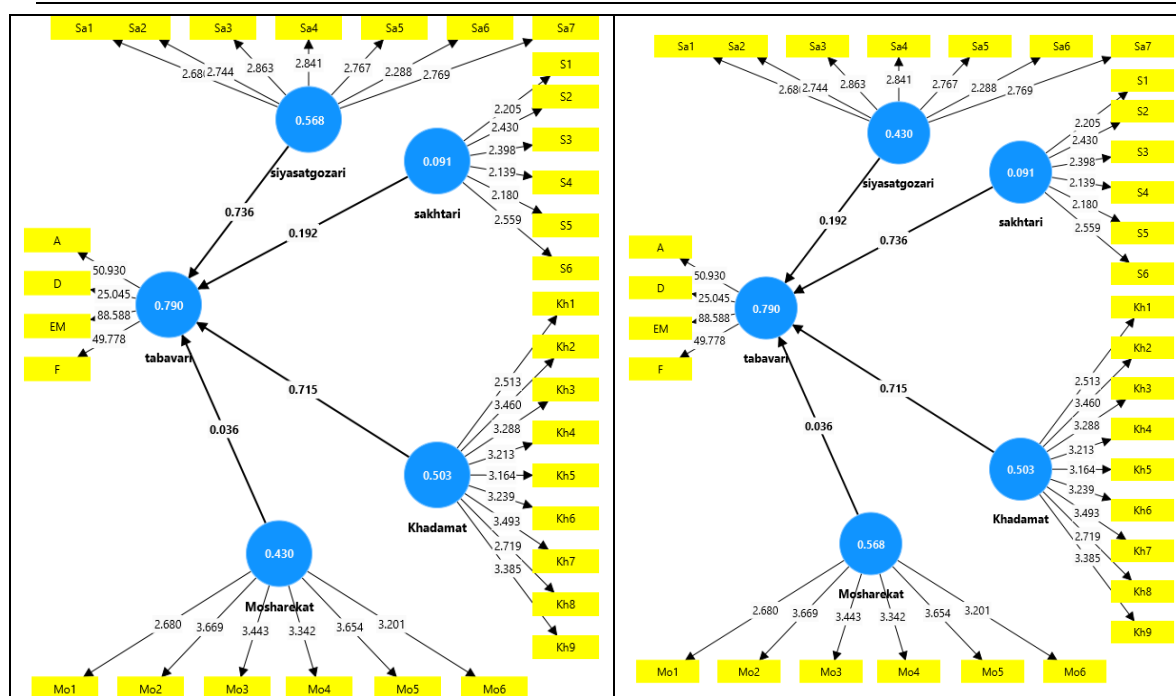
متغیرها	ضریب تعیین	معیار Q ²
ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری	۰/۶۶۲	۰/۶۴۸

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، آماره t مربوط به مسیرهای سیاست‌گذاری هوشمند، ساختار هوشمند، خدمات هوشمند و مشارکت هوشمند بر ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری بیشتر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر معناداری بر ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهر مشهد دارند. باتوجه به ضرایب مسیر می‌توان گفت تأثیر شاخص سیاست‌گذاری هوشمند نسبت به سایر شاخص‌های حکمروایی هوشمند بیشتر می‌باشند.

جدول ۷. ضریب مسیر و آماره t برای مدل میزان تأثیر حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهری

مسیر	ضریب مسیر	T آماره	نتیجه
سیاست‌گذاری هوشمند	۰/۲۵۹	۳/۳۳۷	بالاترین تأثیرگذاری
ساختار هوشمند	۰/۲۵۲	۲/۴۳۳	تأثیرگذار
خدمات هوشمند	۰/۲۳۴	۲/۳۰۴	تأثیرگذار
مشارکت هوشمند	۰/۲۳۳	۳/۰۳۲	تأثیرگذار

در شکل (۵ و ۴) مدل پژوهش مربوط به میزان تأثیر حکمروایی هوشمند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی شهر مشهد را در حالت تخمین و معناداری ضرایب نشان می‌دهد.



شکل ۴. مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد

شکل ۵. مدل در حالت معناداری ضرایب

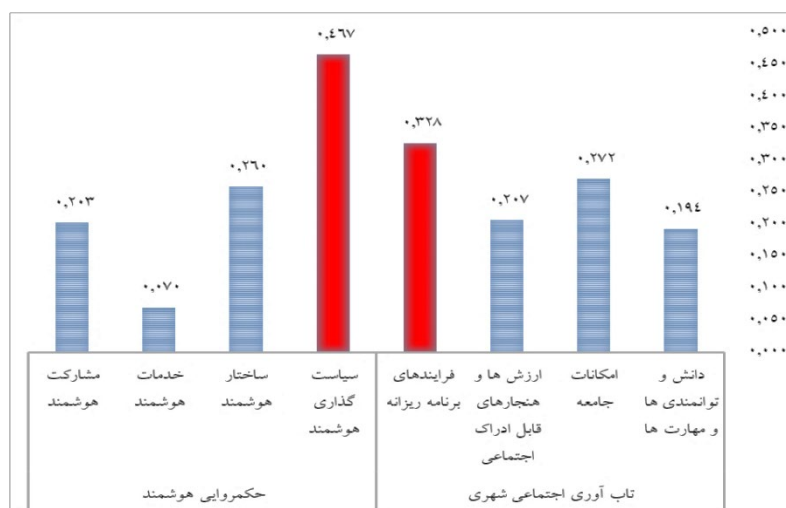
نتایج به دست آمده از ساختار معماری مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار PLS نشان می دهد که اولاً تأثیر حکمرانی هوشمند بر روی تاب آوری اجتماعی در مناطق منتخب شهری در شهر مشهد مثبت و معنادار است. دوم بررسی میزان ضرایب تأثیر شاخص های تبیین کننده حکمرانی هوشمند بر تاب آوری اجتماعی در بخش معناداری ضرایب و همچنین ضرایب استاندارد به دست آمده از مدل سازی معادلات ساختاری، شاخص های سیاست گذاری هوشمند و سپس خدمات هوشمند دارای بیشترین بار تأثیر بر تحقق تاب آوری اجتماعی را دارند. در واقع بهره گیری از تکنولوژی های نوین و دیجیتالی در راستای کاهش چالش های و ارائه راه حل های متنوع و سازنده و افزایش کارایی مدیریت شهری در زمینه تصمیم سازی و تصمیم گیری و همچنین ارائه خدمات هوشمند در عرصه های مختلف برای بهره مندی از تسهیلات و خدمات با کیفیت در شهر می تواند علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی شهری در مناطق منتخب شهری مشهد باعث ارتقای تاب آوری اجتماعی شهروندان در برابر چالش ها و بحران ها گردد. چرا که کارکرد تاب آوری اجتماعی در ارتقای ظرفیت مانایی و انعطاف مندی جامعه در برابر بحران ها و چالش های انسانی و طبیعی است که امروزه شهرها با طیف متنوع و وسیعی از آنها دست به گریبان اند.

در ادامه برای اولویت بندی هر یک از شاخص های تاب آوری اجتماعی شهری و حکمروایی هوشمند از مدل مرکب استفاده شده است. با توجه به نتایج نهایی مدل مذکور در بین شاخص های تاب آوری اجتماعی شهری رتبه اول متعلق به شاخص فرایندهای برنامه ریزانه (طراحی و توسعه) با مقدار وزن ۰/۳۲۸ است. همچنین در بین شاخص های حکمروایی هوشمند رتبه اول متعلق به سیاست گذاری هوشمند با مقدار وزن ۰/۴۶۷ هست.

جدول ۸. نتایج اولویت‌بندی شاخص‌های حکمروایی هوشمند و تاب‌آوری اجتماعی (مرک)

متغیر	شاخص	W
تاب‌آوری اجتماعی شهری	دانش و توانمندی‌ها و مهارت‌ها	۰/۱۹۴
	امکانات جامعه	۰/۲۷۲
	ارزش‌ها و هنجارهای قابل‌ادراک اجتماعی	۰/۲۰۷
	فرایندهای برنامه‌ریزانه (طراحی و توسعه)	۰/۳۲۸
حکروایی	سیاست‌گذاری هوشمند	۰/۴۶۷
	ساختار هوشمند	۰/۲۶۰
	خدمات هوشمند	۰/۰۷۰
	مشارکت هوشمند	۰/۲۰۳

منبع یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲



شکل ۶. مقدار وزن شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی و حکمروایی هوشمند

مطابق با مرحله قبلی در ارزیابی ضرایب تأثیر در مدل‌سازی معادلات ساختاری، در بخش حکمرانی هوشمند سیاست‌گذاری هوشمند دارای بیشترین وزن بوده و در بخش تاب‌آوری اجتماعی هم فرایندهای برنامه‌ریزانه وزن بیشتری به دست آورده است. این نتایج نشان می‌دهد که دغدغه شهروندان مناطق منتخب پژوهش بر روی کیفیت تصمیمات اتخاذ شده و روند شفاف و کارآمد آن بر حسب توانمندی‌های تکنولوژیکی و هوشمند نوین و همچنین اتخاذ بسترهای مشارکتی برای بهره‌گیری از توانمندی‌های جامعه مدنی در پیشبرد سیاست‌های توسعه شهری است که هم حکمرانی هوشمند را به تحقق‌مندی نزدیک می‌سازد و هم به رخداد صحیح تاب‌آوری اجتماعی کمک شایانی می‌کند.

۴. بحث

امروزه شهرها از دو جنبه دچار تغییر و تحول هستند. این تحولات و رای از افزایش فرایند شهرنشینی و شهرگرایی جهانی و رشد و توسعه کالبدی، در دو جنبه هوشمندسازی شهرها و همچنین برنامه‌ریزی برای مواجهه با تغییرات اقلیمی و مخاطرات طبیعی و حتی انسانی پیش روی شهرهاست. مسئله‌ای که توجه به شهرهای هوشمند و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای افزایش کیفیت زندگی در شهرها و همچنین تلاش برای تحقق شهرهای تاب‌آور در برابر چالش‌ها و مخاطرات را پیش‌روی برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار داده است. در این راستا در پژوهش حاضر تلاش شد تا هر دو جنبه یادشده مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. درواقع با بستر قراردادن سه منطقه شهری با طبقه اجتماعی - اقتصادی متفاوت در شهر مشهد تلاش شد تا نشان داده شود که نقش حکمروایی هوشمند در تحقق تاب‌آوری اجتماعی در بستر مورد مطالعه چگونه است. توجه به هر دو متغیر کلان موضوعی پژوهش در ادبیات جهانی دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای باتوجه به تحولات کنونی شهرهاست. بسیاری از مطالعات با ارزیابی کیفیت تحقق و اولویت‌های موجود در هر دو حوزه تاب‌آوری اجتماعی و حکمروایی هوشمند تلاش کرده‌اند تا ضعف و قوت‌ها از منظر استراتژی‌های درونی توسعه شهری در هر دو بعد حکمروایی هوشمند و تاب‌آوری اجتماعی و فرصت و تهدیدها از منظر استراتژی‌های آینده‌محور را برای سیستم‌های پویای شهری را ترسیم کنند. در این پژوهش نشان داده شد که کیفیت تحقق مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی و حکمروایی هوشمند در هر سه منطقه ۴، ۱۰ و ۱ چگونه بوده و همچنین کیفیت نقش حکمروایی هوشمند در تحقق تاب‌آوری اجتماعی در مناطق منتخب چگونه است. لذا نتایج نشان داد که تمام مؤلفه‌های تبیین‌کننده دو متغیر مستقل (حکمروایی هوشمند) و متغیر وابسته (تاب‌آوری اجتماعی) دارای تأثیر معنادار در تبیین مدل و متغیرهای مربوطه بودند. دراین‌بین نقش مؤلفه‌های حکمروایی هوشمند پررنگ‌تر بود و نزدیک به بیش از ۸۰ درصد تغییرات مدل را از سمت حکمروایی هوشمند پیش‌بینی می‌کردند که این پیش‌بینی مثبت و معنادار بود. همچنین طبق یافته‌ها مشخص شد که تأثیر حکمروایی هوشمند بر تحقق تاب‌آوری اجتماعی در مناطق منتخب شهری مشهد مثبت و معنادار است؛ لذا مطابق با پژوهش اوکادا (۲۰۱۸) حکمروایی هوشمند و تحقق پایدار آن در شهرهای درگیر با مخاطرات طبیعی می‌تواند در ارتقای ظرفیت سازگاری جامعه و تاب‌آوری اجتماعی از طریق بهره‌گیری از تکنولوژی‌های هوشمند و مدیریت هوشمند مؤثر و راهگشا باشد. همچنین مطالعه لویز و کاسترو (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد که عملکرد و ظرفیت شهرهای هوشمند به‌خصوص با تقویت ساختارهای حکمروایی هوشمند می‌تواند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در شهرها بسیار مؤثر باشد و در این راه بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین در مدیریت بحران و افزایش ظرفیت پاسخ‌دهی، بازیابی و سازگاری اجتماعی برای ارتقای تاب‌آوری آن‌ها بسیار مهم است. درعین‌حال نیز در هر سه منطقه منتخب در شهر مشهد؛ اولویت مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت تاب‌آوری اجتماعی با مؤلفه برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی است. در بخش حکمروایی هوشمند نتایج نشان داد که اولویت برای تحقق حکمروایی هوشمند توجه به

سیاست‌گذاری هوشمند، در هر سه منطقه نمونه با توجه و برنامه‌ریزی در راستای تحقق خدمات هوشمند است و در تاب‌آوری اجتماعی نیز فرایندهای برنامه‌ریزانه نیز در هر سه منطقه مورد تأکید است. نتایجی که اولویت‌های تحقق حکمروایی هوشمند را در این مناطق در سطح خُرد و شهر مشهد در سطح کلان را نشان داد. در ادامه با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داده شد حکمروایی هوشمند دارای تأثیر مثبت و معناداری در تحقق تاب‌آوری اجتماعی در مناطق منتخب شهری در شهر مشهد دارد که بر اهمیت فناوری‌های نوین هدایت‌گری در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در بهبودبخشی و ارتقای کیفیت تاب‌آوری اجتماعی در مناطق منتخب شهری در مشهد دارد. در انتها اولویت‌بندی شاخص‌های حکمروایی هوشمند و تاب‌آوری اجتماعی شهری با استفاده از مدل MERECE نشان داد که در بحث تاب‌آوری اجتماعی فرایندهای برنامه‌ریزانه (طراحی و توسعه) با مقدار وزن ۰/۳۲۸ و حکمروایی هوشمند سیاست‌گذاری هوشمند با مقدار وزن ۰/۴۶۷ در اولویت برنامه‌ریزی باید قرار گیرد.

۵. نتیجه‌گیری

تحقق حکمروایی هوشمند می‌تواند به‌عنوان یک نیروی مداخله‌گر مثبت در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در شهر مشهد ظهور و بروز داشته باشد؛ چراکه امروزه اتکا به فناوری‌های نوین و خلاقانه در مواجهه و حل مسائل و چالش‌های شهری به‌خصوص در زمان‌های بحرانی در اولویت است. نتایج پژوهش حاضر مطابق با پژوهش اوکادا (۲۰۱۸) حکمروایی هوشمند و تحقق پایدار آن در شهرهای درگیر با مخاطرات طبیعی می‌تواند در ارتقای ظرفیت سازگاری جامعه و تاب‌آوری اجتماعی از طریق بهره‌گیری از تکنولوژی‌های هوشمند و مدیریت هوشمند مؤثر و راهگشا باشد. همچنین مطالعه لوپزوکاسترو (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد که عملکرد و ظرفیت شهرهای هوشمند به‌خصوص با تقویت ساختارهای حکمروایی هوشمند می‌تواند در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در شهرها بسیار مؤثر باشد و در این راه بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین در مدیریت بحران و افزایش ظرفیت پاسخ‌دهی، بازیابی و سازگاری اجتماعی برای ارتقای تاب‌آوری آن‌ها بسیار مهم است. باتوجه‌به شرایط ویژه مشهد و چالش‌های اجتماعی و شهری آن، حکمروایی هوشمند یک نیاز حیاتی برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی به شمار می‌رود. این نوع حکمروایی می‌تواند به مدیریت کارآمدتر، کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش مشارکت مردمی کمک کند. درواقع، پاسخگویی به این نیاز می‌تواند مشکلات جامعه در سطوح مختلف مدیریتی، اجرایی و نهادی را حل کند و به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کند. درنتیجه، حکمروایی هوشمند در مشهد نه‌تنها یک رویکرد نوین برای مدیریت شهر است، بلکه ابزاری مؤثر برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی و حل مشکلات شهری به شمار می‌آید.

نتایج این پژوهش نشان داد که حکمروایی هوشمند نقش معناداری در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی مناطق شهری مشهد ایفا می‌کند. از میان مؤلفه‌های حکمروایی هوشمند، سیاست‌گذاری هوشمند بیشترین تأثیر را در این ارتقا داشته است، درحالی‌که در بُعد تاب‌آوری اجتماعی، فرایندهای برنامه‌ریزی و توسعه در اولویت قرار دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی، نیاز به توجه بیشتر به فناوری‌های

هوشمند، شفافیت ساختارها و تقویت مشارکت شهروندی در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. محدودیت‌هایی مانند نمونه‌برداری از مناطق خاص و تمرکز بر ابزارهای پرسش‌نامه‌ای ممکن است نتایج را به صورت منطقه‌ای محدود کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند بر گسترش این مطالعه به سایر کلان‌شهرها و بررسی تعاملات بین سیاست‌گذاری هوشمند و سرمایه اجتماعی تمرکز کنند. به‌طور کلی، این پژوهش گامی در جهت تحقق شهرهای پایدار و زیست‌پذیر با بهره‌گیری از اصول حکمروایی هوشمند به شمار می‌رود. برای ارائه پیشنهادها کاربردی مرتبط با منطقه مورد مطالعه (مناطق ۱، ۴ و ۱۰ شهر مشهد)، بر اساس یافته‌های تحقیق و تحلیل‌های انجام‌شده، ارائه شده است که عبارتند از:

- ۱. ارتقای مشارکت هوشمند در مناطق کم‌برخوردار (منطقه ۴)
- افزایش دسترسی شهروندان به پلتفرم‌های دیجیتال: راه‌اندازی سیستم‌های هوشمند اطلاع‌رسانی و مشارکتی که دسترسی عمومی را تسهیل کند.
- توانمندسازی اجتماعی و آموزشی: برگزاری کارگاه‌های آموزشی درباره استفاده از فناوری‌های هوشمند برای شهروندان مناطق کم‌برخوردار.
- ۲. تمرکز بر خدمات هوشمند شهری در منطقه مرفه (منطقه ۱)
- توسعه زیرساخت‌های هوشمند حمل‌ونقل: بهینه‌سازی سیستم حمل‌ونقل عمومی با استفاده از فناوری‌های هوشمند مانند اپلیکیشن‌های مدیریت ترافیک و ایستگاه‌های هوشمند.
- ایجاد زیرساخت‌های هوشمند برای خدمات شهری: مانند سامانه‌های آنلاین خدمات شهری (پرداخت قبوض، دریافت مجوزها) و سیستم‌های مدیریت زباله هوشمند.
- ۳. تمرکز بر بهبود زیرساخت‌های هوشمند در مناطق متوسط (منطقه ۱۰)
- گسترش فضاهای شهری هوشمند: طراحی و اجرای فضاهایی مانند پارک‌های هوشمند با استفاده از فناوری‌های نظارتی و محیطی برای بهبود کیفیت زندگی.
- حمایت از مشاغل محلی: استفاده از فناوری‌های هوشمند برای تقویت بازارهای محلی و مشاغل کوچک در منطقه متوسط.
- در مجموع این پیشنهادها می‌تواند به مدیریت هوشمندتر، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی در مناطق مختلف مشهد کمک کند. تمرکز بر نیازها و ظرفیت‌های خاص هر منطقه باعث افزایش کارایی و اثربخشی اقدامات خواهد شد.

کتاب‌نامه

۱. تقی‌پور، ع.ا.، و شمس‌پویا، م. ک. (۱۴۰۳). تحلیلی بر وضعیت حکمروایی شایسته در نقاط شهری استان سمنان. *جغرافیا و توسعه فضایی شهری*، ۱۲ (۳)، ۱۳۸-۱۱۹.
۲. توانایی مروی، ل.، بهزادفر، م.، مفیدی شمیرانی، س. م. (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های پیش روی تحقق‌پذیری شهر هوشمند مطالعه موردی: شهر مشهد. *مجله شهر پایدار*، ۵ (۱)، ۵۸-۴۵.
۳. حاتمی‌نژاد، ح.، فرهادی خواه، ح.، آروین، م. و رحیم‌پور، ن. (۱۳۹۶). بررسی ابعاد مؤثر بر تاب‌آوری شهری با استفاده از مدل ساختاری تفسیری (نمونه موردی: شهر اهواز). *فصلنامه دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران*. ۱۷ (۱)، ۴۵-۳۵.
۴. حسینی، س.ا.، لعلی نیت، ا.، و حیدری نیا، س. (۱۳۹۸). تبیین الگوی مدیریت هوشمند شهری. *راهکاری نوین برای بهبود حکمرانی شهری. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*. ۴، ۷۶۲-۷۴۳.
۵. حیدری، م.ت.، رسول‌زاده، ز.، حسنعلی‌زاده، م.، و نصرتی‌هشی، م. (۱۴۰۰). تبیین اثرات حکمروایی مطلوب شهری بر تاب‌آوری اجتماعی شهروندان در برابر اپیدمی کووید-۱۹ (مطالعه موردی: شهر تبریز). *فصلنامه شهر پایدار*، ۴ (۴)، ۳۳-۱۷.
۶. دیوان‌بیگی، ک.، و حجازی، س. ح. (۱۳۹۷). تأثیر حکمروایی شهری بر تاب‌آوری اجتماعی. تهران: چهارمین همایش ملی معماری و شهر پایدار.
۷. راه نجات، م.، هاشمی، س.ع.، شریف‌زاده، ف.، و سعدی، م.ر. (۱۳۹۹). نسبت‌سنجی حکمروایی خوب و شهر هوشمند (مطالعه موردی: تهران). *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۳۴، ۶۷-۹۰.
۸. روستایی، ش.، نعیمی مطلق، ش.، و درویشی، ف. (۱۳۹۷). ارزیابی رابطه رضایت شهروندی و الگوی عملکرد مدیریت محلی مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی مناطق ۲، ۵ و ۶ شهر تبریز. *جغرافیا و توسعه فضایی شهری*، ۵ (۲)، ۱۲۷-۱۴۴.
۹. روشنایی، ح.، احمدیان، م.ع.، و خوارزمی، ا.ع. (۱۴۰۳). تحلیل مقایسه‌ای وضع موجود و مطلوب شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در شهر جدید گلپه‌ار از دیدگاه شهروندان و مدیران. *جغرافیا و توسعه فضایی شهری*، ۱۱ (۱)، ۱۷-۱.
۱۰. فیروزی، م.ع.، و علیزاده، ه. (۱۳۹۶). تحلیل و پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز. *فضای جغرافیایی*، ۱۷ (۵۸)، ۲۶۵-۲۸۴.
۱۱. ملکی، س.، آروین، م.، و بذرافکن، ش. (۱۳۹۷). بررسی نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب‌آور (مطالعه موردی: شهر اهواز). *دانش شهرسازی*، ۲ (۴)، ۱۸-۱.
۱۲. مرادپور، ن.، پوراحمد، ا.، حاتمی‌نژاد، ح.، و زیاری، ک.ا. (۱۴۰۳). تحلیل وضعیت تاب‌آوری شهر تهران با رویکرد مرور سیستماتیک. *جغرافیا و توسعه فضایی شهری*، ۱۱ (۱)، ۱۳۴-۱۱۱.

14. Alizadeh, H., & Sharifi, A. (2022). Social Resilience Promotion Factors during the COVID-19 Pandemic: Insights from Urmia, Iran. *Urban Science*, 6(1), 14.
15. Chelleri, L., Baravikova, A. (2021). Understanding of urban resilience meanings and principles across Europe. *Cities*, 108, 102985
16. De Guimarães, J. C. F., Severo, E. A., Júnior, L. A. F., Da Costa, W. P. L. B., & Salmoria, F. T. (2020). Governance and quality of life in smart cities: Towards sustainable development goals. *Journal of Cleaner Production*, 253, 119926.
17. Guimarães, J., Severo, E., Salmoria, F. (2020). Governance and quality of life in smart cities: Towards sustainable development goals. *Journal of Cleaner Production*, 253, 20, 119926.
18. Harris, S., Weinzettel, J., Bigano, A., & Källmén, A. (2020). Low carbon cities in 2050? GHG emissions of European cities using production-based and consumption-based emission accounting methods. *Journal of Cleaner Production*, 248, 119206.
19. Jiang, H. (2020). Smart urban governance in the 'smart' era: Why is it urgently needed? *Cities*, 103004.
20. Jiang, H., Geertman, S., & Witte, P. (2021). Smart urban governance: an alternative to technocratic "smartness". *GeoJournal*, 1-17.
21. Kwok, A. H., Doyle, E. E., Becker, J., Johnston, D., & Paton, D. (2016). What is 'social resilience'? Perspectives of disaster researchers, emergency management practitioners, and policymakers in New Zealand. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 19, 197-211.
22. Maclean, K., Cuthill, M., & Ross, H. (2014). Six attributes of social resilience. *Journal of Environmental Planning and Management*, 57(1), 144-156.
23. Ribeiro, P., Gonçalves, L. (2019). Urban resilience: A conceptual framework, Sustainable Cities and Society. *Sustainable Cities and Society*, 50, 101625
24. Saja, A. A., Goonetilleke, A., Teo, M., & Ziyath, A. M. (2019). A critical review of social resilience assessment frameworks in disaster management. *International journal of disaster risk reduction*, 35, 101096.
25. Sharifi, A. (2020). A global dataset on tools, frameworks, and indicator sets for smart city assessment. *Data in Brief*, 29, 105364
26. Sharifi, A. (2020). A typology of smart city assessment tools and indicator sets. *Sustainable Cities and Society*, 53, 101936.
27. UN/ISDR (2004) <http://www.unisdr.org/eng/terminology/terminology-2004-eng.htm>
28. UNDP. (2004). A User's Guide. 2013-10-23 [2016-07-15]. http://www.undp.org/oslocentre/docs07/undp_users_guide_online_version.pdf.
29. Wilhelm, R., Ruhlandt, S. (2018). The governance of smart cities: A systematic literature review. *Cities*, 81, 1-23



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

The Concept and Dimensions of the Inclusive City in Disability-Friendly Cities (Case Study: Zanjan City)

Mahtab Amraei¹

**Ph.D. Candidate in Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences and Geography,
University of Zanjan, Zanjan, Iran.**

Mozhgan Fattahi

**Ph.D. Candidate in Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences and Geography,
University of Zanjan, Zanjan, Iran.**

Mohammad Taghi Heidari

**Associate Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences and Geography,
University of Zanjan, Zanjan, Iran.**

Received: 22 August 2024

Accepted: 8 February 2025

PP. 137-159

Abstract

The city of Zanjan has more than 22 thousand disabled people, and this number includes 1.7% of the population of Zanjan, which is a high number for the growing city of Zanjan. Therefore, in the current research, the main hypothesis of the research, i.e. the concept and dimensions of the inclusive city in disabled-friendly cities (case study: Zanjan city) was investigated. In terms of its purpose, this research is a part of applied research and of the type of qualitative studies, interpretive phenomenological research method. The participants in this research were 17 urban planning experts, and the snowball sampling method was used. Data collection was done through the survey method of structured interview through the type of open questions. In this research, thematic analysis method was used to analyze qualitative findings using MAXQDA software. In the present research, in order to design the concept of a disabled-friendly city, it was carried out through the alignment process in different stages. Experts' opinions were used to measure the validity of the research in the qualitative part. Clavizi method was used to analyze the findings, and at the end, the obtained themes were placed in five general and central indicators. The theoretical and qualitative findings of the research show that the right to the city of Lefort is the best justification to support the current research. The findings from the interviews with experts show that the criteria of the disabled-friendly city in Zanjan in order to achieve the rights of the disabled in five indicators; Social dimension, economic dimension, space allocation right dimension, urban participation right dimension and spatial dimension were categorized.

Keywords: Inclusive City, Disabled, Disabled Friendly City, Lufer, Zanjan

¹ . Corresponding author. Email: Mahtab.amraie@znu.ac.ir

Extended abstract

1. Introduction

The rapid growth of urbanization in the twentieth century has been accompanied by increasing pollution, environmental degradation, and managerial incoherence, highlighting the need to reconsider urban management systems. In Iran, the structure of urban management also faces challenges that reduce the effectiveness of policies. In this context, the **inclusive city** approach—benefiting from new technologies and framed within sustainable development—seeks to improve quality of life, promote spatial justice, and reduce inequalities. This approach emphasizes support for vulnerable groups, particularly persons with disabilities, who constitute about 15% of the world's population and nearly 4% of Iran's population, a significant portion of whom require adequate access to urban services.

Inadequate urban spaces limit the social participation of people with disabilities and lead to their isolation and deprivation. Standards of disability-friendly cities go beyond the removal of physical barriers and emphasize the realization of citizenship rights, health, and the presence of people with disabilities in urban spaces. The city of Zanzan, with more than 22,000 persons with disabilities and a rapidly expanding urban development process, requires planning based on the principles of an inclusive city. The present study, drawing on Lefebvre's theory, examines the factors affecting the realization of the rights of persons with disabilities in Zanzan and explains the dimensions of a disability-friendly city.

2. Method

In terms of purpose, this study is applied research, and in terms of approach it is qualitative, using an interpretive phenomenological method. The participants included urban planning specialists (professors and students) from the city and universities of Zanzan. Due to the undefined statistical population, participants were selected through snowball sampling. In total, 17 individuals participated in structured interviews with open-ended questions. Theoretical saturation was achieved in the fourteenth interview, but interviews continued until the seventeenth participant to increase the credibility of the findings. Data were analyzed using thematic analysis with the MAXQDA software based on the Attride-Stirling thematic network framework. To enhance validity, data triangulation and participant feedback were also applied.

Data analysis followed the Colaizzi method. First, the interviews were reviewed several times and key statements were extracted and coded. Then the concepts were organized into thematic clusters and the main themes were identified. Finally, the conceptual framework of a **disability-friendly city** was developed, and the themes were categorized into five key indicators based on Lefebvre's theory of the **Right to the City**: spatial, economic, and social dimensions; the right to spatial allocation (including quality, safety, accessibility, transportation, and urban form); and the right to urban participation, including inclusiveness, empowerment, justice, urban governance, and support for vulnerable groups.

3. Results

In this section, the theoretical findings of the study are explained with emphasis on the connection between Lefebvre's **Right to the City**, social justice, and the concept of a disability-friendly city in Zanzan. Considering the rapid growth of Zanzan and the fact that persons with disabilities constitute about **7.1% of the city's population**, attention to their rights in all urban development programs is essential. The Right to the City theory provides a framework for ensuring dignity, equality, fair distribution of resources (including employment, education,

health, housing, and information), and public participation, thereby linking the concept of the inclusive city to the disability-friendly city.

The findings are categorized into several main dimensions. In the **right to urban participation**, strengthening non-governmental organizations, expanding participation, realizing the right to health, and observing the provisions of the Convention on the Rights of Persons with Disabilities are essential. In the **spatial dimension**, the adaptation of streets, transportation systems, buildings, and access to urban services is crucial to prevent isolation and physical risks. In the field of **land and housing**, providing suitable housing and achieving integrated urban management are considered fundamental to the social welfare of persons with disabilities. The **right to spatial allocation** emphasizes inclusive design, safety, livability, accessibility, and transportation. In the **social dimension**, improving public awareness, institutional support, and local participation are significant, while in the **economic dimension**, legal support, social security, and economic empowerment are necessary prerequisites for achieving a disability-friendly city in Zanjan.

4. Discussion and Conclusion

Considering the presence of more than **22,000 persons with disabilities in Zanjan** (approximately **7.1% of the population**), paying attention to the needs and rights of this group in urban planning is of great importance. This study aimed to examine the concept of the inclusive city and the dimensions of a disability-friendly city in Zanjan, and to demonstrate how this approach can be applied in urban development. In terms of purpose, the research is applied, and in terms of methodology it is qualitative with an interpretive phenomenological approach. The participants included **17 urban planning specialists** from universities and institutions in Zanjan who were selected through snowball sampling. Data were collected through structured interviews with open-ended questions and analyzed using thematic analysis in the **MAXQDA** software. Data triangulation and the **Colaizzi method** were used to validate the findings. The results revealed that achieving a disability-friendly city in Zanjan requires attention to five main dimensions: the **social dimension** (local participation, laws, safety, and governmental support), the **economic dimension** (economic readiness, financial support, and economic dynamism), the **spatial dimension** (access to urban services, housing, transportation, and environmental quality), the **right to spatial allocation** (spatial quality, safety, accessibility, and livability), and the **right to urban participation** (justice, non-discrimination, democracy, and empowerment). Overall, the realization of rights such as adequate housing, employment, education, and access to services and urban spaces can prevent the social isolation of persons with disabilities and improve their physical and mental health. Urban management must also rely on legal frameworks and rights-based documents to provide the conditions necessary for the realization of these rights.

Keywords: Inclusive City, Disability-Friendly City, Zanjan.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

مفهوم و ابعاد شهر فراگیر در شهرهای دوستدار معلولین (مطالعه موردی: شهر زنجان)

مهتاب امرایی* (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

Mahtab.amraie@znu.ac.ir

مژگان فتاحی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

Mojgan.f70@gmail.com

محمدتقی حیدری (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)

Mt.heydari@znu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

صص ۱۳۷-۱۵۹

چکیده

شهر زنجان دارای بیش از ۲۲ هزار نفر معلول است و این تعداد ۱/۷ درصد از جمعیت شهر زنجان را شامل می‌شود که رقم بالایی برای شهر در حال رشد زنجان می‌باشد. لذا در پژوهش حاضر به بررسی فرضیه اصلی پژوهش یعنی مفهوم و ابعاد شهر فراگیر در شهرهای دوستدار معلولین (مطالعه موردی: شهر زنجان) پرداخته شد. این پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از نوع مطالعات کیفی، روش پژوهش پدیدارشناسی تفسیری است. همراهان در این پژوهش ۱۷ نفر از کارشناسان برنامه‌ریزی شهری بودند از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش پیمایشی مصاحبه ساختاریافته از طریق نوع سؤالات باز صورت پذیرفت. در این پژوهش برای تحلیل یافته‌های کیفی از روش تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام گرفت. در پژوهش حاضر جهت طراحی مفهوم شهر دوستدار معلولین از طریق فرآیند همسوسازی در طی مراحل مختلف انجام شد. برای سنجش روایی پژوهش در قسمت کیفی از نظر کارشناسان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش کلایزی استفاده گردید که در آخر مقوله‌های بدست آمده در پنج شاخص کلی و محوری قرار داده شدند. یافته‌های نظری و کیفی پژوهش نشان می‌دهد که حق به شهر لوفور بهترین توجیه برای پشتیبانی از تحقیق حاضر می‌باشد. یافته‌های حاصل از مصاحبه با کارشناسان نشان می‌دهد که معیارهای شهر دوستدار معلولین در شهر زنجان در جهت احقاق حقوق معلولین در پنج شاخص؛ بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد حق تخصیص فضا، بعد حق مشارکت شهری و بعد فضایی دسته‌بندی شدند.

کلیدواژه‌ها: شهر فراگیر، شهر دوستدار معلولین، زنجان

۱. مقدمه

با توجه به رشد و توسعه سریع شهرنشینی در قرن بیستم با افزایش انواع آلودگی‌های محیطی، تخریب چرخه‌های زیستی، استفاده نادرست از زمین و ایجاد ساختارهای نامناسب در عرصه‌های مختلف زندگی همراه بوده و موجب شده تا ارائه راهکاری اساسی در جهت پرداختن به معضلات شهری مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان مدیریت شهری قرار گیرد (قهرمان‌پور و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۸۴؛ سجادیان و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۹). لذا، اگرچه امروزه سامانه‌های مدیریتی در شهرها از حداقل ساختارهای نظام‌مند و متناسب با نیازهای شهروندان برخوردارند، اما نیازهای وسیع این گروه در همه زمینه‌ها از یکسو و سیاست‌های متفاوت و گاه متضاد دستگاه‌های خدمات‌رسان و مسئولان شهری برای پاسخگویی به این نیازها از سوی دیگر، محیطی را فراهم نموده که به دلیل ناهماهنگی دستگاه‌ها و چرخه ناقص مدیریت و اداره شهر، اثربخشی سیاست‌ها را به حداقل ممکن تقلیل می‌دهد (داداشپور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۶۲۰). از آنجایی که ساختار مدیریت شهری در ایران نیز با چالش‌هایی مواجه است (تقوایی و پیرالو، ۱۴۰۲، ص. ۱)، از این‌رو شناخت چالش‌های زندگی شهری در حوزه‌های مختلف و خلق فرصت‌های جدید بهتر در مدیریت شهری اجتناب‌ناپذیر است. در اوایل دهه ۱۹۸۰ فناوری‌های فضایی جغرافیایی شروع به گسترش کردند. به‌خصوص فناوری‌ها، زیرساخت‌ها، خدمات و سیستم‌های مدیریتی فراگیر که مسیر را برای هوشمندتر شدن و پایدارتر شدن سهولت بخشیده (یجیکت کانلر^۱، ۲۰۱۵) و این پایداری زمانی بهتر معنا پیدا می‌کند که در مسیر اهداف نظریه‌ی جدید شهری یعنی شهر فراگیر حرکت کند. هدف از ایجاد شهر فراگیر بهبود کیفیت زندگی مردم شهر از لحاظ ایمنی، رفاه، آسایش و فراهم آوردن فرصتی است تا شهروندان راحت‌تر، با ایمنی بیشتر و در محیطی سالم‌تر با استفاده از فناوری‌های فراگیر زندگی کنند. رویکرد شهر فراگیر با تمرکز بر گروه‌های آسیب‌پذیر، اقلیت‌ها و افراد محروم و طردشده خواهان برقراری عدالت و کاهش نابرابری‌ها در عرصه‌های مختلف است (سید^۲، ۲۰۰۹). یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر موردنظر رویکرد شهر فراگیر افراد دارای معلولیت هستند. معلولیت یکی از وجوه زندگی بشری است که در طول تاریخ و در تمام جوامع به انواع گوناگون وجود داشته است (صادقی فسایی و فاطمی‌نیا، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۸). این پدیده اجتماعی، بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی بشری بوده است (جمعه‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲۲). طبق آمار سازمان بهداشت جهانی تعداد افراد معلول در جهان به حدود ۱۵ درصد از جمعیت رسیده است (سازمان جهانی گردشگری^۳، ۲۰۱۶، ص. ۴). براساس آمارهای موجود در ایران نیز حدود چهار درصد از جمعیت کشور را افراد معلول با معلولیت‌های مختلف جسمی، ذهنی، حسی و روانی تشکیل می‌دهند (دستیار و محمدی، ۱۳۹۷: ۳۵۸). آمارها نشان می‌دهد که با پیشرفت علم و فن‌آوری نه‌تنها از تعداد افراد معلول کاسته نمی‌شود، بلکه هر ساله بر تعداد این گروه از جامعه افزوده شده (حسنپور و احدی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۸). بخش عمده‌ای از این گروه جمعیتی، متقاضی استفاده از امکانات شهری بوده و در صورتی که امکان و زمینه برای آنها آماده شود، می‌توانند به-

^۱ . Yigitcanlar

^۲ . Syed

^۳ . United Nations World Tourism Organization

عنوان زیرمجموعه مهمی از شهر در نظر گرفته شوند (مقامی و امیرشاکرمی، ۱۳۹۷، ص. ۳۰۶). در حال حاضر یکی از مهمترین مشکلات فضاهای شهری، نامناسب بودن فضاهای آن در ارتباط با اشخاص دارای معلولیت است (بزی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵). استانداردهای جهانی برای شهرهای دوستدار معلولان فقط به رفع موانع شهری خلاصه نمی‌شود (رضایی و حج‌فروش، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳۷)، سازگار کردن فضاهای شهری با نیازهای افراد معلول، در واقع بازگرداندن آنها به اجتماع است (باصولی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱). لذا، نخستین ایده رویکرد "توسعه فراگیر" و "رشد فراگیر" (هریسون^۱، ۲۰۱۲)، ایجاد جامعه‌ای برای همگان است (سید: ۲۰۱۲). نظریه پس‌زمینه شهر فراگیر جدید نیست، چرا که انسانها در طول قرن‌های متمادی به دنبال افزایش کیفیت زندگی خود بوده‌اند (یجینک کانلر و لی^۲: ۲۰۱۴). همچنین کشورهایی که شهر فراگیر را گسترش داده‌اند بر این باورند که این شهر می‌تواند از طریق شناسایی و معرفی خدمات با استفاده از فناوری اطلاعات بسیاری از چالش‌های موجود را حل کند (یو^۳ و همکاران: ۲۰۱۶). در اسناد کنفرانس ریو ۲۰ سال ۲۰۱۲ سه هدف عمده توسعه پایدار شهری نیز به‌طور مشخص تعیین شده است: یک - شهر ایمن، دو - شهر تاب‌آور و سه - شهر فراگیر (لیندفیلد و استاینبرگ^۴، ۲۰۱۱: ص. ۱۲). برای سنجش کیفیت رشد اقتصادی، محققان مفهوم فراگیری و رشد فراگیر را ارائه داده‌اند (لاپتن^۵ و همکاران، ۲۰۱۶: ص. ۲۳۲۰). به-طور کلی، فراگیری یک مفهوم چندبعدی است و گروه‌های هدف آن می‌تواند متفاوت باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۲). در واقع مفهوم شهرهای همه‌شمول پاسخی به نابرابری‌های فزاینده درآمد و ثروت است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ در مناطق شهری تجربه شده است (سراجدین^۶، ۲۰۱۹). این امر باعث از بین رفتن انسجام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده است (مک گراناها^۷ و همکاران، ۲۰۱۶). بدین ترتیب، رشد همه‌شمول توافقی میان عدالت و کارایی است، که با افزایش عدالت و برابری، کارایی نیز بهبود می‌یابد (رانیری و راموس^۸، ۲۰۱۳: ص. ۱۰۴). به‌طور کلی نارضایتی افراد محروم و آسیب‌پذیر در شهرها از مهمترین دلایل شروع گفتمان شهر فراگیر در ادبیات برنامه‌ریزی هستند (لیو و گانگ^۹، ۲۰۱۷). مفهوم شهر فراگیر به همان اندازه که نیازمند دسترسی‌پذیری مناسب به فرصت‌های شغلی و خدماتی است، نیازمند ارائه حقوق برابر و حق مشارکت برای همگان و به‌ویژه افراد معلول بوده (شا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۵)، و بعد فضایی مهمترین و اصلی‌ترین بعد مفهوم فراگیری در مناطق شهری است (دی الیوریرا نتو^{۱۱}، ۲۰۱۸).

لذا، با توجه به اهمیت مفهوم شهر فراگیر و توجه به ابعاد آن در شهرهای ایران در این پژوهش بر آن شدیم که با نگاهی نافذ به بررسی یکی از ابعاد آن در شهر زنجان بپردازیم، چراکه شهر زنجان در سال‌های

¹ . Harrison

² . Yigitcanlar and Lee

³ . Yoo

⁴ . Lindfield and Steinberg

⁵ . Lupton

⁶ . Serageldin

⁷ . McGranahan

⁸ . Ranieri and Ramos

⁹ . Lyu and Gong

¹⁰ . Shah

¹¹ . De Oliveira Neto

اخیر تحولات زیادی از نظر توسعه شهری و ارائه خدمات شهری داشته است. برخی از محیط‌های شهری پرتدد ساخته و احداث شده (به طور مثال در پروژه پیاده‌راه سبزه‌میدان برخی امکانات برای افراد مسن و معلول در نظر گرفته شده است). زنجان یک شهر در حال رشد بوده و ممکن است در سال‌های آتی با تحولات بیش از پیش نسب به زمان حال همراه باشد. یکی از مهم‌ترین خدمات زیرساختی که باید در شهر زنجان با توجه به زمستان‌های سرد و همراه با یخبندان و گرمای شدید در اواسط تابستان و شیب نامتوازن بخش‌های مختلف شهر و دسترسی نه‌چندان مناسب به وسایل نقلیه عمومی و ... این شهر مورد توجه زیادی قرار بگیرد ارائه خدمات به افراد معلول است. قابل تأمل است که با توجه به شرایط فعلی زنجان تعداد افراد معلول ممکن است افزایش داشته باشد. با توجه به آمارهای افراد معلول در شهر زنجان که دارای بیش از ۲۲ هزار نفر معلول (طبق گزارش‌های سازمان بهزیستی کشور) ([www. behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)) است و این تعداد ۱/۷ درصد از جمعیت شهر زنجان را شامل می‌شود که رقم بالایی می‌باشد. لذا در پژوهش حاضر تلاش شده تا ابتدا آنچه هدف شهر فراگیر در ارتباط با افراد معلول و آسیب‌پذیر جامعه است بررسی شود، پس از این بررسی‌های جامعی در مورد شهر دوستدار معلولین و مطرح کردن آن به‌عنوان رویکردی نوین در برنامه‌ریزی شهری و توسعه شهری با استفاده از رویکرد شهر فراگیر صورت می‌گیرد. سپس به بررسی فرضیه اصلی پژوهش یعنی مفهوم و ابعاد شهر فراگیر در شهرهای دوستدار معلولین (مطالعه موردی: شهر زنجان) با استفاده از نظریات کارشناسان برنامه‌ریزی شهری که در زمینه شهر فراگیر و شهر دوستدار معلولین و کارشناسانی که در زمینه معضلات امروزی شهرها فعالیت علمی و تخصص دارند می‌پردازد. در کل می‌توان گفت که هدف اصلی و عمده پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر احقاق حقوق معلولین در شهر زنجان با توجه به نظریه لوفر است که این موضوع در نوع خود نو و بی‌بدیل می‌باشد. لذا قبل از ورود به بخش روش و یافته‌های اصلی به بررسی برخی از پیشینه‌های مرتبط با موضوع می‌پردازیم: سلها و همکاران (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان به سوی شهر هوشمند، پایدار، در دسترس و فراگیر برای افراد دارای معلولیت با در نظر گرفتن ابزارهای چک لیست انجام دادند و به این نتیجه رسیده‌اند افراد دارای معلولیت مانند سایرین نیازهای اساسی دارند: حفاظت از سلامت و درمان، خدمات اولیه، مسکن و درآمد باید بهره‌مند باشند و همچنین که چگونه می‌توان از طراحی مناسب به‌عنوان راهنمایی برای معماری و برنامه‌ریزی شهر هوشمند خود استفاده کرد تا دسترسی معقولی برای افراد دارای معلولیت در ساختمان‌های خصوصی و عمومی وجود داشته باشد، و شهرها را هوشمندتر و فراگیرتر کرد و به آنها کمک کرد. تیلور و تیم (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان درد در زنان سالخورده کم‌درآمد دارای معلولیت: مطالعه توصیفی کیفی انجام دادند، نتایج نشان می‌دهد که زنان مسن و دارای کم‌توانی و ناتوانی جسمی-حرکتی دارای مشکلات و رنج‌های متعددی هستند که بعضی از آنها به دلیل افسردگی‌های شدید از جامعه حذف شده و گروهی به سمت حاشیه اقتصادی شهرها مهاجرت می‌کنند و دچار بی‌هویتی در فضاهای مطرود و نامناسب شهری می‌گردند. راتری (۲۰۱۳)، پژوهشی با عنوان مسابقه فضای شهری و معلولیت در هایلند اکوادور انجام داد. نتایج نشان می‌دهد فضاهای عمومی شهری نامناسب

برای معلولین باعث شده که معلولین کمتر از فضاهای عمومی شهری استفاده کرده و در انزوا و تنهایی به سر برند و افسردگی و محرومیت اجتماعی در آنها بیشتر شود.

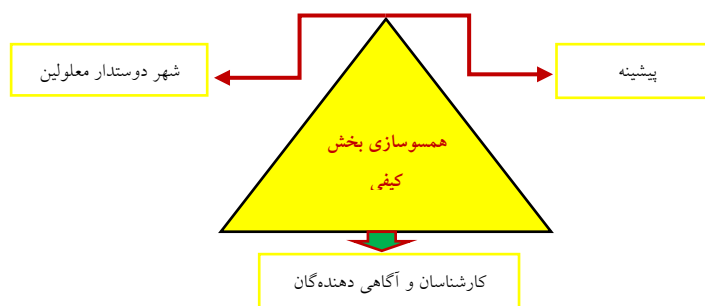
سلامی و مظهری (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان حق بر سلامت معلولان در حوزه حقوق شهری (با نگاهی به مصوبات شورای شهر تهران) با بررسی موضوع حق بر سلامت به معنای دستیابی به بالاترین استانداردهای سلامت جسمی و روانی است و تمام حوزه‌های پزشکی، بهداشت عمومی، مسکن، محیط زیست سالم و ... را در برمی‌گیرد. نتایج نشان داد که سلامت جسمی و روانی معلولان در گروهی تحقق سایر حقوق آنهاست و زمانی محقق می‌شود که بتوانند در کلیه ابعاد زندگی اجتماعی، از حقوق شهروندی خود به نحو مطلوب بهره‌مند گردند. غلامی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان تحلیل رویکردهای حاکم بر مدیریت شهری مشهد درباره توان‌یابان و معلولان شهری به این نتیجه رسیدند که الگوی خوشه‌ای در استقرار توان‌یابان در شهر و ضرورت توجه به این الگو در برنامه‌ریزی‌ها را مطرح کرده است. نتایج تحلیل محتوا (کدگذاری) رویکرد حاکم بر برنامه‌ریزی هر دوره و در نهایت کل دوره درباره ارتقای فضای شهر برای توان‌یابان را آشکار کرد. نتایج کدگذاری باز، شناسایی ۱۲ موضوع کلیدی در کدگذاری محوری، چهار محور مهم و در کدگذاری انتخابی، سه مقوله مرکزی حضورپذیری، توجه به نیازهای اولیه و توجه به ارتقای جایگاه اجتماعی، سلامت و بهداشت توان‌یابان بود. نتایج بیانگر نبود رویکردها، عمدتاً حمایتی، به جای مناسب‌سازی است. جلیلی صدآباد و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان بررسی میزان مناسب بودن فضای شهری برای حضور افراد کم‌توان و ناتوان (نمونه مطالعاتی: خیابان انقلاب اسلامی تهران) به این نتیجه رسیدند که با اجرای راهکارهایی همچون مناسب‌سازی ایستگاه‌های حمل و نقل، خیابان‌ها و تقاطع‌ها و ساختمان‌های عمومی موجود برای استفاده افراد کم‌توان، بازنگری محور مطالعاتی بر اساس ضوابط شهرسازی و بهبود کف‌سازی به‌خصوص موزاییک‌های مخصوص نابینایان، می‌توان به افزایش حضور شهروندان به‌ویژه افراد کم‌توان و ناتوان کمک کرد. رضایی و حج‌فروش (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان ارزیابی مطلوبیت طراحی فضاهای مسکونی برای معلولان جسمی-حرکتی با رویکرد شهر دوستدار معلولان (مطالعه موردی: شهر یزد)، به این نتیجه رسیدند که مطلوبیت طراحی فضاهای مسکونی برای معلولان جسمی-حرکتی می‌تواند به ایجاد شهر دوستدار معلولان در سطح شهر یزد منجر شود. لطیفیان و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان بررسی ابعاد اجتماعی معلولیت، یک مرور نظام‌مند، به این نتیجه رسیدند که معلولیت بر بعد اجتماعی زندگی افراد دارای معلولیت تأثیرگذار است و این افراد با چالش‌های متعددی در زندگی اجتماعی خود روبرو هستند. گرجی ازندریانی و شیرزاد نظرلو (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری درباره وضعیت معلولین و استانداردهای داخلی و بین‌المللی حاکم در این زمینه بحث کرده‌اند. برآیند این نوشتار حاکی از آن است که توجه حقوق شهری به حقوق افراد معلول از باب توجه به حقوق شهروندی آنان و لزوم دسترسی برابر شهروندان به تسهیلات شهری، امری ضروری است و نیازمند توجه دستگاه‌های اجرایی است. برآیند مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که تحقق شهر دوستدار معلولان صرفاً به مناسب‌سازی کالبدی محدود نیست، بلکه مستلزم رویکردی چندبعدی مبتنی

بر دسترسی پذیری، سلامت، عدالت فضایی، حقوق شهروندی و ارتقای جایگاه اجتماعی افراد دارای معلولیت است. شواهد پژوهشی حاکی از آن است که نامناسب بودن فضاهای شهری، مسکن، حمل و نقل و خدمات عمومی، به انزوای اجتماعی، افسردگی، حذف فضایی و حتی حاشیه نشینی این گروه منجر می شود. در مقابل، طراحی فراگیر، بازنگری ضوابط شهرسازی، و توجه به نیازهای اولیه و حق بر سلامت، می تواند حضورپذیری و کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت را به طور معناداری افزایش دهد. همچنین یافته ها نشان می دهند که سیاست های حمایتی به تنهایی کافی نبوده و باید با رویکرد حقوق محور، مشارکت جو و مبتنی بر مناسب سازی ساختاری در مدیریت شهری تکمیل شوند. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر شهر زنجان و پیوند هم زمان نظریه شهر فراگیر، حق به شهر و مسئله معلولیت، می تواند خلأ موجود در مطالعات پیشین را تا حدی جبران کند. بررسی پژوهش های خارجی و داخلی نشان از اهمیت و توجه ویژه متخصصان شهری به مسئله معلولین، حقوق معلولین به عنوان یک شهروند آسیب پذیر و همچنین اهمیت کاربست مسئله شهر فراگیر و توجه این نظریه به افراد آسیب پذیر دارد. یکی از مهم ترین نوآوری های این پژوهش نسبت به پژوهش های پیشین بررسی مسئله در شهر زنجان و نگاه هم زمان به نظریه شهر فراگیر و شهر لوفر و مسئله معلولین است.

۲. روش شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از منظر رویکرد، یک مطالعه کیفی با روش پدیدارشناسی تفسیری است. مشارکت کنندگان در این مطالعه از میان متخصصان، صاحب نظران و پژوهشگران حوزه برنامه ریزی شهری، شهرسازی و معماری (اساتید دانشگاهی و کارشناسان ارشد دستگاه های اجرایی استان زنجان) که دارای سوابق پژوهشی یا تجربی در زمینه "شهر فراگیر" و "شهر دوستدار معلولین" بودند، انتخاب شدند. با توجه به نامشخص بودن حجم دقیق جامعه آماری در این حوزه تخصصی، از روش نمونه گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی استفاده شد. که در نهایت تعداد ۱۷ نفر از کارشناسان به عنوان حاضران و پاسخگویان مصاحبه ها انتخاب شدند. لذا، جمع آوری داده های پژوهش از طریق روش پیمایشی مصاحبه ساختاریافته با استفاده از سؤالات نوع باز صورت پذیرفت. مصاحبه در طی روزهای مختلف و با توجه به زمان های تعیین شده توسط متخصصان انجام گرفت. هدف ما ادامه انجام مصاحبه ها تا زمانی بود که پژوهش به اشباع نظری برسد. که در نهایت با چهارده نفر اشباع حاصل شد اما جهت اعتبار بخشیدن به یافته ها، مصاحبه ها تا هفدهمین نفر ادامه پیدا کرد و در همین تعداد ختم شد. در این پژوهش برای تحلیل یافته های کیفی از روش تحلیل مضمون با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام گرفت. در تحلیل مضمون از شبکه مضامین استفاده می گردد که آتراید-استرلینگ (۱۹۹۸) آن را مطرح نموده اند (قیطاسی وند، ۱۴۰۲، ص. ۸۲). لذا، داده های حاصل از مصاحبه، با استفاده از روش تحلیل مضمون و به شکل توصیفی-تفسیری مورد پردازش قرار گرفت. بعد از این مرحله با مراجعه به مصاحبه های انجام شده، چارچوب نهایی مفهوم "شهر دوستدار

معلولین" تدوین شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی از روش همسوسازی داده‌های چندگانه بهره گرفته شد.



شکل ۱. طرح کلی همسوسازی داده‌های مورد استفاده در پژوهش

جدول ۱. نحوه توزیع مصاحبه‌شوندگان در چهارچوب مطالعات کیفی

ردیف	سمت سازمانی	حوزه فعالیت و تخصص	مدت مصاحبه
۱	هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۱ ساعت
۲	هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۳	هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۴	هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زنجان	مدیریت فضا و مکان	۵۰ دقیقه
۵	هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زنجان	مدیریت فضا و مکان	۵۰ دقیقه
۶	هیئت علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زنجان	مدیریت فضا و مکان	۵۰ دقیقه
۷	هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۸	هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۹	هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان	طراحی شهری	۵۰ دقیقه
۱۰	هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان	طراحی شهری	۵۰ دقیقه
۱۱	هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان	طراحی شهری	۵۰ دقیقه
۱۲	هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی زنجان	طراحی شهری	۵۰ دقیقه
۱۳	دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۱۴	دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۱۵	دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۱۶	دانش‌آموخته دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه
۱۷	دانش‌آموخته دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان	مدیریت شهری	۵۰ دقیقه

در پژوهش حاضر جهت طراحی مفهوم شهر دوستدار معلولین از طریق فرآیند همسوسازی در طی مراحل مختلف انجام شد: الف) گردآوری مفاهیم و مبانی نظری، ویژگی‌ها و اهداف شهر دوستدار معلولین، ب) بررسی پژوهش‌هایی که در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر انجام شده، ج) بهره‌مندی از نظرات متخصصان و آگاهی‌دهندگان کلیدی که به کار گرفته شدند. برای سنجش روایی پژوهش در قسمت کیفی از

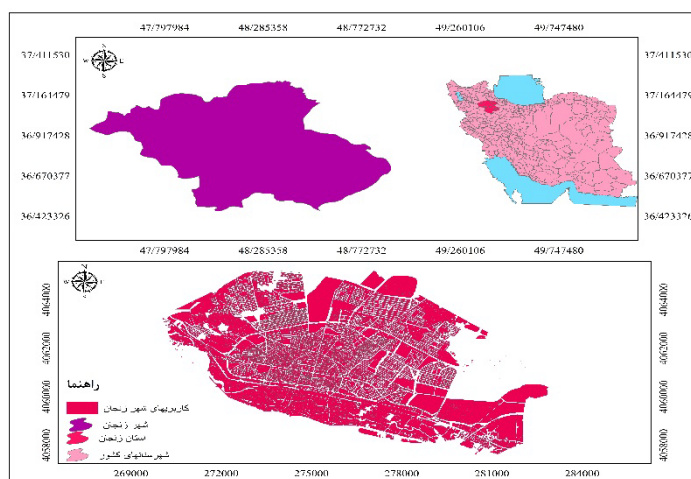
نظر مشارکت کنندگان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش کلایزی استفاده گردید. با توجه به این روش ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌های صورت گرفته و توصیف شرکت کنندگان سعی گردید که با آن‌ها هم‌سو شده و در مرحله‌ی بعدی (دوم) جملات و واژه‌های مهم از مصاحبه‌ها استخراج شود. واژه‌های استخراج شده کدبندی شدند. در مرحله‌ی سوم، مفاهیم فرموله شده و در درون دسته‌ها و خوشه‌های موضوعی قرار گرفتند و مقوله‌های اصلی به دست آمد و در آخر با ترکیب کردن کلیه‌ی نظرات استخراج شده به درون یک توصیف جامع و کامل از همه‌ی جزئیات موضوع مورد نظر، مقوله‌های بدست آمده در پنج شاخص کلی و محوری قرار داده شدند.

جدول ۱. عوامل مورد بررسی و روش بررسی و گردآوری داده‌های هریک از عوامل

کد اصلی	کد فرعی	عوامل	ردیف
حق به شهر لوفر	بعد فضایی	زمان دسترسی، کیفیت هوا و قابلیت پیاده‌رویی، هزینه دسترسی به خدمات و میزان هزینه حمل و نقل، زمین و مسکن و وضعیت مالکیت و میزان حمایت دولتی، دسترسی‌ها مانند: فضای عمومی، مراکز درمانی، حمل و نقل عمومی، فضای سبز، مراکز مذهبی، مراکز فرهنگی، مراکز ورزشی، مراکز آموزشی، نیازهای اولیه.	۱
	بعد اقتصادی	آمادگی اقتصادی، حمایت‌های دولتی، پویای اقتصادی.	۲
	بعد اجتماعی	ویژگی‌های خانوار از نظر پیشرفت تحصیلی، مشارکت با جوامع محلی، سازمانهای عام‌المنفع، حمایت‌های دولتی، دفاع از حقوق انسانی، ایمنی و امنیت، رویه‌های دموکراتیک، قوانین و رویه‌ها	۳
	حق تخصیص فضا	کیفیات فضایی، ایمنی و امنیت، سرزندگی و زیست‌پذیری، تنوع و شگفتی و ماجراجویی، خوانایی، حمل و نقل، دسترسی خدمات عمومی و مناسب، نفوذپذیری و نزدیکی مقاصد ارتباطی، فرم شهر فشرد	۴
	حق مشارکت شهری	شمولیت و تنوع، توانمندسازی و جلوگیری از چرخه جامعه حذف افراد، حمایت و عدم تبعیض، زیست با عزت، تکررگرایی، حکم‌روایی شهری، مشارکت و مردم‌سالاری، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، عدالت و برابری، اثربخشی و کارایی	۵

منابع: آریل تومه (۱۳۷۴)، ابدی و همکاران (۱۳۹۱)، احد و همکاران (۱۳۹۹)، اعتمادی و همکاران (۱۴۰۱)، باطنی و همکاران (۱۳۹۴)، باستان‌فرد و همکاران (۱۳۹۴)، پاکجویی (۱۴۰۰)، تدینی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، جغتایی (۱۳۹۴)، جلیلی صدرآباد و همکاران (۱۴۰۰)، جلیلی صدرآباد و همکاران (۱۴۰۱)، حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)، داوری‌نژاد مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، راسخ و همکاران (۱۳۹۹)، رجبی کف‌گورابی و همکاران (۱۳۸۸)، رستمی و همکاران (۱۴۰۰)، رضوانی‌مفرد و همکاران (۱۳۹۹)، زیاری و همکاران (۱۴۰۰)، سبحانی و همکاران (۱۳۹۴)، سرور و همکاران (۱۳۹۳)، سلطانی و همکاران (۱۴۰۲)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، شهبازی (۱۳۹۲)، شهنواز خضرلو و همکاران (۱۳۹۳)، شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۳)، عبدالله زادفرد و همکاران (۱۳۹۵)، عبدی (۱۳۹۵)، غدیری و همکاران (۱۳۹۵)، غلامی و همکاران (۱۴۰۰)، فتحی رضائی و همکاران (۱۳۹۹)، فردیان (۱۳۹۴)، گرجی‌ازندریانی و همکاران (۱۳۹۷)، کمانرودی کنجوری (۱۳۸۹)، کلاتری و همکاران (۱۳۹۴)، معروفی (۱۳۹۹)، مصفا (۱۳۸۱)، منفرد مسقانی و همکاران (۱۳۹۸)، موسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، ناطق و همکاران (۱۳۹۶)، نوراحمدی و همکاران (۱۴۰۲)، نوروزی و همکاران (۱۳۹۹)، یاری حصار و همکاران (۱۳۹۹).

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، شهر زنجان است. این شهر به عنوان مرکز سیاسی-اداری استان، در مسیر استراتژیک تهران-تبریز و در ارتفاع متوسط ۱۶۶۳ متر از سطح دریا قرار دارد. زنجان در مختصات ۴۸ درجه و ۲۶ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهر به عنوان نخستین و بزرگترین کانون سکونت استان، بر اساس آخرین برآوردهای آماری [یا سرشماری ۹۵] دارای ۴۳۰،۸۵۳ نفر جمعیت است که بیش از ۶۰ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). از نظر ساختار مدیریتی، شهر زنجان به ۶ منطقه شهرداری تقسیم شده است که این تقسیم‌بندی مبنای ارائه خدمات شهری و برنامه‌ریزی‌های اجرایی محسوب می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰).



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

۳. یافته‌ها

۱.۳. یافته‌های توصیفی-تحلیلی

در این بخش به تشریح برخی از یافته‌های نظری پرداخته می‌شود که شامل مباحث اساسی و پایه‌ای برای ورود به یافته‌های نهایی می‌باشد و در واقع بدون این یافته‌ها بحث دچار نقایص توصیفی خواهد بود. لذا، پژوهشگران با بررسی منابع مختلف به ایجاد یک ارتباط ظرافتمندانه و زیبا بین مباحث حق به شهر لوفر و شهر دوستدار معلولین و شهر زنجان می‌پردازند که در ذیل آورده شده است: شهر زنجان یک شهر در حال رشد و توسعه است به‌طوری‌که در سال‌های اخیر شاهد تحولات بسیاری در این شهر بوده‌ایم. اما آنچه باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد این است که همانطور که بیان شد ۱/۷ از جمعیت زنجان را معلولین تشکیل می‌دهند و باید برای این قشر در تمام برنامه‌های توسعه زیرساختی (اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، مسکن و ...) توجهات لازم اعمال شود. یکی از مواردی که در این زمینه کمک خواهد کرد استفاده از تجربه سایر کشورهای جهان و نظریات برنامه‌ریزی مرتبط با مسئله است که با توجه به بررسی‌های صورت گرفته

نظریه حق به شهر لوفور و عدالت اجتماعی هاروی بیشتر به موضوع پژوهش و مسئله معلولین شهر زنجان نزدیک تر است چرا که شهر زنجان باید مکان هایی برای تحقق تمام حقوق شهروندان و آزادی های اساسی باشد که کرامت و رفاه جمعی همه مردم این شهر را در برابری و عدالت و همچنین احترام کامل برای تولید اجتماعی سکونتگاه تضمین نماید. حق بر شهر برای شهر زنجان بیان کننده امکان ایجاد شهری است که مردم بتوانند در آن با کرامت زندگی کنند؛ جایی که مردم به عنوان بخشی از ساختار آن شناخته می شوند و جایی که امکان توزیع یکسان همه منابع همانند کار، سلامتی، آموزش و مسکن و مشارکت و دسترسی به اطلاعات وجود دارد. و از این منظر می توان شهر فراگیر را به شهر دوستدار معلولین نزدیک تر دانست. در نتیجه حق به شهر لوفور بهترین توجیه برای پشتیبانی از تحقیق حاضر می باشد.

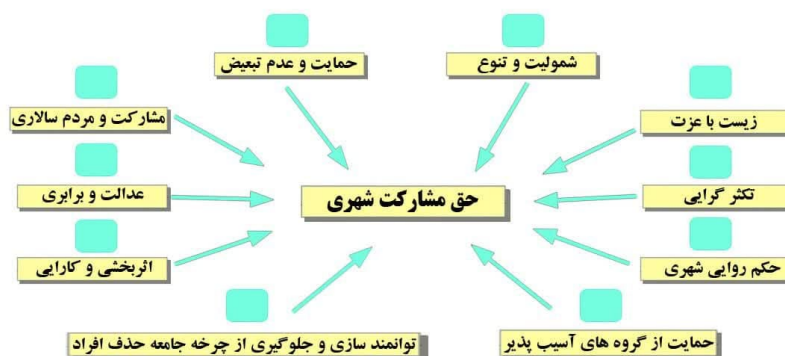
ابعاد و معیارهای شهر دوستدار معلولین

در این بخش پس از ورود داده های مصاحبه به نرم افزار معیارهای شهر دوستدار معلولین در شهر زنجان مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج ذیل حاصل گردید:

۲.۳. حق مشارکت شهری

بحث حقوق شهروندی مسئله دیگری است که باید در ارتباط با موضوع حقوق افراد معلول در شهر زنجان مورد توجه قرار گیرد. همانطور که ذکر گردید برخی شهروندان دارای نقش های تفکیک شده هستند و از حقوق و امتیازات و مسئولیت های این نقش ها آگاه اند و آن را مطالبه می کنند. ممکن است شهروندان با تشکیل نهادهای مستقل از دولت به نظارت و مشارکت در تصمیم گیری های دولتی و اجرای آن ها بپردازند. شایان توجه است که این مسئله در شهر زنجان بشدت ضعیف است و سازمان های مردم نهاد به عنوان یک رکن اساسی جامعه ضعیف عمل می کنند. اما در صورت وجود چنین سازمان هایی شهروند می تواند به امور جامعه انتقاد کند و ویژگی اصلی انتقاد او این است که در آن اعتدال و انصاف را نیز در نظر بگیرد به این معنی که اگر چه به نهادهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه انتقاد می کند اما اگر این نهادها در معرض فشار و تهدید قرار بگیرند از آنها دفاع می کند. شهروند دیگران را نیز به منزله یک شهروند برابر با خود تلقی می کند و می پذیرد که ارزش و اعتبار هویت آن شهروند برابر با هویت خود اوست و حقوقی که خودش از آن ها برخوردار است شهروندان دیگر نیز باید برخوردار باشند. در امور جامعه حس مشارکت و سهم بودن دارد. لذا، می توان گفت یکی از راه های ورود شهروندان و عامه مردم در تصمیم گیری های برنامه ریزی شهر زنجان تقویت و گسترش سازمان ها مردم نهاد است که به حقوق شهروندی به طور جامع توجه دارد. در این صورت می توان شهر زنجان را به ایجاد و دستیابی به زیرساخت ها و شاخص های شهر دوستدار معلول با توجه به رویکرد لوفور نزدیک تر کرد. بنابراین، می توان گفت که دامنه و گستره حقوق شهری شامل برنامه ریزی و مدیریت شهری است و طیف وسیعی از فعالیت های مربوط به شهر را شامل می شود که در شهر زنجان حق بر سلامت معلولان بیش از دیگر شهروندان عادی، نیازمند توجه می باشد. ماده ۲۵ "کنواسیون حقوق افراد دارای معلولیت" کشورهای عضو را ملزم به شناسایی حق معلولان در برخورداری از بالاترین

معیارهای قابل دسترس بهداشتی بدون تبعیض می‌نماید و آنها را مکلف می‌کند تدابیر لازم را برای تضمین دسترسی معلولان به خدمات بهداشتی اتخاذ نمایند. لذا، بخش عمده‌ای از حقوق بهداشتی و سلامت جسمی و روانی معلولان در شهر زنجان، در گروی احقاق سایر حقوق آنها و تأمین امنیت این گروه از افراد جامعه در فضاهای مختلف شهری است.

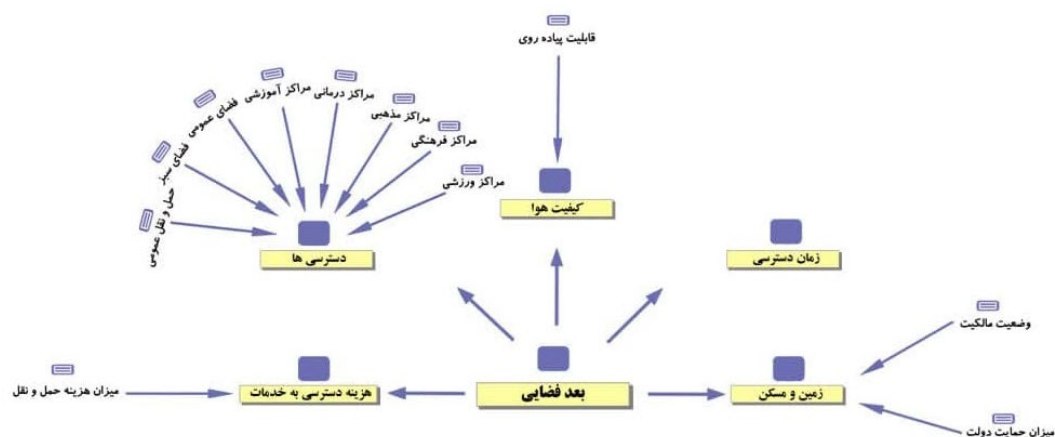


شکل ۳. حق مشارکت شهروندی در شهر دوستدار معلولین

۳.۳. بعد فضایی

۱.۳.۳. حق بهره‌مندی از تسهیلات و فضاهای شهر زنجان

محیط شهر زنجان به عنوان فضای زندگی روزمره شهروندی در وهله اول باید آسایش و رفاه تمام اقشار جامعه را فراهم کند. لذا، از طریق مناسب‌سازی محیط شهری، کلیه شهروندان به‌ویژه معلولان و افراد کم‌توان امکان دسترسی و بهره‌مندی از خدمات و فضاهای شهر زنجان را خواهند داشت. این امر از آن جهت برای معلولان حائز اهمیت است که در فضاهای مختلف شهر زنجان گاهی یک پله یا یک گذرگاه نامناسب، مانع از بهره‌مندی معلولان از فضاهای مربوطه می‌شود و امکان برخورداری از حقوق اجتماعی را از آنها سلب می‌کند و چه بسا خطرات جانی برای آنها در پی داشته باشد و سلامت آنها را در معرض خطر قرار دهد، که این امر در بلندمدت باعث انزوای بیشتر آنها و بروز مشکلات روحی، روانی و حتی جسمی افراد معلول خواهد شد. لذا، مناسب بودن فضاهای شهری و انطباق آنها با نیازهای معلولان باید از اولویت‌های طراحی فضاهای شهری برای زنجان قرار بگیرد. از اهم حقوق معلولان در این حوزه عبارتند از: حق بهره‌مندی از معابر و فضاهای مناسب، حق بهره‌مندی از حمل و نقل مناسب، حق بهره‌مندی از ساختمانهای مناسب‌سازی شده، حق برخورداری از اشتغال، حق تفریح و سرگرمی، حق دسترسی به اطلاعات شهری، حق برخورداری از آموزش، حق مشارکت در برنامه‌ریزی‌های شهری.



شکل ۴. بعد فضایی و محیطی شهر دوستدار معلولین

۲.۳.۳. زمین و مسکن

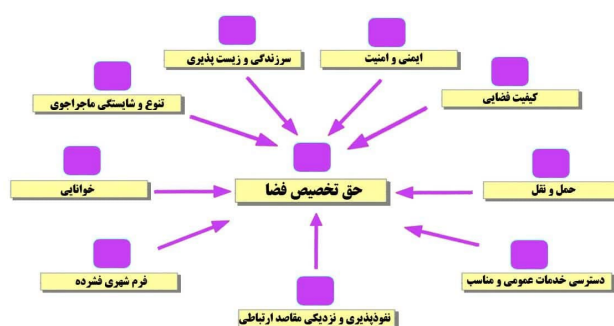
توسعه پایدار مسکن همگام با توسعه انسانی باید از مهمترین مسائل مورد توجه سازمانها و نهادهای مدیریت شهری در شهر زنجان باشد. شایان توجه است که کشورهای پیشرفته مسکن را بخشی از رفاه اجتماعی می‌دانند و برنامه‌ریزی‌های آنها بر بهبود کیفی آن بیشتر متمرکز است و اما در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، یک نیاز اولیه محسوب می‌شود و هم‌ردیف با غذا و پوشاک به حساب می‌آید. مسکن به‌عنوان کالایی اقتصادی و بادوام و فاکتوری در جهت نمایش جایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد است و در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌نماید. از این‌رو دارای ابعاد مختلف مکانی، معماری، کالبدی، فیزیکی، اقتصادی، مالی، روانشناختی و پزشکی می‌باشد. «بنا به دیدگاه لوکوربوزیه، هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان باید با سازماندهی فضایی مسکن پاسخ داده شود». مسکن خوب و مناسب از نشانه‌های رفاه عمومی جامعه است و مسکن بد و نامناسب، پیامدهای نامطلوبی به ارمغان می‌آورد. برخورداری از مسکن مناسب و متناسب با شرایط معلولان یا وجود محلی برای نگهداری آنها از نیازهای مهم این افراد و خانواده‌هایشان در شهر زنجان است.

یکی از راه‌کارهای اساسی در این بخش بهره‌مندی از تجربیات کشورهای توسعه‌یافته و سپردن این فعالیت‌ها به شهرداری‌ها و تحقق مدیریت یکپارچه شهری طبق ماده ۱۳ قانون برنامه سوم توسعه است و انتظار می‌رود بهبود قابل ملاحظه‌ای در حوزه مسکن معلولین به‌ویژه در شهری مثل زنجان حاصل گردد.

۴.۳. حق تخصیص فضا

در این قسمت مفهوم مناسب‌سازی فضا (محیط) مطرح می‌شود. مناسب‌سازی فضای شهری و تخصیص فضای شهری در چند ده گذشته تحول یافته و گستردگی بیشتری پیدا کرده است. این مفهوم در ابتدا مترادف با رفع موانع فیزیکی در محیط ساخته شده و محیط بدون مانع به کار گرفته می‌شد. در دهه ۱۹۸۰، این مفهوم با قابل دسترس شدن ساختمان‌ها و محیط شهری و یا طراحی قابل دسترس دامنه شمول بیشتری یافت. در

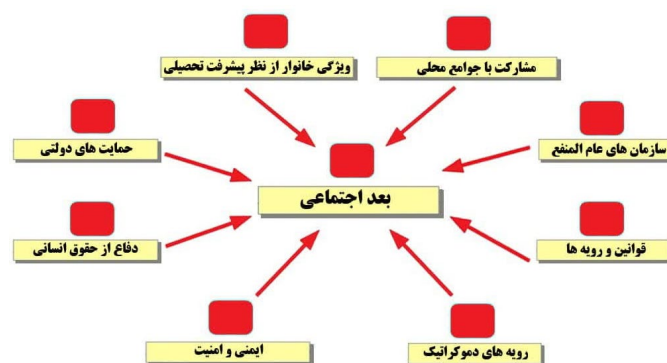
دهه ۱۹۹۰، موضوع طراحی همه‌شمول مطرح شد که مفهوم مناسب‌سازی را بسیار گسترش داد و مسائلی نظیر دسترسی آسان به وسایل نقلیه عمومی، ورودی‌های یکسان برای همه، نصب انواع راهنماهای صوتی، تصویری، لمسی و طراحی اجزای ساختمان برای استفاده همه مردم، فارغ از میزان توانایی یا محدودیت آن‌ها را شامل شد. در واقع این قوانین باید به‌عنوان یک نقشه راه در شهری مثل زنجان که هنوز به طور کامل نتوانسته رفاه خاطر معلولان خود را فراهم کند قرار گیرد. برای شهر زنجان در بعد حق تخصیص فضا مواردی چون؛ ایمنی و امنیت، سرزندگی و زیست‌پذیری، تنوع و شایستگی، کیفیت فضایی، حمل و نقل، دسترسی به خدمات عمومی، فرم شهری فشرده و نفوذپذیری و نزدیکی مقاصد ارتباطی برای احقاق حقوق معلولان و رسیدن به اهداف شهر دوستدار معلولان باید مورد توجه قرار گرفته و در برنامه‌ریزی برای شهر بکارگرفته شوند.



شکل ۵. حق تخصیص فضای شهری در شهر دوستدار معلولین

۵.۳. بعد اجتماعی

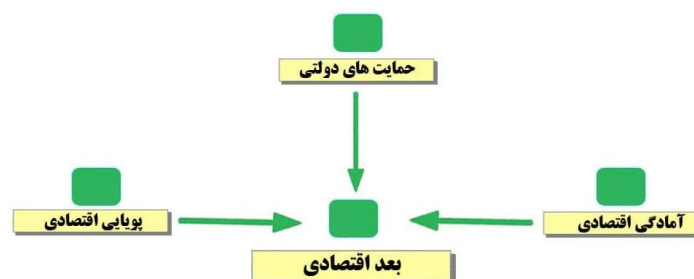
زمینه‌سازی برای دسترسی افراد دارای معلولیت به مواهب و فرصت‌های اجتماعی همواره در اولویت برنامه‌های مربوط به احقاق حقوق معلولین قرار داشته است. حمایت از حقوق انسانی وظیفه همه دولت‌ها در همه جوامع و برای همه شهروندان به شمار می‌رود. ازاین‌رو، شعار یک جامعه برای همه جزء برنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته است. اگرچه، کمبود آگاهی‌های عمومی و نگرش منفی به پدیده معلولیت در سطح جامعه، هنوز هم از عمده‌ترین معضلات و موانع در دستیابی به حقوق انسانی این قشر محروم در همه جوامع به شمار می‌آید (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۵). در بعد اجتماعی برای رسیدن به اهداف شهر دوستدار معلولین در شهر زنجان باید مواردی چون؛ مشارکت با جوامع محلی، ویژگی‌های خانوار از نظر پیشرفت تحصیلی، حمایت‌های دولتی، سازمان‌های عام‌المنفعه، قوانین و رویه‌ها، رویه‌های دموکراتیک، ایمنی و امنیت و دفاع از حقوق انسانی مورد توجه قرار بگیرد.



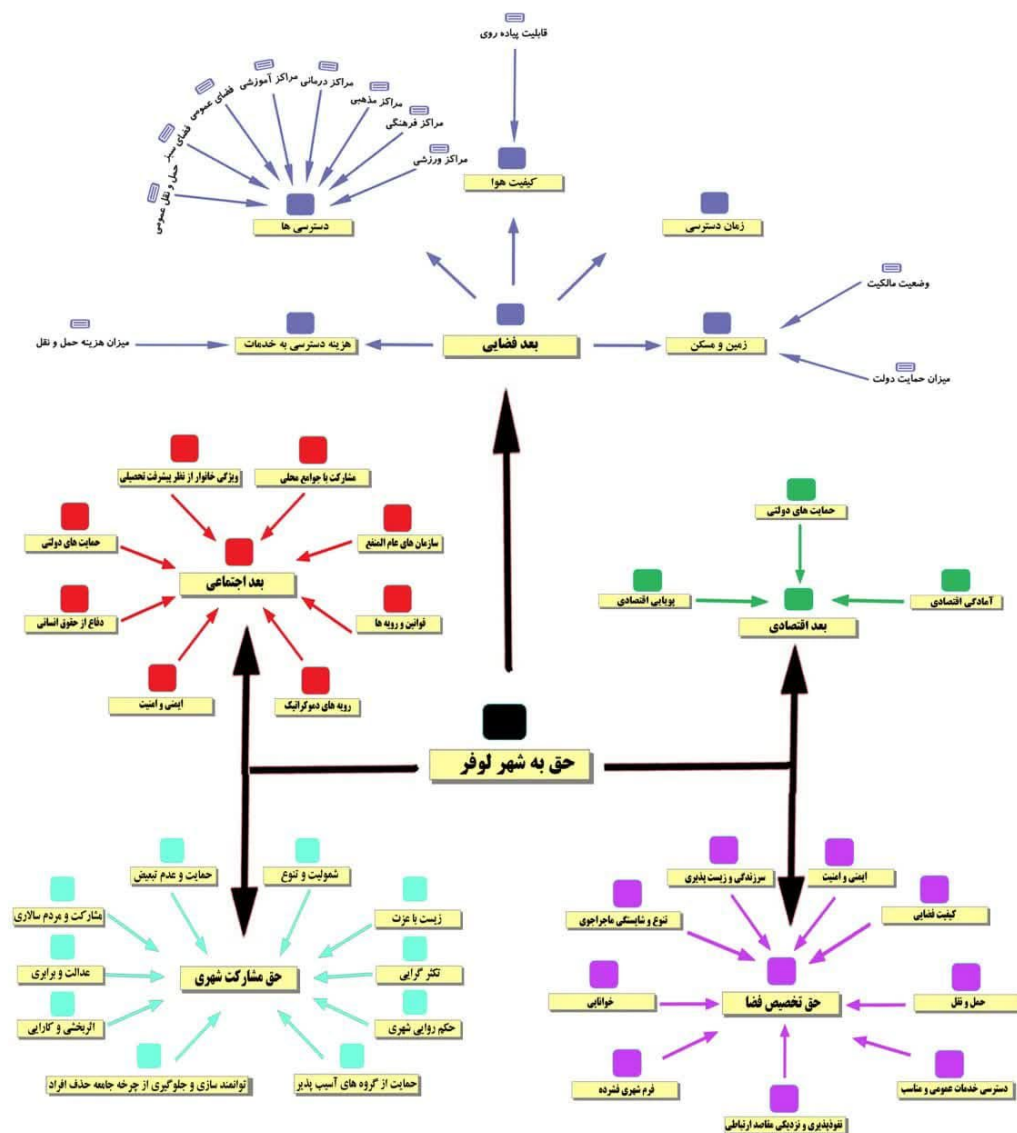
شکل ۶. ابعاد اجتماعی شهر دوستدار معلولین

۶.۳. بعد اقتصادی

در اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سخن از اصل اساسی منع تبعیض است و همگان بهره‌مند از حقوق مساوی دانسته شده‌اند. براساس اصل بیستم، همه افراد ملت یکسان‌اند و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. به موجب اصل بیست و نهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی، مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و... حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای تک‌تک افراد کشور را تأمین نماید. لذا با توجه به ابعاد اقتصادی حقوق معلولین در شهرها و نیاز به این ابعاد برای دستیابی به شهر دوستدار معلولین، در این پژوهش در بعد اقتصادی به مواردی چون؛ حمایت‌های دولتی، آمادگی اقتصادی و پویایی اقتصادی برای دستیابی به شهری دوستدار معلول برای زنجان از دید مصاحبه‌شوندگان توجه شده است.

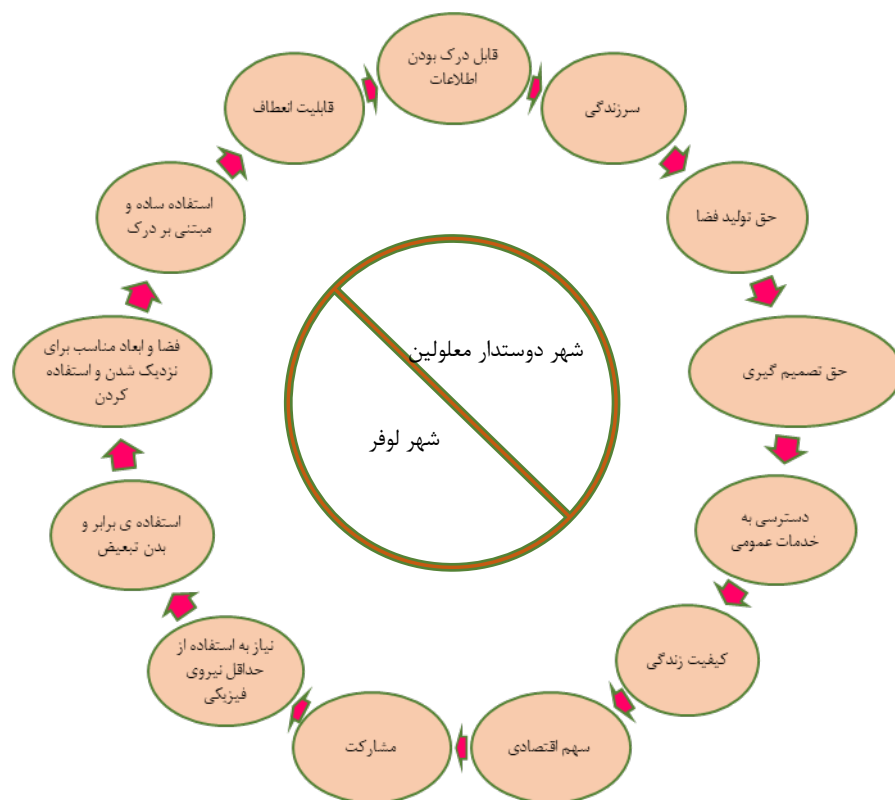


شکل ۷. ابعاد اقتصادی شهر دوستدار معلولین



شکل ۸. ابعاد مورد توجه شهر دوستدار معلولین با توجه به نظریه لوفر

با توجه به آنچه بررسی و نتیجه گیری شد می توان معیارهای شهر دوستدار معلولین در جهت احقاق حقوق این قشر از جامعه شهر زنجان را در شکل (۹) نمایش داد.



شکل ۹. معیارهای شناسایی شده برای تبدیل شهر زنجان به شهری دوستدار معلولین که نقش کلیدی در تحقق حق بر شهر و احقاق حقوق این گروه از شهروندان ایفا می کنند

۴. بحث

با توجه به آمارهای افراد معلول در شهر زنجان که دارای بیش از ۲۲ هزار نفر معلول طبق گزارش های سازمان بهزیستی کشور است و این تعداد ۱/۷ درصد از جمعیت شهر زنجان را شامل می شود که رقم بالایی برای شهر در حال رشد زنجان می باشد. لذا در پژوهش حاضر تلاش شده تا آنچه هدف شهر فراگیر در ارتباط با افراد معلول و آسیب پذیر جامعه است بررسی شود، پس از این بررسی های جامع در مورد شهر دوستدار معلولین و مطرح کردن آن به عنوان رویکردی نوین در برنامه ریزی شهری و توسعه شهری با استفاده از رویکرد شهر فراگیر صورت گرفت. سپس به بررسی فرضیه اصلی پژوهش یعنی مفهوم و ابعاد شهر فراگیر در شهرهای دوستدار معلولین (مطالعه موردی: شهر زنجان) پرداخته شد. این پژوهش از نظر رویکرد، روش و مبانی با پژوهش سلها و همکاران (۲۰۲۰)، با عنوان به سوی شهر هوشمند، پایدار، در دسترس و فراگیر برای افراد دارای معلولیت، از نظر رویکرد با پژوهش تیلور و تیم (۲۰۲۰)، پژوهشی با عنوان درد در زنان سالخورده کم درآمد دارای معلولیت و پژوهش سلامی و مذهری (۱۴۰۱)، با عنوان حق بر سلامت معلولان در حوزه حقوق شهری (با نگاهی به مصوبات شورای شهر تهران)، هم خوانی و هماهنگی دارد.

این پژوهش از نظر هدف جزء پژوهش های کاربردی و بر اساس رویکرد، از نوع مطالعات کیفی است. روش پژوهش حاضر، پدیدارشناسی تفسیری است که همراهان در این پژوهش متخصصان برنامه ریزی

شهری (دانشجویان و اساتید) در شهر و دانشگاه‌های زنجان انتخاب گردیدند. به دلیل نامشخص بودن جامعه آماری از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بهره گرفته شد که در نهایت تعداد ۱۷ نفر از کارشناسان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌های پژوهش از طریق روش پیمایشی مصاحبه ساختاریافته از طریق نوع سؤالات باز صورت پذیرفت. در این پژوهش برای تحلیل یافته‌های کیفی از روش تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام گرفت. در پژوهش حاضر جهت طراحی مفهوم شهر دوستدار معلولین از طریق فرآیند همسوسازی در طی مراحل مختلف انجام شد. برای سنجش روایی پژوهش در قسمت کیفی از نظر مشارکت‌کنندگان استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش کلایزی استفاده گردید که در آخر مقوله‌های بدست آمده در پنج شاخص کلی و محوری قرار داده شدند. لذا، می‌توان گفت که عوامل متعددی در تحقق حق معلولان در شهر زنجان دخیل می‌باشند و برای دستیابی به آن، ابتدا باید سایر حقوق افراد معلول محقق گردد. حقوقی همچون حق بر مسکن، حق برخورداری از خدمات توان‌بخشی، حق بهره‌مندی از تسهیلات و فضاهای مناسب‌سازی‌شده شهری، حق برخورداری از اشتغال، حق تفریح و سرگرمی، حق دسترسی به اطلاعات شهری، حق برخورداری از آموزش و حق مشارکت در برنامه‌ریزی‌های شهری، حقوقی هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با حق بر سلامت معلولان عجین است و تأثیرات غیرقابل انکاری را بر سلامت جسمانی یا روانی آنها می‌گذارند. به طور مثال وجود معابر نامناسب شهری از دو بعد، سلامت معلولان را مورد تهدید قرار می‌دهد. بعد اول سلامت جسمی آنها می‌باشد که در معرض خطر قرار می‌گیرد و هر لحظه ممکن است آسیب‌هایی به آنها وارد گردد و بعد دوم، سلامت روانی آنها می‌باشد که با وجود خطرات جسمانی در معابر شهری، معلولان کمتر در جامعه حضور می‌یابند و این امر منجر به عدم دستیابی ایشان به دیگر حقوق خود می‌شود و به انزوای بیشتر آنها دامن می‌زند که این مسئله در نهایت مشکلات روحی و روانی متعددی را برایشان به وجود می‌آورد. پاره‌ای از حقوق معلولان، در حوزه حقوق شهری و در حیطه وظایف و اختیارات مدیریت شهری قرار دارند. لذا مدیریت شهری موظف است در چهارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر، قانون اساسی، قوانین عادی و مصوبات شورای شهر، تمهیدات لازم را در تحقق حقوق آنها به انجام برساند.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های نظری و کیفی پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین مسائل مدیریتی که در شهر زنجان باید مورد توجه قرار گیرد، تبدیل این شهر به مکانی برای تحقق تمام حقوق شهروندان و آزادی‌های اساسی آنان است؛ شهری که کرامت انسانی و رفاه جمعی همه مردم را در چهارچوب برابری، عدالت و احترام کامل به تولید اجتماعی سکونتگاه تضمین کند. همه افراد باید از شرایط لازم برای توسعه زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود در شهر برخوردار باشند. حق بر شهر در زنجان بیانگر امکان ایجاد شهری است که مردم بتوانند در آن با کرامت زندگی کنند؛ شهری که در آن شهروندان بخشی از ساختار تصمیم‌گیری و سازمان فضایی محسوب می‌شوند و توزیع عادلانه منابعی همچون کار، سلامت، آموزش، مسکن، مشارکت و

دسترسی به اطلاعات در آن محقق می‌شود. از این منظر، مفهوم شهر فراگیر را می‌توان نزدیک‌ترین چارچوب نظری به شهر دوستدار معلولان دانست و نظریه «حق به شهر» لوفور را مناسب‌ترین پشتوانه مفهومی برای تبیین یافته‌های پژوهش حاضر قلمداد کرد.

تحقق حق به شهر در زنجان مستلزم شکل‌گیری شهروندان آگاه و مطالبه‌گر است؛ جامعه‌ای که حقوق فردی و جمعی خود را بشناسد، از آن دفاع کند و قانون‌مداری را در کنش اجتماعی خود نهادینه سازد. یافته‌های حاصل از مصاحبه با کارشناسان نشان داد که معیارهای شهر دوستدار معلولان در پنج بعد اجتماعی، اقتصادی، حق تخصیص فضا، حق مشارکت شهری و بعد فضایی قابل دسته‌بندی است. در بعد اجتماعی، مؤلفه‌هایی چون رویه‌های دموکراتیک، ایمنی و امنیت، قوانین و سازوکارهای حمایتی، دفاع از حقوق انسانی، نقش سازمان‌های عام‌المنفعه، حمایت‌های دولتی و مشارکت جوامع محلی اهمیت دارد. در بعد اقتصادی، آمادگی اقتصادی شهر، پویایی بازار کار و حمایت‌های مالی دولت نقش تعیین‌کننده دارند. در بعد حق تخصیص فضا، شاخص‌هایی همچون حمل‌ونقل، کیفیت فضایی، سرزندگی، خوانایی، دسترسی به خدمات عمومی، فرم شهری فشرده و نفوذپذیری و نزدیکی مقاصد ارتباطی برجسته‌اند. در بعد حق مشارکت شهری، تکرگرایی، شمولیت، عدالت، عدم تبعیض، حکمروایی شهری کارآمد، توانمندسازی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مورد تأکید قرار گرفت. در نهایت، در بعد فضایی، زمین و مسکن، زمان و هزینه دسترسی، کیفیت محیط، قابلیت پیاده‌روی و دسترسی به مراکز خدماتی و حمل‌ونقل عمومی به‌عنوان عناصر کلیدی مطرح شدند.

بر این اساس، نتایج پژوهش نه‌تنها چارچوبی نظری برای تبیین نسبت میان حق به شهر و شهر دوستدار معلولان فراهم می‌آورد، بلکه می‌تواند به‌عنوان مبنایی کاربردی برای سیاست‌گذاری شهری در زنجان مورد استفاده قرار گیرد. نوآوری پژوهش حاضر در بومی‌سازی ابعاد شهر دوستدار معلولان در بستر شهر زنجان، آن را به منبعی معتبر برای مطالعات آتی در حوزه حقوق شهروندی و برنامه‌ریزی شهری فراگیر تبدیل می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری ادبیات علمی منسجم‌تری در این حوزه باشد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق شهر دوستدار معلولان در زنجان نیازمند تحولات ساختاری و میان‌بخشی در حوزه‌های اقتصادی، زیرساختی، اجتماعی - فرهنگی و خدمات شهری است؛ تحولی که بدون اراده مدیریتی، بازنگری در سیاست‌های شهری و تعهد جدی نهادهای مسئول امکان‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو، بهره‌گیری از نتایج این پژوهش در فرآیند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی شهری می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت فضایی و اجتماعی و استقرار الگوی شهر فراگیر در زنجان باشد.

کتاب نامه

۱. ازندریانی، ع. ا. و شیرزاد نظرلو، ز. (۱۳۹۷). جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۶).
۲. باصولی، م. (۱۳۹۹). منظر شهری دوستدار معلول: رویکرد منظرین در محیط مقصد گردشگری. مجله منظر، ۱۲(۵۲)، ۲۷-۸.
۳. بزی، خ. ر.، کیانی، ا. و افراسیابی‌راد، م. ص. (۱۳۸۹). ارزیابی ترافیک شهری و نیازهای معلولان و جانبازان با استفاده از مدل تصمیم‌گیری (TOPSIS) مطالعه موردی: شهر شیراز. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱(۳)، ۱۰۳-۱۳.
۴. تقوایی، م. و پیرالو، ح. (۱۴۰۲). تحلیل شاخص‌های مدیریتی مؤثر بر توسعه محلات شهری (مطالعه موردی: شهر کنگان). مجله جغرافیا و توسعه فضایی، ۱(۱۲)، ۱۸۲-۱۵۹.
۵. جلیلی صدرآباد، س.، شیعه، ا.، نوروزی پورفیروز، م.، مینوسپهر، م. و بیات، ر. (۱۴۰۰). بررسی میزان مناسب بودن فضای شهری برای حضور افراد کم‌توان و ناتوان (نمونه مطالعاتی: خیابان انقلاب اسلامی تهران). فصلنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۳)، ۱۸۶-۱۶۹.
۶. دستیار، و. و محمدی، ا. (۱۳۹۷). سنجش توانمندسازی معلولین جسمی (معلولین جسمی-حرکتی، احشایی و حسی) و عوامل مرتبط با آن. توانبخشی، ۱۹(۴)، ۳۶۸-۳۵۴.
۷. رضایی، م. ر. و حج‌فروش، ش. (۱۳۹۹). ارزیابی مطلوبیت طراحی فضاهای مسکونی برای معلولان جسمی-حرکتی با رویکرد شهر دوستدار معلولان (مطالعه موردی: شهر یزد). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۲(۴)، ۱۴۵۲-۱۴۳۳.
۸. سجادیان، م.، فیروزی، م. ع. و احمدپور، ا. (۱۴۰۱). واکاوی شهر هوشمند آینده اهواز از منظر کلان‌مؤلفه‌های شکل‌گیری. فصلنامه آینده‌پژوهی شهری، ۲(۲)، ۳۵-۱۸.
۹. سلامی، ش. و مظهری، م. (۱۴۰۱). حق بر سلامت معلولان در حوزه حقوق شهری. دانشنامه‌های حقوقی، ۵(۱۵)، ۱۱۱-۱۳۱.
۱۰. صادقی فسایی، س. و فاطمی‌نیا، م. ع. (۱۳۹۳). معلولیت؛ نیمه پنهان جامعه. رفاه/اجتماعی، ۱۵(۵۸)، ۱۹۲-۱۵۷.
۱۱. عنابستانی، ز.، سرور، ر. و مهدوی حاجیلویی، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر تحولات بازار زمین و مسکن شهری. اقتصاد و مدیریت شهری، ۴(۱۴)، ۳۸-۱۹.
۱۲. غلامی، ن.، امیر فخریان، م. و اسدی، ر. (۱۴۰۰). تحلیل رویکردهای حاکم بر مدیریت شهری مشهد درباره توان‌یابان و معلولان شهری. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۹(۴)، ۱۱۹۷-۱۱۷۵.
۱۳. لطیفیان، م.، بنی‌اسد، ا. و کمالی، م. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد اجتماعی معلولیت: یک مرور نظام‌مند. پژوهش‌های مددکاری/اجتماعی، ۷(۲۶)، ۱۰۱-۵۳.
۱۴. مقامی، ا. و امیرشاکرمی، م. س. (۱۳۹۷). حق تفریح و فراغت معلولین در پرتو اسناد بین‌المللی. مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۱۰(۱)، ۳۴۴-۳۰۵.
۱۵. محمدی، ج.، محمدی، ع. ر.، غفاری گیلانده، ع. و یزدانی، م. ح. (۱۴۰۰). سنجش تأثیرپذیری شهر از نماگرهای شهر هوشمند (مطالعه موردی: شهر زنجان). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳(۲)، ۵۴۳-۵۲۱.
۱۶. سازمان بهزیستی کشور. (۱۴۰۳). بازیابی از: <https://www.behzisti.ir/>
۱۷. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۳). بازیابی از: <https://amar.org.ir/>

18. de Oliveira Neto, J. S. (2018). *Inclusive Smart Cities: theory and tools to improve the experience of people with disabilities in urban spaces* (Doctoral dissertation, Université Paris Saclay (COMUE); Universidade de São Paulo (Brésil)).
19. Gong, W., & Lyu, H. (2017). *Sustainable city indexing: Towards the creation of an assessment framework for inclusive and sustainable urban-industrial development*. UNIDO.
20. Harrison, J. (2012). Life after regions? The evolution of city-regionalism in England. *Regional Studies*, 46, 1243–1259.
21. Lindfield, M., & Steinberg, F. (2011). *Inclusive cities*. Asian Development Bank.
22. Lupton, R., Rafferty, A., & Hughes, C. (2016). *Inclusive growth: Opportunities and challenges for Greater Manchester*. Manchester: Research Explorer the University of Manchester.
23. McGranahan, G., Schensul, D., & Singh, G. (2016). Inclusive urbanization. *Environment and Urbanization*, 28(1), 13–34.
24. Ranieri, R., & Ramos, R. A. (2013). *After all, what is inclusive growth?*. <https://ideas.repec.org/p/ipc/oparab/188.html>.
25. Rattray, N. A. (2013). Contesting urban space and disability in Highland Ecuador. *City & Society*, 25(1), 25–46.
26. Salha, R. A., Jawabrah, M. Q., Badawy, U. I., Jarada, A., & Alastal, A. I. (2020). Towards a smart, sustainable, accessible and inclusive city for persons with disability. *Journal of Geographic Information Systems*, 12, 348–371.
27. Serageldin, M. (2019). Preserving the historic urban fabric in a context of fast-paced change. *Historic Cities: Issues in Urban Conservation*, 8, 175–184.
28. Shah, P., Hamilton, E., Armendaris, F., & Lee, H. (2015). *World-inclusive cities approach paper*. World Bank.
29. Syed, Z. S. (2009). *Inclusive planning for social integration*. https://www.academia.edu/36237776/Inclusive_Planning_as_a_Tool_For_Social_Integration.
30. Taylor, J. L., et al. (2020). Pain in low-income older women with disabilities. *Journal of Women & Aging*, 32(4), 402–423.
31. UN-Habitat. (2016). *World cities report 2016: Urbanization and development – emerging futures*. [https://www.academia.edu/43040549/ UN HABITAT 2016 Urbanization and development Emerging futures Nairobi Autor 159 174 pp](https://www.academia.edu/43040549/UN_HABITAT_2016_Urbanization_and_development_Emerging_futures_Nairobi_Autor_159_174_pp).
32. Wang, Y. X., et al. (2019). The mediating role of inclusive leadership. *Journal of Nursing Management*, 27(4), 688–696.
33. World Tourism Organization. (2016). *Tourism for all: Promoting universal accessibility*. Madrid.
34. Yigitcanlar, T., & Lee, S. H. (2014). Korean ubiquitous-eco-city. *Technological Forecasting and Social Change*, 89, 100–114.
35. Yigitcanlar, T., Dur, F., & Dizdaroglu, D. (2015). Towards prosperous sustainable cities. *Habitat International*, 45, 36–46.
36. Yoo, S. J., Min, K. J., Jeong, S. H., & Shin, D. B. (2016). Inter-ministerial collaboration to utilize CCTV video service operated by the U-City Center of South Korea. *Spatial Information Research*, 24(4), 389–400.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

Journal of Geography and Urban Space Development Vol. 13, No.1 (spring 2026) – Serial Number 32

The Role of Building Density (Housing Typology) in Urban Neighborhood Livability; Ekbatan Town, Tehran (High-Density Urban Fabric) and Fardis Village Town (Low-Density Urban Fabric)

Salimeh Ebadi Ghajari¹

Phd Candidate in Urban Planning, University of Guilan, Rasht, Iran.

Mehrnaz Molavi

Assistant Professor in Urban Planning, University of Guilan, Rasht, Iran.

Mazaher Molaei

Master of Regional Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 16 August 2025

Accepted: 18 January 2026

PP. 160-181

DOI: 10.22067/jgusd.2026.87526.1410
Scientific-Research Article

Abstract

Introduction: Livability, as one of the key indicators in assessing urban environmental quality, is influenced by physical, social, and service-related characteristics. Ekbatan Town (high-rise model) and Fardis Village Town (villa-style model) are two prominent examples of distinct residential patterns in Iran. A comparative study of these two can shed new light on the relationship between density and livability.

Methodology: This research aims to investigate and compare livability levels in two distinct urban housing typologies, identify factors influencing residents' satisfaction, and analyze the role of density in shaping the livability experience. The study adopts a qualitative approach, utilizing semi-structured interviews. Sampling was conducted purposively, selecting long-term residents, and data analysis was conducted using content analysis method with MAXQDA software.

Findings: Findings revealed that in Ekbatan Town, despite high building and population density, access to services, public transportation, and security contributed to higher satisfaction levels, particularly among younger residents. In contrast, in Fardis Town, tranquility, safety, and extensive green spaces were the most significant livability factors, providing greater satisfaction for older age groups. Differences in social participation were also observed, with minimal participation in Ekbatan and relatively limited engagement in Fardis.

Results: The study demonstrated livability is not solely dependent on density, but is shaped by a combination of physical, service-related, and social factors. In high-density areas, access to services and transportation plays a key role, whereas in low-density areas, tranquility, safety, and sense of belonging become more significant. Findings highlight the need for differentiated urban planning policies tailored to various age groups and housing typologies.

Keywords: Livability, building density, housing type, Ekbatan town, Dehkede town

¹. Corresponding author. Email: saly.ebady@gmail.com

Extended abstract

1.Introduction

Livability, as one of key indicators in assessing urban environmental quality, is influenced by physical, social, and service-related characteristics. Differences in density and housing patterns have various consequences for livability dimensions, such as access to green and open spaces, walkability, social security, level of neighborhood participation, and residents' service needs. Ekbatan Town (High-Density Urban Fabric) and Fardis Village Town (Low-Density Urban Fabric) are two prominent examples of distinct residential patterns in Iran. A comparative study of these two can shed new light on relationship between density and livability. The aim of this research is comparing livability level in two different housing types, identifying components affecting residents' satisfaction, and analyzing the role of density in shaping livability experience.

2. Method

The research is applied in terms of objective and descriptive-survey in terms of methodology. Data collection was conducted through documentary studies and field surveys. Initially, the categories and indicators related to urban livability were extracted using documentary research. To gain a deep understanding of residents' lived experiences, semi-structured interviews were used as data collection tool. The study's statistical population included residents of two studied neighborhoods. Purposive sampling was employed to select participants, individuals with longer residence experience in neighborhoods and adequate awareness of livability. The interview process in each neighborhood continued until reaching theoretical saturation and repetition of experiences; a total of 20 interviews were conducted (10 in Ekbatan Town and 10 in Fardis Village Town). Each interview lasted approximately 40 minutes, and collected data were analyzed using qualitative content analysis and MAXQDA software.

3. Results

The experience of livability in Ekbatan and Fardis Towns is not limited to differences in building and population density. While Ekbatan Town with high-rise pattern and Firdis Village Town with villa pattern appear physically different, significant differences in their livability stem from a more complex interaction of factors. In Ekbatan Town, despite high building and population density, a set of qualitative environmental factors has led to a considerable level of residential satisfaction among residents. The presence of high-quality green spaces, pedestrian access to welfare and service facilities, and efficient public transportation system have acted as moderating factors, reducing potential negative effects of high density. Young residents, particularly educated groups, perceive high density not as a nuisance, but as an opportunity for "desirable anonymity" and freedom of action in public spaces, indicating new patterns of social relations in dense environments. The livability experience in Ekbatan represents "smart density", where environmental design quality and service integration mitigates the negative effects of high density. The livability experience in Fardis Village is accompanied by unique features that meet middle-aged and elderly group's needs. In low-density environments like Fardis Village, specific social relations are observed, based on conscious choice and privacy preservation. Extensive green spaces and private gardens provide opportunities for light physical activities and connection with nature, which are important for mental and physical health. These features, along with appropriate access to local services, have created a livability pattern that provides a good quality of life for residents. The Fardis Village experience shows, low density leads to residential

satisfaction, when accompanied by smart design of public and semi-public spaces and correctly addresses the specific needs of residents' age groups. Unlike high-density environments, social relations in this pattern are higher quality and depth, leading to creation of informal support networks at neighborhood level. These findings emphasize the importance of adapting residential environmental design to demographic characteristics of residents. Ultimately, it can be acknowledged that in Ekbatan, despite high building and population density, access to services, public transportation, and security have increased the level of resident satisfaction, especially among younger groups. In Fardis Village, peace, security, and green spaces have been the most important livability factors, providing greater satisfaction for older age groups. A difference in level of social participation was also observed; participation was very low in Ekbatan Town, while it was relative and limited in Fardis Village.

4. Discussion and Conclusion

The results indicate the necessity of adopting different policies in urban planning for various age groups and residential patterns. The choice of housing type and location is not solely dependent on density, but is influenced by factors such as age, income, household size, education, and social needs. Enhancing livability in diverse fabrics requires executive interventions tailored to social and physical characteristics of each neighborhood. In high-density cities, policymakers should focus on strengthening public transportation, creating vibrant and diverse public spaces, developing cultural and sports centers, and improving quality of local services to meet young and active population needs. Conversely, in low-density cities, executive priorities should be on preserving environmental tranquility, increasing neighborhood security through strengthening local management and resident participation, and maintaining and developing green and open spaces. Additionally, creating effective mechanisms for citizen participation in local decision-making can strengthen the sense of social belonging and contribute to livability sustainability. Thus, implementing flexible and place-based policies will be the key for improving quality of life in different residential types. Focus on diversity of each group's needs, creating flexibility in urban planning and designing residential environments based on specific conditions of each local community can pave the way for achieving more humane, sustainable, and livable cities.

Keywords: Livability, Building Density, Housing typology, Ekbatan Town, Fardis Village Town



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۳۲

نقش تراکم ساختمانی (گونه مسکن) در زیست‌پذیری محلات شهری؛ شهرک اکباتان تهران (بافت پرتراکم) و شهرک دهکده فردیس (بافت کم‌تراکم)

سلیمه عبادی قاجاری* (دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول)

saly.ebady@gmail.com

مهرناز مولوی (استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)

mehrnaz.molavi@gmail.com

مظاهر مولایی (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

mazahermolaei@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵

صص ۱۶۰-۱۸۱

چکیده

زیست‌پذیری یکی از شاخص‌های کلیدی ارزیابی کیفیت محیط شهری و تحت‌تأثیر ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و خدماتی است. شهرک اکباتان (الگوی بلندمرتبه‌سازی) و شهرک دهکده فردیس (الگوی ویلایی) دو نمونه بارز از بافت‌های مسکونی متفاوت هستند که مطالعه تطبیقی آن‌ها می‌تواند ابعاد تازه‌ای از ارتباط میان تراکم و زیست‌پذیری را روشن سازد. هدف این پژوهش مقایسه سطح زیست‌پذیری در دو گونه متفاوت مسکن، شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت‌مندی ساکنان، و تحلیل نقش تراکم در شکل‌گیری تجربه زیست‌پذیری است. پژوهش با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند از ساکنان با سابقه سکونت طولانی‌تر و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. یافته‌ها نشان داد در شهرک اکباتان، علی‌رغم تراکم بالای ساختمانی و جمعیتی، دسترسی به خدمات، حمل‌ونقل عمومی، و امنیت موجب افزایش سطح رضایت ساکنان به‌ویژه گروه‌های جوان‌تر شده است. در شهرک فردیس، آرامش، امنیت، و وجود فضاهای سبز مهم‌ترین عوامل زیست‌پذیری برای ساکنان بوده و رضایت بیشتری برای گروه‌های سنی بالاتر فراهم کرده است. تفاوت در سطح مشارکت اجتماعی نیز مشاهده شد؛ مشارکت در شهرک اکباتان بسیار اندک و در شهرک دهکده نسبی و محدود بود. پژوهش نشان داد زیست‌پذیری تنها به تراکم وابسته نیست، بلکه ترکیبی از عوامل کالبدی، خدماتی و اجتماعی آن را شکل می‌دهند. در تراکم بالا، دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل نقش کلیدی دارد، در حالی‌که در تراکم پایین، آرامش، امنیت و حس تعلق اهمیت بیشتری دارد. نتایج بیانگر ضرورت اتخاذ سیاست‌های متفاوت در برنامه‌ریزی شهری برای گروه‌های سنی و الگوهای سکونتی گوناگون است.

کلیدواژه‌ها: تراکم ساختمانی، زیست‌پذیری، شهرک اکباتان، شهرک دهکده، گونه مسکن.

۱. مقدمه

شهرنشینی شتابان و بدون برنامه‌ریزی در دهه‌های گذشته، به‌ویژه در کشورهای آسیایی در حال توسعه، منجر به مسائل متعددی از جمله تمرکز جمعیت، کمبود مسکن و خدمات، کمبود منابع و ترافیک و ... شده است (ژو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱؛ مهانتا و بورگهین^۲، ۲۰۲۲، ص. ۱). تداوم این روند با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بحران‌آفرینی همراه بوده که کیفیت زندگی و در نتیجه زیست‌پذیری شهرها را کاهش داده است (آروین و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲). گرچه شهرها شیوه برتر زندگی محسوب می‌شوند، اما خود بستر بسیاری از چالش‌های اساسی بوده و در دهه‌های اخیر سرزندگی و زیست‌پذیری خود را از دست داده‌اند (خزاعی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۴). بنابراین، اهمیت پرداختن به بحث زیست‌پذیری و توسعه پایدار در شهرها امروزه کاملاً آشکار است (آروین و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲).

زیست‌پذیری شهری یک مفهوم محوری و چندبعدی در برنامه‌ریزی شهری معاصر است که هدف آن ارتقای کیفیت زندگی از طریق ایجاد محیطی پایدار، امن، اجتماعی و فراگیر است (هیگز^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۲؛ بایگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۹۳). این مفهوم به دلیل تداخل مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی و همچنین برداشت‌های مختلف مردم از آن، بسیار پیچیده است (قاسمی^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۸۳). زیست‌پذیری در معنای اصلی خود به مفهوم دستیابی به کیفیت شهری خوب یا مکان پایدار است (ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۰). این یک مفهوم نسبی است که تعریف آن بسته به فرهنگ، زمان، مکان، هدف ارزیابی و سیستم ارزشی ارزیابان تغییر می‌کند (مهره‌کش و صابری، ۱۴۰۱، ص. ۲). بنا بر گفته بالساس^۶، به‌سختی می‌توان مفهوم زیست‌پذیری را به‌گونه‌ای تعریف کرد که همه آن را درک کنند (لورو^۷ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۲). تیمر و سیمور^۸ (۲۰۰۶) زیست‌پذیری را به‌عنوان کیفیت زندگی درک‌شده ساکنان توصیف کردند (لی^۹، ۲۰۲۱: ۲). مفهوم زیست‌پذیری با چند عبارت رایج نظیر گزینه‌ها، فرصت‌ها، نیازهای ساکنان، رضایت (یانگ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲)، رفاه و کیفیت زندگی (بایگ و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۹۲؛ مشتها^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۸۷۵)، دسترسی (به زیرساخت‌ها، مسکن، شغل، غذا، هوای پاک، فضای سبز و...) (رفیعی مجید^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲۶۹-۲۶۷)، برابری و

¹. Zhu

². Mahanta and Borgohain

³. Higgs

⁴. Baig

⁵. Ghasemi

⁶. Balsas

⁷. Louro

⁸. Timmer and Seymoar

⁹. Lee

¹⁰. Yang

¹¹. Mushtaha

¹². Rafee Majid

مشارکت (ساسانپور و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۳۰)، تنوع، تاب‌آوری (یانگ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲؛ شی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲)، زیرساخت اجتماعی، امنیت (رفیعی مجید و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲۶۹-۲۶۷) و احساس تعلق مرتبط است. این مفهوم علاوه موارد فوق، به عنوان شاخصی برای سنجش تأثیر سیاست‌های شهری بر سلامت و رفاه عمومی نیز مورد توجه قرار گرفته است (شیخ و ون آمیجده^۲، ۲۰۲۲، ص. ۳).

برای حل مسائل پیچیده شهری، رویکردهای گوناگونی از جمله زیست‌پذیری، شهر هوشمند، شهر تاب‌آور، شهر خلاق و سایر مفاهیم مشابه مطرح و به کار گرفته شده‌اند (قنبری و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۲). توجه به این مفاهیم به‌ویژه در شهرهای در حال رشد کشورهای جنوب جهانی که رشد سریع و بدون برنامه‌ریزی، کیفیت زندگی را تهدید می‌کند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (جودر^۳ و همکاران، ۲۰۲۵، ص. ۲). دستیابی به تعادل بین ابعاد مختلف زیست‌پذیری، مستلزم درک مکانیسم‌های تأثیر شاخص‌های تراکم (مانند تراکم جمعیت و ساختمان) و سایر ویژگی‌های محیط مصنوع بر کیفیت‌های اجتماعی-اقتصادی است. علاوه بر این، الگوهای کالبدی و تراکم ساخت‌وساز در بستر اجتماعی و اقتصادی یک شهر، تأثیرات قابل‌ملاحظه‌ای بر شاخص‌های زیست‌پذیری دارند (مارتینو^۴ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۲۲۱).

ایده‌های اصلی مدل‌های توسعه شهری بر افزایش تراکم جمعیت و ساختمان، تقویت حس اجتماع، کاهش استفاده از خودرو، کنترل رشد شهر و توسعه کاربری زمین مختلط استوار است (اکترساتو و چیو^۵، ۲۰۱۷، ص. ۱). شکل شهری کنونی با تراکم بالا در تعاملات اجتماعی و کیفیت محیطی ناکام است. هاوولی^۶ و همکاران (۲۰۰۹) بیان کردند، کسانی که زندگی در مرکز شهری دوبرلین را انتخاب کرده‌اند، آرزو برای زندگی در تراکم کمتر دارند. در مطالعه دیگری، هاوولی و همکاران (۲۰۰۹) عوامل مرتبط با نارضایتی مانند کیفیت پایین محیطی، سروصدای سنگین و ترافیک، و کمبود حس اجتماع در مناطق پرتراکم را نشان داده‌اند (توماس^۷ و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۲۵۴). در سال‌های اخیر، تفکر مقاومت در برابر افزایش تراکم در حال تغییر است (آلن^۸، ۲۰۱۶، ص. ۳۷). گونه‌های مسکن چند طبقه و چند واحدی به گزینه غالب آینده تبدیل خواهد شد، در حالی که مسکن حومه با تراکم کم ثابت می‌ماند یا کاهش می‌یابد (هارهوف^۹ و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۳). آلوز (۲۰۰۴) بیان می‌کند که توسعه فشرده (و تجمع شهری^{۱۰}) با زیست‌پذیری بیشتر و کیفیت زندگی بهتر همراه است. این تفکر با توسعه مسکن در فاصله پیاده‌روی محله‌های شهری و حمل‌ونقل

¹. Shi

². Sheikh & van Ameijde

³. Jodder

⁴. Martino

⁵. Akter Satu and Chiu

⁶. Howley

⁷. Thomas

⁸. Allen

⁹. Haarhoff

¹⁰. Urban Consolidation

عمومی مرتبط است، و در آن اولویت با زندگی خیابانی، حس شهرنشینی، محله‌های قابل پیاده‌روی و جوامع مرتبط است (هارهوف و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۳). رامان^۱ (۲۰۱۰) به‌عنوان یک فرض ضمنی می‌بیند که تراکم بالاتر، «زیست‌پذیری» و «کیفیت زندگی» را افزایش می‌دهد. همان‌طور که گالنت و وانگ (۲۰۰۹) اشاره می‌کنند، ایده زیست‌پذیری اغلب با کیفیت زندگی و «بهزیستی» درآمیخته می‌شود. روابط بین تراکم جمعیت و زیست‌پذیری درک‌شده نیز توسط والتون، موری و توماس^۲ (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار گرفته است. براملی^۳ و همکاران (۲۰۰۶) نیز نشان می‌دهند که انتخاب مسکن پیچیده‌تر از انتخاب ساده بین تراکم‌های مختلف است (هارهوف و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۶). راپاپورت (۱۹۷۷) استدلال کرد که تجربه و درک تراکم توسط افراد می‌تواند در تراکم‌های مختلف متفاوت باشد. آن‌ها می‌توانند به سایر ویژگی‌های فیزیکی محیط ساخته‌شده مانند فضای بین ساختمان‌ها، نسبت فضای باز، ارتفاع ساختمان و چیدمان بستگی داشته باشند (رامان، ۲۰۱۶، ص. ۶۵). راندال^۴ (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کند که امکانات شهری بسته به عواملی مانند سن، تحصیلات، اندازه خانوار و درآمد ساکنان می‌تواند متفاوت درک شود (آلن، ۲۰۱۶، ص. ۴۰).

زیست‌پذیری محلات شهری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی کیفیت زندگی شهروندان، تحت تأثیر مستقیم الگوهای کالبدی و تراکم ساختمانی قرار دارد. تفاوت در نوع مسکن می‌تواند پیامدهای متعددی بر ابعاد زیست‌پذیری همچون دسترسی به فضاهای سبز و باز، امکان پیاده‌مداری، امنیت اجتماعی، سطح مشارکت همسایگی و نیازهای خدماتی ساکنان داشته باشد. در این میان، شهرک اکباتان تهران به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از بافت پرتراکم و شهرک دهکده فردیس کرج به‌عنوان بافت کم‌تراکم، دو الگوی متفاوت از سکونت شهری در کلان‌شهرهای ایران را بازنمایی می‌کنند که بررسی تطبیقی آن‌ها می‌تواند نشان دهد چگونه تراکم و گونه مسکن بر درک ساکنان از زیست‌پذیری تأثیر می‌گذارد. ضرورت این مطالعه در آن است که بافت‌های شهری ایران در دهه‌های اخیر با دو گرایش متضاد مواجه‌اند؛ از یک‌سو توسعه مجتمع‌های پرتراکم برای پاسخ‌گویی به تقاضای مسکن در کلان‌شهرها، و از سوی دیگر گسترش محلات کم‌تراکم ویلایی در حاشیه شهرها. نبود ارزیابی علمی و تطبیقی از تأثیر این دو الگو بر زیست‌پذیری موجب شده سیاست‌گذاری شهری غالباً بدون در نظر گرفتن کیفیت زندگی ساکنان صورت گیرد. بنابراین، نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی شهری پایدار و بهبود کیفیت زندگی در بافت‌های موجود باشد. سوال اصلی این پژوهش آن است که رابطه میان تراکم ساختمانی و جمعیتی با میزان زیست‌پذیری در شهرک‌های پرتراکم (اکباتان) و ویلایی (دهکده فردیس) چگونه است؟ بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیست‌پذیری ساکنان در دو الگوی سکونتی متفاوت (پرتراکم و ویلایی) و عوامل مؤثر بر انتخاب مسکن انجام شده است.

^۱ . Raman

^۲ . Walton, Murray, and Thomas

^۳ . Bramley

^۴ . Randall

۲. روش شناسی

۱.۲. روش انجام پژوهش

پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقیق توصیفی- پیمایشی است. گردآوری داده‌ها از طریق پیمایش میدانی انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع و ضرورت دستیابی به درک عمیق از تجارب زیسته ساکنان، از روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. داده‌های گردآوری شده با روش تحلیل محتوا با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شد. شاخص‌های پژوهش بر اساس ادبیات نظری و مطالعات پیشین تدوین گردید و سپس در قالب پرسش‌های باز در مصاحبه‌ها به کار گرفته شد. برای سنجش اعتبار مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته، با استناد به مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین تدوین گردید و پس از مشورت با متخصصان، بازنگری شد تا اطمینان حاصل شود که پرسش‌ها توانایی پوشش ابعاد مختلف زیست‌پذیری را دارند. جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان دو محله مورد مطالعه بود. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد تا افرادی که تجربه طولانی‌تری از سکونت در محله داشته و آگاهی مناسبی از شرایط زیست‌پذیری دارند، وارد مطالعه شوند. فرایند مصاحبه در هر محله تا رسیدن به نقطه اشباع نظری و دستیابی به تکرار تجربه افراد ادامه یافت؛ بدین ترتیب، در مجموع با ۲۰ نفر (۱۰ نفر از شهرک اکباتان و ۱۰ نفر از شهرک دهکده فردیس) مصاحبه انجام گرفت. هر مصاحبه حدود ۴۰ دقیقه به طول انجامید و داده‌های گردآوری شده به وسیله روش تحلیل محتوای کیفی کدگذاری و دسته‌بندی شد. این رویکرد امکان شناسایی مضامین مشترک و متفاوت در دو محله را فراهم ساخت و مبنای استخراج یافته‌های پژوهش قرار گرفت. جهت انجام پژوهش، ابتدا مقوله‌ها و شاخص‌های پژوهش مرتبط با زیست‌پذیری شهری با استفاده از مطالعات اسنادی استخراج شده‌اند که در قالب جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. فهرست شاخص‌های پژوهش

مقوله	شاخص
مسکن	گزینه‌های مسکن مسکن با کیفیت
محله	نزدیکی به محل کار و مراکز خرید روزانه محله مختلط (دارای تنوع کاربری)
فضای باز عمومی	مسافت تا نزدیک‌ترین فضای باز عمومی
	مسافت تا نزدیک‌ترین پارک محلی
	کیفیت پارک‌ها و فضاهای باز عمومی
حمل و نقل و ارتباطات	شیوه‌های حمل و نقل
	کیفیت حمل و نقل
	مسافت تا ایستگاه حمل و نقل عمومی
پیاده‌مداری	فاصله تا نزدیک‌ترین مراکز فعالیتی

مقوله	شاخص
	دسترسی به مسیرهای دوچرخه‌سواری
	دسترسی به مسیرهای پیاده
	ایمنی پیاده‌روی
محیطی	کیفیت آب کیفیت هوا تاب‌آوری
زیرساخت آموزشی	دسترسی به مراکز آموزشی کیفیت آموزش
زیرساخت بهداشتی	دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی کیفیت مراکز بهداشتی و درمانی کیفیت بهداشت عمومی
زیرساخت فرهنگی - ورزشی	دسترسی به تسهیلات ورزشی
	دسترسی به تسهیلات فرهنگی
	کیفیت تسهیلات ورزشی و فرهنگی
مشارکت	مشارکت اجتماعی
ثبات	شیوع جرم امنیت اجتماعی

مأخذ: (اکبری^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ اکترساتو و چيو، ۲۰۱۷؛ انجمن بازنشستگان آمریکا^۲، ۲۰۲۳؛ بایگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ بو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹؛ رصدخانه شهری استرالیا^۴، ۲۰۲۳؛ رفیعی مجید و همکاران، ۲۰۲۰؛ رندهاوا و کومار^۵، ۲۰۱۷؛ ژان^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ شی و همکاران، ۲۰۲۲؛ قاسمی و همکاران، ۲۰۱۸؛ قنبری و همکاران، ۱۴۰۰؛ کاوکس گوری^۷ و همکاران، ۲۰۲۰؛ لورو و همکاران، ۲۰۲۱؛ لی، ۲۰۲۱؛ لیانگ^۸ و همکاران، ۲۰۲۰؛ لیو^۹ و همکاران، ۲۰۱۹؛ مارتینو و همکاران، ۲۰۲۱؛ مشتها و همکاران، ۲۰۲۰؛ مهانتا و بورگهین، ۲۰۲۲؛ واحد اطلاعات اقتصادی^{۱۰}، ۲۰۲۳؛ ونگ و میائو^{۱۱}، ۲۰۲۲)

1. Akbari

2. American Association of Retired Persons (AARP)

3. Bo

4. Australian Urban Observatory (AUO)

5. Randhawa and Kumar

6. Zhan

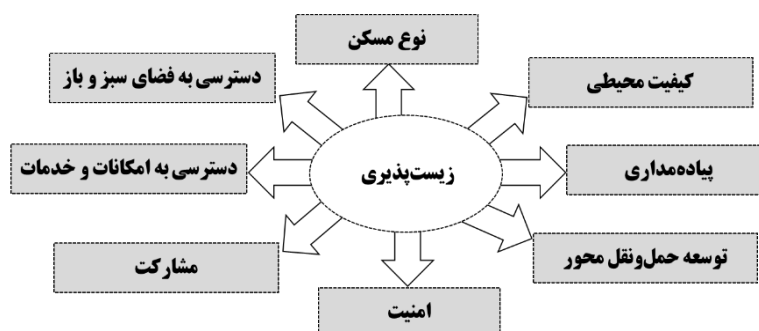
7. Kovacs-Györi

8. Liang

9. Liu

10. Economist Intelligence Unit (EIU)

11. Wang and Miao



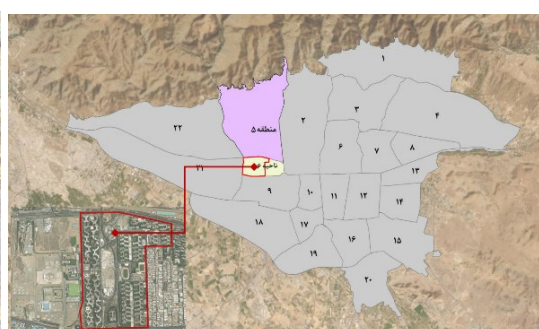
شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

۲.۲. معرفی محدوده مطالعاتی

شهرک اکباتان تهران و شهرک دهکده فردیس از جمله محلات برنامه‌ریزی شده در کشور هستند که با نقشه از پیش تعیین شده طراحی و ساخته شده‌اند. شهرک اکباتان محله‌ای با ساختمان‌های بلندمرتبه در غرب و منطقه ۵ شهرداری تهران است که در مساحتی معادل ۵۹۵ هکتار، جمعیتی حدود ۴۵۰۰۰ نفر را در خود جای داده است. در این شهرک فضاهای سبز بسیار گسترده وجود دارد؛ نزدیک به نیمی از مساحت شهرک را فضای سبز و بوستان تشکیل داده است. این شهرک از شرق به کوی بیمه و شهرک آپادانا، از شمال به اتوبان تهران کرج، از غرب به نمایشگاه صنایع هواپیمایی و از جنوب به بزرگراه شهید لشگری می‌رسد. شهرک دهکده محله‌ای با ساختمان‌های ویلایی در فردیس است که در مساحتی معادل صد هکتار، جمعیتی حدود ۲۳۰۰ نفر را در خود جای داده است. این شهرک دارای ۷۰ هکتار فضای سبز شامل درختان چنار، درختان میوه، بوستان و... است. این شهرک از شرق به بلوار مسلم بن عقیل، از غرب و جنوب به شهرک ناز و از شمال با خیابان پامچال محدود می‌گردد. موقعیت شهرک اکباتان در شهر تهران در تصویر شماره ۲ و موقعیت شهرک دهکده در شهر فردیس در تصویر شماره ۳ آمده است.



شکل ۳. موقعیت شهرک دهکده در شهر فردیس



شکل ۲. موقعیت شهرک اکباتان در شهر تهران

۳. یافته‌های پژوهش

۱.۳. کیفیت محیطی و دسترسی به فضای سبز و باز

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که دسترسی به فضای سبز و باز تحت تأثیر نوع مسکن و تراکم محله متفاوت است. در شهرک اکباتان، فضاهای سبز و وسایل بازی در مقابل بلوک‌ها قرار دارند و دسترسی خانواده‌ها کمتر از پنج دقیقه است. این فضاها امکان استراحت، بازی کودکان و تعامل اجتماعی را برای ساکنان فراهم کرده و رضایت بالای آنان را جلب کرده است. در مقابل، در شهرک دهکده، با وجود فضای سبز گسترده و پارک‌های محلی، فاصله دورترین خانه تا مرکز محله حدود ۱۲۰۰ متر است و ساکنان غالباً از فضای خصوصی باغ و امکانات شخصی خانه استفاده می‌کنند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که چیدمان و نوع مسکن بر تجربه دسترسی به فضای سبز و فعالیت‌های تفریحی روزمره تأثیرگذار است. در شهرک اکباتان، کدها بیشتر به دسترسی سریع و رضایت از فضای سبز محله اشاره دارند. در شهرک دهکده، کدها نشان‌دهنده استفاده از فضای خصوصی و کاهش مراجعه به پارک محله است. مقوله‌ها نشان‌دهنده تم‌های کلیدی مرتبط با تجربه ساکنان از فضاهای سبز هستند. شهرک اکباتان با دسترسی سریع به فضاهای سبز محله، امکان فعالیت کودکان و تعامل اجتماعی را تسهیل کرده است. شهرک دهکده به دلیل وجود خانه‌های ویلایی و باغ‌های خصوصی، استفاده از فضای عمومی کمتر است و فعالیت‌های تفریحی اغلب در فضای خصوصی انجام می‌شود.

جدول ۲. کدگذاری بخش کیفیت محیطی و دسترسی به فضای سبز و باز

مقولات	کدها	متن مصاحبه
دسترسی و کیفیت فضای سبز محلی	استفاده از فضای سبز محلی، دسترسی سریع، فعالیت کودکان، استراحت والدین	در اکثر غروب‌ها فرزندم را برای بازی به فضای باز مقابل بلوک ساختمانی می‌برم. گاهی برای پیاده‌روی با دوستان تا پارک می‌روم و فرزندم را برای بازی با دوستان به پارک می‌برم
تجربه اجتماعی و تفریحی ساکنان	رضایت از فضای سبز، تعامل اجتماعی، استفاده روزمره، آرامش محیط	وجود فضای سبز و باز وسیع محله فضای دلپذیری برای استراحت و نشستن با دوستان فراهم کرده است.
استفاده از فضای خصوصی و امکانات خانه	استفاده از فضای خصوصی، امکانات تفریحی خانگی، کاهش مراجعه به پارک محله	ما در باغ خود آلاچیق داریم و برای تفریح در آنجا می‌نشینیم

۲.۳. پیاده‌مداری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات محلی و الگوی پیاده‌مداری ساکنان تحت تأثیر تراکم و چیدمان محله است. در شهرک اکباتان، مراکز فعالیت و خدمات در میان بلوک‌ها و فازها پراکنده‌اند و بیشتر نیازهای روزمره در فاصله پیاده‌روی قرار دارند؛ به همین دلیل خانوارها و کودکان به راحتی از خدمات استفاده می‌کنند و وابستگی به خودرو کاهش یافته است. در مقابل، در شهرک دهکده مراکز فعالیت عمدتاً در مرکز محله متمرکز شده و برخی خانه‌ها تا ۱۲۰۰ متر با آن فاصله دارند؛ بنابراین خانوارها برای دسترسی به

خدمات و مدارس ناچار به استفاده از خودرو یا سرویس هستند و پیاده‌مداری محدودتری دارند. در اکباتان، کدها نشان‌دهنده دسترسی آسان و امکان پیاده‌مداری برای گروه‌های مختلف سنی است، در حالی‌که در دهکده بیشتر به محدودیت‌ها و وابستگی به خودرو اشاره دارند. یافته‌ها بیانگر آن است که تراکم و الگوی استقرار خدمات نقشی تعیین‌کننده در رفتار روزمره ساکنان دارند: در اکباتان تراکم بالاتر و پراکندگی خدمات موجب تقویت پیاده‌مداری و کاهش وابستگی به خودرو شده، در حالی‌که در دهکده تراکم پایین و تمرکز خدمات وابستگی بیشتری به خودرو ایجاد کرده است.

جدول ۳. کدگذاری بخش پیاده‌مداری

مقولات	کدها	متن مصاحبه
دسترسی به خدمات و امکانات محلی	دسترسی پیاده به خدمات، نزدیکی مراکز فعالیت	اکثر خدمات موردنیاز در فاصله پیاده‌روی از منزل قرار دارد.
دسترسی به مدرسه و نیازهای کودکان	دسترسی پیاده به مدرسه، استقلال کودکان، ایمنی مسیر	فرزند من به صورت پیاده به مدرسه دسترسی دارد.
نوع رفتار و شیوه جابه‌جایی	فاصله زیاد، وابستگی به وسیله نقلیه، دسترسی محدود پیاده،	با استفاده از ماشین یا دوچرخه به مرکز محله مراجعه می‌کنم.
	محدودیت دسترسی پیاده، نیاز به خودرو برای سایر خدمات	تعداد کمی از خدمات نظیر خودپرداز و زمین ورزشی در مرکز محله قرار دارد که به صورت پیاده مراجعه می‌کنم.
	وابستگی به سرویس، دسترسی غیرپیاده، مدیریت زمان خانواده	فرزندم با استفاده از سرویس به مدرسه می‌رود.

۳.۳. توسعه حمل‌ونقل محور

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که الگوی استفاده از حمل‌ونقل در دو محله تحت تأثیر تراکم و امکانات حمل‌ونقل عمومی متفاوت است. در شهرک اکباتان، وجود مترو، اتوبوس و تاکسی امکان دسترسی آسان به نقاط مختلف شهر را فراهم کرده و بسیاری از ساکنان، به‌ویژه کسانی که رانندگی برایشان دشوار است، از حمل‌ونقل عمومی برای رفت‌وآمد روزانه بهره می‌برند. در مقابل، در شهرک دهکده گزینه‌های حمل‌ونقل عمومی محدود بوده و ساکنان بیشتر به خودروی شخصی یا سرویس مدرسه متکی هستند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که تراکم و نوع بافت شهری مستقیماً بر شیوه جابه‌جایی و میزان وابستگی خانوارها به خودرو اثرگذار است. کدها و مقوله‌های استخراج‌شده بیانگر آن است که در اکباتان، دسترسی متنوع و سریع به خدمات و شبکه حمل‌ونقل عمومی، استفاده گسترده از این سیستم را تسهیل کرده، در حالی‌که در دهکده، محدودیت خدمات حمل‌ونقل موجب وابستگی بیشتر به خودرو و کاهش انعطاف‌پذیری جابه‌جایی شده است. به طور کلی، طراحی فضایی و تراکم شهری نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار حمل‌ونقلی و تجربه زیست‌پذیری ساکنان دارد.

جدول ۴. کدگذاری بخش توسعه حمل و نقل محور

مقولات	کدها	متن مصاحبه
کیفیت تجربه حمل و نقل	استفاده از حمل و نقل عمومی، دسترسی به محل کار، کیفیت خدمات حمل و نقل	برای رفتن به محل کار از مترو استفاده می‌کنم، گرچه کیفیت آن کمی پایین است.
	محدودیت گزینه‌های حمل و نقل عمومی، دسترسی محدود	تنها وسیله حمل و نقل عمومی شامل تاکسی است
نوع و گستردگی وسایل حمل و نقل	استفاده گسترده از حمل و نقل عمومی، دسترسی به مراکز آموزشی و کاری	از وسایل حمل و نقل عمومی برای رفتن به دانشگاه و محل کار استفاده می‌کنم.
	وابستگی به وسیله نقلیه شخصی برای کودکان، محدودیت حمل و نقل عمومی	فرزند خود را با استفاده از سرویس به مدرسه می‌فرستم
الگوی جابه‌جایی خانوارها	استفاده از وسیله نقلیه شخصی، وابستگی به خودرو، دسترسی به محل کار	برای رفتن به محل کار از خودروی شخصی استفاده می‌کنم

۴.۳. دسترسی به امکانات و خدمات

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات محلی تحت تأثیر نوع بافت، تراکم و ترکیب جمعیتی متفاوت است. در شهرک اکباتان، تنوع بالای خدمات آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، ورزشی و فروشگاه‌های بزرگ‌مقیاس، دسترسی سریع و آسان به نیازهای روزمره و فعالیت‌های اجتماعی را فراهم کرده است؛ هرچند تراکم بالای تردد موجب شلوغی و نارضایتی برخی ساکنان شده است. در مقابل، در شهرک دهکده خریدهای روزانه به راحتی انجام می‌شود، اما برای خدمات آموزشی، بهداشتی و خرید ماهانه، وابستگی به خودرو یا تاکسی اجتناب‌ناپذیر است. تفاوت ترکیب جمعیتی نیز مؤثر بوده است: در اکباتان، ساکنان جوان‌تر به خدمات متنوع اجتماعی و آموزشی نیاز بیشتری دارند، در حالی که در دهکده با میانگین سنی بالاتر، آرامش و کاهش شلوغی در اولویت قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که بافت و تراکم شهری به‌طور مستقیم بر الگوی استفاده از خدمات و میزان وابستگی به خودرو اثرگذارند؛ اکباتان با تراکم بالاتر و خدمات متنوع، رضایت و سهولت دسترسی برای جوانان را فراهم کرده، اما دهکده با تراکم کمتر و جمعیت مسن‌تر، محیطی آرام‌تر اما با محدودیت خدمات ارائه می‌دهد. در بعد امنیت نیز تفاوت‌ها قابل توجه است: کدهای اکباتان نشان‌دهنده رضایت نسبی همراه با نگرانی محدود در برخی بلوک‌ها هستند، در حالی که در دهکده، امنیت عمومی و نقش اقدامات حفاظتی و حصارکشی رضایت کامل ساکنان را منعکس می‌کند.

جدول ۵. کدگذاری بخش دسترسی به امکانات و خدمات

مقولات	کدها	متن مصاحبه
دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی	دسترسی سریع به مدرسه، رضایت خانوار، تسهیل رفت و آمد کودکان	نزدیکی به مدارس موجب شد تا فرزندانم در این محله به راحتی به مدرسه دسترسی داشته باشند
	دسترسی به خدمات تفریحی و آموزشی، رضایت ساکنان، نیاز جوانان	دسترسی به کافه و انواع کلاس های ورزشی و هنری موجب رضایت خاطر من است
دسترسی به خدمات خرید و بهداشتی	دسترسی به خدمات خرید روزانه، وابستگی به خودرو برای خدمات بزرگ، مدیریت زمان خانواده	نیازهای خرید روزانه را از محله تهیه می کنیم، اما برای خرید هفتگی و ماهانه به خارج محله می رویم.
	دسترسی به خدمات بهداشتی، استفاده از خودرو، رضایت از خدمات اضطراری	اورژانس به سرعت در محله حاضر شد؛ برای خدمات بهداشتی - درمانی با خودرو مراجعه می کنیم
تفاوت های جمعیتی و توقعات ساکنان	نیاز به آرامش، ترجیح سکونت در محیط کم تراکم، تاثیر سن بر تجربه زیست پذیری	افراد گروه سنی بالاتری دارند و نیاز به آرامش دارند، از شلوغی دوری می کنند

۵.۳. امنیت

تحلیل داده ها نشان می دهد که احساس امنیت ساکنان تحت تاثیر ساختار محله، اقدامات حفاظتی و تجربه های گذشته متفاوت است. در شهرک اکباتان، بیشتر ساکنان امنیت بالای محله و نقش نگهبانی های بلوکی را تأیید می کنند، به طوری که تردد شبانه نیز ایمن ارزیابی می شود؛ با این حال، وقوع چند حادثه جنایی محدود موجب نگرانی در برخی بلوک ها شده است. در شهرک دهکده، همه ساکنان سطح بالای امنیت را گزارش کرده اند و وجود حصار، دروازه و نگهبانی مستمر، همراه با شناخت همسایگان از یکدیگر، حس اعتماد و آرامش بالایی ایجاد کرده است. یافته ها نشان می دهند که اقدامات حفاظتی و طراحی کالبدی محله، تجربه امنیت و آرامش روانی ساکنان را به شکل مستقیم تحت تاثیر قرار می دهند. در مجموع، اکباتان با وجود رضایت عمومی، تا حدی از حوادث جنایی آسیب پذیر است، در حالی که دهکده با طراحی حفاظتی و انسجام اجتماعی، رضایت کامل تری از امنیت فراهم کرده است.

جدول ۶. کدگذاری بخش امنیت

مقولات	کدها	متن مصاحبه
سطح کلی امنیت محله	احساس امنیت، امکان تردد شبانه، رضایت ساکنان	امنیت محله به گونه ای است که حتی می توان برخی نیمه شب ها در محوطه قدم زد.
تجارب منفی و نگرانی ها	نگرانی از جنایت، تجربه منفی، کاهش احساس امنیت در بلوک خاص	در ماه گذشته خانم پرستاری را در منزلش به قتل رساندند، من هم ترسیدم امنیت کاهش یافته است
اقدامات حفاظتی و مشارکت اجتماعی	امنیت بالا، حصار و نگهبانی، رضایت کامل ساکنان، کنترل رفت و آمد	امنیت در محله بسیار بالا است؛ دزدی رخ نداده و رفت و آمد کنترل می شود
	تعامل اجتماعی و امنیت، نقش جامعه محلی، حمایت حفاظتی	شناخت همسایه ها و نگهبانان به ایجاد امنیت کمک می کند

۶.۳. مشارکت

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سطح مشارکت اجتماعی ساکنان تحت تأثیر نوع بافت، تراکم و فرهنگ محله متفاوت است. در شهرک اکباتان، اغلب ساکنان در فعالیتهای اجتماعی مشارکت نداشته‌اند و تنها در موارد محدود کمک مالی گزارش شده است. این امر با نبود تعامل روزمره همسایگان و ترجیح به حفظ حریم شخصی همراه است، به گونه‌ای که «کاری به کار هم نداشتن» نوعی ویژگی مثبت تلقی می‌شود. در مقابل، در شهرک دهکده هرچند سطح مشارکت کلی پایین است، اما برخی ساکنان در مراسم محلی و فعالیتهایی مانند جمعه‌بازار یا بازسازی فضاهای عمومی همکاری داشته‌اند. این تفاوت نشان می‌دهد که فرهنگ محله و تراکم جمعیتی بر شکل‌گیری اتحاد و تعامل اجتماعی تأثیرگذار است. یافته‌ها بیانگر آن است که اکباتان با تراکم بالاتر و فرهنگ فردگرایانه، مشارکت اجتماعی حداقلی دارد، در حالی که دهکده با تراکم کمتر و پیوندهای محلی قوی‌تر، هرچند محدود، اما زمینه‌ساز اتحاد گروهی و فعالیتهای مشترک است. در مجموع، طراحی کالبدی و ویژگی‌های اجتماعی محله به طور مستقیم بر تجربه زیست‌پذیری و سطح مشارکت اجتماعی ساکنان اثرگذارند.

جدول ۷. کدگذاری بخش مشارکت

مقولات	کدها	متن مصاحبه
سطح مشارکت اجتماعی	عدم مشارکت اجتماعی، مشارکت مالی محدود، تأثیر سطح مالی	تاکنون در فعالیتهای اجتماعی مشارکت نداشته‌ام؛ تنها در کمک‌های مالی شرکت کرده‌ام
تعامل و اتحاد همسایگی	کاهش تعامل اجتماعی، تغییر فرهنگ محله، حفظ حریم شخصی	در گذشته همسایه‌ها متحد بودند و با هم سبزی پاک می‌کردند؛ اکنون کاری به کار هم ندارند
مشارکت در فعالیتهای محلی	مشارکت در فعالیتهای محلی، همکاری گروهی، تعامل اجتماعی محدود	جمعه‌بازاری با مشارکت ساکنان برگزار شد
	مشارکت مالی، توجه به بهبود فضای عمومی، همکاری ساکنان	برای بازسازی فضاهای عمومی مشارکت مالی داشتیم

۷.۳. ترجیح مسکن آینده

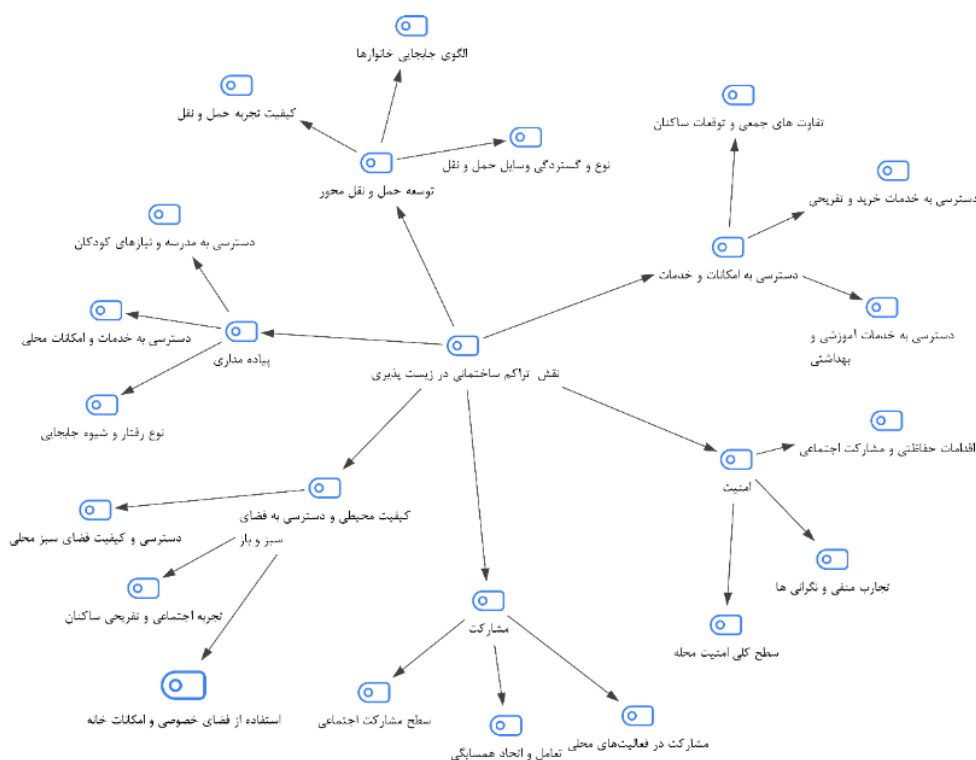
تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ترجیح ساکنان برای نوع مسکن آینده تحت تأثیر سن، تجربه سکونت کنونی و ارزش‌های فردی است. در شهرک اکباتان، بیشتر افراد از زندگی در برج‌ها رضایت دارند و امکانات رفاهی، حمل‌ونقل عمومی و امنیت بالا به درک مثبت آن‌ها از زیست‌پذیری کمک کرده است؛ با این حال، افراد مسن‌تر تمایل داشتند در صورت امکان در خانه‌های ویلایی اما با تأمین خدمات و امنیت کافی زندگی کنند. این امر نشان می‌دهد که انتخاب مسکن تنها به تراکم وابسته نیست، بلکه دسترسی به خدمات و احساس امنیت نیز نقش کلیدی دارد. در شهرک دهکده، همه مصاحبه‌شوندگان زندگی در خانه‌های ویلایی فعلی را ترجیح داده و آرامش، خلوت و امنیت را مهم‌ترین معیارها دانسته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در

اکباتان، افراد جوان تر از امکانات شهری و تراکم بالاتر رضایت دارند، اما افراد مسن تر خانه ویلایی را مطلوب تر می دانند. در دهکده، صرف نظر از سن، ساکنان رضایت کامل از محیط فعلی داشته و امنیت و آرامش را ارزشمندترین ویژگی زیست پذیری می دانند. بنابراین، ترکیب ویژگی های محیطی، اجتماعی و خدماتی محله به طور مستقیم بر ترجیحات مسکن آینده اثرگذار است.

جدول ۸. کدگذاری بخش ترجیح مسکن آینده

مقولات	کدها	متن مصاحبه
ترجیح نوع مسکن	رضایت از امکانات، ترجیح به تراکم بالاتر، علاقه به دسترسی آسان به خدمات	من در این محله به انواع خدمات دسترسی دارم و مکان های شلوغ تر را بیشتر دوست دارم
معیارهای انتخاب مسکن	تمایل به خانه ویلایی، اهمیت امنیت، انتخاب با معیار خدمات و آرامش	اگر در یک خانه ویلایی که امنیت تأمین باشد، چراکه نه؟
تداوم سکونت	رضایت از محل کنونی، اهمیت آرامش و امنیت، ترجیح به تداوم سکونت	من ۳۰ سال در این محله زندگی کرده ام و اگر انتخاب مجدد کنم، این گزینه بهترین است؛ آرامش و امنیت زیادی دارم
	رضایت از محیط، ارزش آرامش و خلوت بودن، انتخاب محل کنونی	ما بالای ۳۰ سال است که در این محله خانه داریم و بعد از بازنشستگی ساکن شدیم و احساس رضایت داریم

بررسی داده های جدول نشان می دهد که فضاهای سبز و محیطی نقش مهمی در رضایت ساکنان دارند. دسترسی کوتاه به فضاهای سبز و استفاده از باغ های خصوصی و وسایل بازی، به ویژه برای خانواده ها و کودکان، رضایت ساکنان را افزایش می دهد و فرصت تعامل اجتماعی و فعالیت های تفریحی سالم را فراهم می کند. همچنین، پیاده مداری و دسترسی به مراکز فعالیتی نقش مهمی در استقلال کودکان و کاهش وابستگی به خودرو دارد، هرچند استفاده از خودرو یا دوچرخه همچنان برای دسترسی به مراکز دورتر ضروری است. این موضوع نشان دهنده اهمیت طراحی شهری است که مسیرهای پیاده رو ایمن و دسترسی به امکانات محله را تضمین کند. از سوی دیگر، داده ها بیانگر اهمیت دسترسی به خدمات و امکانات، امنیت، و مشارکت اجتماعی در رضایت ساکنان است. دسترسی آسان به خدمات روزمره، آموزشی و بهداشتی، همراه با امنیت محله و کنترل ورود و خروج، پایه ای برای کیفیت زندگی بهتر فراهم می کند. با وجود این، مشارکت اجتماعی بیشتر در فعالیت های جمعی محدود است و تعامل همسایگی کاهش یافته است، که می تواند به طراحی فضاهای عمومی و ارتقای فعالیت های جمعی توجه بیشتری نیاز داشته باشد. همچنین، آرزوهای آینده مسکن نشان می دهد که ساکنان به دنبال مسکن با امنیت، آرامش و دسترسی مناسب به خدمات هستند و ترجیحات سنی، مانند تمایل افراد مسن به خانه ویلایی، بر تصمیمات مسکونی تأثیرگذار است.



شکل ۴. مقوله بندی نقش تراکم ساختمانی در زیست پذیری محلات شهری

۴. بحث

پژوهش حاضر نشان می دهد که تجربه زیست پذیری در دو محله اکباتان و دهکده فردیس، صرفاً به تفاوت در تراکم ساختمانی و جمعیتی محدود نمی شود. درحالی که اکباتان با الگوی بلندمرتبه سازی و تراکم بالا، و فردیس با الگوی ویلایی و تراکم پایین از نظر کالبدی کاملاً متضاد به نظر می رسند، تمایزهای معنادار در زیست پذیری این دو محله ناشی از تعامل پیچیده تر عوامل است. همان طور که براملی و همکاران (۲۰۰۶) تأکید کرده اند، انتخاب محل سکونت فرایندی پیچیده است که تحت تأثیر ویژگی های جمعیت شناختی و روان اجتماعی متعدد قرار دارد. تفاوت های سنی ساکنان دو محله یکی از عوامل کلیدی در شکل گیری نیازها و ترجیحات سکونتی است. در اکباتان، با جمعیت جوان تر، تقاضا برای خدمات پویا، مراکز آموزشی، فضاهای کاری و امکانات تفریحی بیشتر است و تراکم بالای ساختمانی با تمرکز خدمات، علی رغم چالش های احتمالی، همچنان گزینه مطلوبی برای سکونت محسوب می شود. در مقابل، ساکنان دهکده فردیس، عمدتاً میانسال و سالمند، معیارهای زیست پذیری متفاوتی دارند؛ آرامش محیطی، دسترسی به مراکز درمانی، فضاهای مناسب برای پیاده روی و تعاملات اجتماعی کم تنش برای آن ها اهمیت دارد، همان طور که راندال (۲۰۰۸) اشاره کرده است. مصاحبه ها نشان می دهد که ساکنان اکباتان نزدیکی به مراکز شغلی و دسترسی به حمل و نقل عمومی را نقطه قوت می دانند، در حالی که ساکنان فردیس بر فضای شخصی، کاهش آلودگی صوتی و محیطی مناسب برای استراحت تأکید دارند. این یافته ها حاکی از آن است که برنامه ریزی

شهری نمی‌تواند با یک الگوی یکسان برای همه گروه‌های سنی انجام شود و سیاست‌گذاری‌ها باید تفاوت‌های نسلی و نیازهای متفاوت هر گروه را در طراحی سکونت و خدمات شهری لحاظ کند.

بررسی ارتباط میان تراکم - ساختمانی و جمعیتی - با میزان زیست‌پذیری در شهرک‌های اکباتان تهران و دهکده فردیس که دارای دو گونه مسکونی متفاوت - بلندمرتبه و ویلایی - بوده‌اند، نشان داد بنا به گفته براملی و همکاران (۲۰۰۶) انتخاب محل سکونت و نوع مسکن تنها به معیار تراکم مربوط نمی‌شود و انتخاب‌ها پیچیده‌تر هستند و به معیارهای بیشتری نیز بستگی دارند. نکته قابل‌تأمل در قیاس بین دو شهرک مذکور، گروه سنی افراد بوده است. همان‌طور که راندال (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کند، امکانات شهری بسته به عواملی مانند سن، تحصیلات، اندازه خانوار و درآمد ساکنان می‌تواند متفاوت درک شود. افراد ساکن در شهرک دهکده، گروه سنی بالاتری نسبت به شهرک اکباتان دارند که این موضوع منجر به تفاوت نیازها شده است. همان‌طور که از مصاحبه‌ها نیز پیداست افراد در شهرک اکباتان به علت جوان‌تر بودن گروه سنی نیاز بیشتری به خدماتی نظیر مدرسه، کافی‌شاپ، کلاس‌های ورزشی و... دارند؛ در صورتی که در شهرک دهکده افراد بیشتر نیاز به آرامش داشته و از هرگونه شلوغی دوری می‌کنند.

همان‌گونه که راپاپورت (۱۹۷۷) تأکید کرده است، درک و تجربه ذهنی افراد از تراکم‌های ساختمانی و جمعیتی، پدیده‌ای چندبعدی و متأثر از ویژگی‌های کیفی محیط ساخته‌شده است. یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که در شهرک اکباتان، علی‌رغم تراکم بالای ساختمانی و جمعیتی، مجموعه‌ای از عوامل کیفی محیطی منجر به شکل‌گیری سطح قابل‌توجهی از رضایت سکونتی در میان ساکنان شده است. این پدیده را می‌توان از منظر نظریه «تراکم خوب» تحلیل کرد. وجود فضاهای سبز باکیفیت، دسترسی پیاده به امکانات رفاهی-خدماتی و سیستم حمل‌ونقل عمومی کارآمد، به‌عنوان عوامل تعدیل‌کننده، اثرات منفی بالقوه تراکم بالا را کاهش داده‌اند. بر اساس نظریه توسعه حمل‌ونقل محور (TOD)، تراکم‌های بالای مسکونی زمانی به زیست‌پذیری مطلوب می‌رسند که با دسترسی عادلانه به خدمات اساسی همراه باشند. در اکباتان، توزیع بهینه مراکز خرید، ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و فضاهای سبز در فاصله پیاده‌روی، الگویی موفق از «تراکم کارا» را به نمایش گذاشته است. ساکنان جوان، به ویژه اقشار تحصیل‌کرده، تراکم بالا را نه به‌عنوان مزاحمت، بلکه به‌عنوان فرصتی برای «ناشناسی مطلوب» و آزادی عمل در فضاهای عمومی تجربه می‌کنند، که با نظریه میلگرام در مورد «اضافه‌بار شهری» نسبی در تضاد است و نشان‌دهنده ظهور الگوهای جدیدی از روابط اجتماعی در فضاهای متراکم است. تراکم بالا در این بافت، نوعی «حریم جمعی» ایجاد کرده که ضمن حفظ حریم فردی، امکان تعاملات گزینشی را فراهم می‌آورد. همان‌گونه که پاسیون^۱ اشاره کرده است، رابطه دوسویه میان محیط ساخته‌شده و رفتار ساکنان در اکباتان به‌وضوح قابل‌مشاهده است. طراحی بلوک‌های بزرگ با حیاط‌های مرکزی، اگرچه تراکم بالایی دارد، اما به ایجاد «فضاهای کوچک» نیمه‌خصوصی منجر شده که تعاملات موردی و فاصله‌های اجتماعی مطلوب را ممکن ساخته است. این ویژگی‌ها مطابق نظریه «دفاع فضایی» نیومن است. میزان پایین مشارکت اجتماعی در اکباتان را می‌توان با نظریه «اقتصاد توجه» تحلیل کرد؛

^۱. Pacione

ساکنان مکانیسم‌های گزینشی برای تخصیص توجه اجتماعی توسعه داده‌اند که در مصاحبه‌ها به صورت «رضایت از ناشناسی» توصیف شده است. بنابراین تجربه زیست‌پذیری در اکباتان نمایانگر «تراکم هوشمند» است که در آن، کیفیت طراحی محیطی و یکپارچه‌سازی خدمات، اثرات منفی تراکم بالا را تعدیل می‌کند. یافته‌ها بر ضرورت بازنگری در شاخص‌های سنتی تراکم و تمرکز بر شاخص‌های ترکیبی «تراکم-کیفیت» در برنامه‌ریزی شهری تأکید دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تجربه زیست‌پذیری در شهرک دهکده فردیس با ویژگی‌های منحصر به فردی همراه است که پاسخگوی نیازهای گروه سنی میانسال و سالمند می‌باشد. در محیط‌های کم‌تراکم نظیر دهکده فردیس، شکل‌گیری روابط اجتماعی خاصی مشاهده می‌شود که بر مبنای انتخاب آگاهانه و حفظ حریم شخصی استوار است. این الگوی تعاملی برخلاف روابط گسترده در فضاهای پرتراکم، از ماهیتی انتخابی و سنجیده برخوردار است و ساکنان می‌توانند میزان و عمق تعاملات خود را تنظیم کنند. عناصر کالبدی نه تنها به ایجاد امنیت عینی کمک کرده، بلکه حس تعلق مکانی و اعتماد به محیط زندگی را نیز تقویت نموده‌اند. فضاهای سبز گسترده و باغ‌های خصوصی فرصت‌هایی برای فعالیت‌های سبک بدنی و ارتباط با طبیعت فراهم کرده که برای سلامت روانی و جسمی سالمندان اهمیت دارد. این ویژگی‌ها در کنار دسترسی مناسب به خدمات محلی، الگویی از زیست‌پذیری ایجاد کرده که با وجود تراکم پایین، کیفیت مطلوبی از زندگی را برای ساکنان فراهم می‌آورد. تجربه دهکده فردیس نشان می‌دهد که تراکم پایین زمانی می‌تواند به رضایت سکونتی منجر شود که با طراحی هوشمندانه فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی همراه باشد و نیازهای خاص گروه‌های سنی ساکن را به درستی پاسخ دهد. برخلاف محیط‌های پرتراکم، روابط اجتماعی در این الگو هرچند از نظر کمی محدودتر است، اما کیفیت و عمق بیشتری دارد و به ایجاد شبکه‌های حمایتی غیررسمی در سطح محله منجر شده است. این یافته‌ها بر اهمیت انطباق طراحی محیط سکونتی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ساکنان تأکید دارد.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط میان تراکم ساختمانی و جمعیتی با میزان زیست‌پذیری در دو گونه متفاوت از محلات مسکونی، یعنی شهرک اکباتان تهران (بلندمرتبه) و شهرک دهکده فردیس (ویلايي) انجام شد. نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته نشان داد که درک ساکنان از زیست‌پذیری به عوامل متعددی فراتر از تراکم وابسته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه زیست‌پذیری نه تنها به شاخص‌های کالبدی، بلکه به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی نیز وابسته است. بنابراین انتخاب نوع مسکن و محل سکونت صرفاً به تراکم وابسته نیست، بلکه تحت تأثیر عواملی همچون سن، درآمد، اندازه خانواده، تحصیلات و نیازهای اجتماعی قرار دارد. همچنین تفاوت‌های نسلی و سبک زندگی نقشی تعیین‌کننده در درک از کیفیت سکونت دارد. یافته‌های پژوهش پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاران و

طراحان شهری دارد. نخست، نمی‌توان نسخه واحدی برای ارتقای زیست‌پذیری در تمامی بافت‌های شهری ارائه داد، زیرا نیازها و ادراکات ساکنان متفاوت است. در بافت‌های پر تراکم مانند اکباتان، تقویت خدمات رفاهی، حمل‌ونقل عمومی و امکانات ورزشی و فرهنگی نقش کلیدی در ارتقای رضایت ساکنان دارد. در مقابل، در بافت‌های کم‌تراکم مانند دهکده، حفظ و تقویت فضاهای سبز، ایجاد ساختارهای مشارکت محلی و افزایش حس امنیت اهمیت بیشتری دارد. از منظر علمی، این پژوهش تأکید می‌کند که زیست‌پذیری مفهومی چندبعدی است که باید همزمان از منظر کالبدی، اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار گیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش، ارتقای زیست‌پذیری در بافت‌های متفاوت نیازمند مداخلات اجرایی متناسب با ویژگی‌های اجتماعی و کالبدی هر محله است. در شهرک‌های پرتراکم، تمرکز سیاست‌گذاران باید بر تقویت حمل‌ونقل عمومی، ایجاد فضاهای عمومی سرزنده و متنوع، توسعه مراکز فرهنگی و ورزشی، و بهبود کیفیت خدمات محلی باشد تا پاسخگوی نیازهای جمعیت جوان و فعال محله باشد. در مقابل، در شهرک‌های کم‌تراکم، اولویت اجرایی باید بر حفظ آرامش محیطی، افزایش امنیت محله‌ای از طریق تقویت مدیریت محلی و مشارکت ساکنان، و نگهداری و توسعه فضاهای سبز و باز قرار گیرد. همچنین، ایجاد سازوکارهای مؤثر برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی می‌تواند حس تعلق اجتماعی را تقویت کرده و به پایداری زیست‌پذیری کمک کند. بدین ترتیب، اجرای سیاست‌های انعطاف‌پذیر و مکان‌محور، کلید ارتقای کیفیت زندگی در گونه‌های مختلف مسکونی خواهد بود. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که ترکیب روش‌های کیفی و کمی می‌تواند تصویری جامع‌تر از وضعیت زیست‌پذیری ارائه دهد؛ علاوه بر این، بررسی تأثیر سیاست‌های شهری و مدیریت محلی بر ارتقای زیست‌پذیری و نیز تحلیل تفاوت‌های بین‌نسلی و جنسیتی، می‌تواند به غنای بیشتر ادبیات علمی در این حوزه کمک کند. با توجه به تنوع نیازهای گروه‌های سنی، ایجاد انعطاف در برنامه‌ریزی شهری و طراحی محیط‌های مسکونی بر اساس شرایط خاص هر جامعه محلی، می‌تواند مسیر دستیابی به شهرهایی انسانی‌تر، پایدارتر و زیست‌پذیرتر را هموار سازد. بنابراین، زیست‌پذیری نه تنها نتیجه طراحی کالبدی یا تراکم ساختمانی، بلکه محصول تعامل پویا میان انسان، محیط و ساختارهای اجتماعی است.

۶. تقدیر و تشکر

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

۷. تضاد منافع

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

کتاب نامه

۱. آروین، م.، فرهادی خواه، ح.، پوراحمد، ا.، و منیری، ا. (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص های زیست پذیری شهری بر اساس ادراک ساکنان (نمونه موردی: شهر اهواز). *دانش شهرسازی*، ۲ (۲)، ۱-۱۷.
 ۲. خزاعی نژاد، ف.، بیگی، س.، و گلپایگانی وثوقی، ع. (۱۴۰۰). ارزیابی نقش میانجی هویت در مفهوم زیست پذیری با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر بجنورد). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱ (۲)، ۱۵۹-۱۴۳.
 ۳. ساسان پور، ف.، تولایی، س.، و جعفری اسدآبادی، ح. (۱۳۹۴). سنجش و ارزیابی زیست پذیری شهری در مناطق بیست و دو گانه کلانشهر تهران. *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*، ۵، ۴۲-۲۷.
 ۴. قنبری، م.، شکوهی، م.، رهنما، م.، و خوارزمی، ا. (۱۴۰۰). تحلیلی بر زیست پذیری شهری با تأکید بر شاخص مسکن (مطالعه موردی: کلانشهر مشهد). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱ (۱)، ۱۲۱-۱۰۱.
 ۵. مهره کش، ر.، و صابری، ح. (۱۴۰۱). شناسایی شاخص های مؤثر در زیست پذیری محلات شهری (مطالعه موردی: محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹ (۲)، ۱۶-۱.
- AARP. (2023). *AARP Livability Index*. <https://livabilityindex.aarp.org/methods-sources>.
 - Akbari, N., Moayedfar, R., & Mirzaie Khondabi, F. (2018). Analyzing Livability in the Distressed Areas of Isfahan City with an Emphasis on City Development Strategy. *Journal of Urban Economics and Management*, 6 (21), 37 – 54.
 - Akter Satu, SH., & Chiu, R. (2017). Livability in dense residential neighbourhoods of Dhaka. *Housing Studies*, 1-23.
 - Allen, N. (2016). *Quality of Urban Life and Intensification: Understanding Housing Choices, Trade-Offs, and the Role of Urban Amenities*. The University of Auckland. A thesis submitted in fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Urban Design.
 - Australian Urban Observatory (AUO). (2023). *Liveability Indicator*. <https://auo.org.au/portal/metadata/urban-liveability-index>.
 - Baig, F., Ahmad Rana, I., & Hussain Talpur, M.A. (2019). Determining Factors Influencing Residents' Satisfaction Regarding Urban Livability in Pakistan. *International Journal of Community Well-Being*, 2, 91-110.
 - Bo, F., Danlin, Y., & Yaojun, ZH. (2019). The Livable Urban Landscape: GIS and Remote Sensing Extracted Land Use Assessment for Urban Livability in Changchun Proper, China. *Land Use Policy*, 87 (104048), Elsevier Ltd, 1-12.
 - Economist Intelligence Unit (EIU). (2023). *The Global Livability Index 2023*, Optimism amid instability. www.eiu.com.
 - Ghasemi, K., Hamzenejad, M., & Meshkini, A. (2018). The spatial analysis of the livability of 22 districts of Tehran Metropolis using multi-criteria decision making approaches. *Sustainable Cities and Society*, 38, Elsevier Ltd, 382- 404.
 - Haarhoff, E., Beattie, L., and Dupuis, A. (2016). Does higher density housing enhance liveability? Case studies of housing intensification in Auckland. *Cogent Social Sciences*, 2 (1), 1-16.
 - Higgs, C., Badland, H., Simons, K., Knibbs, L. D., & Giles-Corti, B. (2019). The Urban Liveability Index: developing a policy-relevant urban liveability composite measure and evaluating associations with transport mode choice. *International Journal of Health Geographics*, 18(1), 1-25.
 - Jodder, P. K., Hossain, M. Z., & Thill, J. C. (2025). Urban Livability in a Rapidly Urbanizing Mid-Size City: Lessons for Planning in the Global South. *Sustainability*, 17(4), 1504, 1-32.

- Kovacs-Györi, A., Ristea, A., Havas, C., Mehaffy, M., Hochmair, H., Resch, B., Juhasz, L., Lehner, A., Ramasubramanian, L., & Blaschke, T. (2020). Opportunities and Challenges of Geospatial Analysis for Promoting Urban Livability in the Era of Big Data and Machine Learning. *International Journal of Geo-Information*, 9 (725), 1-20.
- Lee, K.Y. (2021). Factors Influencing Urban Livability in Seoul, Korea: Urban Environmental Satisfaction and Neighborhood Relations. *Social Sciences*, 10 (138), 1-14.
- Liang, L., Deng, X., Wang, P., Wang, Z., & Wang, L. (2020). Assessment of the impact of climate change on cities livability in China. *Science of the Total Environment*, 726 (138339), Elsevier B.V, 1-11.
- Liu, D., Zhang, CH., and Yu, H. (2019). Comprehensive evaluation of urban livability. *Journal of Physics: Conference Series*, 1345 (032051), 1-11.
- Louro A., da Costa, N.M., & da Costa, E.M. (2021). From Livable Communities to Livable Metropolis: Challenges for Urban Mobility in Lisbon Metropolitan Area (Portugal). *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18 (3525), 1-22.
- Mahanta, A., & Borgohain, P. (2022). Urban livability and contextual uncertainties: An assessment of livability through the lens of urban dwellers in Guwahati, India. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, 6 (1), 1-25.
- Martino, N., GIRLING, C., & LU, Y. (2021). Urban form and livability: socioeconomic and built environment indicators. *Buildings and Cities*, 2 (1), 220–243.
- Mushtaha, E., Alsyouf, I., Al Labadi, L., Hamad, R., Khatib, N., & Al Mutawa, M. (2020). Application of AHP and a mathematical index to estimate livability in tourist districts: The case of Al Qasba in Sharjah. *ScienceDirect, Higher Education Press, Frontiers of Architectural Research*, 9, Elsevier B.V, 872- 889.
- Pan, L., Yang, F., Lu, F., Qin, SH., Yan, H., & Peng, R. (2020). Multi-Agent Simulation of Safe Livability and Sustainable Development in Cities. *Sustainability*, 12 (2070), 1-15.
- Rafee Majid, M., Pampanga, D.G., Zaman, M., Ruslik, N., Medugu, I.N., and Amer, M.S. (2020). Urban Livability Indicators for Secondary Cities in Asean Region. Planning Malaysia. *Journal of the Malaysian Institute of Planners*, 18 (2), 261 – 272 .
- Raman, S. (2016). Designing a Liveable Compact City: Physical Forms of City and Social Life in Urban Neighbourhoods. *Built Environment*, 36 (1), 63-80.
- Randhawa, A., & Kumar, A. (2017). Exploring Livability as a dimension of Smart City Mission (India). *International Research Journal of Engineering and Technology (IRJET)*, 4 (8), 1-10.
- Sheikh, W. T., & van Ameijde, J. (2022). Promoting livability through urban planning: A comprehensive framework based on the theory of human needs. *Cities*, 131, 103972 .
- Shi, C., Guo, N., Zeng, L., & Wu, F. (2022). How climate change is going to affect urban livability in China. *Climate Services*, 26 (100284), Elsevier B.V, 1-15.
- Thomas, J.A., Walton, D., & Lamb, S. (2011). The Influence of Simulated Home and Neighbourhood Densification on Perceived Liveability. *Soc Indic Res*, 104, 253–269.
- Wang, Y., and Miao, Z. (2022). Towards the Analysis of Urban Livability in China: Spatial-Temporal Changes, Regional Types and Influencing Factors. *Research Square*, 1-31.
- Yang, Y., Lewis, R., & Parker, R. (2022). How Accessibility and Transportation Options Affect Neighborhood Livability: Evidence from the 2017 Oregon Livability Survey. *Planning Practice and Research*, 1-24.
- Zhan, D., Kwan, M.P., Zhang, W., Fan, J., Yu, J., & Dang, Y. (2018). Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China. *Cities*, 0264-2751, Elsevier Ltd, 1-10.
- Zhu, L., Guo, Y., Zhang, C., Meng, J., Ju, L., Zhang, L., & Tang, W. (2020). Assessing Community-Level Livability Using Combined Remote Sensing and Internet-Based Big Geospatial Data. *Remote sensing*, 12 (4026), 1-24.

Table of Contents

▪ Identifying the factors influencing the realization of a sustainable urban landscape with an emphasis on gardens and urban agriculture (case study: Lakdizaj of Tabriz) Maryam Nikuray, Behrouz Mansouri, Amir Haghjo, Shahriar Shaghaghi	1
▪ Measuring and evaluating the physical-spatial development pattern of Yasouj city Mehdi Ehsasikhah, Keramatollah Ziari, Abbas Rajaie, Ahmad PourAhmad, Hossein Hataminejad	28
▪ Presenting a model for the development of urban tourism according to emerging technological phenomena (Case of study: Isfahan city) Foad Shirani, Nader Naderi, Yosef Mohamadifar, meisam Khodadousti	50
▪ Representation of Religion In the City's Public-Leisure Spaces; Case of study: Mashhad Parks and Public Gardens Mohammadmahdi Vaez Mousavi, Ali Yousofi, Sogand Sadidi, Mahdiah Madani	68
▪ Analyzing the Status of Sustainable Municipal Revenues in Shahrkord Using Structural Modeling Mohammadreza Arab, Brat ali Khakpour, Massoumeh Nazari, Mahdi Mallahi	92
▪ The Role of Smart Governance in Enhancing Social Resilience in Urban Areas: A Case Study of Mashhad Katayoon Alizadeh, Jalal Biooki, Hamid Jafari	115
▪ The concept and dimensions of the inclusive city in disabled-friendly cities (case study: Zanzan city) Mahtab Amraie, Mojgan Fatahi, Mohammadtaghi Heydari	137
▪ The role of building density (housing type) in urban neighborhoods livability; Ekbatan town of Tehran (high density) and Fardis village town (low density) Salime Ebadi GHajari, Mehrnaz Molavi, Mazaher Molaei	160

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities
Journal of Geography and Urban Space
Development

**Vol. 13, No. 1, Spring 2026,
Serial Number 32**

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahnema, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan,
Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahnema
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and
Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
Dr. GHamkhah

Persian Editor:
Sh.Sabaghi Abkooch

Typesetting:
Z. Elmian

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 US\$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
<http://jgusd.um.ac.ir>



Journal of Geography and Urban Space Development

(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 13, No. 1, Spring 2026, Serial Number 32

- **Identifying the factors influencing the realization of a sustainable urban landscape with an emphasis on gardens and urban agriculture (case study: Lakdizaj of Tabriz)** 1
Maryam Nikuray, Behrouz Mansouri, Amir Hagho, Shahriar Shaghaghi
- **Measuring and evaluating the physical-spatial development pattern of Yasouj city** 28
Mehdi Ehsasikhah, Keramatollah Ziari, Abbas Rajaie, Ahmad PourAhmad, Hossein Hataminejad
- **Presenting a model for the development of urban tourism according to emerging technological phenomena (Case of study: Isfahan city)** 50
Foad Shirani, Nader Naderi, Yosef Mohamadifar, meisam Khodadousti
- **Representation of Religion In the City's Public-Leisure Spaces; Case of study: Mashhad Parks and Public Gardens** 68
Mohammadmahdi Vaez Mousavi, Ali Yousofi, Sogand Sadidi, Mahdiah Madani
- **Analyzing the Status of Sustainable Municipal Revenues in Shahrkord Using Structural Modeling** 92
Mohammadreza Arab, Brat ali Khakpour, Massoumeh Nazari, Mahdi Mallahi
- **The Role of Smart Governance in Enhancing Social Resilience in Urban Areas: A Case Study of Mashhad** 115
Katayoon Alizadeh, Jalal Biooki, Hamid Jafari
- **The concept and dimensions of the inclusive city in disabled-friendly cities (case study: Zanjan city)** 137
Mahtab Amraie, Mojgan Fatahi, Mohammadtaghi Heydari
- **The role of building density (housing type) in urban neighborhoods livability; Ekbatan town of Tehran (high density) and Fardis village town (low density)** 160
Salime Ebadi GHajari, Mehrnaz Molavi, Mazaher Molaei

ISSN: 2538-3531